

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



امام خمینی (قدس سرّه):

با حلول ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد. ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد. ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و «داغ باطله» بر جبهه ستمکاران و حکومت‌های شیطانی زد. ماهی که به نسل‌ها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سرنیزه آموخت. ماهی که شکست ابرقدرت‌ها را در مقابل کلمه حق، به ثبت رساند. ماهی که امام مسلمین، راه مبارزه با ستمکاران تاریخ را به ما آموخت.

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله):

همانطور که خود حسین بن علی علیه السلام به برکت جهادش، اسلام را زنده کرد، امروز هم شما به انگیزه یاد، نام و منبر آن بزرگوار، حقایق اسلامی را بیان کنید؛ قرآن و حدیث را معرفی کنید؛ نهج البلاغه را برای مردم بخوانید؛ حقایق اسلامی، از جمله همین حقیقت مبارکی را که امروز در حکومت حق، یعنی نظام علوی، وکوی و نبوی جمهوری اسلامی، تجسد پیدا کرده است برای مردم بیان کنید. این، جزء بالاترین معارف اسلامی است.

# ره‌توشه راهیان نور

محرم الحرام ۱۴۳۹ هـ.ق - ۱۳۹۶ هـ.ش

متون علمی - آموزشی مبلغان

تهیه و تدوین:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

معاونت فرهنگی و تبلیغی

گروه تأمین منابع

عنوان و نام پدیدآور: ره‌توشه راهیان نور: متون علمی - آموزشی مبلغان: محرم‌الحرام ۱۴۳۹ ه. ق - ۱۳۹۶ ه. ش/ تهیه و تدوین

معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی.

مشخصات نشر: قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۷۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۹-۱۸۶۰-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: کتابنامه.

موضوع: متون علمی - آموزشی مبلغان: محرم‌الحرام ۱۴۳۹ ه. ق - ۱۳۹۶ ه. ش.

موضوع: اسلام -- تبلیغات -- راهنمای آموزشی

موضوع: Islam -- Missions -- Study and teaching

موضوع: اسلام -- مطالب گوناگون

موضوع: Islam -- Miscellanea

شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. دفتر تبلیغات اسلامی. معاونت فرهنگی و تبلیغی

شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. دفتر تبلیغات اسلامی. بوستان کتاب قم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۸۸۱۶/۶۲/۸۱۱۶ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۰۴۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۱۴۵۰۴

## ره‌توشه راهیان نور

محرم‌الحرام ۱۴۳۹ ه. ق - ۱۳۹۶ ه. ش

متون علمی - آموزشی مبلغان

- تهیه و تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی
- نویسندگان: گروهی از پژوهشگران
- ناظران علمی: سعید روستاآزاد، علی اکبر مؤمنی و علی رضا انصاری
- ناشر: مؤسسه بوستان کتاب
- نوبت و تاریخ چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۶
- شمارگان: ۱۴۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان
- چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

تلفن گروه تأمین منابع: ۰۳۹۷-۳۷۷۴۰۲۵ - پست الکترونیکی: [tabligh@dtc.ir](mailto:tabligh@dtc.ir)

با قدردانی از همکاری که در تولید و نشر این اثر نقش داشته‌اند:

- ویراستار: علی خانی ● صفحه‌آرا: اکبر اسماعیل پور ● کارشناسان تحریریه: علی رضا انصاری و محمدحسین فکور ● کارشناس اجرایی ره‌توشه: محمدمهدی تقدیمی صابری
- مسئول چاپ و نشر: سیدحسین موسوی مجاب.

تمام حقوق این اثر، برای معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی محفوظ است.

## فهرست مطالب

- سخن نخست ..... ۷
- کرامت انسان در سیره امام حسین علیه السلام / محمد علی محمدی ..... ۹
- شاخصه‌های سبک زندگی خانواده اسلامی / علیرضا انصاری ..... ۲۳
- عرصه‌های پیشرفت ایران در مقایسه با پیش از انقلاب / محمدکاظم کریمی ..... ۳۹
- بررسی رشد سیاسی و مذهبی مردم در عصر امام حسین علیه السلام / حمیدالله رفیعی زابلی ..... ۵۵
- اقتصاد مقاومتی، تولید، اشتغال / محمدرسول آهنگران ..... ۷۱
- آثار و پیامدهای لقمه حرام / علی اکبر صمدی یزدی ..... ۸۷
- جلوه‌های بخشش در سیره سیدالشهدا علیه السلام / محمدتقی فغالی ..... ۱۰۱
- نگاهی به سیره عبادی امام حسین علیه السلام / مصطفی آزادیان ..... ۱۱۵
- سیمای علم دار کربلا در آینه زیارت نامه / جواد محدثی ..... ۱۲۷
- جابه‌جایی ارزش‌ها در جامعه معاصر / محمد سبحانی نیا ..... ۱۴۳
- نگاهی به فضایل معنوی زینب کبری علیه السلام / حسین انصاریان ..... ۱۵۷
- نقش امام سجاد علیه السلام در هدایت جامعه از دیدگاه رهبر معظم انقلاب / راضیه علی اکبری ..... ۱۶۷

۱۸۱	پیوست‌ها
۱۸۳	بایسته‌های محافل شیرخوارگان حسینی / ابراهیم رضایی آدریانی
۱۹۵	روضه‌های دهه اول محرم / محمدحسین فکور
۲۱۷	خاطرها و تجربه‌های تبلیغی
۲۳۱	لایه‌های پنهان جنگ؛ ناگفته‌هایی از دفاع مقدس / بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس
۲۴۵	بحران خاموش جمعیت در ایران / صالح قاسمی
۲۶۲	کتابنامه

## سخن نخست

عاشورای حسینی، پیوسته همچون خورشید فروزان بر تارک انسانی و اسلامی می‌درخشد و جان آزادگان و حق‌جویان را روشنی می‌بخشد؛ چه اینکه سالار و سرور شهیدان امام حسین علیه السلام ندای عزت و آزادی را در جهان طنین‌افکن ساخته و راه اسلام ناب را فراسوی راهیان نور گشوده است.

محرم، آینه تمام‌نمایی است که در آن، حقیقت و معنویت و عقل و عشق جلوه‌ای تام نموده، والاترین سبک زندگی را برای معتکفان حرم‌دوست به تصویر کشیده است. خوشا آنان‌که درس غیرت و جوانمردی را در مکتب حسینی می‌آموزند و عقل و عشق راستین را در این دانشگاه انسان‌سازی مشق می‌کنند و در زمانه‌ای که سایه تاریک غفلت و دوری از معنویت بر جهان خیمه زده، نیکوترین گفتار و زیباترین رفتار را از اسوه‌های کامل دین و انسانیت فرامی‌گیرند و چرخ زندگی‌شان صرفاً بر محور کلام نورانی قرآن و سیره روحانی اهل بیت علیهم السلام می‌گردد؛ پیروان صدیقی که گوهر خویشتن را با معیار ولایت محک می‌زنند و این‌گونه، حرم دل و حریم خانواده خویش را از آسیب فساد و گمراهی مصون نگاه می‌دارند.

اثر پیش رو، ره‌توشه محرم‌الحرام ۱۴۳۹ق است و مشتمل بر نکات کاربردی و

مطالب مفیدی است که مبلغان گرامی می‌توانند در امر تبلیغ از آنها بهره‌مند شوند. کرامت و عزت انسانی از نگاه امام حسین علیه‌السلام، بخشش و ایثار و عبادت و بندگی در سیره حسینی، معرفی شخصیت و جایگاه امام سجاد علیه‌السلام و حضرت ابوالفضل العباس علیه‌السلام، و نیز اهتمام به مسائل روز جامعه همچون موضوع پیشرفت ایران اسلامی در عرصه‌های مختلف و بحث اقتصاد مقاومتی، تولید ملی و اشتغال، از جمله محورهای مهم و اساسی می‌باشد که در این اثر به آنها پرداخته شده است.

از دیگر ویژگی‌های کاربردی این مجموعه، مقالاتی است که در بخش انتهایی اثر پیوست شده است و از آن جمله می‌توان به: خاطره‌ها و تجربه‌های تبلیغی؛ بایسته‌های محافل شیرخوارگان حسینی؛ روضه‌های حسینی؛ ناگفته‌هایی از دفاع مقدس؛ و بحران خاموش جمعیت در ایران اشاره نمود که امیدواریم برای مبلغان محترم قابل استفاده باشد.

در پایان، از مبلغان گرامی انتظار می‌رود، چنانچه درباره مقالات و مطالب عرضه‌شده در این کتاب، انتقاد یا پیشنهادی دارند، ما را از نظرات سازنده خویش مطلع نمایند تا به توفیق الهی و مساعدت همگان، بر کیفیت و کارآمدی آثار بعدی افزوده شود.

ضمن تشکر از نویسندگان محترم این اثر، از همه کسانی که در آماده‌سازی و سامان‌دهی کتاب حاضر صادقانه تلاش نمودند، به‌ویژه از زحمات حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبر مؤمنی، رئیس محترم گروه تأمین منابع تبلیغی، سپاسگزاری می‌نمایم.

سعید روستاآزاد

معاون فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم



## کرامت انسان در سیره امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین محمد علی محمدی\*

### اشاره

جامعه بشری، تنها در دهه‌های اخیر به بحث درباره حقوق بشر پرداخته و حدود هفتاد سال پیش، اعلامیه حقوق بشر به تصویب رسیده است؛<sup>۱</sup> ولی اسلام عزیز، بیش از یک‌هزار و چهارصد سال پیش، به کرامت انسانی توجه ویژه‌ای کرده که به مراتب از اعلامیه حقوق بشر، کامل‌تر و سودمندتر است. از دیگر سو، یکی از مهم‌ترین علت‌های بسیاری از معضلات جوامع امروزی، کم‌توجهی به کرامت انسانی است. به یقین، اگر اعضای جامعه بشری کرامت یکدیگر را ارج می‌نهادند، امروزه شاهد این همه مشکلات همانند: اختلاف‌های خانوادگی و قبیله‌ای، نزاع‌ها و کشمکش‌ها، افزایش طلاق، فقر و اختلاف طبقاتی نبودیم. از این رو، برای حلّ مصائب و ناهنجاری‌های جامعه،

---

\* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر، با هدف تضمین حقوق و آزادی‌های برابر برای همه مردم، در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی به تصویب رسید.

بایسته است به کرامت انسانی توجه ویژه شود. کرامت انسانی، یکی از بزرگ‌ترین فضیلت‌های اخلاقی است که در اسلام نیز به آن توجه وافری شده است. در این بین، جهت ارائه الگویی عملی برای کرامت انسانی، شایسته است به بهترین الگوهای کرامت، یعنی پیامبر و اهل بیت مطهر ایشان مراجعه کنیم که امام حسین علیه السلام یکی از بهترین الگوهای بشریت است؛ چنان‌که خود آن حضرت نیز فرموده: «فَلَكُمْ فِيَّ أُسْوَةٌ؛<sup>۱</sup> من برای شما الگو هستم.»

در این مقاله، بر آنیم با نگاهی به کرامت انسانی، جلوه‌های کرامت در سیره حسینی را بررسی نموده، از سیره امام حسین علیه السلام درس زندگی پیام‌وریم و البته برای نیل به چنین هدف مقدسی، باید از گناه دوری کنیم، آبروی یکدیگر را نریزیم و روحیه عزتمندی خویش را تقویت نماییم.

### الف. تعریف کرامت

«کرامت»، در لغت به معنای تعظیم و تنزیه، بزرگواری، شرافت، بخشندگی و سخاوت، ارزشمندبودن، عزیزبودن و ضدّ دنائت و پستی است.<sup>۲</sup> کرامت، جامع همه خیرات و فضایل و امور پسندیده است؛<sup>۳</sup> به این معنا که اگر عرب بخواهد کسی را به عنوان دارنده همه فضایل و کمالات و خیرات نیک و پسندیده معرفی نماید، از او به «کریم» یاد می‌کند.<sup>۴</sup>

۱. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۰۵.

۲. علی‌اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۶، ص ۱۰۳؛ محمد معین، فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه «کرامت».

۳. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۲۹.

۴. اسماعیل‌بن‌عباد، المحيط فی اللغة، ذیل واژه «کرم»؛ منصوربن‌محمد ازهری، تهذیب اللغة، ذیل واژه «کرم»؛ اسماعیل‌بن‌حما جوهری، صحاح اللغة، ذیل واژه «کرم».

کرامت، معادل فارسی ندارد؛<sup>۱</sup> اما آن را به «ارجمند»، «گرامی»، «بخشنده»، «جوانمرد»، «سخاوتمند»، «بزرگوار» و مانند آن معنا کرده‌اند.<sup>۲</sup>

### ب. اهمیت کرامت

آنچه باعث می‌شود انسان از دیگر حیوانات، بلکه سایر موجودات متمایز شود، کرامت اوست. کرامت و مشتقات مختلف آن، ۴۷ بار در قرآن کریم و صدها بار در روایات به کار رفته است. این مطلب، نشان‌دهنده اهمیت کرامت در اسلام است.

قرآن کریم درباره جایگاه انسان در عالم هستی می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...<sup>۳</sup>؛ ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم...»

مقصود از این آیه، بیان حال همه انسان‌هاست؛ صرف‌نظر از کرامت‌های خاص و فضایل روحی و معنوی که به عده‌ای اختصاص داده شده است. پس، این آیه، مشرکان، کفار و فاسقان را نیز در نظر دارد و فقط شامل حال مؤمنان نیست؛<sup>۴</sup> اما آنچه باعث کرامت انسان شده، عقل و خرد اوست؛ خردی که با آن حق را از باطل، خیر را از شر، و سود را از زیان بازمی‌شناسند.<sup>۵</sup>

### ج. جلوه‌های کرامت

اینک که با اهمیت کرامت آشنا شدیم، شایسته‌است نگاهی به جلوه‌های

۱. عبدالله جوادی آملی، ادب فنای مقربان؛ ج ۱، ص ۲۰۳.

۲. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه «کریم».

۳. اسراء، آیه ۷۰.

۴. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۱۵۵.

۵. همان.

کرامت افکنیم تا بتوانیم کرامت انسانی را در خود و دیگران ایجاد و بارور نماییم.

### ۱. شناخت جایگاه انسان

یکی از اصلی‌ترین جلوه‌های کرامت، شناخت جایگاه انسان است. اگر جایگاه انسانی خودمان را بشناسیم، بسیاری از مشکلات و معضلات جامعه حل خواهد شد. کسی که به جایگاه واقعی خویش آگاهی دارد، به هیچ وجه کاری نمی‌کند که از آن منزلت رفیع تنزل یابد؛ ولی آن‌که نمی‌داند دارای چه جایگاه بلندی است، مرتکب بسیاری از اشتباه‌ها و گناهان می‌شود و خود و جامعه را به سوی نابودی سوق می‌دهد؛ چنان‌که خداوند متعال بر کرامت نوع انسانی تصریح کرده و فرموده: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...»<sup>۱</sup>؛ ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم...»

کرامت، در اصل آفرینش انسان لحاظ شده و با سرشت او عجین گردیده است و باید در همه رفتارها، گفتارها و کردارهای انسان جاری و ساری باشد و هرگونه رفتاری که با این اصل در تضاد باشد، از سوی هیچ‌کس پذیرفته نیست و با انسانیت انسان ناهماهنگ است و آدمی نباید چنین رفتاری را بپذیرد. قرآن در همه مواردی که برای انسان تعیین تکلیف می‌کند، این اصل را در نظر می‌گیرد و در هر جا که رفتاری با این اصل ناهماهنگ باشد، به ترک آن و هر چیزی که این اصل را تقویت کند، سفارش می‌کند.

خلاصه آنکه بین شناخت جایگاه انسان با کرامت انسانی، رابطه مستقیمی

وجود دارد و کسی که انسانیت خود را نشناسد، ممکن است از حیوان درنده بدتر شود و کارهایی انجام دهد که درندگان هم انجام نمی‌دهند. در جریان عاشورا نیز یکی از مهم‌ترین مشکلات و بدبختی‌های دشمنان امام حسین علیه السلام، این بود که جایگاه انسانی خود را فراموش کرده بودند. از این رو، آن حضرت همواره سعی داشت، آنان را با «جایگاه انسانی» خودشان آشنا کند؛ به عنوان نمونه، در آخرین لحظات زندگی و قبل از شهادت امام حسین علیه السلام، دشمنان، ناجوانمردانه به خیمه‌ها حمله کردند. در این هنگام بود که آن حضرت فریاد زد: «وای بر شما، ای پیروان خاندان ابی‌سفیان! اگر دین ندارید و شما را از روز بازپسین پروایی نیست، پس لااقل در دنیای خود آزادمرد باشید. اگر به گمان خود عربی نژادید، به شئون نژادی خود بازگردید.»

شمر گفت: ای پسر فاطمه! چه می‌گویی؟ حضرت فرمود: «من با شما جنگ می‌کنم و شما با من. زنان را در این میان، گناهی نیست.» سپس، از آنان خواست سربازان را از حمله به خیمه‌ها باز دارند. این سخن امام علیه السلام و توجه‌دادن به «جایگاه انسانی»، به گونه‌ای بود که حتی در بدترین آفریده الهی نیز کارگر افتاد. از این رو، دشمنان این پیشنهاد امام را پذیرفتند؛<sup>۱</sup> هر چند بعد از این، خلاف سخن خویش عمل کردند.

## ۲. حفظ آبروی انسان

یکی دیگر از جلوه‌های کرامت، حفظ آبروی انسان است. شخص کریم، همواره سعی می‌کند آبروی افراد حفظ شود؛ چنان‌که امام حسین علیه السلام که

---

۱. سیدبن طاوس، اللهوف، ص ۱۱۹.

کریم‌ترین افراد بود، وقتی به دیگران چیزی می‌بخشید، آبروی آنان را حفظ می‌کرد. در روایتی می‌خوانیم:

یکی از انصار در مدینه به حضور امام حسین علیه‌السلام آمد و تقاضای کمک مالی کرد. امام حسین علیه‌السلام فرمود: «ای برادر انصاری! آبرو و شخصیت خود را از تقاضای رودررو حفظ کن؛ درخواست خود را در نامه‌ای بنویس. ان‌شاءالله، آنچه را موجب شادی تو است، انجام خواهم داد.»

مرد در نامه‌ای نوشت: پانصد دینار بدهکارم و طلبکار اصرار می‌کند که طلبش را بپردازم و از امام تقاضا کرد با طلبکار صحبت کند تا به او مهلت بدهد. وقتی امام حسین علیه‌السلام نامه را خواند، به منزل رفت و کیسه‌ای حاوی هزار دینار آورد و به آن مرد انصاری داد و فرمود: «با پانصد دینار، بدهی خود را بپرداز و با پانصد دینار دیگر، زندگی خویش را سر و سامان بده.» امام در ادامه فرمود: «حاجت خود را جز نزد سه نفر، برای کس دیگری نگو: اول، دین‌دار؛ دوم، جوانمرد؛ و سوم، صاحب اصالت خانوادگی. اما دین‌دار، دینش نگهدار اوست [و مانع آن است که آبروی تو را ببرد]. شخص جوانمرد، به جهت جوانمردی‌اش از این کار شرم می‌کند و کسی که اصالت خانوادگی دارد نیز به دلیل نیازت، آبروی تو را نمی‌ریزد؛ بلکه با برآوردن حاجت تو، آبرویت را حفظ می‌کند.»<sup>۱</sup>

روایت فوق، درس‌های فراوانی به ما می‌آموزد؛ از جمله اینکه:  
- شخصی که کرامت نفس دارد، تنها در صورتی که نیاز بسیار جدی داشته باشد، دست خودش را به سوی دیگران دراز می‌کند.

۱. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۴۷.

- در صورت تقاضای مالی نیز سعی می‌کند، حتی‌الامکان آبروی خودش را حفظ نماید و از راه‌هایی مانند نوشتن نامه، حاجت خویش را ابراز می‌دارد؛ یعنی به جای تقاضای مستقیم، خواسته خود را می‌نویسد تا کمتر خجالت بکشد و اگر با پاسخ منفی نیز مواجه شد، خیلی دچار ناراحتی نشود.

- صاحب نفس کریم، تقاضاها و درخواست‌های خودش را از افراد بی‌ریشه، بی‌دین و بی‌مروت طلب نمی‌کند؛ زیرا چه بسا باعث می‌شود که آبرویش برود. - بین کرامت و حفظ آبرو، رابطه تنگاتنگی وجود دارد؛ زیرا از سویی، آن‌که کرامت نفس دارد، برای حفظ آبروی خود ارزش فراوانی قائل است و از سوی دیگر، در مواجهه با تقاضاهای مردم، به آبروی آنها توجه ویژه‌ای دارد.

- مؤمن باید همیشه عزیز باشد و حتی حاجات خود را نیز باید با عزت نفس طلب کند؛ چنان‌که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «اطْلُبُوا الْحَوَائِجَ بِعِزَّةِ الْأَنْفُسِ؛<sup>۱</sup> حاجت‌های خویش را با عزت نفس طلب نمایید.»

در روایت دیگری می‌خوانیم:

یک نفر اعرابی وارد مدینه طیبه شد و از کریم‌ترین مردم جویا شد. امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام را به وی معرفی کردند. او داخل مسجد شد و دید که آن حضرت مشغول نماز است. مقابل آن حضرت ایستاد و اشعاری در مدح امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام سرود. امام عَلَيْهِ السَّلَام سلام کرد و به قنبر فرمود: آیا چیزی از مال حجاز باقی مانده؟ گفت: آری، مبلغ چهار هزار دینار (سکه طلا). امام دستور داد مال یادشده را بیاورند.

---

۱. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۶۴.

وقتی آن را آوردند، امام سکه‌ها را در عبای خودش پیچید و برای آنکه فرد تقاضاکننده شرمنده نشود، از شکاف در سکه‌ها را به او بخشید و اشعاری خواند که طی آن، ضمن اظهار مهربانی به تقاضاکننده، از کم‌بودن اموالی که به او اهدا کرده بود، عذرخواهی نمود. وقتی آن مرد طلاها را گرفت، شروع به گریه کرد! امام حسین علیه السلام به وی فرمود: آیا برای اینکه بخشش ما اندک بود، گریه می‌کنی؟ گفت: نه؛ برای این گریه می‌کنم که چگونه خاک تو را می‌رباید و این‌گونه بذل و بخشش‌هایت را از بین می‌برد.<sup>۱</sup>

### ۳. تقویت روحیه عزتمندی

یکی دیگر از جلوه‌های ویژه و ممتاز کرامت نفس، عزتمندی است. نمی‌توان عزت نفس و کرامت را از یکدیگر تفکیک کرد؛ به دیگر سخن، کسی که کرامت نفس دارد، دارای روحیه عزتمندی است و عزت واقعی، بدون کرامت نفس به دست نخواهد آمد. شهید مطهری معتقد است: از امام حسین علیه السلام کلام بسیاری نقل نشده است؛ اما در خصوص موضوع کرامت و عزت نفس، نسبت به دیگر ائمه علیهم السلام روایات بیشتری از ایشان نقل گردیده است.<sup>۲</sup>

از جمله کلمات قصار امام حسین علیه السلام این است که: «مَوْتُ فِي عِرْضِ خَيْرٍ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ»<sup>۳</sup> مردن با عزت، از زندگی در ذلت، بهتر است.»  
بزرگ فلسفه قتل شاه دین این است

که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۰.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۴۰۰.

۳. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲.



حسین مظهر آزادگی و آزادی است  
خوشا کسی که چنینش مرام و آیین است  
نه ظلم کن به کسی نی به زیر ظلم برو  
که این مرام حسین است و منطق دین است  
همین نه گریه بر آن شاه تشنه لب کافی است  
اگرچه گریه بر آلام قلب، تسکین است  
بین که مقصد عالی وی چه بود ای دوست  
که درک آن، سبب عزّ و جاه و تمکین است  
ز خاک مردم آزاده بوی خون آید

نشان شیعه و آثار پیروی، این است<sup>۱</sup>  
جمله معروف «هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ»، از جملاتی است که تا قیامت از آن،  
آزادگی، نور، حماسه، کرامت، عزت و شرافت نفس می بارد. آن حضرت در  
روز عاشورا، برای آنکه بهتر دیده شود، بر شتری سوار شد و خطاب به دشمنان  
فرمود:

«آگاه باشید که آن نابکار، فرزند نابکار، من را بین دو چیز مخیر کرده است؛  
بین ذلت و شمشیر (کشته شدن). هیهات که ما ذلت را بپذیریم. نه خداوند و نه  
پیامبرش و نه مؤمنان و نه اجداد پاک و دامن های پاکیزه، چنین از ما نمی پذیرند  
که ما اطاعت لئیمان و پست فطرتان را بر خوابگاه (یعنی محلّ شهادت) مردمان  
بزرگوار ترجیح بدهیم.»<sup>۲</sup>

---

۱. خوشدل تهرانی.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۸۳.

#### ۴. زمینه‌سازی دوری از گناه

یکی دیگر از عرصه‌های اصلی کرامت نفس، این است که صاحب نفس کریم، از گناه دوری می‌کند. از نگاه حضرت علی علیه السلام اگر آدمی منزلت کریمانه خودش را بشناسد، آن را با معصیت الهی خوار و ذلیل نمی‌کند؛ «مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يَهِنْهَا بِالْمَعْصِيَةِ»<sup>۱</sup>

از این رو، کسی که می‌خواهد در راه امام حسین علیه السلام و یارانش گام بردارد و صاحب کرامت نفس شود، یکی از اولین گام‌هایش، دوری از گناه است. از منظر امام علی علیه السلام، آدمی تا زمانی باید کرامت نفس خودش را نگاه دارد که او را بر اطاعت الهی یاری کند؛ «أَكْرَمُ نَفْسِكَ مَا أَعَانَتْكَ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ»<sup>۲</sup> پس، کسانی که شخصیت و کرامت نفس دارند، شهوات و تمایلات نفسانی در نظر آنان پست و کوچک است؛ «مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ [شَهْوَتُهُ] شَهْوَاتُهُ»<sup>۳</sup> تردیدی وجود ندارد که چنین افرادی، هیچ‌گاه دامن خود را به خواهش‌های پست دنیوی آلوده نمی‌کنند؛ «مَنْ شَرَفَتْ نَفْسُهُ تَرَهَّهَا عَنْ ذَنَاءَةِ الْمَطَالِبِ»<sup>۴</sup>

مواعظ امام حسین علیه السلام برای دوری از گناه و حفظ کرامت نفس، فراوان است و در این مقاله، تنها به یک مورد اشاره می‌کنیم:

۱. تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۳۱؛ حسین نوری، مستدرک الوسائل،

ج ۱۱، ص ۳۳۹.

۲. تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۳۱.

۳. همان.

۴. همان.

شخصی نزد امام علیه السلام آمد و گفت: من مرد گناهکاری هستم و نمی‌توانم در برابر گناهان مقاومت کنم؛ مرا موعظه کن. امام علیه السلام به او فرمود: «پنج کار انجام ده و آنگاه هرچه خواهی، گناه کن؛ اول، از روزی خدا نخور؛ دوم، از ولایت الهی خارج شو؛ سوم، جایی پیدا کن که خدا تو را نبیند؛ چهارم، وقتی فرشته مرگ برای قبض روح آمد، او را از خود دور کن؛ پنجم، وقتی مالک دوزخ تو را وارد جهنم کرد، وارد جهنم نشو. سپس، هرچه خواهی، گناه کن.»<sup>۱</sup>

بدون تردید، دشمنان امام حسین علیه السلام و کسانی که با آن حضرت جنگیدند، پست‌ترین افراد و از زمره اشخاصی بودند که کرامت نفسانی خودشان را لگدکوب کرده بودند. پستی آنان در روز عاشورا به حدی رسیده بود که حتی وقتی امام علیه السلام می‌خواست سخن بگوید، به ایشان اجازه سخن گفتن هم نمی‌داند. امام حسین علیه السلام علت اوج انحطاط و پستی آنان را گناهان و از جمله حرام‌خوری دانستند. در آن روز، در لحظاتی که سپاه ابن‌سعد از هر طرف امام علیه السلام را احاطه کردند و حلقه محاصره را بر ایشان و یارانش تنگ نمودند، امام علیه السلام در برابر سپاه کوفه ایستاد و از آنها خواست که ساکت شوند؛ ولی آنان نپذیرفتند! با این حال، امام علیه السلام خطاب به آنها فرمود:

«وای بر شما! چرا ساکت نمی‌شوید تا سخنان مرا گوش کنید؟ من شما را به راه راست دعوت می‌کنم... علت این سرپیچی شما، آن است که پادشاهی که [برای کشتن من گرفته‌اید]، حرام است و شکم شما، از حرام پُر شده است...»<sup>۲</sup> پس از این عتاب، آنان ساکت شدند و به سخنان

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۲۷.

۲. همان، ج ۴۵، ص ۹.

امام گوش فرا دادند؛<sup>۱</sup> ولی متأسفانه، گناهان، آنان را به ورطه‌ای افکنده بود که هیچ راهی برای نجاتشان باقی نمانده بود.

این، درس بزرگی برای پیروان مکتب حسینی است که امام حسین علیه السلام با گناه مخالف بود و کسی نباید تصور کند صرفِ عزاداری و گریه برای سیدالشهداء علیه السلام، بیمه گنهکاران و مایه ایمنی از عذاب الهی است. پس، این سخن که امام حسین علیه السلام پیام کرد تا کفار گناه امت را بدهد و سنگر گنهکاران باشد، سخنی ناروا و از تحریف‌های معنوی عاشورا است.<sup>۲</sup>

### ۵. بی‌نیازی از مردم

یکی از بهترین جلوه‌های کرامت انسانی، بی‌نیازی از مردم است. امام جواد علیه السلام در این باره می‌فرماید: «عِزُّ الْمُؤْمِنِ غِنَاةٌ عَنِ النَّاسِ»<sup>۳</sup> عزت مؤمن، در بی‌نیازی او از مردم است.»

عزت ز قناعت است و خواری ز طمع

با عزت خود بساز و خواری مطلب

امام علی علیه السلام نیز فرموده: «اَفْتَنَعُ تَعَزُّ؛ قَانِعٌ بَاشْ، تَاعَزِيزُ شَوِي.»<sup>۴</sup>  
قناعت توانگر کند مرد را

خبر کن حریص جهان‌گرد را

مگر می‌بینی که دد را و دام

نینداخت جز حرص خوردن به دام

۱. همان.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۶۰۸.

۳. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۱۰۹.

۴. همان، ج ۷۵، ص ۵۳.

پلنگی که گردن کشد بر وحوش

به دام افتد از بهر خوردن چو موش<sup>۱</sup>

پس، صاحب کرامت، هیچ‌گاه به جهت تأمین نیازهای اقتصادی و مالی خود، کرامتش را لکه‌دار نمی‌کند؛ ولی در مقابل، کسی که از کرامت انسانی بهره نبرده، حاضر است برای تأمین نیاز مالی و اقتصادی خویش، هر کار ناروایی را انجام دهد. از جمله این افراد، شمر بن ذی الجوشن بود.

شمر در ابتدا از یاران امیر مؤمنان، علی علیه السلام بود. وی در جنگ صفین، در کنار حضرت علی علیه السلام جهاد کرد و در مبارزه با یکی از سپاهیان شام، یعنی ادهم بن مُحَرَّرِ باهلی، صورتش به شدت مجروح گشت؛<sup>۲</sup> اما بعد از شهادت حضرت علی علیه السلام، کیسه‌های طلای معاویه او را فریب داد و به دشمن متمایل شد. او در سال ۵۱ هجری هنگام دستگیری حجر بن عدی، از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام، جزء کسانی بود که نزد زید بن ابیه به دروغ شهادت داد حجر مرتد شده و شهر را به آشوب کشیده است!<sup>۳</sup>

عمر بن سعد نیز نمونه‌ای دیگر از نگون‌بختانی بود که کرامت خود را برای کسب دنیای فانی از دست داد و برای آنکه امارت و فرماندهی بخش‌هایی از ایران، از جمله ری، به او واگذار شود، حاضر شد کرامت انسانی خود و خانواده‌اش را نابود سازد و با حسین بن علی علیه السلام بی‌جنگد.<sup>۴</sup>

۱. مصلح‌الدین سعدی، بوستان، باب ششم: در قناعت.

۲. نصر بن مزاحم منقری، وقعة صفین، ج ۱، ص ۲۶۷.

۳. ابن جریر، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۲۶۹ - ۲۷۰.

۴. همان، ص ۴۱۴.

امام حسین علیه السلام در جریان عاشورا بسیار تلاش نمود که کرامت واقعی و سعادت حقیقی را به عمرین سعد بازگرداند. از این رو، از او درخواست کرد در زمره یاران ایشان قرار گیرد؛ ولی ابن سعد نتوانست از جاه و مال دنیا روی برگرداند و با این بهانه که ابن زیاد خانه و اموال را از من می‌گیرد، از یاری امام زمان خویش سر باز زد.<sup>۱</sup>

---

۱. همان، ص ۴۱۳.

## شاخصه‌های سبک زندگی خانواده اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری\*

### اشاره

بحث از آیین و روش زندگی به مفهوم عام، از دیرباز مطرح بوده است؛ اما موضوع «سبک زندگی» به عنوان یک اصطلاح، در گذشته به صورت مستقل مطرح نبوده است؛ بلکه بخشی از محتوای آن، در ضمن مسائل دیگر، مانند آیین و آداب زندگی و برنامه زندگی عنوان شده است. خاستگاه بحث «سبک زندگی» با این عنوان خاص، به عالم غرب برمی‌گردد<sup>۱</sup> که از عمر آن، حدود صد و اندی سال می‌گذرد و البته بیشتر ناظر به شیوه زندگی غربی و همسوی با فرهنگ آنان می‌باشد؛ اما آنچه در این نوشتار به دنبال آن هستیم، تبیین ویژگی‌های سبک زندگی مؤمنانه در خانواده اسلامی است که همه ابعاد و اعضای خانواده را پوشش می‌دهد و در واقع، الگوی کامل دینی را در این باره ترسیم می‌نماید.

### مفهوم‌شناسی

سبک زندگی، مرکب از دو واژه «سبک» و «زندگی» است. معادل واژه «سبک» در زبان عربی، تعبیر «اسلوب» و در زبان انگلیسی، «style» است.<sup>۲</sup> طرح

---

\* نویسنده و پژوهشگر.

۱. مجله معارف، فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۹۲، ش ۹۶.

امروزین این موضوع، برای اولین بار توسط آلفرد آدلر (۱۹۲۲م) بود و سپس، توسط پیروان او گسترش یافت.<sup>۱</sup>

در ادبیات اسلامی عنوان سبک زندگی وجود نداشته است؛ اما عناوینی مانند: دأب، سیره، زیّ اسلامی، ملکات اخلاقی و آداب و رسوم در مورد جامعه، همان حقیقت را نشان می‌دهند؛ چنان‌که گفته شده: «آداب و رسوم اجتماعی به منزله آیین افکار و خصوصیات اخلاقی آن اجتماع است.»<sup>۲</sup>

سبک زندگی، شیوه خاص زندگی فردی و اجتماعی است که همه و یا بیشتر متدینان به اسلام و گروه مؤثری از جامعه اسلامی به آن عمل می‌کند و در رفتارشان منعکس می‌شود.<sup>۳</sup> سبک زندگی، نظام‌واره خاصّ زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت مستقل اختصاص دارد.<sup>۴</sup>

### ویژگی‌های سبک زندگی مؤمنانه

سبک زندگی خانواده اسلامی، شاخصه‌های متعددی دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند:

#### ۱. انتخاب همسر مناسب

یکی از شاخصه‌های سبک زندگی خانواده اسلامی، شیوه انتخاب همسر است؛ یعنی پسر و دختر باید همسر خود را بادقت و مبتنی بر خرد و معیارهای دینی انتخاب کنند تا بعد دچار مشکل نشوند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمَرْأَةُ

1. <http://maarefmags.ir/node/271>.

۲. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۶، ص ۳۶۸.

۳. محمدتقی مصباح یزدی، مجله معرفت، ش ۱۸۵، ص ۶.

۴. احمدحسین شریفی، همیشه بهار، ص ۱۶؛ محمدسعید مهدوی کنی، دین و سبک زندگی، ص ۴۶ به بعد.



قِلَادَةٌ فَانظُرْ إِلَى مَا تَقَلَّدُهُ؛<sup>۱</sup> زن، همانند گردن‌بندی است که بر گردن می‌افکنند. پس، مراقب باش که چه چیزی را بر گردن می‌افکنی.» در اسلام برای همسر معیارهای مهمی مانند دین‌داری و تقوا بیان شده است؛ زیرا زن و شوهر تحت تأثیر عقاید، رفتار و اخلاق یکدیگر قرار خواهند گرفت. همسر دین‌دار، همسرش را به دیانت، تقوا و اخلاق تشویق می‌کند و برعکس، شخص بی‌ایمان و بی‌تقوا، همسر خویش را به بدی و گناه خواهد کشید. به همین جهت، در احادیث اسلامی، دین‌داری، در رأس معیارهای ازدواج قرار گرفته است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَنْ تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ؛<sup>۲</sup> کسی که برای دین و ایمان زن ازدواج کند، خداوند نیز دنیایش را برای او فراهم می‌کند.»

برخی پژوهشگران بیان کرده‌اند که خشنودی زناشویی، تحت تأثیر مذهب قرار دارد. مذهب و پایبندی به آن، می‌تواند میزان طلاق را تا حدود نصف کاهش دهد.<sup>۳</sup> سالیوان<sup>۴</sup> به این نتیجه رسید که باورهای مذهبی برخلاف سایر معیارها، اثر طولانی‌تری در تحکیم زناشویی دارد.<sup>۵</sup>

متأسفانه، امروزه این دقت‌ها و معیارها رعایت نمی‌شود و برخی دختران و پسران، با عنوان خواستگاری مدرن، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و به سنت‌های اجتماعی و اسلامی پایبند نبوده، در این باره فرهنگ غرب را

۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۳۲.

۲. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۵۱.

۳. مجتبی حیدری، دین‌داری و رضامندی خانوادگی، ص ۳۵.

۴. هری استک سالیوان (Sullivan)، روان‌پزشک آمریکایی بود که به جهت اهمیتی که برای روابط میان‌فردی قائل بود، معروف شد.

۵. علیرضا رشیدی، «بررسی اولویت معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه دانشجویان پسر و دختر دانشگاه رازی»، فصل‌نامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ش ۲، ص ۱۰۸.

پذیرفته‌اند. فرهنگ امروز غرب، رابطه بی‌قید و شرط دختر و پسر قبل از ازدواج را برای جوانان پذیرفته است. از این رو، برخی بدون اطلاع والدین خویش، در خیابان‌ها و پارک‌ها با هم دوست می‌شوند و ازدواج می‌کنند.

یکی از کارشناسان می‌گوید: «جوانانی که یگدیگر را در پارک‌ها و خیابان‌ها می‌یابند و یا از طریق تماس‌های تلفنی به همدیگر علاقه‌مند می‌شوند، اصولاً مبنا و اساس علاقه‌مندی خود را بر نگاه‌های اولیه پایه‌گذاری می‌کنند و این دوستی، قاعدتاً پس از مدت‌زمانی به تحلیل می‌رود. از این رو، می‌بینیم که اغلب چنین ازدواج‌هایی، حتی بعد از مدت‌زمان کوتاهی، به طلاق می‌انجامد.»<sup>۱</sup>

## ۲. معنویت

معنویت، از جمله ارکان خانه و خانواده اسلامی است. بر اساس آموزه‌های دینی و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، خانه باید محلّ تربیت و علم‌آموزی و کانون نماز، قرآن و حکمت‌آموزی باشد. به همین جهت، اسلام بر خواندن نماز در خانه تأکید دارد: «وَأَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۲</sup> خانه‌های خود را رو به قبله قرار دهید و نماز را بر پا دارید و مؤمنان را بشارت ده.»

از دیگر اموری که به تقویت روح معنویت در خانواده کمک شایانی می‌کند، تلاوت قرآن کریم است؛ چنان‌که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «تَوَرُّوا بُيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ... فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَاتَّسَعَ أَهْلُهُ»<sup>۳</sup> خانه‌های خود را با تلاوت قرآن، نورانی کنید... چراکه هرگاه در خانه تلاوت قرآن بسیار شود، خیر و برکتش زیاد شود و اهل آن به وسعت رسند (بهره‌مند شوند).»

۱. روزنامه مردم‌سالاری، ش ۲۷۱۰، تاریخ ۱۳۹۰/۵/۲۷.

۲. یونس، آیه ۸۷.

۳. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۱۰.

خانواده‌ای که با قرآن انس داشته باشد، از برکات فوق‌العاده‌ای بهره‌مند خواهند شد؛ برکاتی که تنها منحصر به آخرت نیست؛ بلکه در همین دنیا نیز می‌توان آثار آن را مشاهده نمود.

کارکرد وسیع و گران‌قدر خانه، آن را مکانی مورد احترام و عنایت قرار داده است. از این رو، چنانچه این محل، معبدی برای بندگی و ذکر حق واقع شود، خداوند آن را رفیع و عظیم می‌گرداند؛ چنان‌که خطاب به رسول گرامی خود صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «فِي بُيُوتِ الَّذِينَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ؛<sup>۱</sup> این چراغ پرفروغ در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند؛ خانه‌هایی که نام خدا در آنها برده می‌شود، و صبح و شام در آنها تسبیح او می‌گویند.»

آنچه از آیه فوق و تفسیر مرحوم علامه طباطبایی استفاده می‌شود، این است که اگر خانه از هر پلیدی منزّه بماند و به ذکر خدا و عبادت او مزین شود، رفعت می‌یابد و از یک چهار دیواری سرد و بی‌روح خارج می‌شود و هرچه صبغه الهی و معنوی‌اش بیشتر شود، مقامی رفیع‌تر می‌یابد که مصداق کامل آن، کعبه، خانه خداست.<sup>۲</sup>

بر این اساس، خانواده‌ای رنگ‌وبوی قرآنی دارد که زندگی شوهر و همسر و فرزندان، صحنه ذکر، تلاوت قرآن، دعا، مناجات، توبه و استغفار باشد؛ نمونه این امر، خانواده امام علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ و فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ است که خدا بر سراسر زندگی‌شان حکومت داشت. تن ایشان در میان زمینیان، ولی روحشان با عرشیان دمخور است. خانواده ما نیز باید خانواده‌ای باشد که در این سمت‌وسو حرکت

۱. نور، آیه ۳۶.

۲. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۱۷۸-۱۷۹.

کند و بکوشد خود را به این قله بلند نزدیک سازد. آنچه امروزه خانواده‌های غربی را به شدت آسیب‌پذیر نموده، دوری از معنویت است که یکی از محورهای آن، تبلیغ آزادی‌های جنسی است؛ به این معنا که آدمی می‌تواند خارج از هر چهارچوب، تنها در بند غرایز خویش زندگی کند. بر این اساس، برخی آگاهان اجتماعی معتقدند قرن بیست‌ویکم، قرن حاکمیت دین و مذهب و پیشرفت بشر در همه عرصه‌های مادی و معنوی است؛ زیرا غرب به افراط‌گرایی‌اش پی برده و خواهان «اعتدال» در پرتو دین و معنویت است.<sup>۱</sup>

بیل مایزر، روزنامه‌نگار و محقق آمریکایی می‌گوید: «مردم در سراسر جهان، از مادی‌گرایی و ماتریالیسم خسته شده‌اند و به سرعت به سوی معنویت بازمی‌گردند و این بازگشت، چندی است که آغاز شده است. دین و پیروی محض از اصول آن، بار دیگر مورد توجه قرار گرفته است.»<sup>۲</sup>

انسان امروزی در زندگی خود با مشکلات، تنگناها و عوامل آسیب‌رسان گوناگونی روبه‌روست که فشار روحی و روانی بسیاری را بر او تحمیل می‌کند. نبود ارزش‌های دینی و الهی و برآورده نشدن نیازهای روحی و روانی و ناکامی ناشی از آن، آسیب‌های عمیقی بر سلامت روانی و معنوی تمامی گروه‌های سنی، به‌ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان، وارد می‌کند.

دنیای مدرن، انسان را طوری بار آورده که برای او بهره‌مندی فردی و ارضای خواسته‌های شخصی، اصالت دارد. مجله نیوزویک می‌نویسد:

«علت طلاق در ازدواج‌های ده یا بیست‌ساله، ناسازگاری نیست؛ بلکه بی‌میلی

1. <http://pazhuhesh.qomirib.ac.ir>

2. [www.bashgah.net](http://www.bashgah.net)

به تحمل ناسازگاری‌های دیرین و هوس برای درک لذت بیشتر و کام‌جویی‌های دیگر است. در عصر قرص‌های ضد حاملگی، انقلاب جنسی و دگرگونی مفهوم زن، این عقیده میان بسیاری از زنان قوت گرفته که خوشی و لذت، مقدم بر استواری و نگهداری کانون خانوادگی است. زن آمریکایی امروز، کام‌جو تر از زن دیروزی است و در برابر ناملازمات اجتماعی و معیشتی، کم‌تحمل‌تر از مادر بزرگ خویش است.<sup>۱</sup>

### ۳. اعتقادات

سبک زندگی خانوادگی در اسلام، همانند درختی است که ریشه آن، باورها و اندیشه‌هاست و ساقه و شاخه‌هایش، ارکان و وظایف اعضای خانواده می‌باشد. اعتقادات، زیرساخت‌های بنای خانواده است. خدا باوری است که همه رفتارهای خانوادگی را به سوی کسب رضایت خداوند سوق می‌دهد. خانواده‌ای که به حکم آیه «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»<sup>۲</sup>، خدا را از رگ گردن به خویش نزدیک‌تر می‌بیند، تلاش می‌کند در انجام وظایف خانوادگی، رضایت حق را جلب نماید.

معاذ باوری نیز آثاری سازنده در استحکام خانواده دارد. از مهم‌ترین آثار آن، این است که خانواده را متوجه اهداف پایداری می‌کند که موجب پیوند بیشتر اعضای خانواده می‌شود. اثر دیگر، آن است که فرد را در رویارویی با مشکلاتی همانند: فقدان یک عزیز، معلولیت جسمی و مشکلات شدید اقتصادی یا روانی، یاری می‌دهد. همچنین، معاذگرایی، فرد را تا حدی از رفتارهای نامناسب با دیگران باز می‌دارد. در این مورد، قرآن به افراد مؤمن هشدار می‌دهد که خود و خانواده

۱. آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ص ۲۳۱ و ۳۲۲.

۲. ق، آیه ۱۶: «و ما به او از رگ قلبش نزدیک‌تریم.»

خویش را از آتشی که هیزم آن، سنگ و انسان‌هاست، حفظ کنند.<sup>۱</sup> همچنین، در روایات به عواقب بدرفتاری با همسر اشاره شده است<sup>۲</sup> که توجه فرد به این عواقب، می‌تواند او را از رفتار ناشایست بازدارد.

#### ۴. قداست خانواده

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون، به عنوان مهم‌ترین و مقدس‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای خاستگاه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بوده است. بهادادن به این بنای مقدس، سبب اصلاح جامعه شده و غفلت از آن، موجب سقوط اجتماع شده است.<sup>۳</sup> از نگاه اسلام نیز خانواده، مقدس‌ترین نهاد و بستر برای آرامش، تربیت و رشد نسل به شمار می‌آید. تشکیل جامعه سالم نیز در گرو خانواده سالم می‌باشد. از این رو، از آن به عنوان محبوب‌ترین بنای زندگی، مایه آرامش و از آیات الهی یاد شده است.<sup>۴</sup> رسول خدا ﷺ فرمود: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يُعْمَرُ فِيهِ الْإِسْلَامُ بِالنِّكَاحِ»<sup>۵</sup> هیچ چیز نزد خداوند محبوب‌تر از خانه‌ای نیست که با ازدواج آباد می‌شود و آرامش روانی زن و مرد شکل می‌گیرد. «حرمت و قداست خانه، به قدری است که حفظ این حریم، به همگان توصیه شده است. از این رو، کسی حق ندارد بدون اجازه وارد آن شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ.»<sup>۶</sup>

۱. تحریم، آیه ۶.

۲. ر.ک: علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۲۰.

3. <http://www.ghatareh.com>

۴. ر.ک: روم، آیه ۲۱.

۵. شیخ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۸.

۶. نور، آیه ۲۷: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید؛ تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید. این، برای شما بهتر است؛ شاید متذکر شوید.»  
ر.ک: مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۲۸.

متأسفانه، خطری که بشر امروزی را تهدید می‌کند، تقدس‌زدایی از خانواده است. جاهلیت مدرن که قداست خانواده را مانعی در برابر خواسته‌های نامشروع خود می‌بیند، با همه توان، مانند بهره‌گیری از ماهواره، در جهت قداست‌زدایی از آن فرهنگ‌سازی می‌نماید. تلاش برای به رسمیت شناختن مسائلی مانند هم‌خانگی را که از بارزترین مظاهر فساد اخلاقی و گرایش‌های مفسدانه جامعه معاصر مدرن است، می‌توان نتیجه مستقیم تغییر سبک زندگی و تعریف آن دانست. هم‌خانگی، به معنای روی آوردن دو جنس جویای رابطه مستقیم، بدون زندگی مشترک و زیر یک سقف و به دور از هرگونه پیوند شرعی می‌باشد. این عوامل و نظایر آن، سبب شده است نهاد مقدس خانواده، در مسیر فروپاشی قرار گیرد. سونامی طلاق، فرزندان نامشروع و خیانت جنسی، حاکی از تضعیف این نهاد در برخی از کشورهاست.<sup>۱</sup>

## ۵. تأمین معاش حلال

یکی از شاخصه‌های سبک زندگی خانواده اسلامی، مدیریت تأمین معاش، یعنی نیازهای مادی بر اساس آموزه‌های دینی و عقلی است.<sup>۲</sup> اسلام، پیروان خویش را به تأثیر شگرف غذا بر زندگی انسان آگاه ساخته است؛ مسئله‌ای که خیلی از خانواده‌ها آن را رعایت نمی‌کنند. امروزه، کمتر انسانی را می‌توان یافت که در اندیشه ثروت نباشد؛ بلکه می‌توان عصر حاضر را عصر ثروت‌طلبی و مال‌اندوزی نامید؛ تا آنجا که گاه غافل از حلال و حرام بودن مال، تنها در پی به‌دست آوردن آن می‌دوند و گاه در شک میان حلال و حرام، عشق ثروت آنان را به خود جذب می‌نماید. این، همان مطلبی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آن

1. <http://www.ghatreh.com/news>

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۴۸۳.

می‌فرماید: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُبَالِي الْمَرْءُ بِمَا أَخَذَ الْمَالَ مِنْ حَلَالٍ أَمْ مِنْ حَرَامٍ؛<sup>۱</sup> برای مردم زمانی فرا می‌رسد که برای آنان تفاوتی نمی‌کند که مال را از کجا به دست آورده‌اند؛ از راه حلال باشد یا حرام!» بنابراین، گسترش لقمه حرام در حوزه فردی و اجتماعی، موجب از بین رفتن فضایل شده، نسل انسانی را فاسد می‌کند. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي هَذِهِ الْمَكَاسِبُ الْحَرَامُ؛<sup>۲</sup> بیمناک‌ترین چیزی که بر امت خود از آن می‌ترسم، درآمد‌های حرام است.»

همچنین، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «در روز قیامت، اقوامی با داشتن حسنات بسیار به اندازه کوه‌های مکه می‌آیند؛ اما امر می‌شود که به آتش افکنده شوند. برخی به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض می‌کنند: ای رسول خدا! آیا این افراد نمازگزار بودند؟ حضرت می‌فرماید: آری، نماز می‌خواندند، روزه می‌گرفتند و پاره‌ای از شب را به عبادت مشغول بودند؛ ولی هرگاه بر اینان چیزی از دنیا پیدا می‌شد، خود را بر آن می‌افکندند.»<sup>۳</sup>

نقل کرده‌اند که یکی از اولیای خدا روزی نزد مادرش آمد و گفت: من خیلی مواظب زندگی و مراقب رفتارم هستم. عباداتم نیز توأم با نور است، اما گاهی در عباداتم یک خط تاریک می‌بینم اما علت این رگه تاریکی را در خودم پیدا نمی‌کنم. گفتم از شما بپرسم بلکه بدانید علت آن چیست؟ مادر گفت: پسر مرا ببخش. آن تاریکی از من است. زمانی که باردار بودم، پدرت یکی دو ماهی به مسافرت رفته بود. روزی، برای پهن کردن لباس به پشت‌بام خانه رفته بودم. همین

۱. ابن‌ابی‌جمهور، عوالی اللئالی، ج ۳، ص ۴۷۴.

۲. شیخ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۱۲۴.

۳. حلی، عده‌الداعی، ص ۳۱۴.



همسایه کناری، مقداری زردآلو در آفتاب پهن کرده بود تا خشک شود. من هم به زردآلو خیلی علاقه داشتم و توان این‌که بروم و از میوه‌فروشی زردآلو بخرم هم نداشتم. این بود که از روی پارچه خانه همسایه زردآلویی برداشتم و خوردم. بعد هم یادم رفت از صاحبش رضایت بگیرم. پسر گفت: سبب آن تاریکی را بعد از چهل سال پیدا کردم. خلاصه، رفت و ماجرا را گفت و از صاحبش خواست بهای آن زردآلو را قبول کند، ولی صاحب زردآلو گفت: حلال خودت و مادرت باشد. چند روز بعد، آن جوان دوباره نزد مادرش آمد و گفت: دیگر از آن رگه تاریکی خبری نیست.»<sup>۱</sup>

## ۶. احترام به والدین و سال‌خوردگان

یکی از شاخصه‌های سبک زندگی خانواده اسلامی، احترام به والدین و سال‌خوردگان است. در خانواده‌های دینی، والدین جایگاه ویژه‌ای دارند و فرزندان برای آنان احترام قائل هستند؛ زیرا خداوند حقوق آنان را در کنار توحید قرار داده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا.»<sup>۲</sup> رسول خدا ﷺ فرمود: «رَضِيَ اللَّهُ فِي رِضَىٰ الْوَالِدَيْنِ وَسَخَطُهُ فِي سَخَطِهِمَا؛<sup>۳</sup> رضای خداوند در خشنودی پدر و مادر، رضای خداوند است و خشم الهی، در غضب آنان است.» از سوی دیگر، نیکی به پدر و مادر و احترام به شخصیت آنان، وظیفه‌ای اسلامی است و باید این برنامه مقدس، برای همیشه در جامعه مسلمانان پایدار بماند و در تمام نسل‌ها، رفتار و گفتار فرزندان در برابر والدین، بر اساس ادب و احترام باشد.

۱. حسین انصاریان، حدیث عقل و نفس آدمی در آینه قرآن، ص ۳۲۵.

۲. اسرا، آیه ۲۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۶۳۱.

۳. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۶.

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «الْبِرْكَةُ مَعَ أَكْبَرِكُمْ»<sup>۱</sup> وجود پیران سال‌خورده بین شما، باعث افزایش فیض ربوبی و بسط نعمت‌های الهی است. «کهنسالان، سرد و گرم روزگار را دیده و پستی و بلندی‌های زندگی را پیموده و در طول حیات خویش درس‌های ارزنده‌ای فرا گرفته‌اند و از نظر معنوی نیز تجارب مفیدی دارند و می‌توانند مانند رهبران روحانی، دیگران را هدایت کنند: «الشَّيْخُ فِي أَهْلِهِ كَالْتَّبِيِّ فِي أُمَّتِهِ.»<sup>۲</sup> پیرمردی حضور رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شرفیاب شد و کسانی که در محضر حضرت نشسته بودند، احترامش را رعایت نمودند. پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از این رفتار آنان ناراحت شد و فرمود: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَلَمْ يَوْقُرْ كِبِيرَنَا؛»<sup>۳</sup> کسی که به خردسالان ما ترحم نکند و پیران ما را مورد تکریم و احترام قرار ندهد، از ما نیست و با ما بستگی و پیوستگی ندارد.»<sup>۴</sup>

گفتنی است که دختران و پسران جوان امروز، مادران و پدران فردای اجتماع‌اند. اگر جوانان امروز وظیفه تکریم و احترام به والدین خود را مراعات نمایند، فردا خودشان مورد تکریم فرزندان خویش واقع می‌شوند. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «بَرُّوْا آبَاءَكُمْ يَبْرِكْكُمْ أَبْنَاءَكُمْ؛»<sup>۵</sup> به پدران و مادران نیکی کنید؛ تا فرزندانتان هم به شما نیکی نمایند.»

خوشبختانه، در جامعه ما هنوز بیشتر مردم به تعالیم اسلامی توجه دارند و به پدران مادران پیر خود با دیده تکریم و عطف می‌نگرند و در خانواده‌ها، والدین کهنسال بیش‌وکم مورد محبت و احترام می‌باشند؛ ولی در کشورهای غربی،

۱. شعیری، جامع الأخبار، ص ۹۲.

۲. همان.

۳. شیخ مفید، الأمالی، ص ۱۸.

۴. محمدتقی فلسفی، بزرگسال و جوان، ج ۱، ص ۵۳ - ۵۴.

۵. لیبی، عیون الحکم والمواعظ، ص ۱۹۵.

ارزش پدران و مادران سال‌خورده به مقدار قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است؛ تا جایی که بعضی سال‌خوردگان از شدت ناراحتی دست به خودکشی می‌زنند و گاهی فرزندان و فرزندزادگان، موجبات مرگ والدین کهنسال خویش را فراهم می‌آورند؛ از جمله، در سال ۱۹۶۷م روزی در شهر Rouen فرانسه، جوانی به نام فرانسوا، در حال مستی، مادر بزرگش را کشت.<sup>۱</sup> همچنین، نمونه ذیل، به روشنی تفاوت رویکرد غربی و اسلامی را در این باره نشان می‌دهد. شهید مطهری رحمته‌الله علیه می‌نویسد:

«مرحوم محققى که از طرف آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله علیه به آلمان رفته بود، داستانی نقل کرده است. او می‌گوید: از جمله اشخاصی که در زمان ما مسلمان شد، پروفیسوری بود عالم و دانشمند. او زیاد پیش ما می‌آمد و ما هم [به نزد او] می‌رفتیم؛ اما بعد از مدتی، دچار سرطان گردید و در بیمارستان بستری شد. ما به همراه مسلمانان دیگر، به عیادت او می‌رفتیم. روزی زبان به شکایت گشوده، گفت: من بعد از آنکه مریض شده و در بیمارستان بستری گردیدم و دکترها تشخیص دادند که سرطان دارم، پسرم و زنم آمدند و به من گفتند: معلوم شد که شما سرطان دارید و به این زودی خواهی مُرد. هر دو [آنها] خداحافظی کردند و رفتند. آنان توجه نکردند که در این شرایط سخت، این بیمارِ لاعلاج، نیاز به محبت و مهربانی دارد!

مرحوم محققى در ادامه می‌گوید: ما مکرر به ملاقات او می‌رفتیم و روزی که بیمارستان خبر داد این شخص مُرده است، ما برای کفن و دفن آن مسلمان آلمانی رفتیم. در آن روز، پسرش آمده بود؛ ولی کمی که منتظر ماندیم تا مراسم مذهبی را انجام دهیم، متوجه شدیم که پسرش جنازه را از پیش به بیمارستان

۱. محمدتقی فلسفی، بزرگسال و جوان، ج ۱، ص ۵۸-۵۹.

فروخته است و حالا آمده جنازه را تحویل داده، پولش را بگیرد و برود!»<sup>۱</sup>

## ۷. رعایت حقوق اعضای خانواده

خانواده، جامعه کوچکی است که نیازمند مدیریت است. بهترین مدیریت خانواده، در تثبیت نقش‌ها و انجام وظایف نمود پیدا می‌کند؛ یعنی زن و مرد و فرزندان باید بپذیرند که در برابر یکدیگر حقوقی دارند. مرد، همسر و پدر خانواده است و حق همسری و پدری دارد. پس، باید حقوق او در جایگاهش رعایت شود و زن نیز همسر و مادر خانواده است و باید حقوق او نیز محفوظ باشد؛ «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ»<sup>۲</sup> برای زنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای نیز قرار داده شده است.»

اگر یکی از طرفین از انجام وظایف خود کوتاهی کند، کشتی خانواده در گرداب اختلاف گرفتار خواهد شد. در حقیقت، پیمان زناشویی، به معنای پذیرش پابندی به حقوق است و مؤمن، هرگز وفای خود را فراموش نمی‌کند؛ «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»<sup>۳</sup> آری، در سبک زندگی خانواده قرآنی، همه تابع حق و عدالت‌اند.

فیض کاشانی رحمته‌الله به دختر خود هنگام ازدواج توصیه می‌کند:

«دخترم! از آشیانه‌ای که در آن بزرگ شدی، به سوی جایگاهی می‌روی که شناخت کافی از آن نداری و همنشینی که هنوز با او انس نگرفتی. در مقابل او متواضع باش تا او مایه سربلندی‌ات باشد؛ به منزله گهواره‌ای برای او باش تا او تکیه‌گاہت باشد؛ از او اطاعت کن تا او مطیعت باشد؛ او را به خشم نیاور و از او

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۳، ص ۲۸۴. (با اندکی تغییر در عبارت)

۲. بقره، آیه ۲۲۸؛ ر.ک: مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۵۴.

۳. مؤمنون، آیه ۸؛ سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۱۱.

دوری مکن. اگر به تو نزدیک شد، تو نیز به او نزدیک‌تر شو و اگر از تو دوری کرد، تو نیز از او دور شو.»<sup>۱</sup>

مرحوم فیض، در این آموزه‌ها به مهارت‌های زندگی سالم اشاره می‌نماید؛ مهارت‌هایی که لازم است دختران قبل از دواج با آنها آشنا شوند. به دست آوردن این مهارت‌ها در همه جنبه‌های زندگی، به ویژه ازدواج، ضروری است؛ چراکه داشتن زندگی شاد، به روابطی عاشقانه و سازگارانه منجر خواهد شد. یکی از مصادیق مهم مهارت‌های زندگی، شناخت حق و حقوق شوهر است.

---

۱. فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۳، ص ۶۷ و ۹۶.



## عرصه‌های پیشرفت ایران در مقایسه با پیش از انقلاب

محمدکاظم کریمی\*

### اشاره

انقلاب اسلامی ایران، تبلور اراده اقشار گوناگون مردمی مؤمن و ستم‌دیده در برابر رژیم مستبد برای تحقق احکام، ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی بود. ماهیت اسلامی انقلاب، سبب گردید استکبار جهانی تمام تلاش خود را برای عدم کامیابی ملت ایران به کارگیرد؛ حمله نظامی، کودتا و اعمال تحریم‌های سنگین در ابعاد گوناگون، از اولین اقدامات دشمنان بود که به خواست خداوند تمامی آنها ناکام ماند و با وجود همه این موانع، ایران اسلامی قله‌های پیشرفت را یکی پس از دیگری فتح نمود و گام‌های بلندی را در مسیر تعالی کشور برداشت. در این نوشتار، سعی گردیده برخی از مهم‌ترین تلاش‌های انجام‌گرفته پس از انقلاب اسلامی به طور اجمال اشاره شود. البته پرداختن به اقدام‌های مثبت نظام اسلامی، به معنای نفی یا نادیده گرفتن معضلات و نواقص نیست؛ بلکه مشکلات برای عموم مردم محسوس و مشهود است و مسئولان نیز بدان اعتراف دارند؛ اما نباید تنها از زاویه کمبودها و نواقص به مسائل کشور نگریست و

---

\* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

خدمات گسترده آن را نادیده گرفت؛ چراکه تلاش‌های جهت‌داری صورت می‌گیرد تا وضعیت اقتصادی و توسعه کشور در مقایسه با قبل از انقلاب بدتر نشان داده شود؛ حال آنکه تأمل واقع‌بینانه نشان می‌دهد با وجود محدودیت‌های ایجادشده، نظام اسلامی در مدت کوتاه عمر خود توانسته است در اصلاح و بهبود وضعیت معیشتی و اجتماعی مردم و ارتقای شاخص‌های توسعه متوازن، توفیق‌های فراوانی به دست آورد.

در ذیل، به بررسی بعضی از عرصه‌های پیشرفت ایران در مقایسه با قبل از انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

### ۱. علم و فناوری

علم‌اندوزی و دانش‌دوستی، از آموزه‌های مهم دین اسلام است و آیات الهی و کلام بزرگان دین، آکنده از سفارش به آن است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْحِكْمَةُ صَالَةٌ الْمُؤْمِنِ فَخِذِ الْحِكْمَةَ وَلَوْ مِنْ أَهْلِ النَّفَاقِ»<sup>۱</sup> دانش، گمشده مؤمن است. دانش را طلب کنید؛ هرچند نزد اهل نفاق باشد.» امام خمینی رحمته الله علیه نیز تأکید دارد: «مایه بسی خجالت است که در کشوری که مهد علم و ادب بوده و در سایه اسلام زندگی می‌کند [و] طلب علم را فریضه دانسته است، از نوشتن و خواندن محروم باشد. ما باید در برنامه درازمدت، فرهنگ وابسته کشورمان را به فرهنگ مستقل و خودکفا تبدیل کنیم.»<sup>۲</sup>

میزان «باسوادی» جمعیت ۶ ساله و بالاتر کشور، از ۴۷/۲ درصد در سال ۱۳۵۵، به حدود ۸۸ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است.<sup>۳</sup> تعداد دانشگاه‌های

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، حکمت ۸۰، ص ۴۸۱.

۲. روح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۴۶.

۳. مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵.



کشور که پیش از انقلاب حدود ۱۵ واحد دانشگاهی بود، امروز بیش از ۲۶۴۰ واحد<sup>۱</sup> و تعداد دانشجویان که قبل از انقلاب حداکثر ۱۵۵ هزار دانشجو بود،<sup>۲</sup> امروزه افزون بر ۴/۲۰۰/۰۰۰ نفر می‌باشد. بر همین اساس، تعداد مدرسی که پیش از انقلاب حدود ۴۷ هزار دستگاه بود، با رشد حدود پنج برابری، به ۲۲۰ هزار مدرسه رسیده است. تعداد دانش‌آموزان کشور نیز که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، یعنی سال تحصیلی ۵۶ - ۵۷ حدود ۷/۷۰۰/۰۰۰ نفر بود، هم‌اکنون بیش از ۱۵ میلیون نفر می‌باشد.<sup>۳</sup>

در دوران پیش از انقلاب اسلامی، انتشار «مقالات علمی» به زبان فارسی و غیرفارسی و عمدتاً به زبان انگلیسی در دانشگاه‌های بزرگ کشور معمول بوده است؛ اما آماری که پایگاه تامسون رویترز (ISI) از میزان تولیدات علمی ایران در این دوره ارائه می‌دهد، بسیار ناچیز است؛ برای نمونه، از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷، به ترتیب ۴۵۵، ۵۷۱ و ۶۵۶ مقاله از ایران در این نظام بین‌المللی استنادی به ثبت رسیده است؛<sup>۴</sup> حال آنکه تا سال ۱۳۹۲ بالغ بر ۸۶۰۰ مقاله علمی در مجلات بین‌المللی ISI نگارش شده است که این امر، باعث گردید رتبه ایران در تولید علم در میان کشورهای جهان، به رتبه ۱۶ برسد. همچنین، تا سال ۱۳۹۲ افزون بر ۲۶۱۹۶ اختراع علمی از سوی دانش‌پژوهان جوان ایرانی به ثبت رسیده است که به کسب ۳۶۲ مدال علمی در المپیادهای مهم جهان منجر

۱. پایگاه خبرگزاری ایسنا، تاریخ دسترسی: ۱۰ مرداد ۱۳۹۵، کد خبر: ۹۵۰۵۰۱۰۵۸۳۵، نشانی: [www.isna.ir](http://www.isna.ir)

۲. یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب؛ از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ص ۳۹۴.

۳. شبکه اطلاع‌رسانی راه دانا، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۱۱/۶، شناسه خبر: ۲۲۴۱۷۳، «مقایسه وضعیت علمی کشور در دوران پهلوی و پس از انقلاب»، نشانی: [www.dana.ir](http://www.dana.ir)

۴. خبرگزاری مهر، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۱۱/۲۲، شناسه خبر ۲۴۹۳۲۷۹، نشانی: [www.mehrnews.com](http://www.mehrnews.com)

گردید. بر این اساس، طبق یافته‌های مراکز علم‌سنجی بین‌المللی، رشد علمی ایران با معیار جهانی، تنها طی مدت ۱۲ سال (۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷) به ۱۸ برابر رسیده است و از این جهت، ایران، سریع‌ترین رشد علمی را در بین کشورهای جهان داشته است.<sup>۱</sup>

در موضوع «نانو»، ایران تا سال ۲۰۱۰م موفق شد رتبه چهاردهم جهانی را به دست آورد و امید می‌رود تا سال ۱۴۰۴ش جزء ۱۰ کشور برتر در رشته فناوری نانو قرار گیرد.<sup>۲</sup>

در زمینه «فناوری هسته‌ای» نیز با وجود تحریم‌های شدید آمریکا و کشورهای غربی، کشور توانست چرخه سوخت هسته‌ای را به همت دانشمندان داخلی به صورت چشمگیری افزایش دهد و با کشف و استخراج اورانیوم طبیعی و فناوری آن، بزرگ‌ترین گام‌های چرخه سوخت هسته‌ای را بردارد و با استفاده از دستگاه‌های سانتریفیوژ به غنی‌سازی اورانیوم دست یابد. این امر، باعث گردید تا ایران در ردیف ۱۰ کشور دارای فناوری هسته‌ای قرار گیرد. همچنین، طراحی راکتور آب سنگین در اراک و به مرحله نهایی رسیدن نیروگاه اتمی در بوشهر، گام‌های دیگری بود که نشان از توانمندی کشور در این زمینه دارد.<sup>۳</sup>

## ۲. بهداشت و درمان

ایجاد شرایط لازم برای دسترسی عادلانه و فراگیر آحاد مردم به خدمات بهداشتی و درمانی مناسب، از برنامه‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی از ابتدا تاکنون

۱. همان.

۲. خبرگزاری فارس، اداره کل صوت و تصویر (چند رسانه‌ای)، نشانی: [www.farsnews.com](http://www.farsnews.com)

۳. پایگاه تبیینی و تحلیلی جریان‌شناسی، سال‌شمار پرونده و فعالیت‌های هسته‌ای ایران، نشانی:

بوده است. به همین منظور، با تجمیع فعالیت‌های مربوط به حوزه بهداشت و درمان کشور در قالب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تلاش مؤثری برای حفظ، تأمین و ارتقای سلامت جامعه صورت گرفت. افزایش ۱۰۰ برابری سرمایه‌گذاری در بخش بهداشت و درمان بعد از انقلاب اسلامی، به رشد ۴۰۰ درصدی شاخص‌های بهداشتی و درمانی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب منجر شده است؛ به گونه‌ای که شاخص «امید به زندگی» در مقایسه با قبل از انقلاب، از ۵۰ به ۷۵ سال رسیده است.<sup>۱</sup> از سال ۱۳۹۳ نیز با اجرای طرح بزرگ «تحول نظام سلامت»، ضمن ارتقای کیفیت خدمات‌رسانی به بیماران، هزینه‌های درمانی به حداقل رسیده است و مردم مناطق روستایی و شهری در مراجعه به بیمارستان‌های دولتی، به ترتیب تنها ۳ و ۶ درصد هزینه را پرداخت می‌کنند.<sup>۲</sup>

هم‌اکنون، در بیمارستان‌های کشور حدود ۹۰ هزار تخت وجود دارد؛ حال آنکه قبل از پیروزی انقلاب، در مجموع ۱۵ تا ۲۰ هزار تخت بود.<sup>۳</sup> تا پیش از انقلاب، مردم برای ساده‌ترین اعمال جراحی، به خارج از کشور اعزام می‌شدند و پزشکان خارجی از جمله هندی و بنگلادشی درمان مردم را برعهده داشتند که به دلیل سطح علمی پایین و نبود زبان مشترک، مشکلاتی در عرصه درمان مردم ایجاد می‌شد؛ اما پس از انقلاب با گسترش دانشکده‌های پزشکی و رشد کمی و

---

۱. شبکه اطلاع‌رسانی راه دانا، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۱/۱۶، شناسه خبر: ۱۰۲۷۴۷۵،

«مقایسه وضعیت بهداشت و درمان قبل و بعد از انقلاب اسلامی»، نشانی: [www.dana.ir](http://www.dana.ir)

۲. خبرگزاری مهر، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۲/۲۷، شناسه خبر: ۳۹۸۰۸۱۰، نشانی:

[www.mehrnews.com](http://www.mehrnews.com)

۳. شبکه اطلاع‌رسانی راه دانا، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۱/۱۶، شناسه خبر: ۱۰۲۷۴۷۵،

«مقایسه وضعیت بهداشت و درمان قبل و بعد از انقلاب اسلامی»، نشانی: [www.dana.ir](http://www.dana.ir)

کیفی نیروهای انسانی، نیازها به‌مرور برطرف شد و هر ساله بیش از ۴ تا ۵ هزار پزشک در رشته‌های مختلف علوم پزشکی فارغ‌التحصیل شده، جذب سیستم بهداشت و درمان گردیدند که در مقایسه با قبل از انقلاب، این آمار با افزایش ۱۵ برابری روبه‌روست. از این رو، امروزه زمینه حضور بیماران خارجی برای درمان، به‌خصوص جراحی‌های پیچیده، در کشور فراهم شده است و بخش قابل توجهی از بیمارستان‌های دولتی و خصوصی، میزبان بیمارانی از منطقه شمال دریای خزر و شهروندان عراقی هستند.<sup>۱</sup> افزون بر اینکه در حال حاضر، حدود ۹۷ درصد «داروهای مورد نیاز» در داخل کشور تولید می‌شود.<sup>۲</sup>

طبق آمار موجود، در پایان سال ۱۳۵۷ تنها ۱/۵ میلیون نفر، یعنی حدود چهار درصد جمعیت ایران، تحت پوشش «آب و فاضلاب» که رابطه مستقیم با سلامتی و بهداشت جامعه دارد، قرار داشتند. روستاهای کشور از هیچ سیاستی در خصوص آب و فاضلاب پیروی نمی‌کردند و روستاییان به‌شدت در معرض خطر ابتلا به انواع بیماری‌ها بودند. اما امروزه بیش از ۴۰ درصد جمعیت روستایی تحت پوشش سیستم آب و فاضلاب بهداشتی قرار دارند. همچنین، امروزه ایران بالاترین درصد دستیابی به آب آشامیدنی سالم را در خاورمیانه دارد و تخمین زده شده است که ۹۲ درصد از جمعیت کشور، شامل ۱۰۰ درصد مناطق شهری و ۸۰ درصد مناطق روستایی، به آب آشامیدنی سالم دسترسی دارند.<sup>۳</sup>

۱. باشگاه خبرنگاران جوان، گروه علمی پزشکی، مصاحبه با دکتر احمد زالی، رئیس سازمان نظام

پزشکی کشور، نشانی: [www.yjc.ir](http://www.yjc.ir)

۲. شبکه اطلاع‌رسانی راه دانا، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۱/۱۶، شناسه خبر: ۱۰۲۷۴۷۵،

«مقایسه وضعیت بهداشت و درمان قبل و بعد از انقلاب اسلامی»، نشانی: [www.dana.ir](http://www.dana.ir)

۳. همان.

به همین ترتیب، با اجرای طرح‌های گسترده «واکسیناسیون» نظیر: فلج اطفال، دیفتی، کزاز و مانند آن، از بسیاری از بیماری‌های مسری پیشگیری گردید؛ به‌گونه‌ای که طی سال‌های اخیر، سازمان بهداشت جهانی دو بار ایران را به عنوان موفق‌ترین کشور جهان در کاهش نرخ مرگ و میر کودکان، مورد تقدیر قرار داده است.<sup>۱</sup>

### ۳. عرصه سیاسی

دموکراسی به مفهوم حکومت مردم یا مردم‌سالاری، از دستاوردهای بزرگ جامعه بشری در قرن‌های اخیر است و از پایه‌های اصلی رشد و توسعه کشورها به شمار می‌آید. سابقه دموکراسی و مردم‌سالاری در ایران، از ویژگی‌های منحصر به فرد انقلاب اسلامی است.

«انتخابات»، به عنوان رکن اصلی دموکراسی، از همان ابتدا مورد توجه مسئولان نظام واقع گردید و تاکنون بالغ بر ۴۰ بار انتخابات برگزار گردید. همه‌پرسی نظام جمهوری اسلامی در فاصله کمتر از دو ماه از انقلاب اسلامی، با رأی ۹۸ درصدی مردم در فروردین ۱۳۵۸، اولین نشانه اهمیت و استقبال از مردم‌سالاری بوده است. به دنبال آن، همه‌پرسی قانون اساسی، تشکیل مجلس شورای اسلامی، انتخاب رئیس‌جمهور، اعضای خبرگان رهبری و نمایندگان شوراهای اسلامی به صورت منظم و در موعد مقرر در فاصله عمر ۳۸ ساله انقلاب اسلامی از نشانه‌های این اهتمام به شمار می‌رود.

همه این پدیده‌ها در حالی اتفاق افتاد که قبل از انقلاب اسلامی، اداره امور کشور توسط اقلیتی نظامی تحت عنوان رژیم شاهنشاهی و بدون هرگونه مراجعه

به رأی و نظر مردم انجام می‌شد.<sup>۱</sup> بر همین پایه، رهبر معظم انقلاب در تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی، مهم‌ترین آن را در عرصه سیاسی، تبدیل حکومت موروثی دیکتاتوری وابسته به بیگانگان، به یک حکومت مردم‌پایه متکی بر آرای ملت بیان کرده است.<sup>۲</sup>

بازشناخت هویت ملی و دینی، خودباوری، اعتماد به نفس و اتکای به خود، دومین ویژگی انقلاب اسلامی در عرصه سیاسی و فرهنگی است. حاکمیت اراده بیگانگان بر مقدرات کشور و دخالت در تصمیم‌گیری‌های کلان، بزرگ‌ترین ارمغان رژیم گذشته برای ملت ایران بود که به خودباختگی فرهنگی و احساس حقارت و ذلت در برابر قدرت‌های بیگانه منجر می‌گردید. هنر انقلاب اسلامی، تبدیل جامعه بی‌هویت و دنباله‌رو غرب، به جامعه‌ای دارای هویت، مستقل و عزتمند است که اراده بیگانگان را بر نمی‌تابد و با اراده و اختیار خود، در مسائل داخلی و خارجی کشور تصرف می‌کند. این عزتمندی، محصول اندیشه و مبانی فکری حضرت امام علیه السلام به عنوان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی است؛ به گونه‌ای که به فرموده رهبر انقلاب، بیرون آمدن از چنبره سلطه آمریکا برای جوان‌ها، حتی در کشورهایی که با آمریکا پیمان طولانی وابستگی دارند، بسیار جذاب است و یا در کشورهایی مثل عربستان سعودی که در خدمت هدف‌های آمریکا هستند، از وابستگی به آمریکا متنفرند و به جدایی از این سلطه ظالمانه، علاقه‌مند هستند.<sup>۳</sup>

تعداد («نشریات») که در رژیم گذشته تنها به عدد انگشتان دست می‌رسید، تا

۱. ر.ک: پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب؛ از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ص ۳۸۲.

۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۹۶/۳/۱۶، ص ۱۲.

۳. همان.

سال ۱۳۹۲ بیش از ۵۶۷۹ نشریه دارای مجوز در کشور وجود داشته که افزون بر ۲۶۳۵ مورد از آنها در حال انتشار بوده اند.<sup>۱</sup> همچنین، «احزاب و تشکل‌های سیاسی» که پیش از انقلاب تنها به حزب حکومتی «رستاخیز» محدود شده بود،<sup>۲</sup> امروز به بیش از ۳۰ حزب و حدود ۱۷ هزار تشکل سیاسی مردم‌نهاد رسیده است. البته در کشور ما هنوز احزاب به مفهوم کامل آن استقرار نیافته‌اند؛ ولی تشکل‌های موجود، عملاً کار احزاب را انجام می‌دهند و تأثیرگذاری آنها بر فعالیت‌های سیاسی طی سال‌های اخیر، کاملاً مشهود است. امید است که در ادامه حرکت رو به رشد انقلاب اسلامی، در کوتاه‌مدت شاهد شکل‌گیری احزاب کارآمد و ایفای نقش مؤثر آنها در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی باشیم.

#### ۴. توسعه اقتصادی

بر اساس اصل سوم قانون اساسی، پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه طبق ضوابط اسلامی و خودکفایی در صنعت و کشاورزی، مورد تأکید واقع شده است.<sup>۳</sup> و برنامه‌ریزی مناسب برای تأمین نیازهای معیشتی جامعه، از وظایف دولت اسلامی به شمار می‌رود.

برای تحلیل وضعیت اقتصادی یک کشور، توجه به شاخص‌های اصلی رشد و توسعه اقتصادی، امری ضروری است. «تولید ناخالص ملی»، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی هر کشور می‌باشد که بیانگر اندازه اقتصاد و قدرت تولید آن است. طبق آمار بانک مرکزی در سال ۱۳۵۶، میزان تولید ناخالص داخلی (به

---

۱. خبرگزاری فارس، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۲/۹۷/۲۳، بخش حوزه رسانه، آمار نشریات دارای

مجوز و در حال انتشار کل کشور، نشانی: [www.farsnews.ir](http://www.farsnews.ir)

۲. یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب؛ از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ص ۴۰۳.

۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل سوم.

قیمت‌های ثابت سال ۸۳)، ۱۱۹ هزار میلیارد تومان بوده است که این رقم در سال ۱۳۹۳ به ۲۰۳ هزار میلیارد تومان رسیده است. در واقع، اندازه اقتصاد ایران طی این سال‌ها ۱/۷ برابر شده است.<sup>۱</sup> در دوره بین سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ تولید ناخالص ملی کشور رشد شایانی داشت؛ اما این رشد به طور یکسان شامل همه آحاد ملت نگردید و ثروتمندان را بیش از طبقات متوسط و پایین، یا مناطق مرکزی کشور به خصوص تهران را بیشتر از استان‌های دیگر برخوردار می‌ساخت.<sup>۲</sup> ویلیام سولیوان سفیر آمریکا می‌نویسد: «در سال ۱۳۵۵ تولید متوسط روزانه نفت در ایران، در حد ۵۸۰۰ میلیون بشکه بود که ۸۰۰ هزار بشکه مصرف داخلی و ۵ میلیون بشکه در بازارهای جهان به فروش می‌رسید. در این سال، درآمدی که از این طریق نصیب ایران شد، قریب ۲۴ میلیارد دلار بود که می‌توانست یکی از بزرگ‌ترین عوامل توسعه اقتصادی و اجتماعی در ایران باشد.»<sup>۳</sup>

در کنار میزان تولید ناخالص داخلی، «نرخ رشد اقتصادی»، از مهم‌ترین شاخص‌های عملکردی اقتصاد کلان است که نشان‌دهنده سرعت پیشرفت یک کشور می‌باشد. در واقع، این نرخ ملاکی برای سنجش و سرعت پیشرفت است. اگر تولید کالاها و خدمات به هر وسیله ممکن افزایش یابد، می‌توان گفت رشد اقتصادی اتفاق افتاده است. در سال ۱۳۵۶، نرخ رشد اقتصادی کشور حدود ۳/۷- درصد بوده است. این نرخ، در سال ۱۳۹۳ به ۲/۹ درصد رسیده است.

۱. خبرگزاری تابناک، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۱/۱۷، کد خبر: ۶۶۳۸۵۴، نشانی:

www.tabnak.ir

۲. یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب؛ از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ص ۴۱۱.

۳. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، کرانه‌های نور؛ بررسی ۱۷۳ دستاورد انقلاب اسلامی ایران، ج ۲، ص ۱۸۹.



این اعداد، بیانگر آن است که سرعت پیشرفت اقتصادی در سال ۱۳۹۳، رشد چشمگیری نسبت به سال ۱۳۵۶ داشته است.<sup>۱</sup>

افزایش «صادرات غیرنفتی» به عنوان یک شاخص مثبت در اقتصاد کلان، به دلیل فقدان برنامه‌ریزی مناسب گاه باعث بالا رفتن قیمت عمده اقلام صادراتی برای مصرف‌کننده داخلی گردیده است؛ اما علامت بسیار امیدوارکننده‌ای برای رشد و استقلال اقتصادی کشور است. در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ صادرات غیرنفتی ایران، تنها درصد اندکی از سهم صادرات ایران را تشکیل می‌داد؛ اما در سال‌های اخیر، صادرات غیرنفتی رشد بی سابقه‌ای داشته است؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۵ به ۴۴ میلیارد دلار رسید و در این سال، صادرات غیرنفتی ۳/۵۴ درصد افزایش نشان می‌دهد.<sup>۲</sup>

بر اساس آمار موجود، تنها در نیمه نخست دهه ۱۳۵۰ سالانه بیش از یک میلیارد دلار، هزینه واردات محصولات کشاورزی شده بود؛<sup>۳</sup> اما امروزه نه تنها تمامی کالاهای اساسی کشور و محصولات کشاورزی در داخل تولید می‌شود و وابستگی به خارج از کشور تا حد چشمگیری برطرف گردیده، بلکه در محصولات استراتژیکی مانند «گندم»، به خودکفایی کامل رسیده و در «بنزین» در مرز خودکفایی هستیم.

در زمینه «صنعت برق»، به عنوان یکی از شاخص‌های مهم توسعه اقتصادی و

---

۱. خبرگزاری تابناک، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۱/۱۷، کد خبر: ۶۶۳۸۵۴، نشانی:

www.tabnak.ir

۲. پایگاه اینترنتی ایفون؛ انجمن تجارت بین‌الملل، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۱/۹، نشانی: www.ibfon.org؛ خبرگزاری ایسنا، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۱/۲۸، «آمار مقایسه‌ای واردات و

صادرات در دولت‌های دهم و یازدهم»، نشانی: www.isna.ir

۳. پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب؛ از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ص ۴۱۰.

اجتماعی هر کشور، تا سال ۱۳۵۷ تعداد ۳۸ نیروگاه آبی با ظرفیت ۷۰۲۴ مگاوات تأسیس گردیده بود؛ حال آنکه فقط تا سال ۱۳۷۷، ۱۲۲ نیروگاه با ظرفیت ۳۵/۱۷۶ مگاوات راه‌اندازی شد.<sup>۱</sup> در زمینه «سدسازی»، امروزه در بین سه کشور برتر دنیا قرار داریم؛ به طوری که پس از پیروزی انقلاب، حدود ۱۳۰ سد ساخته شده و یا در حال ساخت است.

در «صنایع کشاورزی»، هم‌اکنون تراکتورهای ساخت ایران به بیش از ۳۰ کشور جهان صادر می‌شود و در صنایع «نفت و گاز» نیز پروژه صددرصد ایرانی فاز یک منطقه عسلویه به عنوان بزرگ‌ترین پروژه نفت و گاز کشور در آبان ۱۳۸۳ به بهره‌برداری رسید که با بهره‌برداری فازهای دیگر آن در سال‌های اخیر، سالانه افزون بر یک میلیارد دلار در آمد نصیب کشور گردیده است.<sup>۲</sup>

## ۵. آمادگی نظامی و دفاعی

آمادگی در برابر دشمنان و فراهم ساختن ابزار و تجهیزات لازم برای دفع خطر آنها، از توصیه‌های مهم قرآن کریم به مسلمانان است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»<sup>۳</sup> و آماده کنید برای [کارزار با] دشمنان، هر چه می‌توانید از نیرو و از اسبان بسته‌شده که با آن، دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید.»

طبق آمار موجود، بین ۵۰ تا ۸۰ درصد مخارج نظامی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۵ صرف خرید اسلحه و مهمات از خارج شده است که بخش عمده آن، از ایالات متحده آمریکا بوده است؛ به گونه‌ای که ایران به بزرگ‌ترین

۱. معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه، ۹۲ دستاورد انقلاب اسلامی، ص ۲۹۱.

۲. همان، ص ۲۷۴ - ۲۷۶.

۳. انفال، آیه ۶۰.

خریدار اسلحه و مهمات آمریکایی در جهان تبدیل گردیده بود.<sup>۱</sup> حال آنکه پس از انقلاب اسلامی، ایران به عنوان یکی کشورهای موفق در عرصه پیشرفت‌های نظامی دفاعی شناخته می‌شود و طبق گزارش مؤسسه «گلوبال فایرپاور»، از این نظر، در رتبه ۲۳ جهان قرار دارد.<sup>۲</sup>

تجربه جنگ تحمیلی و همت بلند فرزندان انقلاب، سبب گردید تا با اتکا به سرمایه‌های داخلی کشور، گام‌های ارزشمندی در زمینه صنایع موشکی، تجهیزات راداری، طراحی و ساخت پهپاد ملی، پدافند هوایی و دیگر عرصه‌های مرتبط با این حوزه برداشته شود؛ برای نمونه، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ساخت موشک دوربرد بالستیک «عماد» با قابلیت هدایت و کنترل تا لحظه اصابت به هدف؛

- رادار بلند «قدیر» با قدرت آشکارسازی انواع هواپیما در بُرد ۶۰۰ کیلومتر؛

- رادار «فتح ۱۴» برای کشف و اتصال به سامانه‌های موشکی؛

- موشک نقطه‌زن «فاتح ۳۱۳» با بُرد ۵۰۰ کیلومتر؛

- موشک کروز «نصر» با قدرت نصب بر انواع جنگنده‌ها؛

- سامانه هوشمند فرماندهی و کنترل پدافند «پیامبر اعظم» برای هدایت، رهگیری اهداف و تصمیم‌سازی در سامانه‌های موشکی؛

- اژدر پیشرفته «والفجر» با قدرت تخریب بالا در اهداف و شناورهای بزرگ دریایی؛

- هواپیمای «دوزیست» ایران با قابلیت‌های اطلاعاتی، عملیاتی و امدادی؛

---

۱. فرد هالیدی، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، ص ۱۰۳ -

۱۰۴.

۲. خبرگزاری صدا و سیما، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۱/۱۴، کد خبر: ۱۴۹۰۹۳۱، نشانی:

- سیستم «سماوات» برای شناخت و امکان واکنش در برابر اهداف بدون دخالت نیروی انسانی در پدافند هوایی؛
- نسل جدید «لباس‌های محافظ» در برابر عوامل شیمیایی و بیولوژیکی؛
- طراحی پهپاد جدید «صاعقه» بر اساس پهپاد RQ170 آمریکا؛
- و ده‌ها دستاورد دیگر محصول تلاش دانشمندان و متخصصان کشور در وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح اعم از سپاه و ارتش.<sup>۱</sup>

## ۶. عرصه خدمات‌رسانی

در سال ۱۳۵۷ مجموع راه‌های اصلی و فرعی کشور، حدود ۳۶ هزار کیلومتر بود؛ حال آنکه در پایان سال ۱۳۸۵ مجموع راه‌های اصلی و فرعی کشور، حدود ۱/۰۰۷/۱۹۸ کیلومتر بوده است. در شبکه ریلی کشور نیز در حال حاضر ۶۱۰۰ کیلومتر شبکه اصلی و بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر شبکه فرعی راه آهن وجود دارد و در واقع، سالانه ۶۰۰ کیلومتر راه آهن احداث شده است.

در زمینه «گازرسانی»، تا قبل از انقلاب اسلامی، فقط ۵ شهر از لوله‌کشی گاز بهره‌مند بودند که این شهرها نیز عمدتاً در مسیر خط لوله سراسری قرار داشتند؛ حال آنکه تنها در فاصله سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۹ به اندازه ۶۲ برابر کل دوران گذشته، انشعاب گاز طبیعی نصب گردید.<sup>۲</sup> هم‌اکنون، نه تنها بیشتر مناطق شهری کشور از این نعمت بهره‌مندند، بلکه مناطق روستایی نیز از این موهبت خدادادی استفاده می‌کنند و تعداد ۵۰ هزار انشعاب آن روزها، به حدود ۱۳/۵ میلیون انشعاب رسیده و بیش از ۱۰ هزار روستا از نعمت گاز بهره‌مند شده‌اند.<sup>۳</sup>

۱. همان.

۲. معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه، ۹۲ دستاورد انقلاب اسلامی، ص ۲۷۴ - ۲۷۶.

۳. باشگاه خبرنگاران جوان، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۴/۱۱/۲۲، «مقایسه رشد اقتصادی قبل و بعد

میزان «آب» تولیدی کشور در طول حاکمیت رژیم پهلوی تا سال ۱۳۵۷، به ۱/۵ میلیارد متر مکعب رسید؛ درحالی‌که این مقدار در طول دو دهه جمهوری اسلامی، یعنی تا سال ۱۳۷۵ به ۳/۸ میلیارد متر مکعب رسید. طول شبکه آب کشور در سال ۱۳۵۷، به میزان ۲۴/۵ هزار کیلومتر بود؛ اما در سال ۱۳۹۴ در کل کشور ۴۵۰ هزار کیلومتر شبکه آب‌رسانی شهری و روستایی وجود داشته است. تعداد شهرهای تحت پوشش آب شهری، از ۴۵ شهر به ۱۱۱۳ شهر در حال حاضر افزایش یافته است. آب‌رسانی به روستاها، از ۱۲۰۰۰ روستا در سال ۱۳۵۷ به ۳۳۲۹۷ روستا در سال ۱۳۹۱ رسیده است.<sup>۱</sup> در زمینه «برق‌رسانی» نیز باید گفت پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و در اوج فعالیت رژیم طاغوت، تنها ۳/۱ میلیون مشترک برق خانگی، عمومی، صنعتی و کشاورزی وجود داشت؛ درحالی‌که این رقم در سال ۱۳۹۲ به ۱۴/۳۰۴/۰۰۰ مشترک رسیده است.

### سخن پایانی

انقلاب اسلامی ایران، تبلور اراده افشار گوناگون مردمی مؤمن و ستمدیده در برابر رژیمی مستبد برای تحقق احکام، ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی بود. ماهیت اسلامی انقلاب، سبب گردید تا استکبار جهانی تمام توان خویش را برای عدم کامیابی ملت ایران به کار گیرد؛ حمله نظامی، کودتا و اعمال تحریم‌های سنگین در ابعاد علمی، فناوری، صنعت، تجارت، پتروشیمی، صنایع هوایی و دریایی، از اولین اقدام‌های دشمن بود؛ ولی به خواست خداوند

۱. شبکه اطلاع‌رسانی راه دانا، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۱/۱۶، شناسه خبر: ۱۰۲۷۴۷۵،

«مقایسه وضعیت بهداشت و درمان قبل و بعد از انقلاب اسلامی»، نشانی: [www.dana.ir](http://www.dana.ir)

همه آنها ناکام ماند. جنگ تحمیلی هشت‌ساله که به از دست دادن سرمایه‌های بزرگ انسانی و وارد آمدن خسارت‌های سنگین به تأسیسات زیربنایی کشور و تحمیل هزینه‌های گزاف بر بودجه کشور منجر گردید، توطئه دیگر استکبار جهانی برای سد کردن راه انقلاب در مسیر خدمت به مردم و کشور بود. افزون بر این، راه‌اندازی تیم‌های ترور و شهادت چهره‌های سرشناس، متخصص و انقلابی که سرمایه‌های فکری و عقیدتی نظام به شمار می‌رفتند، مسیر انقلاب اسلامی را با سنگلاخ‌های فراوان روبه‌رو ساخت. با وجود این، انقلاب اسلامی در مسیر حرکت پُرشتاب خویش، موانع پیش رو را با موفقیت پشت سر گذاشت و برای تحقق آرمان‌های بلند خود، گام‌های درخشانی برداشت. این در حالی است که جمعیت کشور رشد بیش از دو برابری را تجربه کرده و درآمدهای ناشی از نفت به عنوان منبع اصلی درآمد کشور که در فاصله سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ بالغ بر ۳۸ میلیارد دلار بود،<sup>۱</sup> به دلیل کاهش تولید نفت از شش میلیون بشکه در روز به ۲/۵ میلیون بشکه، و ثابت ماندن قیمت آن تا سال‌های متمادی پس از انقلاب اسلامی، به شکل چشمگیری کاهش یافته بود.

۱. پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب؛ از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ص ۳۹۰.

## بررسی رشد سیاسی و مذهبی مردم در عصر امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمیدالله رفیعی زابلی\*

### اشاره

امام حسین علیه السلام، سومین امام معصوم، پس از شهادت امیر مؤمنان علیه السلام مدت ده سال در کنار برادر بزرگوارش، حسن بن علی علیه السلام قرار داشت؛<sup>۱</sup> تا اینکه بعد از شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام در سال ۴۹ قمری، رهبری شیعیان را در اختیار گرفت.<sup>۲</sup> مراد از عصر امام حسین علیه السلام در این مقاله، آغاز امامت ایشان تا زمان شهادت آن حضرت را دربرمی گیرد. برای بررسی وضعیت سیاسی و مذهبی مردم عصر امام حسین علیه السلام، ناگزیر از ریشه‌یابی جریان‌های سیاسی و مذهبی این دوره هستیم و به همین جهت، آنچه در نوشتار حاضر ارائه شده، بررسی گروه‌ها و گرایش‌های مذهبی و سیاسی در زمان امام حسین علیه السلام و میزان رشد یا انحراف آنها می‌باشد.

### الف. گروه‌ها و گرایش‌های مذهبی و سیاسی

در عصر امام حسین علیه السلام بررسی سه مذهب: شیعه، خوارج و عثمانیه حایز اهمیت است:

---

\* مدیر گروه ادیان و مذاهب مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم.

۱. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۱۴۳.

۲. رسول جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، ص ۵۵.

## ۱. شیعه

مذهب شیعه امامیه، به وسیله شخص پیامبر اسلام ﷺ نام‌گذاری شده است. نخستین نامی که در روزگار رسول خدا ﷺ آشکار گردید، شیعه بود؛<sup>۱</sup> اما عنوان شیعه در عصر پیامبر اسلام ﷺ به صورت یک مذهب مطرح نبوده، به مرور زمان با انسجام عقاید شیعی و رهبری امامان اهل بیت علیهم‌السلام، به شکل مذهب مستقل در برابر سایر مذاهب اسلامی خود را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه نهضت عاشورا، نهضتی کاملاً شیعی و اسلامی بود، لازم است سیر تحولات مذهب شیعه تا عصر امام حسین علیهما السلام مورد بررسی قرار گیرد.

## - مذهب علوی یا تشیع سیاسی

پس از قتل عثمان و خلافت امیر مؤمنان علیهما السلام، دو گرایش عثمانی و علوی در میان مسلمانان به وجود آمد. در این زمان، «شیعه» به کسی گفته می‌شد که علی علیهما السلام را بر عثمان مقدم می‌داشت. از این رو، اصطلاح شیعی و عثمانی رایج بود.<sup>۲</sup> گرایش مردم کوفه به امیر مؤمنان علیهما السلام، از نظر تاریخی به مذهب علوی و یا تشیع سیاسی، و به تعبیر برخی از محققان به تشیع عراقی معروف است. از منظر این تفکر، شیخین (ابوبکر و عمر) نیز خلیفه مشروع بوده و بنا به گفته قاضی عبدالجبار معتزلی، اعتقاد به برتری شیخین بر امیر مؤمنان علیهما السلام، از اعتقاد تشیع سیاسی بوده است. چه بسا در برخی موارد، سنت شیخین را بر سنت علی علیهما السلام ترجیح می‌دادند؛ به طوری که در کیفیت تقسیم غنایم در جنگ جمل به امام گفتند: «أَعْطِنَا سُنَّةَ الْعُمَرَيْنِ.» و یا اینکه وقتی امام دستور منع نماز تراویح را صادر کرد، تعداد بسیاری از کوفیان که در مسجد جمع شده بودند، فریاد

۱. سید محمد مهدی جعفری، دائرة المعارف تشیع، ص ۳-۵.

۲. سعد بن عبدالله اشعری قمی، المقالات والفرق، ص ۱۵۵.



«وَأَعْمَرَهُ» سر دادند.<sup>۱</sup>

### - تشیع مذهبی یا اعتقادی در کوفه

از زمان ورود امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به کوفه، تشیع وارد مرحله جدیدی شد و این خود امام بود که در گسترش و تثبیت تشیع در میان کوفیان نقش اساسی بازی کردند. آن حضرت در آغاز ورود خویش به کوفه، در صحن مسجد کوفه اصحاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را درباره حدیث غدیر به شهادت طلبید و در حدود سیزده نفر صحابی شهادت دادند که ما از رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خدا شنیدیم که فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلَى مَوْلَاةٍ؛ هر که من مولای او هستم، پس، علی مولای اوست.»<sup>۲</sup>

### - شیعیان مذهبی در زمان قیام امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ در شهر کوفه

در عصر امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ، در شهر کوفه شیعیانی قابل توجهی حضور داشتند. دلیل بر آن، این است که وقتی شیعیان کوفه عدم بیعت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ با یزید را شنیدند، تصمیم گرفتند تا امام را به کوفه بیاورند. آنان برای این منظور، در منزل سلیمان اجتماع کردند و از کار حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و آمدنش به مکه آگاه شدند و گفتند: به او نامه می نویسیم تا به کوفه بیاید. البته عده‌ای از اشراف فرصت طلب هم در این نامه نویسی مشارکت کردند که پس از آشکار شدن نشانه‌های فروشدن جنبش شیعی، در کربلا حاضر شدند و در رأس سپاه کوفه بر ضد امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ جنگیدند که این حرکت آنان، نشان از هماهنگی آنان در یک توطئه دارد.<sup>۳</sup>

در بصره نیز شیعیانی وجود داشتند و به همین دلیل، امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ به همراه غلامش که «سلیمان» نام داشت، نامه‌هایی برای شیعیان بصره نوشت.

۱. محمدرضا هدایت‌پناه، جریان‌شناسی فکری معارضان قیام کربلا، ص ۸-۹.

۲. احمد بن حنبل شیبانی، مسند احمد، ج ۱، ص ۸۴ و ۸۸.

۳. رسول جعفریان، حیات فکری-سیاسی امامان شیعه، ص ۲۰۵.

عبیدالله بن زیاد، حاکم بصره، از آمدن سلیمان آگاه شد و او را دستگیر کرد و به دار آویخت.<sup>۱</sup>

## ۲. فرقه خوارج

فرقه خوارج، در جنگ صفین از میان لشکر امام علی علیه السلام سر برآوردند. شعار این فرقه این بود که: «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ؛ حکومتی، جز حکومت خدا نیست.» امیر مؤمنان، علی علیه السلام در پاسخ به این کلام فرمود: «كَلِمَةُ حَقٍّ أُرِيدَ بِهَا بَاطِلٌ؛ این، کلمه‌ای حق است که از آن، باطل اراده شده است.»<sup>۲</sup>

مرکز این فرقه در «حروراء»، روستایی در پشت کوفه بود. به همین جهت، به خوارج، حروری می‌گفتند.<sup>۳</sup>

با وجود سرکوب خوارج در جنگ نهروان، سیاست‌های غیراسلامی معاویه باعث شد که خوارج کوفه، در زمان او قدرت بگیرند. آنان در کوفه چندین بار قیام کردند؛ ولی کارشان به وسیله حاکمان کوفه به شکست انجامید. آخرین سرکوبی خوارج در کوفه، توسط ابن زیاد، پس از به عهده گرفتن زمام امور کوفه انجام گرفت. بنابراین، با توجه به درگیری خوارج با امویان، شاید بتوان گفت آنان در جریان نهضت حسینی، با هیچ‌یک از دو طرف، همکاری نکرده‌اند.<sup>۴</sup>

## ۳. فرقه سیاسی - مذهبی عثمانیه

هنگامی که بی‌درنگ بعد از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در سقیفه بنی ساعده ابو بکر

۱. همان، ص ۲۰۶ - ۲۰۸.

۲. محیی‌الدین یحیی بن شرف نووی، المجموع شرح المذهب «مع تکملة السبکی والمطیعی»، ج ۱۹، ص ۲۱۸.

۳. محمدی ری شهری، دانشنامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن و حدیث و تاریخ، ج ۳، ص ۳۱۱.

۴. همان، ج ۵، ص ۳۲۳.

به عنوان خلیفه تعیین گردید،<sup>۱</sup> گروهی از مردم در برابر امام علی علیه السلام قرار گرفتند که عنوان خاصی نداشتند؛ بلکه به «طرفداران خلفا» (عمر و ابوبکر) معروف بودند. این گروه، بنا بر قول ابوحاتم رازی، بعد از کشته شدن عثمان در زمان معاویه و بعد از آن، به «عثمانیه» نامیده شدند. شیعیان علی علیه السلام در این زمان به نام «علویه» شهرت داشتند تا اینکه در زمان عباسیان، نام علویه و عثمانیه نسخ گردید و علویه به نام پیشین خود، یعنی شیعه برگشت و بر دیگران، اسم اهل سنت گذاشته شد و این اسم تا امروز ادامه دارد.<sup>۲</sup>

بنابراین، در عصر امام حسین علیه السلام مذهبی تحت عنوان «اهل سنت» وجود نداشت و مذهب عثمانی، در این زمان در برابر مذهب علوی و شیعه قرار داشت. عثمانیه، اصطلاح سیاسی و نام فرقه‌ای است که بستر تاریخی آن به کشته شدن عثمان و حوادث پس از آن بازمی‌گردد. اولین نمود تفکر عثمانی و تقابل سیاسی - نظامی آن با تفکر علوی، در جنگ جمل در سال ۳۶ ق بود که به شکست انجامید. در تفکر عقیدتی فرقه عثمانیه، خلافت سه خلیفه اول مطرح بوده و خلافت امام علی علیه السلام مورد قبول نبوده است؛ اما نوع افراطی آن، در ناصبی‌ها ظاهر می‌شد که با سب و لعن امیر مؤمنان علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام همراه بود.<sup>۳</sup>

### الف- مذهب عثمانی در کوفه

کوفه، مرکز شیعه عقیدتی و سیاسی بود و بیشتر آنها از نوع تشیع سیاسی بودند و جمعیتی اندک، به تشیع مذهبی گرایش داشتند. تشیع سیاسی که خلافت عمر و

۱. محمدبن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۹۱.

۲. علی ربانی گلپایگانی، فرق و مذاهب کلامی، ص ۱۶۸.

۳. محمدرضا هدایت‌پناه، جریان‌شناسی فکری معارضان قیام کربلا، ص ۱۲ - ۱۶.

ابوبکر را مشروع دانسته، آنان را بر امام علی علیه السلام مقدم می‌داشتند، در اثر حکومت رسمی امویان استعداد نزدیک‌شدن به مذهب عثمانیه را داشتند. همچنین، در کوفه وجود پیروان مذهب عثمانیه در زمان امام علی علیه السلام منتفی نبوده است؛ ولی گسترش و نهادینه‌شدن مذهب عثمانیه در کوفه، از سوی امویان، به‌ویژه معاویه بن ابوسفیان انجام گرفت. این تلاش امویان، در حدی بود که مذهب سفیانی، هم‌ردیف مذهب عثمانی شد و هر دو در سرکوبی علویان، هم‌هدف بودند.

معاویه، به‌ویژه بعد از صلح با امام حسن علیه السلام، برای شیعه‌زدایی شهرهای عراق، خاصه شهر کوفه و تقویت مذهب عثمانیه در این شهرها، تلاش همه‌جانبه‌ای نمود و برای این مقصود، حاکمان عثمانی مذهب را بر این شهرها می‌گماشت و از سیاست ارباب و تطمیع در تغییر افکار و عقاید استفاده می‌کرد و از عثمانی مذهببان، به‌خصوص در شهر کوفه حمایت می‌کرد. سیاست‌های شیعه‌زدایی معاویه در دهه‌های چهل و پنجاه این بود که حتی افرادی را که در جنگ‌ها امیر مؤمنان علیه السلام را همراهی کرده بودند، از گذشته خود پشیمان سازد و مذهب فکری آنان را از تشیع سیاسی به عثمانی تبدیل کند.

به‌هرحال، با توجه به سیاست‌های امویان و تغییرات سیاسی آنان که زمینه‌های قبلی آن در کوفه به وجود آمده بود، شاهد جمعیت قابل توجهی از عثمانی مذهب‌ها در کوفه هستیم و همین عثمانی مذهب‌ها بودند که لشکر بزرگ ابن‌زیاد را در برابر امام حسین علیه السلام تشکیل دادند.<sup>۱</sup>

#### ب. چگونگی عقاید مردم عراق

در عراق، شهر کوفه از حیث اعتقادی و سیاسی، نمودی خاصی دارد. شهر کوفه،

در پی فتوحات عراق و ایران در سال ۱۷ق تأسیس شد. این شهر، همیشه پایگاه تشیع شناخته شده است.<sup>۱</sup> پیشینه تاریخی تشیع در کوفه، نشان می‌دهد تا زمان عثمان که در سال ۲۳ق به خلافت رسید، اندیشه‌های امام علی علیه السلام، به خصوص از جنبه مذهبی، در میان توده کوفیان مطرح نبوده است؛ بلکه آنان پیرو مکتب خلفا بوده‌اند. از این رو، هرگاه کسی در میان کوفیان از فضایل امام علی علیه السلام سخنی می‌گفت، از سوی مردم کوفه رانده می‌شد.<sup>۲</sup>

ظهور و گسترش سیاست‌های انحرافی عثمان، اعتراض‌های مسلمانان، به خصوص کوفیان را برانگیخت. امام علی علیه السلام موضع میانجیگری را در میان نیروهای معترض و عثمان داشت؛ اما با وجود این امر، طبیعی بود که مخالفت‌های امیر مؤمنان علیه السلام با سنت‌ها و سیاست‌های غلط عثمان، توجه معترضان را به خود جلب کند. پس از قتل عثمان، با وجود طلحه و زبیر - دو تن از رهبران معترضان - عایشه شک نداشت که یکی از آن دو، برای خلافت برگزیده خواهد شد؛ اما انصار و نیروهای یمنی کوفه و دیگران، تنها سراغ امیر مؤمنان علیه السلام رفتند و به اصرار زیاد، او را خلیفه خود انتخاب کردند.<sup>۳</sup>

با توجه به شواهد و سخنانی که به هنگام بیعت ایراد شد، به نظر می‌رسد که دو گرایش سیاسی و اعتقاد دینی در میان کوفیان در این انتخاب نقش داشته است؛ ولی به طور کلی، این انتخاب، یک انتخاب سیاسی بوده است؛ نه عقیدتی.<sup>۴</sup>

بیشتر کوفیان، گرایش علوی داشتند و معتقد بودند که علی علیه السلام علاوه بر اینکه بر عثمان برتری دارد، هیچ‌گونه دخالتی در کشته شدن عثمان نداشته و حتی در

۱. همان، ص ۳.

۲. همان، ص ۵.

۳. همان، ص ۵ - ۶.

۴. همان، ص ۶.

کمک به او از هیچ کوششی دریغ نورزیده است و خلافت او با توجه به بیعت اصحاب رسول خدا ﷺ، اعم از مهاجران و انصار و بزرگان از تابعین و نیز بیعت عمومی مردم، یک بیعت کامل و مشروع بوده است. اصطلاحی که برای اظهار چنین عقیده‌ای بیان می‌شد، دین علی در مقابل دین عثمان بود. بنابراین، از مهم‌ترین موضوعاتی که در نهضت‌های شیعی بر ضدّ شام و جنگ‌های در میان آنان رخ داده و نقش مهمی را که در برانگیختن دو سپاه داشته، تفکر مذهب علوی و عثمانی بوده است.<sup>۱</sup>

در عصر امام حسین علیه السلام، مردم عراق یا ساکنان دو شهر بصره و کوفه که ترکیبی از قبایل مختلف مهاجر، به‌ویژه یمنی‌ها بودند، از سلطه شام در هراس بودند. مردم بصره که به جهت جنگ جمل، بیشتر عثمانی‌مذهب شدند و شماری شیعه هم در میانشان بود؛ اما بسیاری از مردمان کوفه، شیعه‌مذهب بودند. کسانی هم بعد از صفین، خارجی‌مذهب شدند. عده فراوانی نیز هیچ‌کدام از این دو را نمی‌خواستند؛ همان‌طور که بنی‌امیه را نمی‌پسندیدند. شیعیان عراق، نیرومند بودند و بر حمایت از امام حسین علیه السلام اصرار داشتند. شاهد آنکه وقتی امام حسن علیه السلام به شهادت رسید، آنان تسلیت‌نامه‌ای فرستاده، ارادت خود را به عنوان شیعه امام حسین علیه السلام به حضرت ابلاغ کردند و از امام خواستند تا نزد آنها برود؛ اما حسین بن علی علیه السلام دعوت آنان را نپذیرفت.<sup>۲</sup>

### ج. عقاید و موضع سیاسی مردم مدینه و مکه

شهر مکه که از شهرهای مهم بود، در عصر امام حسین علیه السلام هیچ‌گاه به عنوان یک شهر شیعی سابقه‌ای نداشته است. در این عصر، شهرهای عراق، به‌ویژه کوفه و

۱. همان، ص ۷.

۲. رسول جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، ص ۴۵.

بصره، اهمیت داشته است؛ زیرا یک سوم مردم کوفه شیعه بودند. شماری شیعه نیز در بصره زندگی می کردند. بنابراین، شهر کوفه مرکزیت شیعه را تشکیل می داد.<sup>۱</sup>

مردم مکه و مدینه، به خصوص انصار، غالباً از امویان منتفر بودند. اینها طرفدار خط میانی قریش بوده و پس از جمل و صفین که شماری فراوانی از انصار در آن از امام علی علیه السلام حمایت کردند، ساکنان مدینه طالب خط علوی نبوده و بیشتر جانبدار مشی عبدالله بن زبیر و یا عبدالله بن عمر بودند؛ با این تفاوت که امید انقلابی های این جمعیت، ابن زبیر بود.<sup>۲</sup>

#### د. عقاید و موضع سیاسی مردم شام

مردم شام که شامل مردم سوریه، اردن و فلسطین می شد، همگی از هواداران امویان بودند. مردم شام با تمام وجود از معاویه دفاع می کردند تا سلطنت میانشان بماند. وقتی معاویه در حال احتضار بود، آنان به دیدار معاویه آمدند و پس از آن، با ترس اظهار کردند: «وَكَاَنَّ الْبَيْعَةَ مِنْ بَعْدِهِ تَخْرُجُ مِنْ آلِ أَبِي سُفْيَانَ إِلَى آلِ أَبِي تَرَابٍ؛ لَا وَاللَّهِ، لَا تَرْضِي بِذَلِكَ أَبَدًا»<sup>۳</sup>؛ گویی بیعت بعد از معاویه، از آل ابوسفیان بیرون رفته، به آل ابوتراب برسد؛ نه خیر، به خدا سوگند! ما به این امر راضی نخواهیم بود.» سران شام در حضور معاویه که در حال احتضار بود، جمع شدند و در ضمن سخنانی، از علی بدگویی کردند و به جهت جنگ صفین که ضمن آن بسیاری از شامیان کشته شدند، به معاویه گفتند که اجازه نخواهند داد خلافت به فرزندان او برسد و به او گفتند خلافت را در دست پسرش قرار دهد.<sup>۴</sup>

۱. رسول جعفریان، حیات فکری - سیاسی امامان شیعه، ص ۲۰۵.

۲. رسول جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، ص ۴۵.

۳. احمد بن اعثم الکوفی، الفتوح، ج ۴، ص ۳۴۶.

۴. رسول جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، ص ۴۵ - ۴۶.

## ۵. انحراف عقیدتی و سیاسی عامه مردم توسط امویان

مردم شام خاندان اموی را از نسل پیغمبر می‌شناختند و از خود معاویه هم نقل شده است که به آنها می‌گفت: «نَحْنُ شَجَرَةُ رَسُولِ اللَّهِ.» آنان همچنین، خود را وارث خون عثمان می‌دانستند. یزید در اولین سخنرانی خود، لباس خونی عثمان را بر تن کرد و به منبر درآمد و به مردم شام گفت: «نَحْنُ أَهْلُ الْحَقِّ وَأَنْصَارُ الدِّينِ؛<sup>۱</sup> ما اهل حق، و یاری‌کنندگان دین هستیم.»

مردم شام و حتی آنانی که در مدینه از امویان پیروی می‌کردند، به شدت تحت تأثیر احادیث مجعول در فضایل معاویه و خاندان او قرار گرفته، به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و خاندان آن حضرت نگاهی منفی داشتند. دستگاه اموی از شگردهای مختلفی برای دور نگهداشتن مردم از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ استفاده می‌کردند؛<sup>۲</sup> در ادامه، به نمونه‌هایی از این روش‌ها اشاره می‌کنیم.

### ۱. استفاده از مفاهیم سیاسی دوپهلوی

در عصر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ بود که از مفهوم سیاسی دوپهلوی برای آرام‌کردن مردم و رسیدن امویان به اهدافشان استفاده می‌کردند. استفاده از تعبیر «جماعت»، یکی از تعابیری است که عبدالله عمر در شب بیعت گرفتن برای یزیدبن معاویه به زبان آورد و خطاب به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و عبدالله بن زبیر گفت: «إِتِّقِيَا اللَّهَ وَلَا تُفَرِّقَا بَيْنَ جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ؛<sup>۳</sup> تقوای الهی پیشه کنید و بین جماعت مسلمانان اختلاف نیندازید.» این عقیده شخصی عبدالله عمر، مستمسک بنی‌امیه قرار گرفت و بر این مسئله تأکید ورزیدند و مخالف با جماعت را به معنای خروج از دین می‌دانستند.

۱. همان، ص ۴۵.

۲. همان، ص ۴۷.

۳. ابن‌کثیر، البداية والنهاية، ج ۸، ص ۱۴۸.



## ۲. مفهوم بیعت و بیعت شکنی

چیزی دیگری که در میان مردم این عصر نهادینه شده بود، مفهوم بیعت و بیعت شکنی بود. معاویه مفهوم سیاسی شکستن بیعتی را که به زور از مردم می گرفت، به مثابه خروج از دین اسلام در میان مردم تثبیت کرده بود و با این شگرد، اهداف شوم خود را بر مردم تحمیل می کرد. مردم نیز این مسئله را پذیرفته بودند و از این رو، مردم شام و حامیان بنی امیه در سایر شهرها، امام حسین علیه السلام و یارانش را خارجی می گفتند.

هنگامی که عایشه به معاویه گفت: تو برادرم عبدالرحمن، پسر عمر، عبدالله بن زبیر و حسین فرزند فاطمه را تهدید کرده ای و مثل تو نمی تواند آنان را تهدید کند، معاویه در پاسخ او گفت: ای ام المؤمنین آرام باش! برادرت از چشمم بر من عزیزتر است؛ اما من برای پسرم یزید بیعت گرفته ام و همه مسلمانان هم با او بیعت کرده اند. آیا عقیده تو این است که بیعتی را که تا این اندازه تأکید شده، نقض کنم و مردم پیمان خویش را نقض کنند؟ عایشه پاسخ داد: عقیده من این نیست؛ اما با نرمی و مدارا با مردم برخورد کن.<sup>۱</sup>

ملاحظه می شود که حتی همسر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز تحت تأثیر این سیاست معاویه قرار گرفته و شکستن بیعتی را که با زور گرفته شده، جایز نمی داند.

## ۳. مفهوم فتنه

پدیده سیاسی و دینی دیگری که در این عصر در میان مردم به نفع سیاست های بنی امیه جا افتاده بود، مفهوم فتنه است. هرکسی در برابر دستگاه حکومتی معاویه و یزید قرار می گرفت، با سلاح دینی و سیاسی فتنه گر در جامعه معرفی می گردید؛ مثلاً مروان بن حکم با نوشتن نامه به معاویه که در آن می نویسد: «إِنِّي

۱. احمد بن اعثم الکوفی، الفتوح، ج ۴، ص ۳۳۷.

لَسْتُ أَمِنَ أَنْ يَكُونَ حُسَيْنَ مَرَصِدًا لِّلْفِتْنَةِ وَأَظُنُّ يَوْمَكُمْ مِنْ حُسَيْنٍ طَوِيلًا»،<sup>۱</sup> امام حسین علیه السلام را متهم به فتنه‌انگیزی می‌کند. او در این نامه می‌گوید من در این باره ایمن نیستم که حسین منبع فتنه شود و تصور می‌کنم داستانی طولانی با حسین خواهید داشت.

معاویه وقتی در پی این نامه مروان به امام حسین علیه السلام نامه می‌نویسد، امام پاسخ بسیار تندی برای معاویه می‌فرستد:

«أَتَانِي بِكِتَابِكَ وَأَنَا بَعِيرُ الْأَذَى بَلَعَكَ عَنِّي جَدِيرٌ وَمَا أَرَدْتُ لَكَ مُحَارِبَةً وَمَا أَظُنُّ لِي عِنْدَ اللَّهِ عُذْرًا فِي تَرْكِ جِهَادِكَ وَمَا أَعْظَمُ فِتْنَةً مِنْ وِلَايَتِكَ هَذِهِ الْأُمَّةُ؛<sup>۲</sup> نامه‌ای از جانب تو رسید که در آن نسبت‌هایی داده بودی که سزاوار من نیست. من قصد محاربه و جنگ با تو ندارم؛ اما گمان نمی‌کنم در ترک جهاد با تو در پیشگاه خداوند بزرگ، عذر و بهانه‌ای داشته باشم و بدان که امروز هیچ فتنه‌ای برای امت اسلامی، بزرگ‌تر از حکومت تو بر آنان نیست.»

#### ۴. نظام قبیله‌ای

نظام قبیله‌ای، از اموری است که در عصر امام حسین علیه السلام بر مردم حاکم بود. رؤسای قبایل و اشراف، نقش مهمی در جهت‌دادن مردم داشتند و همه افراد تحت سلطه رئیس قبیله، به راحتی دستور و سخن او را می‌پذیرفتند.<sup>۳</sup> در عصر امام حسین علیه السلام یکی از آفت‌های تباہ‌کننده جامعه، همین نظام قبیله‌ای بود که سران قبیله از سوی سیاست‌مداران اموی به راحتی قابل خرید بوده، پیروان آنان بدون اینکه از حقایق باخبر باشند، از آنها پیروی می‌کردند. این سیاست، همراه

۱. ابن‌عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۲۰۵.

۲. همان، ص ۲۰۶.

۳. رسول جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، ص ۴۸.

با ایجاد رعب و ترس، در حادثه عاشورا نقش اساسی علیه قیام امام حسین علیه السلام بازی کرد. از این رو، عبیدالله بن زیاد با اعمال روش استبدادی و همراه کردن اشراف با خویش، توانست کوفه را در سلطه خود بگیرد و مردم را پراکنده کند تا مُسلم در کوفه تنها بماند.<sup>۱</sup>

### پاسخ به یک شبهه

برخی این شبهه را مطرح نموده‌اند که خود شیعیان کوفه امام حسین علیه السلام را به شهادت رساندند؛ زیرا اینان امام را دعوت نموده، سپس به ایشان خیانت کردند. در پاسخ به این شبهه باید گفت: در آن زمان، شیعه به معنای مصطلح امروزی وجود نداشته است؛ درحقیقت چهار گروه در کوفه وجود داشتند که از امام دعوت کردند:

۱. شیعیان خالص که در اقلیت بودند. اینان همان شیعیانی بودند که امام را همراهی نمودن و به وعده خود وفادار ماندند و در نهایت، به شهادت رسیدند و اگر هم باقی ماندند، قیام‌هایی مانند توّابین را به وجود آوردند.
۲. شیعیان اعتقادی و سیاسی که از ظلم بنی امیه به تنگ آمده بودند.
۳. خوارجی که در کوفه زندگی می‌کردند و در شهادت امام حسین علیه السلام نقش داشتند.

۴. عمّال و پیروان بنوامیه. این گروه، از دشمنان اهل بیت علیهم السلام بودند و می‌کوشیدند با حيله و نیرنگ، به اهداف خود دست یابند. اینان امام را دعوت کرده بودند و بزرگ‌ترین نقش را نیز در قتل امام داشتند.
- افزون بر اهل کوفه، لشکری از شام نیز در کربلا حضور داشت؛ چنان‌که برای

---

۱. رسول جعفریان، حیات فکری - سیاسی امام شیعه، ص ۲۰۸.

این مطلب، شواهدی نیز وجود دارد؛ از جمله از امام صادق علیه السلام می‌پرسند: حکم روزه گرفتن روز تاسوعا و عاشورا چگونه است؟ آن حضرت می‌فرماید:

«تاسوعا، روزی است که حسین و یارانش در کربلا به واسطه سپاهیان شام محاصره شدند... ابن‌زیاد و عمر سعد از زیادی لشکر خویش خوشحال شدند.»<sup>۱</sup> در این زمینه، شیخ صدوق رحمته الله به سند خود این گونه روایت می‌کند: «امام حسین علیه السلام به جانب راست و چپ نگاهی کرد و هیچ‌کس را ندید. سپس، سر را به آسمان بلند کرد و فرمود: «خدایا! تو می‌بینی که با فرزند پیامبرت چگونه رفتار می‌کنند... در این هنگام، سنان‌بن‌انس و شمر بن‌ذی‌الجوشن به همراه مردانی از اهل شام آمدند.»<sup>۲</sup>

همچنین، درباره روزه روز عاشورا در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده که حضرت فرمود:

«همانا آل امیه و کسانی از شامیان که آنان را در کشتن امام حسین علیه السلام یاری کردند، نذر نمودند که اگر بر حسین پیروز شدند و خلافت را به دست آوردند، این روز را عید بگیرند و به جهت شکرانه آن، روزه بگیرند و این برای آل ابی‌سفیان تا به امروز، سنتی شده است.»<sup>۳</sup> آری، بنی‌امیه روز عاشورا را جشن می‌گرفتند و هم‌اکنون نیز عمل وهابیان بر همین منوال است.

تعداد دقیق سپاهی که از شام در کربلا حضور داشتند، مشخص نیست؛ ولی اسامی عده‌ای از آنان به دست آمده است. این افراد در زمره شامیانی که در کوفه اقامت داشته‌اند، نبوده‌اند؛ بلکه نیروهایی بودند که از شام برای شرکت در قتل سیدالشهداء علیه السلام به کربلا اعزام شده بودند.

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۹۵.

۲. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۱۶۳.

۳. همان، ص ۶۶۷.

شایان توجه است که برخی هواداران بنی امیه برای تبرئه یزیدبن معاویه به این شبهه بی بنیاد دامن می‌زنند که خود شیعیان، امام حسین علیه السلام را دعوت کردند و خود آنان او را کشتند! این، در حالی است که به گواهی تاریخ در کشته شدن امام حسین علیه السلام و یاران با وفای آن حضرت توسط یزید و عمال او، هیچ ابهامی وجود ندارد؛ مثلاً ذهبی در ضمن بیان حرکت امام حسین علیه السلام به سوی کوفه از تهدید ابن زیاد، توسط یزید سخن گفته و می‌گوید: «...از این رو، ابن زیاد حسین را کشت و سر او را برای یزید فرستاد.»<sup>۱</sup>

ابن عساکر می‌گوید: «یزید، عبیدالله بن زیاد را امر نمود تا با حسین به جنگ پردازد و اگر پیروز شد، سر او را برای یزید بفرستد؛<sup>۲</sup> بلکه پیش از آن، هنگامی که امام حسین علیه السلام در مدینه بود، ولیدبن عتبه از سوی یزید مأمور شده بود که سر امام حسین علیه السلام را به او بفرستد و در برابر آن، هدیه ارزشمندی را بگیرد.»<sup>۳</sup>

اینکه شیعیان اعتقادی کوفه به همراه شیعیان سیاسی که از ظلم بنی امیه به تنگ آمده بودند، از امام حسین علیه السلام دعوت کرده بودند، دلیل نمی‌شود که شیعیان خالص، امام حسین علیه السلام را به شهادت رسانده‌اند؛ چه اینکه شیعیان خالص، تا پای جان از امام حسین علیه السلام حمایت نمودند و برخی از آنان، زندانی شدند و برخی هم مقهور سلطه حکومت ابن زیاد شدند و نتوانستند از امام خودشان حمایت کنند.

افزون بر اینها، در این ادعا که امام حسین علیه السلام را شیعیان به شهادت رسانده باشند، تناقض و تضادی آشکار وجود دارد؛ زیرا شیعه در این اصطلاح، به یار و

۱. ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۰۵.

۲. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۴، ص ۲۱۳.

۳. احمدبن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۱۸.

انصار و پیرو امام حسین علیه السلام اطلاق می‌شود و کسانی که با امام حسین علیه السلام پیکار نموده و او را به شهادت رسانده، نمی‌توانند شیعه امام حسین علیه السلام باشند؛ بلکه هرکسی که علیه آن حضرت شمشیر کشیده، از مصادیق روشن دشمن اهل بیت علیهم السلام محسوب می‌گردد. به گفته سعدالدین تفتازانی لعنت خدا بر کسانی باد که این حادثه را به وجود آوردند یا بر این کار شادمان شدند و یا در این امر، کمک کردند.<sup>۱</sup>

۱. سعدالدین تفتازانی، شرح المقاصد فی علم الکلام، ج ۵، ص ۳۱۱.

## اقتصاد مقاومتی، تولید، اشتغال

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدرسول آهنگران\*

### اشاره

کشور ما با در اختیار داشتن منابع غنی نفت و گاز، در رتبه پنجم جهان قرار دارد؛ اما امروزه با مشکلات فراوان اقتصادی روبه‌رو هستیم؛ چراکه بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، رهاورد اقتصاد بیمار و وابسته به صادرات این منابع طبیعی است. دشمن نیز با آگاهی از این وابستگی، اقتصاد کشور را هدف قرار داده و با اتخاذ شیوه‌های گوناگون، به‌ویژه اعمال تحریم‌های ظالمانه، سعی در واردنمودن خدشه به عزت و اقتدار این مرز و بوم دارد. از این‌رو، تلاش برای داشتن اقتصادی سالم و غیرمتکی بر نفت و گاز، از اولویت‌های کشور عزیزمان، ایران، به شمار می‌رود و شعار اقتصاد مقاومتی نیز مبتنی بر همین رویکرد است؛ چنان‌که رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی امسال فرمود: «شعار امسال را اقتصاد مقاومتی، تولید، اشتغال قرار می‌دهیم؛ یعنی اقتصاد مقاومتی، عنوان کلی است؛ بعد تولید و اشتغال.»

---

\* دانشیار دانشگاه تهران.

آنچه در این نوشتار بیان می‌شود، تبیین دو محور مهم اقتصاد مقاومتی، یعنی ترویج تولید داخلی و ایجاد اشتغال است که در هر یک، راهکارها و بایسته‌هایی چند نیز معرفی گردیده است.

## محور نخست: ترویج تولید داخلی

### الف. بایسته‌های رفتاری تولیدکنندگان

#### ۱. خدا باوری و خودباوری علمی و عملی

اندک توّرّق در صفحات تاریخ، بیانگر این مطلب است که در هر جا و در هر دوره‌ای که یک ملت با داشتن روحیه توکل و اعتماد به نفس قدم برداشته و چشم طمع به بیگانگان نیندوخته، موفق به فتح قله‌های پیشرفت و پیروزی شده است و در مقابل، هر جا دست نیاز به سوی اجانب دراز کرده، نه تنها عزت و اقتدار که فرهنگ ناب و اصیل آن نیز به غارت رفته است. کارنامه درخشان ایران اسلامی پس از پیروزی انقلاب و دستیابی به فناوری‌های روز دنیا، مانند: دانش هسته‌ای، سلول‌های بنیادی و تجهیزات دفاعی، همگی مرهون تقویت روحیه توکل و خودباوری ملت، به‌ویژه نیروی مولّد جوان است.

#### ۲. کیفیت‌سازی

داشتن وجدان کاری و ارائه خدمت و کالای بدون نقص و اتقان در کار، همواره مورد توجه اسلام بوده است؛ چنان‌که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يُتَّقِنَهُ»<sup>۱</sup> خداوند متعال دوست دارد که هرگاه فردی از شما کاری کند، آن را محکم [و بی‌عیب] انجام دهد.»

۱. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۶۸۳.



دنیای امروز، دنیای رقابت است و یکی از مهم‌ترین دلایل عدم اقبال بازار داخلی و فرامرزی از مصرف برخی کالاهاى ایرانی، عدم اهتمام تولیدکنندگان در ارائه کالا با کیفیت مناسب است.

متأسفانه، نبود نظارت کافی و عدم کیفیت محصولات صادراتی، باعث صدور کالاهاى بی کیفیت به بازار کشورهای دیگر، به‌ویژه کشورهای همسایه مانند عراق و افغانستان شده که نتیجه آن، بدنامی محصولات ایرانی در این بازارهاست و این امر، موجب شده که کالاهاى دیگر کشورها از جمله ترکیه، جای محصولات ایرانی را پُر نماید.<sup>۱</sup>

### ۳. پرهیز از غش در تولید کالا

«غش»، در لغت به معنای: گول‌زدن، برخلاف باطن سخن گفتن، کالای نامناسب را سودمند جلوه‌دادن و خیانت آمده است.<sup>۲</sup>

در فرهنگ اسلامی، این عمل، ناپسند و مذموم به حساب آمده است؛ چنان‌که پیامبر اکرم سَلَّمَ اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «هرکه با برادر مسلمان خود دغل‌کاری روا دارد، خداوند برکت را از روزی او گرفته، زندگی‌اش را بر وی تباه گرداند و او را به خودش واگذارد.»<sup>۳</sup>

امنیت اخلاقی و روانی، سرمایه‌ای ارزشمند است و غش و فریب‌کاری، سبب بی‌اعتمادی و ضربه به تعاملات اقتصادی و اجتماعی شده، جامعه را در شرایط بحران قرار می‌دهد و راه برکت و پیشرفت را مسدود می‌کند. پیامبر اکرم سَلَّمَ اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

1. <http://www.farsnews.com>

۲. فؤاد افرام بستانی، فرهنگ امجدی، ص ۶۴۱.

۳. «مَنْ غَشَّ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ نَزَعَ اللَّهُ عَنْهُ بَرَكَةَ رِزْقِهِ، وَأُفْسِدَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ، وَوَكَّلَهُ إِلَى نَفْسِهِ.» (شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۸۳)

می‌فرماید: «هرکس در خرید و فروش، مسلمانی را فریب دهد، از ما نیست و در روز قیامت با یهود محشور می‌شود؛ زیرا آنها فریب‌کارترین مردم در حق مسلمانان هستند.»<sup>۱</sup>

## ب. بایسته‌های رفتاری مصرف‌کنندگان

### ۱. بهادادن به تولید داخلی

تولید کالا در گرو تقاضای بازار است و هرچه تقاضا بیشتر باشد، تولید نیز رونق یافته، بسیاری از مشکلات اقتصادی رفع می‌شود؛ به‌ویژه بیکاری که خود منشأ بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی چون طلاق، فقر، اعتیاد و سرقت است. با مصرف کالای داخلی، زمینه اقتدار و خودکفایی کشور بیش از پیش فراهم خواهد شد.

پس از جنگ جهانی دوم، آلمان و ژاپن به کشوری مخروبه و ورشکسته تبدیل شدند و در همان شرایط، به این نتیجه رسیدند که برای عبور از این بحران عظیم، راهی جز تولید داخلی و ایستادن بر پای خویش ندارند. از این‌رو، با همت ملت خویش چرخ کارخانه‌ها را به حرکت درآوردند و قوت غالب خود را برنج و سیب‌زمینی تولید داخلی قرار دادند. این روش، در کوتاه‌مدت و برخی شرایط، مقرون‌به‌صرفه و اقتصادی جلوه نمی‌کرد؛ ولی در درازمدت تبدیل به فرهنگی بنیادین برای ملت شد و در نهایت، به دو قطب اقتصادی و رقیب کشورهای پیشرفته مبدل گردیدند.

متأسفانه، اشاعه فرهنگ تجمل‌گرایی و چشم‌وهم‌چشمی و مصرف کالاهای

۱. «مَنْ عَشَّ مُسْلِمًا فِي شِرَاءٍ أَوْ بَيْعٍ فَلَيْسَ مِنَّا وَ يُحَسَّرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ الْيَهُودِ لِأَنَّهُمْ أَعَشَّ الْحَلْقَ.» (شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۴)

لوکس خارجی و هدررفت سرمایه کشور در این راه و تبدیل آن به نوعی کلاس و تفاخر، یکی از مهم‌ترین دلایلی است که سبب تعطیلی بی سابقه کارخانه‌های معروف و ریشه‌دار ایران شده و البته برای رهایی از این منجلاب، راهی جز روی آوردن به مصرف کالای داخلی و حمایت از تولیدکننده ملی وجود ندارد.<sup>۱</sup>

## ۲. خیرخواهی برای تولیدکننده داخلی و انتقاد سازنده

رفع نقص و تلاش برای زدودن عیوب، یکی از مهم‌ترین راه‌های پیشرفت و رسیدن به قله‌های موفقیت به شمار می‌رود. برای نیل به این هدف، انتقاد و انتقادپذیری، بسیار مهم است؛ چنان‌که دین توجه و ویژه‌ای بدان مبذول داشته و یکی از ارکان اصلی خویش را امر به معروف و نهی از منکر در راستای برطرف نمودن عیوب انسان‌ها مورد توجه قرار داده است. از دیگر سو، انتقادپذیری را به‌عنوان امری پسندیده مورد تأکید قرار داده و در این باره می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»<sup>۲</sup> پس، بندگان مرا که به سخن گوش فرا می‌دهند و آنگاه بهترین آن را پیروی می‌کنند، بشارت ده.»

تولید نیز از این قاعده مستثنا نیست و برای عرضه کالایی که قادر به رقابت با محصولات خارجی و مشابه باشد، باید مصرف‌کننده با داشتن روحیه خیرخواهی تلاش ویژه‌ای در راه رفع نقص مبذول دارد و معایب کار را به هدف بهبود و ارتقا و ایجاد انگیزه‌های بیشتر و تشویق تولیدکننده برای ارائه محصولی با کیفیت‌تر با بیانی شفاف و به دور از تخریب یا بی‌ارزش نمودن کار، بیان کند و تولیدکننده را به ساخت محصول بهتر ترغیب و امیدوار نماید.

1. <http://www.mashreghnews.ir>

### ۳. آگاهی به مصرف کالای داخلی

آگاهی عمومی از تولیدات داخلی و تبعات مثبت استفاده از آن، همچون: اشتغال، رونق اقتصادی، استقلال فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، و نیز تدبیر در پیامدهای منفی مصرف کالای غیربومی و خنثاشدن در برابر تبلیغات و القانات سوداگران خارجی، از مهم‌ترین رسالت‌های آحاد ملت در راستای پیشرفت و توسعه کشور به شمار می‌آید.

### ج. بایسته‌های مسئولان و تصمیم‌گیرندگان امر تولید

برخی از اهم وظایف دولتمردان و مسئولان در امر تولید بدین شرح است:

#### ۱. اتخاذ سیاست‌های حمایتی از تولیدات داخلی

اسلام بر به‌گرددش در آوردن چرخه تولید و بهره‌برداری صحیح و قرار گرفتن دارایی‌ها در مسیر تولید و رونق بخشیدن به آن، تأکید دارد و از آن به «مروت»<sup>۱</sup> و «ایمان»<sup>۲</sup> یاد می‌کند. همچنین، در خصوص به جریان انداختن سرمایه توصیه‌های مهمی دارد؛ چنان‌که از نگاه قرآن کریم، سرمایه‌گذاری که در راستای رفع نیاز جامعه، مال خویش را به کار می‌گیرد، به «مجاهد فی سبیل الله» تعبیر شده و اجری عظیم در انتظار چنین کسانی است.<sup>۳</sup>

کشور ما از لحاظ منابع طبیعی و مواد خام، جزء ثروتمندترین کشورهای جهان به شمار می‌آید و از نظر مساحت نیز نوزدهمین کشور است که ۳۲ کشور جهان را از نظر وسعت در خود جای می‌دهد؛ کشورهایی چون: ژاپن، انگلستان،

۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مِنَ الْمُرُوءَةِ اسْتِصْلَاحُ الْمَالِ.» (شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۶)

۲. «قَالَ الصَّادِقُ ﷺ: إِصْلَاحُ الْمَالِ مِنَ الْإِيمَانِ.» (همان)

۳. «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً.» (نساء، آیه ۹۵)

سوئیس، هلند، آلمان، دانمارک و اتریش.<sup>۱</sup>

با وجود این همه ظرفیت، از مهم‌ترین وظایف کارگزاران امر تولید را می‌توان فراهم آوردن شرایط و جلب و جذب سرمایه‌گذاران، به‌ویژه در سطح کلان و همچنین از طریق بازار بورس برای سرمایه‌گذاری و واگذاری امور به بخش خصوصی و مردم و به عبارت دیگر، جلوگیری از انحراف سرمایه‌گذاری آحاد مردم از تولید به سوی زراندوزی و دلّالی و دفن آن در گاوصندوق‌ها عنوان کرد. امیر مؤمنان، علی علیه السلام می‌فرماید: «اینک سفارش مرا در حق بازرگانان و پیشه‌وران بپذیر و درباره آنها به کارگزارانت نیکو سفارش کن.»<sup>۲</sup>

نقش تصمیم‌گیرندگان امر تولید در این راستا و پرهیز از انحراف و کج‌روی در جهت تکاثر و کنزاندوزی و دفن سرمایه و جریان انداختن آن در تولید و بهره‌وری بهینه، حایز اهمیت ویژه‌ای است. بنابراین، احترام و تکریم سرمایه‌گذارانی که در امر تولید و رفع نیاز بازار مسلمانان و با انگیزه الهی به مجاهدت می‌پردازند و از سوی دیگر، آگاه‌سازی ایشان از زمینه‌ها و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و نیاز بازار و حمایت از ایشان به وسیله رفع موانع و ایجاد کسب‌وکار ایمن، از اساسی‌ترین وظایف مسئولان امر است.

## ۲. اتخاذ سیاست‌های اقتصادی درباره رونق تولید داخلی

- بازنگری و تصحیح سیاست‌های اقتصادی کلان کشور:

استفاده صحیح و بجا از سرمایه‌های طبیعی و انسانی، از مهم‌ترین وظایف مسئولان تصمیم‌گیرنده است. تضییع بیت‌المال، چه با اهمال در امر تولید و فروش خام منابع طبیعی و چه نادیده انگاشتن نیروی کارآمد جوان و متبحر و چه

1. <http://www.farsnews.com>

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

مصرف‌گرایی و ترویج این فرهنگ در جامعه، مورد نهی قرار گرفته است؛ تا جایی که امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«مَنْ وَلِيَ شَيْئاً مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَصَيَّعَهُمْ صَيَّعَهُ اللَّهُ؛<sup>۱</sup> هر که عهده‌دار امری از امور مسلمانان شود و کار ایشان را ضایع کند، حق تعالی او را تباه خواهد کرد.»

مراکز دولتی باید الگوی عملی در زمینه مصرف تولیدات داخلی باشند و از تبلیغ و مصرف کالاهای خارجی که نمونه داخلی دارد، بپرهیزند؛ برای مثال، مهاجرت گانندی، رهبر انقلابی هند، تصمیم گرفت به جای استفاده از پارچه‌های انگلیسی، پارچه دستباف خود از محصولات هندی را بر تن کند. اقدام ساده گانندی، به موجی ملی تبدیل شد و به‌زودی صنایع نساجی انگلیسی واقع در هند به سوی ورشکستگی رفتند؛ به طوری که فقط طی یک روز در بمبئی مردم ۱۵۰/۰۰۰ طاقه پارچه را به شعله‌های آتش سپردند.<sup>۲</sup>

- برقراری ثبات سیاسی:

بنا بر فرمایش قرآن کریم، حضرت ابراهیم علیه السلام پس از بنای کعبه، نخست تقاضای امنیت کرد و سپس، درخواست مواهب اقتصادی نمود<sup>۳</sup> و این خود، گویای این حقیقت که تا امنیت در شهر یا کشوری حکم‌فرما نباشد، فراهم کردن اقتصاد سالم نیز ممکن نیست؛<sup>۴</sup> بی‌ثباتی در ساختارهای سیاسی و اجتماعی، می‌تواند آثار زیان‌باری بر پیکره سیاسی کشورها تحمیل کند و عملکرد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد؛ آثاری همچون: متزلزل شدن حقوق مالکیت فردی، جلوگیری از سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و معاملات اقتصادی، ایجاد محیط

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۴۵.

2. <https://www.tasnimnews.com>

۳. بقره، آیه ۱۲۶.

۴. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۵۲.

غیرقابل پیش‌بینی و با خطرپذیری بالا در سرمایه‌گذاری، سوق بازار به دلّالی و واسطه‌گری و روی‌آوری به فعالیت‌های غیر مولّد.<sup>۱</sup>

#### - امنیت اجتماعی:

اسلام برای حفظ و تأمین امنیت اجتماعی، توجه خویش را به تربیت نیروهای نظامی و انتظامی کارآمد مبذول داشته و به مسئولان و فرماندهان دستور می‌دهد که با این نیروها به‌گونه‌ای شایسته رفتار کنند و علاوه بر رفع نیاز، شرایط دلگرمی و آرامش روانی ایشان را نیز فراهم آورند تا بدین وسیله، موجبات آرامش همه‌جانبه در جامعه فراهم آید.<sup>۲</sup>

#### - برقراری امنیت اقتصادی:

امنیت، بزرگ‌ترین موهبت الهی برای هر مملکتی است؛ تا جایی که در روایات دینی، از بلاد نامن، به بدترین وطن‌ها<sup>۳</sup> تعبیر شده است. در این میان، دولتمردان و رجال حکومتی، بیشترین نقش را در راستای تأمین امنیت و به‌ویژه امنیت اقتصادی بر عهده دارند.

برخورد قضایی با مفساد اقتصادی، به‌ویژه پول‌شویی و اختلاس، مبارزه با رانت‌خواری، ممانعت از اعمال تحریم و تلاش در جهت لغو آن، مبارزه با قاچاق کالا و موادّ مخدر، جلوگیری از واردات بی‌رویه کالاهای لوکس و غیرضروری، تأمین امنیت قضایی و حقوقی و تضمین سرمایه سرمایه‌گذار در ایران و مبارزه با اخلاک‌گران امنیت را می‌توان از مهم‌ترین وظایف دولتمردان و مسئولان امر برشمرد.

---

۱. حسن اصغرپور، کسری حمیدیان و امید منیعی، «اثر بی‌ثباتی بر رشد اقتصادی ایران»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ش ۶۸، ص ۱۷۶.

۲. محمدرسول آهنگران، بنیادهای فقهی حقوقی نظم اجتماعی، ص ۱۵۱.

۳. «شَرُّ الْأَوْطَانِ مَا لَمْ يَأْمَنْ فِيهِ الْقَطَّانُ.» (تمیمی آمدی، غرر الحکم، ج ۴، ص ۱۷۱)

## ۳. فرهنگ‌سازی

ارتقای روحیه معنویت و تلاش در جهت نهادینه‌سازی آموزه‌های دینی، به‌ویژه مبارزه با روحیه تجمل‌گرایی و اسراف، از مؤثرترین راه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی به شمار می‌آید که در این میان، نقش مبلغان و فعالان عرصه علم و فرهنگ و هنر، به‌خصوص رسانه‌ها کلیدی است. تشویق آحاد ملت به واردشدن در عرصه تولید و سرمایه‌گذاری در این راه و آثار برکات مادی و معنوی فراوان آن در جامعه و زندگی فردی، از مهم‌ترین وظایف دستگاه‌های تبلیغی است.

بر اساس آمار، ۱۰۰ تن طلای کشور در خانه‌های مردم ایران بایکوت است که از میزان ذخایر بانک مرکزی کشور هم بیشتر شده است؛ درحالی‌که اگر این میزان سرمایه در امر تولید و اشتغال به کار گرفته شود، بسیاری از مشکلات فرهنگی و اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی از بین خواهد رفت.<sup>۱</sup>

همچنین، آگاه‌سازی عمومی از پیامدهای منفی مصرف کالای خارجی و ارتقای مصرف کالای داخلی که سبب بازگشت حجم وسیعی از سرمایه به کشور شده و به اشتغال‌زایی جوانان می‌انجامد، بهترین مشوّق در این زمینه خواهد بود. اطلاع‌رسانی آماری چون: ایجاد ۵۰۰۰ شغل پایدار با مصرف خودکار داخلی، ۴۵۰۰ شغل پایدار با مصرف مسواک ایرانی، ۲۳۵۰ شغل با مصرف شامپوی داخلی و ۲۸۰۰۰ شغل پایدار با مصرف گوشت داخلی، بهترین زمینه‌ساز تولید و مصرف کالای ایرانی خواهد بود.<sup>۲</sup>

1. <http://www.isna.ir>

۲. پایگاه خبرگزاری فارس نیوز، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۰۳/۰۱، کدخبر: ۱۳۹۶۰۲۳۱۰۰۰۳۹۹.

نشانی: <http://isfahan.farsnews.com>



## محور دوم: اشتغال

### الف. اتخاذ سیاست‌های مفید برای اشتغال

#### ۱. استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی

به دلیل پیشرفت‌های گسترده در حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات، فضای مجازی به عنوان منبعی بسیار غنی برای اشتغال و رفع بیکاری جوانان مورد توجه بسیاری از کشورها و بازار جهانی است. بدون شک، رفع مشکلات و موانعی که برای استفاده از این فرصت وجود دارد و نیز آگاه‌سازی و آموزش در این زمینه و در جهت استفاده بهینه و هدف‌دار، یکی از مؤثرترین و پربازده‌ترین راه‌ها در راستای اشتغال جوانان خواهد بود.

با توجه به میانگین حضور ۹ ساعته ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی و صرف ۱۴/۶ میلیارد ساعت در سال برای بازی،<sup>۱</sup> سیاست‌های مبتنی بر صرف وقت مطلوب و متناسب با نیاز جوانان و همسو با اشتغال و شناسایی قابلیت‌های این فضا برای تبادلات علمی و اقتصادی، رافع مشکل اقتصادی بسیاری از جوانان این مرز و بوم خواهد بود.

#### ۲. کمک و حمایت از کارجویان تا انتخاب شغل

روایات فراوانی در مورد آثار رفع نیاز و کیفر بی‌توجهی به این مهم وجود دارد. از این رو، کمک‌رسانی و یاری افراد نیازمند، بر تمام کسانی که تمکن دارند، لازم و واجب است. در اینجا باید به این نکته مهم توجه نمود که رفع نیاز، به معنای کمک مستقیم مالی و در راستای تقویت روحیه تکدی‌گری نیست؛ بلکه آموزش

۱. پایگاه همشهری آنلاین، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۰۵/۰۲، کدخبر: ۳۴۰۸۷۸، نشانی:

فن و یا در اختیار قرار دادن سرمایه در جهت اشتغال مورد نظر است؛ چنان‌که در سیره ائمه هدی علیهم‌السلام نیز از این موارد به وفور دیده می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۳. ایجاد شغل متناسب با استعداد کارجویان و آموزش آنها

آمار تکان‌دهنده نداشتن تناسب ۸۵ درصد شغل‌ها با تحصیلات دانشگاهی در کشور،<sup>۲</sup> بیانگر آن است که امروزه یکی از آفات دامن‌گیر جامعه، به‌کارگماردن افراد در مشاغل غیرمرتبط با تخصص و رشته تحصیلی‌شان است که علاوه بر تحمیل هزینه‌ها و خسارات فراوان، نوعی بیکاری پنهان به شمار می‌آید و صدمات جبران‌ناپذیری را به فرد و اجتماع تحمیل خواهد کرد. بنابراین، با توجه به مشکلات فراروی اقتصاد کشور، باید نخست با نگرشی دقیق و علمی اقدام به شناسایی نیازهای جامعه نمود و سپس، با هماهنگی بین سیستم آموزش عالی و نیاز بازار کار و نیز غربال استعدادهای افراد در زمینه‌های گوناگون، به تربیت نیروهای متخصص و مورد نیاز جامعه پرداخت.

### ۴. هماهنگی با مراکز خصوصی و دولتی برای جذب کارگران

مراکز کاربایی بسیاری در سطح کشور در حال فعالیت هستند؛ ولی یکی از مهم‌ترین مشکلات جوانان برای یافتن شغل مناسب، عدم وجود سازمان و نهاد مستقلی است که ضمن استخدام مشاوران شغلی و استعدادیابی جویندگان کار، بین ایشان و مراکز خصوصی و دولتی نیازمند به نیروی کار و تخصص مورد نیازشان، هماهنگی لازم را ایجاد کند و بدین ترتیب، افراد با در نظر گرفتن تخصص و علائق و استعدادشان، به کار گمارده شوند.

۱. ر.ک: ابن‌ابی‌فراس، *تنبیه الخواطر ونزهة النواظر*، ج ۱، ص ۴۵ - ۴۶.

## ب. بایسته‌های رفتاری جویندگان کار

### ۱. کار، عار نیست

به‌جرت می‌توان گفت مشکل اصلی کشور ما در زمینه اشتغال، نبود و یا کمبود کار نیست؛ بلکه آنچه سبب آمار ۱۲ درصدی بیکاری و در نیروی تحصیل‌کرده نیز آمار بالای ۲۵ درصد است، توقعات بالا و مهم‌تر از آن، نبود فرهنگ کار و تلاش و عادت به تن‌پروری است که نه‌تنها شامل افراد جویای کار می‌شود، بلکه گریبان بسیاری از شاغلان را نیز گرفته و در خوشبینانه‌ترین حالت، ساعت کار مفید در ایران، حداکثر ۲ ساعت در روز است که میزان هفتگی آن، به بیشتر از ۱۱ ساعت نمی‌رسد؛ در حالی که ساعات کار مفید هفتگی در ژاپن، ۴۰ - ۶۰ ساعت و در کره جنوبی، ۵۴ - ۷۲ ساعت است.<sup>۱</sup>

این، در شرایطی است که دیگر ملت‌ها، به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته و غیرمسلمان، برای کار ارزش ویژه‌ای قائل‌اند و در پیروی از دستور اسلام که ارزش انسان را به سعی و تلاش او می‌داند،<sup>۲</sup> گوی سبقت را از پیروان امیر مؤمنان علیه السلام روده‌اند؛ امام بزرگواری که در واپسین لحظات عمر شریفشان و با فرق شکافته، جامعه اسلامی را از سستی در عمل به اوامر قرآن نهی نمود.<sup>۳</sup>

### ۲. چشم‌نیندوختن به کمک مالی دولت

ارزش تلاش برای کسب‌وکار، به میزانی است که در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن به عنوان امری واجب یاد شده<sup>۴</sup> و از سوی دیگر نیز روایات فراوانی دست

1. <http://fararu.com>

۲. نجم، آیه ۳۹.

۳. «اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْتَقِيمُ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرَكُمْ.» (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

۴. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۱۰۹.

روی دست‌گذاشتن و طلب رزق از خدا نمودن و امید به مساعدت و یاری دیگران داشتن را به‌شدت مذمت نموده است؛ چنان‌که امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «همانا در درون خود چنین می‌یابم که بیزارم از کسی که کسب‌وکار بر او دشوار می‌آید و بر پشت می‌خوابد و می‌گوید: بار خدایا! مرا روزی بخش.»<sup>۱</sup>

راز موفقیت سرمایه‌دارانی که از صفر شروع به کار نمودند، آن است که بدون چشم‌داشت و یاری دولت و کمک مردم و با تلاش و کوشش و پشتکار خویش، پله‌های ترقی را طی نموده، به قله موفقیت صعود کردند.

### ۳. وجدان کاری

عدم وجود وجدان کاری، موجب تضییع حقوق و ظلم به دیگران شده، جامعه را نیز دچار نابسامانی و هرج‌ومرج می‌کند. جامعه‌ای که به بیماری‌های خطرناکی چون: رشوه، بی‌قانونی و تقلب و کم‌فروشی مبتلاست، در معرض فروپاشی است. امیر مؤمنان، علی علیه‌السلام خطاب به خیاطی که کم‌کاری می‌کرد، فرمود:

«ای خیاط! نخ‌ها را سفت و محکم کن، درزها را کوچک بگیر و کوک‌ها را نزدیک به هم بزن؛ زیرا من از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شنیدم که فرموده: خداوند در روز واپسین، خیاط خیانت‌پیشه را در حالی محشور می‌کند که لباسی که خود آن را دوخته و در آن خیانت روا داشته، بر تن کرده است...»<sup>۲</sup>

### ج. بایسته‌های رفتاری کارفرمایان

#### ۱. شایسته‌گزینی

یکی از مهم‌ترین دلایل رکود و عقب‌افتادگی جوامع در حال توسعه، عدم

۱. «إِنِّي أَجِدُنِي أَمَقْتُ الرَّجُلِ يَتَعَدَّرُ عَلَيْهِ الْمَكَابِبُ فَيَسْتَلْقَى عَلَى قَفَاهُ وَيَقُولُ: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي.» وَيَدْعُ أَنْ يَنْتَشِرَ فِي الْأَرْضِ وَيَلْتَمَسَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ، وَالذَّرَّةُ تَخْرُجُ مِنْ جُحْرِهَا تَلْتَمَسُ رِزْقَهَا.»

(شیخ صدوق، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۸)

۲. ابن‌ابی‌فراس، تنبیه الخواطر ونزهة التواظر، ص ۴۲.

شایسته‌سالاری و به‌کارگماردن نیروهای ضعیف و نالایق در اداره امور، به‌ویژه در بخش‌های مدیریتی است. در شرایطی که روابط، جایگزین ضوابط شده و سم مهلکی به نام ویتامین «پ» (پارتی‌بازی) در روح جامعه تزریق گردیده، افراد شایسته و صاحب‌لیاقت ناامید و منزوی شده و کشور در منجلاب گمراهی افراد ناکارآمد گرفتار خواهد شد. امیر مؤمنان، علی علیه‌السلام در مورد استخدام کارگزاران به مالک اشتر می‌فرماید:

«ایشان (کارگزاران) را با آزمودن به‌کار گیر و بی‌ضابطه استخدامشان مکن؛ زیرا این دو روش، مجموعه‌ای از خیانت و ظلم را به همراه دارد.»<sup>۱</sup>

### ۲. رعایت حقوق و مزایای کارگران

روایات متعددی از جانب ائمه هدی علیهم‌السلام، به تکریم<sup>۲</sup> و بوسیدن دست کارگر از سوی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و تعیین مزد و پرداخت به‌موقع آن، حتی پیش از خشک‌شدن عرقِ شخص اشاره دارد و پیامدهای ناگوار ظلم به کارگر و عدم پرداخت شایسته حقوق او را گوشزد می‌کند.

### ۳. اعتمادسازی و جذب سرمایه

مهم‌ترین و مؤثرترین شیوه در راستای جذب سرمایه و ترغیب افراد به شراکت در سرمایه‌گذاری، عمل به دستورات شرع مقدس اسلام است. امام سجاد علیه‌السلام در مورد رعایت حق شریک می‌فرماید: «حق شریک، این است که او را نفریبی و به او خیانت نکنی و بر ضد او حيله به کار نبری و در کار او از خدا پروا نمایی.»<sup>۳</sup> عمل به این نسخه چندجمله‌ای، شاه‌کلید اعتمادسازی و جذب سرمایه به

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. ابن‌اثیر، أسد الغابة، ج ۲، ص ۲۶۹.

۳. شیخ صدوق، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۴.

حساب می‌آید؛ برخلاف تجارت امروز که اساس کار آن، منفعت شخصی و سود بیشتر است. در قوانین تجارت اسلامی، تقوای الهی سرلوحه کسب‌وکار است؛ چنان‌که در گذشته‌ای نه چندان دور، افراد پیش از ورود به بازار کار، با قوانین تجارت اسلامی آشنا شده، ابتدا به فراگیری آداب تجارت نزد فقیه و عالم دینی می‌پرداختند و کسب‌وکارشان نیز رونق و برکت خوبی داشت.

## آثار و پیامدهای لقمهٔ حرام

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر صمدی یزدی\*

### اشاره

حرام‌خواری و لقمه حرام، دارای آثار و پیامدهای زیان‌بار فردی، اجتماعی، مادی و معنوی است که شناخت آنها برای هرکس که خواستار کمال و سعادت خویش و جامعه است، ضرورت دارد. بدون تردید، کسی که به پیامدهای حرام‌خواری، شناخت پیدا کند، به شدت از آن دوری می‌گزیند. بر همین اساس، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «دوری جستن از یک لقمه حرام، از دو هزار رکعت نماز مستحب، در نزد خداوند زیباتر است.»<sup>۱</sup>

در این مقاله برآنیم طی چند محور، دیدگاه اسلام را درباره نتایج کسب‌وکار و خوردن لقمه حرام بررسی کنیم و به واکاوی آسیب‌های مادی و معنوی این موضوع بپردازیم.

### اسلام و اهمیت کار و تلاش

در مکتب اسلام، کار به عنوان امری مقدس و بارزش شناخته شده است؛ زیرا

---

\* از مبلغان نخبه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۱. ابن‌فهد حلی، *عدة الداعی*، ص ۱۴۰.

کار، موجب نشاط، رشد، بالندگی و آسایش زندگی فردی و اجتماعی می‌شود. در سایه کار و تلاش است که جامعه توسعه و ترقی پیدا می‌کند و اصولاً مظاهر تمدن بشری، نظیر: ساختمان‌های بلندمرتبه و زیبا، سدهای عظیم، هواپیماهای گول‌پیکر، محصولات باکیفیت کشاورزی، پیشرفت صنعت و اقتصاد، همگی حاصل کار و تلاش انسان‌هاست.

بر این اساس، اسلام به کار و تلاش رنگ عبادی داده و پیروان خود را به آن ترغیب نموده و با بیکاری، تبلی و تن‌پروری به شدت مخالفت کرده، و افراد را از آن برحذر داشته است. رسول خدا ﷺ فرمود: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي عِدَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَيَأْخُذُ ثَوَابَ الْأَنْبِيَاءِ؛<sup>۱</sup> کسی که از دسترنج خود بخورد، روز قیامت در شمار انبیا خواهد بود و پاداش ایشان بهره او خواهد شد.»

امام باقر علیه السلام نیز فرموده: «من از کسی که کار و تلاش را رها کرده، سر به سوی آسمان بلند می‌کند و درخواست روزی می‌کند، بیزارم.»<sup>۲</sup>

– مکتب اسلام به کار و تلاش اهمیت وافری داده تا افراد از تبلی و تن‌پروری مصون بمانند و اشخاص سربار مردم و جامعه نباشند؛ از سوی دیگر اقتصاد جامعه توسعه و رونق پیدا کند و از همه مهم‌تر، افراد از دسترنج حلال خود استفاده نموده، به حرام‌خواری روی نیاورند.

دلیل مخالفت اسلام با تکدی‌گری و گدایی، این است که افراد به کار و تلاش پردازند و اینکه قرض‌الحسنه از کمک بلاعوض ثواب بیشتری دارد، از این روست که کمک بلاعوض، انسان را دچار تبلی می‌کند؛ ولی قرض‌الحسنه سبب می‌شود آدمی به کار و تلاش بیشتر روی آورد و به اصطلاح، نان از عمل خویش خورد.

۱. شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۳۹.

۲. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۸.



## کسب و کار حلال

بسیار روشن است که از منظر اسلام هر کسب و کاری مطلوب نیست؛ بلکه آنچه مورد نظر اسلام است، کسب حلال می‌باشد که در روایات با تعبیرات گوناگون مورد سفارش قرار گرفته است؛ تعبیراتی از قبیل: فریضه،<sup>۱</sup> برترین عبادت،<sup>۲</sup> جهاد،<sup>۳</sup> عامل نورانیت دل<sup>۴</sup> و مایه تقویت دین‌داری.<sup>۵</sup>

## لقمه حرام

آنچه ذکر شد، نمونه‌ای از روایات فراوانی است که در مورد کسب حلال و آثار آن از معصومین علیهم‌السلام به ما رسیده است؛ در مقابل، کسب و لقمه حرام نیز به شدت مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته و آثار و پیامدهای زیان‌بار مادی و معنوی برای آن بیان شده است. در اینجا به معرفی برخی از این پیامدها و آسیب‌ها می‌پردازیم.

## الف. پیامدهای مادی

### ۱. فقر

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «مَنْ كَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ أَفْقَرَهُ اللَّهُ؛<sup>۶</sup> کسی که مالی را

۱. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ.» (شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۳۹)

۲. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جِزَاءً أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ.» (شیخ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۷۸)

۳. امام علی علیه‌السلام: «الشَّاحِصُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ الْحَلَالِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.» (نعمان مغربی، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۵)

۴. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا تَوَرَّ اللَّهُ قَلْبَهُ.» (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۶)

۵. امام صادق علیه‌السلام: «لَا تَدْعُ طَلَبُ الرِّزْقِ مِنْ حِلِّهِ فَانَهُ عَوْنُ لِكِ عَلِيِّ دِينِكَ.» (شیخ مفید، امالی، ص ۱۷۳)

۶. شیخ طوسی، امالی، ص ۱۸۲.

از غیر حلال به دست آورد، خداند او را فقیر می‌سازد.»  
 خداوند برای هرکسی روزی حلال مقدر نموده و فرموده افرادی که به سراغ حرام می‌روند، روزی حلال را از آنها دریغ می‌نماید و آنها را به حال خویش وا می‌گذارد و در نتیجه، چنین کسانی به فقر و ناداری مبتلا می‌شوند.

## ۲. بی‌برکتی

از جمله آثار مادی کسب حرام، بی‌برکتی است؛ یعنی مال حرام ممکن است انباشته شود، اما هرگز دارای خیر و برکت نخواهد بود. امام کاظم علیه السلام به داود صرمی فرمود: «يَا دَاوُدُ إِنَّ الْحَرَامَ لَا يَنْمِي وَإِنْ نَمَى لَا يُبَارِكُ لَهُ فِيهِ وَمَا أَنْفَقَهُ لَمْ يُؤْجَرْ عَلَيْهِ وَمَا خَلَفَهُ كَانَ زَادَهُ إِلَى النَّارِ؛<sup>۱</sup> ای داود! مال حرام ترقی و رشد ندارد و اگر رشد کند، برکت در آن نخواهد بود و آنچه را انفاق کند، پاداش نخواهد داشت و آنچه را که باقی گذارد، توشه جهنم او خواهد بود.»

## ۳. ویرانی و نابودی

از آثار کسب حرام، این است که اگر جمع و انباشته هم بشود، سرانجام به ویرانی و نابودی منجر خواهد شد؛ یعنی مال حرام ماندگار نخواهد بود. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ كَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ جِلَّةٍ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْبِنَاءَ وَالْمَاءَ وَالطَّيْنَ؛<sup>۲</sup> کسی که مالی را از غیر راه حلال به دست آورد، خداوند ساختمان، آب و خاک را بر آن مسلط خواهد کرد.»

کسب حرام، در حقیقت، مقابله با قدرت و روزی‌رسانی خداوند است. از این رو، ممکن است خداوند مهلت بدهد تا این اموال جمع و انباشته شود، اما سرانجام آن را از بین می‌برد و نابود می‌سازد؛ همان‌گونه که قرآن در مورد مصداق بارز

۱. علامه مجلسی، مرآت العقول، ج ۱۹، ص ۹۰.

۲. شیخ کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۳۱.

کسب حرام، یعنی ربا می‌فرماید: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ؛<sup>۱</sup> خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌بخشد.»

## ب. پیامدهای معنوی

زیان‌بارتر از آثار مادی کسب و لقمه حرام، آسیب‌های معنوی آن است که در ذیل به ذکر برخی از آنها می‌پردازیم.

### ۱. قبول نشدن عبادت

یکی از آثار لقمه حرام، عدم قبولی عبادت است. نماز با تمام اهمیت و ارزشی که دارد، از کسی که لقمه حرام می‌خورد، پذیرفته نمی‌شود. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بیانی فرمود: «مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً حَرَامًا لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَلَمْ تُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا وَكُلُّ لَحْمٍ يُنْبِئُهُ الْحَرَامُ فَالْتَّارُ أَوْلَى بِهِ وَإِنَّ اللُّقْمَةَ الْوَاحِدَةَ تُنْبِئُ اللَّحْمَ؛<sup>۲</sup> هرکس لقمه حرام بخورد، تا چهل شب نماز او پذیرفته نمی‌شود و تا چهل روز دعایش مستجاب نمی‌گردد و هر گوشتی که از حرام برآید، به آتش سزاوارتر است. همانا یک لقمه هم موجب رویش گوشت [بر بدن انسان] می‌شود.»

از روایات اسلامی استفاده می‌شود که هیچ عبادتی با خوردن حرام از انسان پذیرفته نمی‌شود. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ مَلَكًا يُنَادِي عَلَى بَيْتِ الْمُقَدَّسِ كُلَّ لَيْلَةٍ مَنْ أَكَلَ حَرَامًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا؛<sup>۳</sup> خدا را فرشته‌ای است که هر شب بر بیت المقدس بانگ می‌زند هرکس حرام بخورد، خداوند هیچ عبادت مستحب و واجبی را از او نمی‌پذیرد.»

۱. بقره، آیه ۲۷۶.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۱۴.

۳. ابن‌فهد حلی، عدة الداعی، ص ۱۵۳.

طبق برخی روایات، هیچ عملی با مال حرام پذیرفته نمی‌شود. امام باقر علیه السلام فرمود: «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَصَابَ مَالًا مِنْ حَرَامٍ لَمْ يُتَبَلَّ مِنْهُ حَجٌّ، وَلَا عُمْرَةٌ، وَلَا صَلَاةٌ رَحِمَ، حَتَّىٰ إِنَّهُ يَفْسُدُ فِيهِ الْفَرْجُ؛<sup>۱</sup> چون کسی مال حرامی به دست آورد، نه حج او قبول می‌شود، نه عمره او، نه صله رحم او؛ حتی مال حرام، نکاح را تباه می‌کند.» به‌طورکلی، عبادت کسی که از حرام پرهیز نمی‌کند، مانند ساختمانی است که پایه و اساس آن، سست و بی‌بنیان است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده: «الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ وَقِيلَ عَلَى الْمَاءِ؛<sup>۲</sup> عبادتی که همراه با لقمه حرام باشد، مثل ساختمانی است که بر ریگ باشد و گفته شده است که بر آب باشد.»

#### داستانی عجیب از محدث قمی

لقمه حرام، نه‌تنها موجب عدم قبولی عبادت می‌شود، بلکه توفیق بسیاری از عبادت‌ها را نیز از انسان سلب می‌کند. نگارنده، این مطلب را خود از مرحوم حاج شیخ علی آقای محدث زاده قمی، فرزند مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمته الله شنیدم که گفت: پدرم حاج شیخ عباس قمی رحمته الله فرمود:

یک تابستان به همدان سفر کردم. در این شهر، مهمان یک مرد مؤمن و متدین بودم که باغی داشت. در وسط باغ، جوی آبی بود و در کنار آن، تختی قرار داده بودند و من شب‌ها روی آن می‌خوابیدم. یک روز صاحب باغ به من گفت: یکی از آشنایان، جمعی را برای صرف شام دعوت کرده است و از شما هم توقع دارد که در این ضیافت شرکت نمایید؛ من هم پذیرفتم. پس از صرف شام، به همان باغ بازگشته، طبق معمول شب‌های گذشته روی همان تخت، کنار جوی آب خوابیدم. زمانی از خواب بیدار شدم که بیش از چند دقیقه به طلوع آفتاب باقی

۱. شیخ طوسی، الأمالی، ص ۶۸۰.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۵۸.

نمانده بود. با عجله در همان جوی آب وضو گرفتم و نماز صبح را خواندم و تردید کردم که آیا نمازم قضا شده، یا قضا نشده است! این وضعیت، در حالی صورت گرفت که من، از قبل از دوران بلوغ همیشه یک ساعت و نیم قبل از اذان صبح برای تهجد و نافله شب بیدار می شدم! مهم تر از آن، این بود که نه تنها آن شب از نافله شب محروم شدم، بلکه تا چهل شب هرچه تلاش کردم، توفیق خواندن نافله و نماز شب برایم حاصل نشد. پس از گذشت چهل شب، مجدداً حالت قبل را پیدا کردم و موفق به تهجد و نافله شب شدم.

## ۲. عدم استجاب دعا

در روایات اسلامی لقمه حرام، یکی از موانع استجاب دعا ذکر شده است. بنابراین، هرکس می خواهد دعایش به اجابت برسد، باید از حرام خواری پرهیز نماید. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُسْتَجَابَ دُعَاؤُهُ فَلْيُطِيبْ مَطْعَمَهُ وَمَكْسَبَهُ»<sup>۱</sup> هرکس دوست دارد دعایش مستجاب گردد، باید خوراک و درآمدش را پاکیزه (حلال) کند.»

در حدیث قدسی آمده است که خداوند می فرماید: «فَمِنْكَ الدُّعَاءُ وَعَلَى الْإِجَابَةِ فَلَا تُحْجَبُ عَنِّي دَعْوَةٌ إِلَّا دَعْوَةُ آكِلِ الْحَرَامِ»<sup>۲</sup> دعا از شما، اجابت از من. پس، هیچ دعایی از من در پرده قرار نمی گیرد؛ مگر دعای کسی که حرام خوار باشد.» شخصی به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض کرد: دوست دارم دعایم مستجاب گردد. حضرت در پاسخ فرمود: «ظَهَرُ مَا كَلَّكَ وَلَا تُدْخِلُ بَطْنِكَ الْحَرَامَ»<sup>۳</sup> خوراک خود را پاکیزه نما و حرام در شکم خویش داخل مکن.»

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۷۲.

۲. همان، ص ۳۷۳.

۳. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۴۵.

امروزه نیز بسیاری از مردم از عدم استجابت دعای خود شکوه دارند و می‌پرسند چرا دعایشان مستجاب نمی‌شود؟ باید دانست، بر اساس روایاتی که برخی از آنها ذکر شد، از مهم‌ترین عوامل عدم استجابت دعا، لقمه حرام است.

#### ۴. قساوت قلب

بدترین بلا برای انسان، سنگ‌دلی و قساوت قلب است. با قساوت قلب، آدمی به هر گناهی مبتلا می‌شود. امام باقر علیه السلام فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ عُقُوبَاتٍ فِي الْقُلُوبِ وَالْأَبْدَانِ صَنْكٌ فِي الْمَعِيشَةِ وَوَهْنٌ فِي الْعِبَادَةِ وَمَا ضُرِبَ عَبْدٌ بِعُقُوبَةٍ أَعْظَمَ مِنْ قَسْوَةِ الْقَلْبِ؛<sup>۱</sup> خداوند عقوبت‌های مختلفی برای دل‌ها و جسم‌های افراد دارد؛ [مانند] تنگی در زندگی و سستی در عبادت؛ ولی بنده خدا با هیچ عقوبتی زده نمی‌شود که بزرگ‌تر از سنگ‌دلی باشد.»

گناه، دشمنی و حرام‌خواری، از جمله اوصاف برجسته یهود است که در آیاتی از قرآن کریم به آن تصریح شده است؛ از جمله می‌فرماید: «وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛<sup>۲</sup> و بسیاری از آنان را می‌بینی که در گناه و دشمنی و خوردن مال حرام شتاب می‌کنند؛ چه زشت است کاری که انجام می‌دادند.»

البته قساوتی که بر اثر حرام‌خواری حاصل می‌شود، به قوم یهود اختصاص ندارد؛ بلکه هرکس به حرام‌خواری روی آورد، گرفتار سنگ‌دلی خواهد شد. روز عاشورا امام حسین علیه السلام سپاه کوفه را مورد خطاب قرار داد و آنها را موعظه کرد؛ ولی آن گروه سنگ‌دل حاضر نشدند به سخن خیرخواهانه حضرت گوش فرادهند؛ زیرا وجودشان از لقمه حرام پُر شده بود؛ چنان‌که امام علیه السلام فرمود:

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۷۶.

۲. مانند، آیه ۶۲.

«مِلْتَتْ بُطُونُكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَطَبِعَ عَلَي قُلُوبِكُمْ؛<sup>۱</sup> شکم‌های شما از لقمه حرام پُر شد و بر قلب‌های شما مهر زده شد.»

## ۵. دوری از رحمت خداوند

انسان تا زمانی در طریق سعادت است که مشمول عنایت و رحمت خداوند باشد؛ اما لقمه حرام سبب می‌شود آدمی از رحمت و لطف الهی دور گردد و مورد لعن فرشتگان قرار گیرد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«إِذَا وَقَعَتِ اللَّقْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِي جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا دَامَتْ تِلْكَ اللَّقْمَةُ فِي جَوْفِهِ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَمَنْ أَكَلَ اللَّقْمَةَ مِنَ الْحَرَامِ فَقَدْ بَاءَ بِعَصَبٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَإِنْ مَاتَ فَالْتَأَرْ أَوْلَى بِهِ؛<sup>۲</sup> چون لقمه حرام وارد شکم بنده‌ای شود، فرشته‌های آسمان و زمین او را لعنت می‌کنند و تا زمانی که این لقمه در شکم اوست، خداوند به او نظر [رحمت] نمی‌کند و هرکس لقمه حرامی بخورد، پس خود را به خشم خداوند فروخته است. در این صورت، اگر توبه کند، خدا توبه‌اش را می‌پذیرد؛ اما اگر بر همین حال بمیرد، به آتش سزاوارتر است.»

از جمله لقمه‌های حرام، رشوه‌خواری است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره آن فرموده: «لَعَنَ اللَّهُ الرَّاشِيَ وَالْمُرْتَشِيَ وَالْمَاشِيَ بَيْنَهُمَا؛<sup>۳</sup> لعنت خدا بر رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده و واسطه بین آن دو باد.» رشوه، موجب تضییع حقوق دیگران و از مصادیق بارز حق‌الناس و لقمه حرام است و جامعه‌ای که به رشوه، ربا و اختلاس آلوده شود، دچار انحطاط و سقوط خواهد شد.

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۸.

۲. فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۵۷.

۳. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۶۲۷.

همچنین، در مورد رباخواری که مصداق دیگری از حرام خواری است، در روایت می خوانیم: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَعَنَ آكِلَ الرِّبَا وَمُؤْكِلَهُ وَكَاتِبَهُ وَشَاهِدِيهِ؛<sup>۱</sup> خدای بلندمرتبه، رباخوار و ربا دهنده و سندنویس آن و دو تا شاهدش را لعنت کرده است.»

## ۶. توشه جهنم

بر اساس روایات اسلامی، کسب و لقمه حرام، توشه جهنم برای شخص حرام خوار است. پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ اِكْتَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ كَانَ زَاذَةً اِلَى النَّارِ؛<sup>۲</sup> هرکس مالی را از غیر طریق حلال به دست آورد، همان مال، توشه جهنم او خواهد بود.»

آن حضرت در بیان دیگر فرمود که خداوند بلندمرتبه می فرماید: «مَنْ لَمْ يُبَالِ مِنْ اَيِّ بَابٍ اِكْتَسَبَ الدِّيْنَارَ وَالذَّرْهَمَ لَمْ اُبَالِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ اَيِّ اَبْوَابِ النَّارِ اَدْخَلْتُهُ؛<sup>۳</sup> کسی که اهمیت ندهد از چه راهی پول به دست می آورد، من نیز روز قیامت اهمیت نمی دهم که او را از چه راهی به آتش داخل کنم.»

## ۷. محرومیت از شفاعت

کسی که گرفتار حرام خواری باشد، از شفاعت پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام محروم خواهد شد؛ یعنی شفیعان روز قیامت، از حرام خوار شفاعت نمی کنند. امیر مؤمنان علی (ع) در سفارش به امام حسن مجتبی (ع) می فرماید: «وَلَا يَرِدُ عَلَيَّ رَسُوْلُ اللَّهِ ﷺ مَنْ اَكَلَ مَالًا حَرَامًا لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ لَا يَشْرَبُ مِنْ حَوْضِهِ وَلَا تَنَالُهُ

۱. شیخ صدوق، کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۸.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۱.

۳. شیخ صدوق، اختصاص، ص ۲۴۹.



شَفَاعَتُهُ...<sup>۱</sup>؛ سوگند به خدا، سوگند به خدا، سوگند به خدا! کسی که مال حرام بخورد، بر رسول خدا وارد نخواهد شد و از حوض کوثر نصیبی نخواهد داشت و شفاعت آن حضرت شامل حالش نمی‌شود.»

## ۸. محرومیت از بهشت

بهشت، جایگاه افراد پرهیزکار است. از آنجا که حرام‌خواری از مصادیق بارز بی‌تقوایی است، شخص حرام‌خوار از ورود به بهشت محروم می‌شود؛ زیرا بهشت، تنها مأمن پرهیزکاران و پاکان است و شخص حرام‌خوار، جایی در بهشت ندارد.

جابر از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ تَبَتَ لَحْمُهُ مِنَ السُّحْتِ النَّارِ أَوْلَىٰ بِهِ»<sup>۲</sup> کسی که گوشتش از حرام روییده باشد، به بهشت راه پیدا نخواهد کرد و به آتش سزاوارتر است.»  
آن حضرت در بیان دیگر فرمود: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ أَنْ يَدْخُلَهَا جَسَدٌ غَدَىٰ بِحَرَامٍ»<sup>۳</sup> خداوند ورود به بهشت را برای کسی که از حرام تغذیه می‌کند، حرام کرده است.»

## مصادیق کسب و لقمه حرام

کسب و لقمه حرام، مصادیق فراوان و گسترده‌ای دارد؛ مانند: سرقت، رشوه، ربا، اختلاس، کم‌فروشی، تقلب و غش در معامله، فروش اجناس قاچاق، خرید و فروش مواد مخدر، کم‌کاری در محیط کار، خوردن مال یتیم، معاملات حرام و گران‌فروشی. امروزه نیز کسب‌های حرام جدیدی ظهور کرده است؛ مثل

۱. نعمان مغربی، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۵۱.

۲. ابن‌ابی‌فراس، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۶۱.

۳. همان.

شرکت‌های بازاریابی هرمی و امثال آنها. برای مصون ماندن از این امور و گرفتار نشدن به حرام‌خواری، باید با احکام شرعی آشنایی پیدا کنیم تا بتوانیم حق و باطل را تشخیص دهیم و از انحراف مصونیت یابیم.

اصبغ بن نباته می‌گوید: شنیدم که امیر مؤمنان، علی علیه السلام بر فراز منبر می‌فرمود: «يَا مَعْشَرَ النَّجَّارِ الْفُقَهَ ثُمَّ الْمُتَجِرِ الْفُقَهَ ثُمَّ الْمُتَجِرِ الْفُقَهَ وَ اللَّهُ لِلرَّيَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَخْفَى مِنْ دَيْبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّافَا!» ای گروه تاجر و کاسب! اول فقه، سپس کسب‌وکار؛ اول فقه، سپس کسب‌وکار؛ اول فقه، سپس کسب‌وکار. به خدا سوگند! ربا در این امت، پوشیده‌تر از حرکت مورچه بر روی تخته سنگ است.»

### شیوه مواجهه امام صادق علیه السلام با بی‌انصافی در معامله

روزی امام صادق علیه السلام غلام خود به نام «مصادف» را خواست و هزار دینار در اختیار وی گذاشت و فرمود: هزینه زندگی من زیاد شده است؛ با این هزار دینار کالایی را خریداری کن و همراه با کاروان تجاری به مصر برو و با فروش آن، سودی به دست آور.

غلام نیز پس از خرید کالای مورد نظر، همراه کاروان تجاری عازم سفر مصر شد. این کاروان در نزدیکی مصر با قافله‌ای که از مصر می‌آمد، برخورد کرد و از کاروانیان در مورد وضعیت کالای خود در مصر پرسیدند. معلوم شد این کالا در مصر کمیاب شده و مشتری فراوانی دارد. افراد کاروان با هم عهد کردند و سوگند خوردند که اجناس خود را به کمتر از دو برابر نفروشند.

مصادف هنگام بازگشت به مدینه، دو کیسه که هرکدام هزار دینار در آن بود، در اختیار امام علیه السلام گذاشت و گفت: یکی از اینها سرمایه و دیگری سود است. امام

صادق علیه السلام فرمود: چرا سودش این قدر زیاد است؟

مصادف جریان را برای امام علیه السلام توضیح داد که چگونه از وضعیت بازار مصر اطلاع حاصل کردیم و سوگند خوردیم که جنس خود را کمتر از دو برابر نفروشیم. امام صادق علیه السلام فرمود: «سبحان الله! شما سوگند خوردید که جنس خود را به مسلمانان کمتر از دو برابر نفروشید؟» آنگاه یک کیسه را که اصل سرمایه بود، برداشت و کیسه دیگر را که سود بود، برگرداند و فرمود: «مرا به آن نیازی نیست.» سپس فرمود: «ای مصادف! پیکار با شمشیر، آسان تر است از کسب پاکیزه و به دست آوردن لقمه حلال.»<sup>۱</sup>

دهد رزق حلال، آسایش دل      شود بر طاعت دلدار مایل  
حرام از دل برد مهر و وفا را      کند ناپاک قلب باصفا را



## جلوه‌های بخشش در سیره سیدالشهدا علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدتقی فتالی\*

### اشاره

قرآن کریم و پیشوایان معصوم علیهم السلام به پیروان خود می‌آموزند از نگاه محدود ظاهری به زندگی پرهیز کنند و با اندیشه و ژرف‌نگری، به حیات واقعی انسان بنگرند. از این رو، آخرین کتاب آسمانی با دقیق‌ترین تعبیرها انسان‌های زنده را به حیات دعوت می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون خدا و پیامبرش شما را به چیزی فراخواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید.»

نیل به زندگی معنوی و برخوردار از حیات طیب و در نتیجه، پیدایش حیاتی جدید، برتر و بالاتر از زندگی معمولی و ظاهری، در گرو تحقق شاخصه‌ها، مؤلفه‌ها و همچنین راهکارهایی است که در آیات و روایات بیان شده است. برای برخوردار از دستیابی به چنین آرمانی، باید آنها را شناخت و بدان‌ها عمل کرد تا زیبایی‌های زندگی بیشتر شده، سطح بالاتری از زیبایی و کمال حاصل شود.

---

\* دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

یکی از بهترین راه‌ها برای دست یافتن به این هدف، بخشش است. در این نوشتار، می‌کوشیم با نگرش به سخنان و سیره حسین بن علی علیه السلام، به تبیین فضیلت «بخشش» پردازیم.

### چیستی بخشش

بخشش، صفتی نفسانی است که در منابع دینی، کاربردهای مختلفی دارد.<sup>۱</sup> یکی از کاربردهای این واژه، عفو و بخشش است که در متون دینی با کلیدواژه‌هایی مانند «عفو» و «صفح» بیان شده است. پیشوایان دین درباره این ویژگی مهم اخلاقی، سفارش‌های فراوانی داشته‌اند. گذشت، برای فرد و جامعه و در تمام ابعاد مختلف آن، از جمله جنبه دنیوی و اخروی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، سفارش شده است. کاربرد دیگر این واژه، بخشش‌های مالی را شامل می‌شود. در آیات و روایات، واژگانی مانند: انفاق، جود، سخاوت و صدقه، بیانگر این نوع از بخشش است.<sup>۲</sup>

### جایگاه و اهمیت بخشش

زندگی در دنیا، دو بُعد دارد؛ مادی و معنوی. انسان با ایمان و عمل صالح می‌تواند همگام با برخورداری از زندگی مادی، به زندگی معنوی و به تعبیر قرآن، به «زندگی پاک»<sup>۳</sup> نیز دست یابد. مروری بر داستان‌های قرآنی که سراسر حکمت و رشد است، ما را به والایی بخشش و منزلت ویژه آن نزد پروردگار رهنمون می‌کند. پس از آنکه سامری با همکاری ابلیس گوساله‌ای ساخت و به

۱. محمدتقی فحالی، سفر با خورشید؛ زندگی به سبک امام رضا علیه السلام، ص ۷۵.

۲. همان، ص ۷۶؛ ر.ک: محمدتقی فحالی، سبک زندگی توحیدی و موفقیت الهی، ج ۳، ذیل بحث «بخشش».

۳. نحل، آیه ۹۷.

وسیله آن، هزاران نفر از آیین موسی علیه السلام را گمراه کرد و خود نیز مستحق کشتن شد، از سوی خداوند فرمانی شگفت به موسی علیه السلام وحی می‌شود: «أَنْ لَا تَقْتُلَ السَّامِرِيَّ فَإِنَّهُ سَخِيٌّ»<sup>۱</sup> سامری را نکش؛ زیرا او بخشنده است.»

با بخشش، تجربه‌ای دلپذیر و دل‌نشین خواهیم داشت و به این حقیقت والا دست می‌یابیم که اگر داوطلبانه و بی‌توقع به فکر دیگران باشیم و به آنان یاری برسانیم، به وجه بی‌کرانگی هستی متصل می‌شویم، زندگی را بیشتر به جریان می‌اندازیم، از دیگران شادتر بوده، راحت‌تر زندگی خواهیم کرد. به گیتی ز بخشش بود مرد به

تو گر گنج داری ببخش و مَنِه<sup>۲</sup>

در بینش و نگرش دینی، بخشش، بهترین سپاس عملی در برابر قادر متعال،<sup>۳</sup> ادای حق برادران ایمانی،<sup>۴</sup> توانگری،<sup>۵</sup> بهترین دارایی و ثروت<sup>۶</sup> و مایه مهرورزی<sup>۷</sup> است. افرادی که همواره در پی آن‌اند تا گره‌ای از کار بسته خلق باز کنند و از جان

---

۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۴۱؛ شیخ صدوق، الفقیه، ج ۲، ص ۶۱؛ شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۱۸.

۲. فردوسی، دیوان اشعار.

۳. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۶۹.

۴. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۲۳۲ - ۲۳۳.

۵. امام حسین علیه السلام فرمود: «السَّخَاءُ غِنَى؛ سخاوت، توانگری است.» (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۶)

۶. امام رضا علیه السلام فرمود: «خَيْرُ مَالِ الْمَرْءِ وَ ذَخَائِرِهِ الصَّدَقَةُ؛ بهترین مال و ذخیره انسان، صدقه است.» (شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۱)

۷. امام حسین علیه السلام فرمود: «السَّخَاءُ مَحَبَّةٌ؛ سخاوت، مهرورزی است.» (خوارزمی، المناقب، ص ۱۸۵)

و مال خود در این مسیر می‌بخشند، مأمور ویژه الهی به شمار می‌آیند.

### جلوه‌های بخشش

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در توصیف شخصیت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام چنین فرمود: «وَأَمَّا الْحُسَيْنُ فَأَنَحَلُهُ الْجُودَ وَالرَّحْمَةَ»<sup>۱</sup> و به حسین، سخاوت و رحمت را می‌بخشم. «واقعیت آن است که جلوه‌های بخشش، فراوان است و طیف وسیعی را شامل می‌شود. این جلوه‌ها در کلام حسین بن علی عَلَيْهِمَا السَّلَام به صورتی گسترده آمده است؛ در اینجا به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم.

#### ۱. گذشت از خطای دیگران

گاهی بخشش و احسان، در قلب انسان تجلی می‌کند. یکی از مصادیق بخشش قلبی، عفو یا گذشت از خطای دیگران است. گذشت از درجات تقوا و زهد، نوعی رهایی و وارستگی است و گامی در جهت پیمودن راه حسین عَلَيْهِ السَّلَام و آشتی با خداوند می‌باشد. یکی از زیباترین بخشندگی‌ها، آن است که در هنگام قدرت انجام شود. امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «إِنَّ أَعْقَى النَّاسِ مَنْ عَفَا عِنْدَ قُدْرَتِهِ؛ باگذشت‌ترین مردم، کسی است که هنگام قدرت [از دیگران] درگذرد.»<sup>۲</sup>

فرد بخشنده در مواجهه با خطاهای دیگران - البته با حفظ شرایط - نه تنها گذشت می‌کند و آنها را نمی‌بیند، بلکه خطاهای آنان را با نیکی به خطاکار جواب می‌دهد تا او را از خطایش دور کند و بیاموزد که در برابر اشتباهات دیگران احسان کند.

۱. شیخ صدوق، الخصال، ص ۷۸.

۲. حلوانی، نزهة الناظر، ص ۸۱؛ شهید اول، الدرّة الباهرة، ص ۲۹؛ اربلی، كشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۴۲؛ ابن صباغ، الفصول المهمّة، ص ۱۷۶؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۲۱.



عصام بن مُصطَلَق می‌گوید وارد کوفه شدم و به مسجد رفتم. دیدم حسین علیه السلام در آنجا نشسته است. از شکل و شمایل او خوشم آمد. گفتم: تو پسر ابوطالبی؟ فرمود: آری. حسدی که در درون به او و پدرش داشتم، مرا برانگیخت و به او و پدرش به تندی ناسزا گفتم. مهربانانه نگاهی کرد و فرمود: تو اهل شامی؟ گفتم: آری. چون پیشمانی ام از این افراط‌کاری آشکار شد، به من فرمود: «امروز، سرزنشی بر شما نیست. خدا، شما را می‌آمرزد. برای برآوردن نیازهایت، نزد ما بیا؛ ما را آن‌گونه که دوست داری، خواهی یافت.» مدت‌زمانی نگذشت که کسی روی زمین، محبوب‌تر از او و پدرش نزد من نبود و گفتم: خدا، داناتر است که رسالتش را در کجا قرار دهد.<sup>۱</sup>

## ۲. مدارا با مردم

احسان، این است که آدمی با هم‌نوعان مدارا کند و با آنان با رفق و ملایمت برخورد نماید. از بزرگ‌ترین نیکی‌ها، بردباری و حوصله و نرنجیدن از خطای دیگران است و اینکه در غصه‌هایشان شریک باشد و بکوشد با گذشت آنان را شادمان کند.

در ارتباط با دیگران بهتر است با آنها همدلی نماییم، سرد و کسل‌کننده برخورد نکنیم، خشونت را کنار گذاشته و تا می‌توانیم به آنها «نه» نگوئیم. نیازهایشان را بشناسیم، در زندگی آنها حضور مثبت داشته باشیم و در حل مشکلاتشان بکوشیم، به آنها ناامیدی منتقل نکنیم، قدری از وقت خویش را به دیگران اختصاص دهیم و در آنها حسّ امنیت و آرامش ایجاد نماییم.

## ۳. تأمین نیاز مستمندان

سخاوت، فقط این نیست که از اموال و دارایی‌های خویش به دیگران ببخشیم؛

---

۱. ابن‌عساکر، تاریخ دمشق، ج ۴۳، ص ۲۲۴.

بلکه دوست داشتن مستمندان و نیازمندان، خود نوعی سخاوت است.<sup>۱</sup> فقیری کوجه‌های مدینه را پیمود و به در خانه حسین بن علی علیه السلام رسید. در را کوبید و با زبان شعر، نیاز خود و سخاوتمندی حسین علیه السلام را ابراز کرد. حضرت نمازش را کوتاه کرد و به سوی او آمد. با دیدن آثار گرفتاری و ناداری در چهره او، قنبر را صدا زد و از مانده خرجی زندگی از او پرسید. قنبر گفت: دوست درهم مانده که فرموده‌ای آن را میان خانواده‌ات تقسیم کنم. آن حضرت فرمود: همان را بیاور؛ کسی آمده که از خانواده بر آن سزاوارتر است. حسین علیه السلام آن را گرفت و در حال دادن آن به فقیر، بادیه‌نشین از او پوزش می‌طلبید. بادیه‌نشین آن را گرفت و در حالی که اشعاری در فضیلت آن حضرت می‌سرود، از در خانه حسین علیه السلام بازگشت.<sup>۲</sup>

شعیب بن عبدالرحمن خزاعی می‌گوید: «وُجِدَ عَلَى ظَهْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ يَوْمَ الطَّفِّ أُمَّرٌ فَسَأَلُوا زَيْنَ الْعَابِدِينَ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ: مِمَّا كَانَ يَنْقُلُ الْجِرَابَ عَلَى ظَهْرِهِ إِلَى مَنَازِلِ الْأَرَامِلِ وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ؛ در روز واقعه عاشورا، اثر چیزی را بر دوش حسین بن علی علیه السلام یافتند و [علت] آن را از امام زین‌العابدین علیه السلام جویا شدند. فرمود: «این، اثر انبانی است که بر دوش خویش می‌کشید و برای بیوه‌زنان، یتیمان و بینوایان، [آذوقه] می‌برد.»<sup>۳</sup>

#### ۴. سفره‌داری

سفره‌گستری، یکی از ابعاد مهمّ بخشش است. اطعام عمومی، سفره انداختن در

۱. تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم، ص ۳۷۵. در روایات، با تعابیر مختلفی نظیر: «حَبِّ سَائِلٍ»، «حَبِّ فَقِيرٍ» و «حَبِّ مَسْكِينٍ»، از این ویژگی یاد شده است.
۲. ابن‌عساکر، تاریخ دمشق، ج ۱۴، ص ۱۸۵؛ ابن‌شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۶۵؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۰.
۳. ابن‌شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۶۶؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۰.

ازدواج، اطعام اسیر و نوشاندن آب به دیگران، گونه‌های مختلف اطعام است؛ البته اطعام ایتم، مهم‌ترین نوع سفره‌گستری است.<sup>۱</sup> انسان بخشنده، از خوراندن به دیگران بیشتر لذت می‌برد تا خوردن. پشربن‌غالب می‌گوید: با حسین بن علی علیه السلام به سوی مدینه حرکت کردیم. با او گوسفندی بریان شده بود که اعضای آن را یکی یکی به افراد می‌داد.<sup>۲</sup>

### ۵. شاد نمودن دل دیگران

انسان خوب همچنان‌که به لحاظ بیرونی رفتاری بخشنده با دیگران دارد و اهل وفای به عهد، راست‌گفتاری، صله رحم، اطعام و سودرسانی به دیگران است، به لحاظ درونی نیز باید با خیرخواهی برای دیگران، اهل بخشش درونی باشد و حتی به لحاظ اندیشه و درون، برای هیچ‌کس بد نخواهد؛ هرچند آن شخص دشمن باشد. یکی از ویژگی‌های افراد خیرخواه، این است که همیشه درصدد شاد کردن دیگران برمی‌آیند.

انس نقل می‌کند: نزد امام حسین علیه السلام بودم که کنیزی با دسته‌گلی در دست، وارد شد و امام را با آن، تحیت (سلام و درود) گفت. امام هم فرمود: برای خدای متعال، آزادی. من گفتم: با یک دسته گل تحیت دادن، این قدر نمی‌ارزد که بدان، آزادش کنی! حضرت فرمود: خدای بزرگ باشکوه، ما [خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله] را چنین پرورده است؛ [چنان‌که] فرموده است: «و چون به شما تحیت گفته شد، به بهتر از آن یا به مانند آن، پاسخ دهید»<sup>۳</sup> و بهتر از آن [تحیت او]، آزاد کردنش

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ما مِنْ مَائِدَةٍ أَكْبَرُ مِنْ مَائِدَةٍ جَلَسَ عَلَيْهَا يَتِيمٌ؛ هیچ سفره‌ای با برکت‌تر از سفره‌ای نیست که یتیم بر سر آن بنشیند.» (متقی هندی، کنز العمال، ح ۶۰۴۰)

۲. برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۲.

۳. نساء، آیه ۸۶: «وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها.»

بود.<sup>۱</sup>

امام حسین علیه السلام به نقل از امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه یکی از یارانش را اندوهگین می دید، با شوخی شادش می کرد و می فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَبْغِضُ الْمُعْبَسَ فِي وَجْهِ إِخْوَانِهِ؛ خداوند، از کسی که با برادرانش تَرش رو باشد، نفرت دارد.»<sup>۲</sup>

### ۶. انفاق مالی

یکی از جلوه‌های بخشش، انفاق مالی و سعی در برآوردن حاجت مردم است. امام حسین علیه السلام فرمود: «اعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمْلُوا النَّعْمَ فَتَتَحَوَّلَ إِلَيْ غَيْرِكُمْ؛ نیازهای مردم، از نعمت‌های خداوند بر شماست. بنابراین، از آنها خسته نشوید که خداوند آن را از شما سلب نموده، به دیگران بر می گرداند.»<sup>۳</sup>

ابن مهران می گوید: نزد مولا علیه السلام نشسته بودم که مردی پیش ایشان آمد و گفت: ای فرزند پیامبر خدا! فلانی از من بستانکار است و می خواهد مرا به زندان بیندازد. فرمود: به خدا سوگند! مالی که با آن بدهی تو را پردازم، ندارم. مرد گفت: پس با بستانکار من، گفت و گو کن. فرمود: من با او آشنا نیستم؛ اما از پدرم امیر مؤمنان علیه السلام شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس در پی حاجت برادر مؤمنش بکوشد، مانند آن است که خدا را نه هزار سال عبادت کرده است که

۱. حلوانی، نزهة الناظر، ص ۸۳؛ اربلی، كشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۴۳؛ ابن صباغ، الفصول المهمة، ص ۱۷۵؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۵.

۲. ابن زهره، الأربعون حديثاً في حقوق الإخوان، ص ۸۲؛ شهيد ثانی، كشف الرّيبة، ص ۸۳.

۳. ابوسعید وزیر، نثر الدرّ، ج ۱، ص ۳۳۴؛ شهيد اول، الدرّة الباهرة، ص ۲۴؛ دیلمی، أعلام الدين، ص ۲۹۸؛ اربلی، كشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۴۱؛ ابن صباغ، الفصول المهمة، ص ۱۷۶؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۲۱.

روزهایش را روزه گرفته و شب‌هایش را زنده داشته باشد.»<sup>۱</sup>

روزی سیدالشهدا علیه السلام برای عیادت اسامه بن زید که سخت بیمار بود، به خانه او رفت. وقتی نگاه او به امام افتاد، آهی کشید و از اندوه خود یاد کرد. حضرت از دلیل اندوهش پرسید؛ عرض کرد: اندوه من، قرض فراوان است؛ شصت هزار درهم بدهکارم. حضرت فرمود: «ادای دین تو، بر عهده من است.» اسامه گفت: می‌ترسم از دنیا بروم و قرض من پرداخت نگردد. امام در پاسخ به او فرمود: «لَنْ تَمُوتَ حَتَّى أَقْضِيَهَا عَنْكَ؛ پیش از فرا رسیدن مرگت، قرضت را می‌پردازم.»<sup>۲</sup>

### رعایت شرایط بخشش

هرگونه بخشیدنی، مطلوب نیست، بلکه بخشش، دارای شرایطی است، یعنی کسی که به دنبال احسان و انفاق است، باید ویژگی‌ها و شرایطی را رعایت کند تا عملش مورد پسند خداوند قرار گیرد. بدون آزار و منت، در خفا و شبانه، با احترام و فروتنی، بدون ریا، از بهترین‌ها، با اشتیاق، بدون تعلل و مسامحه و نیز به دور از ایجاد حسّ خواری در شخص نیازمند، همگی از شرایط بخشش به شمار می‌آیند.

مردی انصاری نزد امام حسین علیه السلام آمد و خواست تا حاجت خود را مطرح کند. امام فرمود: «يَا أَخَا الْأَنْصَارِ صُنْ وَجْهَكَ عَنْ بَدَلَةِ الْمَسْأَلَةِ وَارْفَعْ حَاجَتَكَ فِي رُفْعَةِ قَائِي آتِ فِيهَا مَسَازَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ ای برادر انصاری! آبروی خود را از خواری درخواست کردن، نگاه دار و حاجتت را در برگه‌ای بنویس. من در این باره کاری می‌کنم که اگر خدا بخواهد، شادمانت کند.» آن مرد نوشت: ای ابا عبد الله!

۱. صوری، قضاء حقوق المؤمنین، ص ۲۸؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۳۱۵.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۸۹.

فلان کس، پانصد دینار از من بستانکار است و به من فشار می‌آورد. پس، با او گفت‌وگو کن که تا زمان توانایی‌ام بر پرداخت، به من مهلت دهد. چون امام حسین علیه السلام برگه را خواند، وارد خانه‌اش شد و کیسه‌ای حاوی هزار دینار آورد و به او فرمود: با پانصد دینارش، بدهی خود را پرداز و از پانصد دینار دیگر، در رویارویی با روزگار، کمک بگیر. آن حضرت در ادامه چنین توصیه فرمود: «لَا تَرْفَعِ حَاجَتَكَ إِلَّا إِلَىٰ أَحَدٍ ثَلَاثَةٍ: إِلَىٰ ذِي دِينَ، أَوْ مَرْوَةَ أَوْ حَسَبٍ فَأَمَّا ذُو الدِّينِ فَيَصُونُ دِينَهُ وَ أَمَّا ذُو المَرْوَةِ فَإِنَّهُ يَسْتَحْيِي لِمَرْوَتِهِ وَ أَمَّا ذُو الحَسَبِ فَيَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تُكْرِمْ وَ جَهَكَ أَنْ تَبْذُلَهُ لَهُ فِي حَاجَتِكَ فَهُوَ يَصُونُ وَ جَهَكَ أَنْ يَرُدَّكَ بِغَيْرِ قَضَاءٍ حَاجَتِكَ؛ حاجت خود را جز نزد سه کس مبر: نزد دین‌دار یا جوانمرد یا بزرگ‌زاده؛ زیرا دین‌دار، برای حفظ دین خود نیازت را برآورد و جوانمرد، از مردانگی خود شرم می‌کند و بزرگ‌زاده می‌داند که تو با رو انداختن به او، آبرویت را فروختی و او با برآوردن نیازت، آبروی تو را حفظ می‌کند.»<sup>۱</sup>

### مواع بخشش

بخشش، شهر زیبایی است که حصارهایی آن را احاطه کرده است. اموری انسان را از صفت بخشندگی دور می‌سازند و میان او و خوشبختی فاصله ایجاد می‌کنند. این امور، ظهور نعمت‌های الهی را کاهش می‌دهند و مسیر افزایش نعمت را مسدود می‌کنند. برخی از این مواع، عبارت‌اند از:

#### ۱. خست و مشقت درونی

خست و مشقت درونی که از آن به «حرص» تعبیر می‌شود، دارای درجات متفاوتی است که بالاترین درجه آن را «شَحَّ»<sup>۲</sup> و کمتر از آن را «بخل» می‌گویند.

۱. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۴۷.

۲. حشر، آیه ۹؛ تغابن، آیه ۱۶: «وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ و کسانی که از خست نفس خویش مصون مانند، آنان رستگاران‌اند.»

گاهی انسان به مال خویش مشغول است و به آن بخل می‌ورزد؛ اما گاهی آدمی به داشته‌های دیگران هم چشم می‌دوزد، برای آنها نقشه می‌کشد و برای مردم بدخواهی می‌کند. براین اساس، حالت بخل یا شُح، از موانع مهم بخشش به حساب می‌آید. امام حسین علیه السلام به نقل از جدّ بزرگوار خود فرمود: «سامان یافتن نخستین نسل این امت، با زهد و یقین است و هلاکت آخر آن، با بخل و آرزو.»<sup>۱</sup>

## ۲. احساس مالکیت

تنها، خداوند خالق است: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ؛ خدا، آفریدگار هر چیزی است.»<sup>۲</sup> این سخن، بدین معناست که فقط او مالک است و غیر از او کسی توان مالکیت ندارد؛ مگر به اذن او. براین اساس، ما مالک هیچ چیز نیستیم و بهره ما در این عالم، فقط سعی و تلاش است که البته نتیجه بخش آن کوشش هم فقط خداست؛ یعنی اوست که به دنبال فعل ما، نتایجی پدید می‌آورد.

با توجه به این نکته، آنچه بر اساس تلاش و فعالیت ما به دست می‌آید، مملوک و داشته ما نیست؛ بلکه داده خداست. تمام داشته‌های ما، داده‌های خدا و ملک اوست؛ نه مملوک ما. بهترین نمونه برای کاهش احساس تملک‌گرایی، توجه به هم‌نوعان، خدمت به آنان و بخشش به دیگران است. حسین بن علی علیه السلام در مناجات با پروردگار خویش عرض می‌کند: «أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَأَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي؛<sup>۳</sup> من در بی‌نیازی، نیازمندم؛ پس چگونه در فقرم نیازمندم [تو]

۱. شیخ صدوق، الخصال، ص ۷۹؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۷۳؛ فتال

نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۴۷۴.

۲. زمر، آیه ۶۲.

۳. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای عرفه.

نباشم؟» و یا در فرازی دیگر از دعای عرفه آمده است: «إِلَهِي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ أَقَمْتَنِي أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَعْنَيْتَنِي؛<sup>۱</sup> خدایا! چگونه احساس فقر نداشته باشم، درحالی که مرا در عالم امکان، در میان فقرا جای دادی و چگونه فقیر و نیازمند باشم، درحالی که تو آنی که به بخشش خودت بی نیازم کردی.»

### ۳. مال پرستی و زیاده خواهی

فزون طلبی، قانون خلقت نیست و هرکس رفتاری حریصانه داشته باشد، گام در کوچه بن بست هستی گذارده است. مسیر باز در کائنات، این است که اگر نعمتی دیدی، دیگران بر تو مقدم اند. آن که در صف تقسیم غنایم می ایستند، باید انتهای صف باشد و نیز اگر جایی بلا یا اندوه دید، اولین کسی باشد که تلاش می کند عاقلانه رفتار کند.

### ۴. خودخواهی

مؤمن، از خودبینی و نفسانیت رهیده است و هرگز خودشیفته نیست. از این رو، مشتاق بخشش است و حداقل، بخشی از تلاش خود را برای بخشش و گذشت هدیه می کند و نه تنها منافع خود را برجسته نمی کند؛ بلکه از منافعش می گذرد. براین اساس، همت او، مال اندوزی نیست و ثروت را برای اعطا به دیگران می خواهد؛ نه نگاه داشتن. اساساً فرد بخشنده، در بهره مندی از مواهب، نعمت ها و زیبایی های زندگی، دیگران را بر خود مقدم می دارد.

### جمع بندی

گزارش های متعددی رسیده که امام حسین علیه السلام مهمان را اکرام می کرد و به



خواهان می‌بخشید و با خویشاوند می‌پیوست و به فقیر می‌رساند و به نیازخواه، کمک می‌کرد و برهنه را می‌پوشاند و گرسنه را سیر می‌کرد و به بدهکار، عطا می‌نمود و ناتوان را دستگیری می‌کرد و بر یتیم، دلسوزی می‌نمود و به نیازمند، یاری می‌رساند و کمتر می‌شد که مالی به او برسد و آن را تقسیم نکند.<sup>۱</sup>

سیره و سخن سیدالشهدا علیه السلام آکنده از توصیه‌ها و نمونه‌های بخشش رفتاری، انفاق قلبی، انفاق مالی و بخشش زبانی است و می‌طلبد که مدعیان عشق حسین علیه السلام، خود را به این فضیلت گران‌مایه انسانی آراسته کنند و بخشش و گذشت را که نمایانگر بخشی از حقیقت عشق و معرفت به آن امام همام است، در ابعاد مختلف زندگی خویش آشکار کنند. عاشق حسین علیه السلام، عاشق گذشت و بخشندگی است؛ زیرا مولایش نیز این گونه بود و از همه چیزش گذشت.

---

۱. محمدبن طلحه شافعی، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، ص ۷۳؛ اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۳۴.



## نگاهی به سیره عبادی امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان\*

### اشاره

آنچه درباره امام حسین علیه السلام شهرت دارد، قیام حضرت و حماسه عاشورا است؛ اما متأسفانه بعد عبادی آن امام همام، چندان مورد توجه قرار نگرفته است؛ درحالی که امام حسین علیه السلام همواره با معرفت کامل و اخلاص بی نظیر، به عبادت خدای سبحان می پرداخت و از مناجات با حق تعالی لذت می برد. هدف از بیان سیره عبادی حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، تأسی به آن حضرت و تبعیت عملی از ایشان است؛ زیرا شیعه واقعی امام، کسی است که افزون بر محبت و مودت به آن حضرت، در عمل نیز از اعمال آن بزرگوار تبعیت کند؛ چنان که امیر مؤمنان، علی علیه السلام فرموده: «مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا؛ کسی که ما را دوست دارد، باید عملی که ما انجام می دهیم، انجام دهد.» همچنین، امام محمدباقر علیه السلام به جابر جعفی فرمود: «مَنْ كَانَ لِلَّهِ مُطِيعًا فَهُوَ لَنَا وَلِيُّ وَمَنْ كَانَ لِلَّهِ عَاصِيًا فَهُوَ لَنَا

---

\* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ص ۶۱۸؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۷،

ص ۳۰۶.

عَدُوٌّ وَمَا تُنَالُ وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ؛<sup>۱</sup> آن که مطیع خداست، دوست ماست و آنکه عاصی بر خداست، دشمن ماست. جز با عمل و پارسایی، راهی برای دسترسی به ولایت ما وجود ندارد.»

آنچه در این نوشتار می‌آید، تنها قطره‌ای از دریای بیکران سیره عبادی امام حسین علیه السلام است که در محورهای همچون: نماز، حج، قرآن و دعا سامان یافته است و فضایل عبادی و معنوی سالار و سید شهیدان، اباعبدالله الحسین علیه السلام، بیش از آن است که به قلم و بیان درآید. کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست

که تر کنم سرانگشت و صفحه بشمارم

### مبنای سیره عبادی امام حسین علیه السلام

اعمال آدمی براینند معرفت، اندیشه و نوع جهان بینی و مراتب ایمان اوست. کسی که به خداوند و عالم قیامت معرفت و باور عمیق قلبی دارد، زندگی عملی او نسبت به کسی که از چنین اعتقادهای و باورهای قلبی محروم است، کاملاً متفاوت خواهد بود. بنابراین، سبک زندگی مؤمنانه هر شخصی، ثمره ایمان صادقانه و عمیق اوست. آنچه موجب امتیاز و برجستگی سیره عبادی امام حسین علیه السلام شده، به همین مسئله برمی‌گردد. امام سوم ما شیعیان، هم معرفت کامل به خداوند و معارف اسلامی و قرآنی داشت و هم از بالاترین مراتب ایمان و باور قلبی برخوردار بود؛ به گونه‌ای که حضرت همواره خود را در محضر خدای متعال می‌دید و خویشتن را نیازمند عنایات ربوبی می‌دانست.

وقتی از حضرت پرسیدند، چگونه صبح کردی؟ فرمود: «صبح کردم؛

۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۷۴؛ شیخ صدوق، الأمالی، ص ۶۲۵.

درحالی که پرودگارم، بالای سرم و آتش، پیش رویم و مرگ، جوینده ام و حساب الهی، فراگیرم می باشد... بنابراین، کدام فقیر از من نیازمندتر است؟<sup>۱</sup> قاضی نورالله تستری می گوید: به امام حسین علیه السلام عرض شد: ابوذر می گوید: «برای من، فقر، محبوب تر از بی نیازی است و مریضی، محبوب تر از سلامتی است.» امام حسین علیه السلام فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ تَعَالَى أَبَاذَرَ، أَمَا أَنَا فَأَقُولُ: مَنْ إِيَّاكَ عَلَى حُسْنِ إِخْتِيَارِ اللَّهِ تَعَالَى لَهُ لَمْ يَتَمَنَّ غَيْرَ مَا اخْتَارَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ؛<sup>۲</sup> خداوند ابادرا رحمت کند؛ اما من می گویم: هرکس به انتخاب نیک خدا توکل کند، جز آنچه را خدا برایش برگزیده است، آرزو نمی کند.»

امام سجاد علیه السلام می فرماید: چون صبح روز عاشورا شد، پدرم دستها را به سوی آسمان بلند کرد و نگاه عرض کرد: «اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْتَبِي فِي كُلِّ كَرْبٍ، وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ، وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ تَزَلُّ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ... فَأَنْتَ وَلِي كُلِّ نِعْمَةٍ، وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ، وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ؛<sup>۳</sup> بار پروردگارا! در تمام غصه ها و اندوهها، تو محلل اتکا و اعتماد من می باشی! و در هر گرفتاری و شدت، تو محلل امید من هستی! و در هر حادثه ای که بر من فرود آید و هر نازله ای که بر من وارد شود، تو محلل اطمینان و استعداد من می باشی... بنابراین، ای خدای من! تو ولی تمام نعمت ها هستی، و صاحب هر نیکویی، و منتهای تمام رغبت ها می باشی.» یکی درد و یکی درمان پسندد

یکی وصل و یکی هجران پسندد

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵.

۲. قاضی نورالله تستری، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۱۱، ص ۵۹۱.

۳. شیخ مفید، الإرشاد، ص ۲۵۳؛ شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص ۱۴۴؛ تاریخ طبری،

ج ۴، ص ۳۲۱.

من از درمان و درد و وصل و هجران

پسندم آنچه را جانان پسندد<sup>۱</sup>

نگاهی کوتاه به سیره عبادی و شیوه پرستش سرور آزادگان عالم، می تواند ژرفای معرفت، ایمان عمیق و اخلاص بی نظیر و ارتباط قوی آن حضرت با ذات خداوند را برای ما روشن کند. در ادامه، به بیان مهم ترین نمونه های عبادی در زندگی نورانی آن امام همام می پردازیم.

## الف. نماز

### ۱. مقدمات نماز

از منظر اسلام، نمازی مطلوب است که با حضور قلب و توجه کامل خواند شود. یکی از راهکارهای کسب حضور قلب در نماز، آن است که نمازگزار وضوی نماز را با حالت توجه و به شکل شایسته بگیرد. به همین جهت، سفارش شده که در هنگام شستن اعضای وضو، اذکار خاصی را بخوانیم.

در حالات معنوی امام حسین علیه السلام نوشته اند: هرگاه امام علیه السلام وضو می گرفت، رنگ چهره اش تغییر می کرد و بندبند اعضایش به لرزه در می آمد. وقتی از حضرت علت این امر را جویا شدند، در پاسخ فرمود: «حَقُّ لِمَنْ وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ أَنْ يَصْفَرَ لَوْنَهُ وَتَرْتَعِدَ مَفَاصِلُهُ»<sup>۲</sup> کسی که در پیشگاه خدای توانا می ایستد، سزاوار است که از خوف و خشیت او، رنگ رخسارش زرد شود و اندامش به لرزه آید.»

۱. دویبیتی های باباطاهر، دویبیتی شماره ۲۸.

۲. محمد سبزواری، جامع الأخبار و الآثار، ص ۱۶۶.

## ۲. طولانی بودن رکوع و سجود

شیخ عباس قمی می نویسد: «حضرت مهدی علیه السلام فرمود: جَدَمَ حَسِينٍ علیه السلام، رکوع و سجودش طولانی بود.»<sup>۱</sup>

روایت شده که روزی شریح وارد مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله شد. دید حسین علیه السلام در حال سجده، صورت بر خاک می سایید و عرضه می دارد: «سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَلِمِقَامِ الْحَدِيدِ خَلَقْتَ أَعْضَائِي، أَمْ لِشُرْبِ الْحَمِيمِ خَلَقْتَ أَمْعَائِي، الْهِيَ لَسِّنِ طَالِبَتِنِي بِذُنُوبِي لِأَطْلِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ، وَلَسِّنِ حَبَسْتِنِي مَعَ الْخَاطِئِينَ لِأَخْبِرْتَهُمْ بِحُبِّي لَكَ، سَيِّدِي إِنَّ طَاعَتَكَ لَا تَنْفَعُكَ وَمَعْصِيَتِي لَا تَضُرُّكَ، فَهَبْ لِي مَا لَا يَنْفَعُكَ، وَاعْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ فَإِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛

خدایا! مولای من! آیا اعضای بدنم را برای گرزهای آهنین و اعضای درونی ام را برای نوشیدن حمیم دوزخ آفریدی؟ خدایا! اگر مرا به جرم گناهانم بازخواست نمایی، من نیز قطعا کرم و بخششت را درخواست خواهم کرد و اگر مرا در کنار تبهکاران به بند بکشی، مراتب دوستی و محبتی را که از توبه دل دارم، به آنها اعلام خواهم کرد! مولای من! فرمان برداری و اطاعت من، سودی به حال تو ندارد و معصیت و گناهم، به تویزانی نمی رساند. پس، توفیق اطاعت به من ببخش و از گناهانم درگذر که تو مهربان ترین مهربانانی.»<sup>۲</sup>

## ۳. اهتمام به نماز اول وقت

ابو ثمامه صاندی، از یاران امام علیه السلام، در روز عاشورا وقت نماز ظهر را به امام یادآور شد. امام علیه السلام خطاب به او فرمود: «ذَكَرْتَ الصَّلَاةَ جَعَلَكَ اللَّهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ الذَّاكِرِينَ نَعَمَ هَذَا أَوَّلُ وَقْتِهَا، ثُمَّ قَالَ: سَلَوْهُمْ أَنْ يَكْفُوا عَنَّا حَتَّى نُصَلِّيَ؛ نماز را به

۱. شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص ۱۰۴.

۲. قاضی نورالله تستری، احقاق الحق وازهاق الباطل، ج ۱۱، ص ۴۲۴.

یاد ما انداختی؛ خدا تو را از نمازگزارانی که به یاد خدا هستند، قرار بدهد. آری، اینک وقت نماز فرا رسیده است؛ از دشمن بخواهید که موقتاً دست از جنگ بردارد تا نماز خود را به جای آوریم.» بدین ترتیب، امام علیه السلام با چند تن از یارانش در مقابل تیرهای دشمنان نماز ظهر را به جای آوردند. چقدر خوب است ما هم درباره نماز به گونه‌ای رفتار کنیم که همانند ابو ثمامه، مشمول دعای حضرت شویم.

در جنگ صفین، ابن عباس از امام علی علیه السلام پرسید: ای امیر مؤمنان! گویی نگران مطلبی هستید؟ امام فرمود: آری، مراقب زوال شمس و داخل شدن وقت نماز ظهر هستم. ابن عباس عرض کرد: ما در این موقع حساس نمی‌توانیم دست از جنگ برداریم و نماز بخوانیم. امیر مؤمنان علیه السلام در پاسخ فرمود: «إِنَّمَا قَاتَلْنَاهُمْ عَلَى الصَّلَاةِ؛<sup>۱</sup> ما برای نماز، با آنان می‌جنگیم.»

## ب. حج

در سیره عبادی اباعبدالله الحسین علیه السلام آمده است که آن حضرت در کمال فروتنی بارها و طبق نظر برخی بیست و پنج بار،<sup>۲</sup> پیاده به خانه خدا رهسپار شد و با خشوع تمام مناسک حج را به جای آورد.<sup>۳</sup> شیخ مفید می‌نویسد:

ابراهیم رافعی از پدر خود و از جدّ خویش نقل کرده است که گفت: «رَأَيْتُ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَمْشِيَانِ إِلَى الْحَجِّ، فَلَمْ يَمْرَا بِرَاكِبٍ إِلَّا نَزَلَ يَمْشِي؛ حسن و حسین علیهما السلام را دیدم که پیاده به حج می‌روند. پس، بر هیچ سواره‌ای نگذاشتند،

۱. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، باب ۴۱.

۲. هیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۹، ص ۲۰۱.

۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۴؛ ابن اثیر، أُسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۲، ص ۲۰.



مگر آنکه او نیز پایین آمده، پیاده راه می‌رفت.» این مسئله، برای برخی سنگین آمد و به سعد بن ابی وقاص گفتند: پیاده‌روی، برای ما مشکل است و از سوی دیگر، نمی‌پسندیم که ما سواره باشیم و این دو آقای بزرگوار، پیاده بروند. سعد به امام حسن علیه السلام عرض کرد: ای ابامحمد! پیاده‌روی برای برخی از این مردمان که با شما همراه هستند، سنگین است و چون شما را پیاده می‌بینند، سواره بودن آنان گوارا نیست؛ چرا شما سوار نمی‌شوید؟ امام حسن علیه السلام فرمود: «ما سوار نمی‌شویم؛ با خود پیمان بسته‌ایم که پیاده به بیت الحرام برویم؛ ولی از راه، کناره می‌گیریم.» پس، از راه، کناره گرفتند [تا از دید مردم دور باشند].<sup>۱</sup>

## ج. اهتمام به قرآن

### ۱. تلاوت قرآن در شب عاشورا

مورخان نوشته‌اند که در عصر تاسوعا، عمرین سعد به محل استقرار امام حسین علیه السلام نزدیک شد. چون امام از هدف او آگاه شد، به قمر بنی هاشم فرمود: «ارجع إليهم فإن استطعت أن تؤخرهم إلى غدوة وتدفعهم عنا العشيّة لعَلنا نصلّي لربنا هذه الليلة وتدعوه وتستغفره فهو يعلم أني قد كنت أحب الصلاة له وتلاوة كتابه وكثرة الدعاء والاستغفار؛<sup>۲</sup> نزد آنان برگرد و چنانچه توانستی، جنگ را به صبح فردا موکول کن و امشب را مهلت بگیر که امید است در این شب، نماز گزارده، با خدا نیایش کنیم و از او، آمرزش بخواهیم که او می‌داند من به راستی نماز و تلاوت قرآن و نیایش فراوان و استغفار را دوست می‌دارم.»

۱. شیخ مفید، الإرشاد، ص ۲۵۰؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۹۹؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۷۶.

۲. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۱۴؛ شیخ مفید، الإرشاد، ص ۲۲۰؛ خوارزمی، مقتل الحسين علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴۹؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۹۱.

امام علیه السلام با یاران با وفای خود، آن شب را به نماز و استغفار و نیایش و تلاوت قرآن سپری کرد.

## ۲. اهمیت آموزش قرآن به فرزندان

انسان، نه تنها خود باید قرآن را بشناسد و با تلاوت آیات آن از هدایتش برخوردار گردد، بلکه وظیفه دارد نزدیکان و اطرافیان خویش را نیز با آن آشنا گرداند. والدین محترم باید فرزندان‌شان را که امانت‌های الهی هستند، با قرآن کریم آشنا کنند. امروزه، متأسفانه برخی قبل از آنکه قرآن، نماز و مسائل شرعی را به فرزندان خود بیاموزند، آنان را به کلاس‌هایی همچون آموزش زبان یا موسیقی می‌فرستند!

ابن شهر آشوب روایت می‌کند: عبدالرحمن سلمی سوره حمد را به یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام آموزش داد. وقتی طفل آن سوره را برای پدر قرائت کرد، حضرت بسیار خوشحال شد و معلم را دعوت کرد و به عنوان تقدیر و تشکر، هزار دینار و هزار حله لباس به او پاداش داد... وقتی از حضرت درباره این همه لطف سؤال کردند، در پاسخ فرمود: «أَيُّ يَقْعُ هَذَا مِنْ عَطَائِهِ؛ این عطا و بخشش، چگونه می‌تواند با تعلیمی که او می‌دهد، برابری کند؟»<sup>۱</sup>

## د. مناجات

مناجات با خداوند، یکی از مظاهر مهم بندگی به شمار می‌رود. همه پیامبران و اولیای الهی، اهل دعا و رازونیز با خدای رحمان بودند و آن را یکی از مهم‌ترین راه‌های نیل به کمال و قرب الهی می‌دانستند. قرآن کریم درباره اهمیت دعا

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۶۶؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۰.

می فرماید: «قُلْ مَا يَغْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»<sup>۱</sup> بگو: پروردگار من به شما اعتنایی نمی کند، اگر دعای شما نباشد.» امام حسین علیه السلام نیز فرمود: «أَعَجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ»<sup>۲</sup> عاجزترین مردم، کسی است که از دعا کردن ناتوان باشد.»

در ادامه، مناسب است که به چند نمونه از دعاهای امام حسین علیه السلام اشاره نماییم.

### ۱. دعای امام علیه السلام در هر صبح و شام

امام حسین علیه السلام در هر صبح و شام بر خواندن این دعا مداومت داشت: «... اللَّهُمَّ إِنِّي أَسَلْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ يَا كَفِينِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَكْفِينِي مِنْ كُلِّ أَحَدٍ وَلَا يَكْفِينِي أَحَدٌ مِنْكَ فَاكْفِنِي مِنْ كُلِّ أَحَدٍ مَا أَخَافُ أَحَدًا، وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا إِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»<sup>۳</sup>

... خدایا! خویشتن را تسلیم تو نمودم و به سویت رو آوردم و کارهایم را به تو سپردم. از فرجام هر عمل ناپسندی، در دنیا و آخرت از تو عافیت می طلبم. خدایا! تو به جای همه قادر به حمایت من هستی؛ ولی هیچ کس در برابر تو قادر بر حمایت من نیست. مرا از هر چه بیم دارم و پرهیز می کنم، در حمایت خود قرار ده و در کارهایم گشایش حاصل نما؛ زیرا تو از همه چیز آگاهی و من ناآگاهم، تو بر همه چیز قادری و من از قدرتی برخوردار نیستم و تو توانایی

۱. فرقان، آیه ۷۷.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۹۴.

۳. سیدبن طاووس، مَهَج الدَّعَوَاتِ وَمَنْهَج الْعِبَادَاتِ، ص ۱۵۷؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۳۱۳.

هرچیزی را داری؛ به رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان.»

## ۲. دعای امام علیه السلام در طلب توفیق

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَوْفِيقَ أَهْلِ الْهُدَى وَأَعْمَالَ أَهْلِ التَّقْوَى وَمُنَاصِحَةَ أَهْلِ التَّوْبَةِ وَعَزْمَ أَهْلِ الصَّبْرِ، وَحَذَرَ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَطَلَبَ أَهْلِ الْعِلْمِ وَزِينَةَ (نِيَّة) أَهْلِ الْوَرَعِ وَخَوْفَ أَهْلِ الْجَزَعِ حَتَّى أَخَافَكَ اللَّهُمَّ مَخَافَةً تَحْزِنُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ وَحَتَّى أَعْمَلَ بِطَاعَتِكَ عَمَلًا أَسْتَحِقُّ بِهِ كِرَامَتَكَ وَحَتَّى أَنْصَحَكَ فِي التَّوْبَةِ خَوْفًا لَكَ وَحَتَّى أُخْلِصَ لَكَ النَّصِيحَةَ حُبًّا لَكَ وَحَتَّى أَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فِي الْأُمُورِ حُسْنًا ظَنًّا بِكَ سُبْحَانَ خَالِقِ النُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ؛<sup>۱</sup>

بارالها! از تو توفیق هدایت‌یافتگان، اعمال تقوایندگان، خلوص و صدق توبه‌کنندگان، اراده جدی صابران، پرهیز ترسایان، جویندگی دانشوران، زینت پارسایان و بیم ناله‌کنندگان را می‌طلبم؛ تا ای خدا! از تو بیم ببرم؛ بیمی که مرا از نافرمانی‌هایت بازدارد و تا از تو فرمان برم؛ آن‌چنان‌که شایسته کرامت‌گردم و تا از بیم تو، پاک و صمیمی به سویت برگردم و توبه کنم و تا از محبت تو در خلوص توبه، برای تو زلال شوم و تا از حُسن ظنی که به تو دارم، در همه کارهایم بر تو توکل نمایم. پاک و منزهی ای آفریدگار نور! پاک و منزّه است خدای بزرگ و او را می‌ستایم.»

## ۳. دعای امام علیه السلام در روز عرفه

امام علیه السلام در موسم حج در عرفات و در دامنه کوه به حال ایستاده این دعا را خواندند؛ درحالی‌که مردم گرد حضرت حلقه زده بودند. این دعا، طولانی است و قسمت‌های فراوانی را می‌توان قرائت، ترجمه و تفسیر کرد؛ اما به دلیل

۱. سیدبن طاووس، همان؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۸۴.

محدودیت در نوشتار، تنها به بیان فراز ذیل بسنده می‌شود:

«أَيُّكُونُ لِعَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرُ لَكَ مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يُدُلُّ عَلَيْكَ وَمَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْإِتَّازُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ عَمِيثٌ عَيْنٌ لَا تَرَأَى [تَرَكَ] عَلَيْهَا رَقِيباً وَحَسْرَتٌ صَفْقَةٌ عَنِيذٌ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيْباً؛

آیا برای غیر تو ظهوری هست که آن ظهور برای تو نباشد تا ظاهرکننده تو باشد؟ کی غایب بوده‌ای تا نیازمند دلیلی باشی که بر تو دلالت کند؟ کی دور شده‌ای تا اثرها وسیله وصول به تو گردند؟ کور باد چشمی که تو را رقیب خود نبیند و بی سود باد دستمایه کسی که از حجت تو نصیبی نداشته باشد.»

کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را

کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را

غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور

پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را

با صد هزار جلوه برون آمدی که من

با صد هزار دیده تماشا کنم تو را<sup>۱</sup>

به تعبیر حضرت امام خمینی علیه السلام:

با عاقلان بگو که رخ یار ظاهر است

کاوش بس است، این همه در جست‌وجوی دوست

همه جا منزل عشق است که یارم همه جاست

کوردل آن‌که نبیند به جهان جای تو را<sup>۱</sup>

#### ۴. دعای امام علیؑ در واپسین لحظات عمر

امام علیؑ در واپسین لحظات عمر خود به نیایش پرداخت و چنین فرمود:  
«... صَبْرًا عَلَى قَضَائِكَ يَا رَبِّ لَا إِلَهَ سِوَاكَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، مَا لِي رَبُّ  
سِوَاكَ وَلَا مَعْبُودٌ غَيْرُكَ، صَبْرًا عَلَى حُكْمِكَ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ، يَا دَائِمًا لَا  
تَفَادِلُهُ، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى، يَا قَائِمًا عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ أُحْكَمَ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ  
وَأَنْتَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ»<sup>۲</sup>

... صبر بر تقدیرت ای پروردگار! ای که هیچ معبود به حقی جز تو نیست! ای  
فریادرس فریادخواهان! هیچ صاحب اختیار و معبودی جز تو ندارم. صبر بر  
داوری ات، ای دادرس بی پناهان! ای پیوسته بی پایان! ای زنده کننده مردگان! ای  
نگهدارنده هرکس با آنچه دارد! میان من و اینان داوری نما که تو بهترین داوری.»

۱. امام خمینی، دیوان امام، غزل ۲۶.

۲. عبدالرزاق الموسوی المقوم، مقتل الحسینؑ، ص ۳۵۷؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج

۱۰۱، ص ۳۴۸.

## سیمای علم‌دار کربلا در آینه زیارت‌نامه

حجت‌الاسلام والمسلمین جواد محدثی\*

### اشاره

زیارت‌نامه‌هایی که از سوی معصومین علیهم‌السلام درباره پیامبر خدا و امامان و فرزندان ائمه علیهم‌السلام نقل شده است، یکی از منابع معتبر برای معصوم‌شناسی و آشنایی با شخصیت بزرگان دین و الگوهای مکتب است. از این رو، تأمل و دقت در تعبیر و اوصاف بیان‌شده در این متون، ما را با فضایل و جنبه‌های الگویی این شخصیت‌ها آشنا می‌سازد.

مرحوم محدّث قمی در کتاب مفاتیح الجنان، زیارت‌نامه‌ای را برای حضرت ابوالفضل العباس علیه‌السلام از ابو حمزه ثمالی نقل کرده است. این زیارت‌نامه، شامل دو بخش است: یکی هنگام ورود به حرم مطهر حضرت عباس علیه‌السلام، و دیگری زیارت داخل روضه منوره آن علم‌دار رشید و شهید. در هر دو بخش این زیارت‌نامه، اوصاف بلند و ویژگی‌های درخور دقت و الگوگیری برای آن حضرت بیان شده است.

---

\* محقق و نویسنده.

آنچه می خوانید، درنگ و تأملی در این اوصاف است که بیان گر جایگاه والای قمر بنی هاشم در ایمان و جهاد و فداکاری است و سزاوار است که مورد تأسی و درس آموزی شیفتگان آن حضرت و زائران حرم مطهرش قرار گیرد.

### ۱. تسلیم و تصدیق

از وظایف یک «مسلمان» در برابر خدا و رسول و ائمه علیهم السلام، «تسلیم و تصدیق» است؛ هم باور داشتن و سخن و دعوت دین را درست شمردن و عقیده داشتن، هم تسلیم بودن و فرمان برداری محض و اطاعت کامل در برابر امام و ولی خدا. در کلام حضرت امیر علیه السلام که به معرفی اسلام می پردازد، آمده است:

«الإِسْلَامُ هُوَ التَّسْلِيمُ وَالتَّصَدِيقُ هُوَ التَّصَدِيقُ...»<sup>۱</sup> اسلام، همان تسلیم است و تسلیم، همان تصدیق و باور.

در زیارت نامه آن حضرت می خوانیم:

«أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَالتَّصَدِيقِ...»

این گواهی دادن زائر به تسلیم و تصدیق درباره آن شهید، مستند به حیات و شهادت آن علم دار است و افتخاری برای اوست. کسانی در آن عصر، امام حسین علیه السلام را به امامت قبول نداشتند، در مقابل او تسلیم و فرمان بردار نبودند و برای خود، حقّ تصمیم جداگانه ای قائل بودند؛ اما حضرت ابا الفضل علیه السلام، سیدالشهدا علیه السلام را هم امام واجب الإطاعه خود می دانست و همواره به برادرش با عنوان «سیدی»، خطاب می کرد و هم در برابر فرمان امام، مطیع بود.

وقتی عصر تاسوعا سپاه عمر سعد به سوی خیمه ها هجوم آورد، امام به قمر بنی هاشم فرمود: برادرم! جانم به فدایت! سوار شو و نزد آنان برو و ببین چه

۱. شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۱۸۵.



می‌خواهند؟ وی به همراه بیست نفر سوار رفتند و علت این هجوم را پرسیدند و دیدند آنان خواسته‌شان تسلیم شدن امام یا آمادگی برای جنگ است. نتیجه را به عرض امام رساندند. امام فرمود: به سوی آنان برو و اگر توانستی امشب را مهلت بگیر... عباس هم مأموریت را انجام داد و جنگ به فردا موکول شد.<sup>۱</sup>

عصر عاشورا پس از شهادت اصحاب و جوانان بنی‌هاشم، حضرت ابوالفضل علیه السلام که در شجاعت و رشادت بی‌نظیر بود، از امام رخصت طلبید تا به میدان برود و پیکار کند. در آن لحظه، چیزی برای آن علم‌دار کربلا، خوشایندتر از این نبود که حمله کند و شمشیر خود را از خون آن ناپاکان لجوج و سنگدل سیراب کند؛ ولی امام حسین علیه السلام فرمود: حال که عزم نبرد داری، پیش از آن سعی کن آبی برای این کودکان تشنه فراهم آوری. عباس بن علی علیه السلام اطاعت امر کرد و مشک را برداشت و برای آب آوردن به شریعه فرات رفت. در این راه بسیار تلاش نمود و با محاصره‌کنندگان شریعه جنگید و در نهایت، به شهادت رسید.<sup>۲</sup> جانبازی و شهادت او در کنار علقمه، گواه امتثال امر و اطاعت از فرمان بود که در وی تجلی داشت.

## ۲. وفا و نصیحت

وفای ابوالفضل علیه السلام، ضرب‌المثل است. وفاداری در پیمانی که با امام خویش بسته بود، آب نوشیدن در اوج تشنگی و در کنار آب فرات و تا دم آخر در کنار رهبر خود بودن و از او حمایت کردن، از شاخصه‌های آن حضرت بود. امام حسین علیه السلام شب عاشورا وفای همه اصحاب را ستود و با گفتن اینکه من اصحابی

۱. باقر شریف القرشی، حیاة الامام الحسین علیه السلام، ج ۳، ص ۱۶۲.

۲. همان، ص ۲۶۵.

بهتر و باوفاتر از یاران خود نمی‌شناسم،<sup>۱</sup> بر نقش مؤثر این فضیلت اخلاقی تأکید کرد.

در زیارت‌نامه حضرت ابوالفضل علیه السلام پس از گواهی به تسلیم و تصدیق او، چنین آمده است:

«وَالْوَفَاءِ وَالنَّصِيحَةِ لِخَلْفِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ...؛ شهادت می‌دهم برای توبه وفاداری و خیرخواهی به جانشین پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ».

نصیحت و خیرخواهی در این زیارت و موارد مشابه، به معنای پند دادن و نصیحت کردن نیست؛ بلکه بیان و اقدام به هر شکلی است که به واسطه آن، خیر و صلاح خطّ امامت و برنامه‌های رهبری تأمین شود. این، همان اصطلاحی است که در روایات دیگر با عنوان «النَّصِيحَةُ لِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ» آمده است؛<sup>۲</sup> یعنی هر سخن و اقدامی که در جهت اهداف و مقاصد و منافع به‌حقّ حاکم اسلامی و جریان رهبری باشد؛ نه بر ضدّ و زیان آن. این‌گونه نصیحت و خیرخواهی، نشانه وفاداری به نظام و حاکم اسلامی و رهبری حق است؛ نه ضدّیت و تقابل و تخریب.

### ۳. صبر و یاری

از لوازم ایمان، داشتن صبر است و ایمان بدون صبر، همچون پیکر بی‌سر است. صبوری در راه عمل به وظیفه و دفاع از حق و یاری دین و تبعیت از امام و همه این تلاش‌ها را به حساب خدا گذاشتن و انتظار پاداش از او داشتن، کاری ارزشمند و بافضیلت است.

جبهه نبرد، از بارزترین صحنه‌های تجلی صبر و یاری امام و مقاومت در راه

۱. موسوعة کلمات الامام الحسين علیه السلام، ص ۳۹۵.

۲. ر.ک: علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۶۵.

عقیده است. جبهه کربلا هم از میان صحنه‌ها و موقعیت‌ها، والاترین مظهر تجلی این صفات در یاران صبور امام حسین علیه السلام است. امام حسین علیه السلام در یکی از منزلگاه‌های مسیر کربلا، طی خطبه‌ای از همراهان خویش خواست که هرکس بر تیزی شمشیرها و نیزه‌ها صبر و مقاومت دارد، با ما باشد؛ وگرنه صحنه را ترک کند: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَصْبِرُ عَلَى حَدِّ السَّيْفِ وَطَعْنِ الْأَسِنَّةِ فَلْيُتِمِّمْ مَعَنَا وَالْأُفْلَحُ لِيُنْصِرَفْ»<sup>۱</sup>

حضرت ابوالفضل علیه السلام در حماسه عاشورا برای دفاع از حق و مکتب پیامبر، این گونه بود. از این رو، در زیارت او می‌گوییم که خداوند بهترین جزارا از سوی پیامبر و امیر مؤمنان و امام حسن و امام حسین علیه السلام را به آن سردار علم‌دار عطا کند؛ «أَفْضَلَ الْجَزَاءِ بِمَا صَبَّرْتَ وَاحْتَسَبْتَ وَأَعَنْتَ؛ برترین پاداش نصیب تو باد؛ به سبب آنچه صبر کردی و به حساب خدا جهاد کردی و یاری نمودی.»

صحنه‌های عاشورا جز با صبر و مقاومت اصحاب، جاوادنگی نمی‌یافت و در واقع، حماسه ماندگار کربلا، در سایه آن حمایت‌ها و یاری‌ها شکل گرفت. غیر از صبر و اعانت که معنای آن روشن است، «احتساب» آن است که کاری به قصد قربت و تنها به حساب خدا انجام گیرد و رزمنده امیدش تنها به پاداش خداوند باشد. این، نشانه اخلاص در جهاد و مبارزه مکتبی و ادای تکلیف است. اگر فضیلت عباس بن علی علیه السلام، صبر و یاری و اخلاص در جهاد است، امروز هم ندای «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي» اباعبدالله علیه السلام، یاورانی با اخلاص و مقاوم می‌طلبند تا خطّ عاشورا را استمرار بخشند.

#### ۴. شهادت مظلومانه

۱. قندوزی، ینابیع المودّة، ص ۴۰۶.

هر شهیدی که در راه خدا و به دست پیروان باطل کشته می شود، «شهید مظلوم» است؛ ولی برخی شهادت‌ها به جهت ویژگی‌هایش مظلومانه‌تر جلوه می‌کند. شهادت قمر بنی‌هاشم، از این نوع است؛ علم‌داری که با لب تشنه، پس از شهید شدن همه برادران و برادرزادگان و عموزادگانش، می‌خواهد عازم میدان شود؛ اما به امر امام خود، به قصد آوردن آب برای اطفال تشنه اهل بیت علیهم‌السلام، به شریعه فرات می‌رود و صف محاصره‌کنندگان آب را می‌شکافد و خود را به آب می‌رساند و مشک را پُر می‌کند و همه همتش رساندن آب به خیمه‌ها و سیراب کردن اطفال تشنه‌کام است؛ اما گماشتگان فرات، از هر طرف او را محاصره می‌کنند تا مانع آب‌رسانی به خیمه‌ها شوند. آن شهید بزرگوار، دلاورانه با آنان می‌جنگد و دست راست و سپس دست چپش قطع می‌شود. در این هنگام، مشک را به دندان می‌گیرد و بر روی زین اسب خم می‌شود و با پیکار می‌کوشد از حلقه محاصره بیرون آید؛ ولی تیری به مشک می‌خورد و تیری به چشم آن حضرت و عمودی آهنین نیز بر فرقش اصابت می‌کند و از اسب به روی زمین می‌افتد و مظلومانه به شهادت می‌رسد و حسرت رساندن آب به اطفال بر دلش می‌ماند و این، اوج مظلومیت اوست. از این رو، در زیارت‌نامه‌اش می‌خوانیم:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ قَتَلْتَ مَظْلُومًا؛ گواهی می‌دهم که تو مظلومانه به شهادت رسیدی.»

## ۵. عبد صالح

عبودیت و بندگی، جوهره ارزش آدمی است و هرکس به هر مقام رسیده، در سایه بندگی حق تعالی بوده است. قرآن کریم نیز از بعضی پیامبران الهی همچون حضرت نوح علیه‌السلام و حضرت لوط علیه‌السلام را به عنوان «عبد صالح» یاد کرده است.

در زیارت‌نامه می‌خوانیم: «السلام علیک ایها العبد الصالح.» و در حقیقت، آن حضرت را از زبان امام صادق علیه السلام، بنده صالح و شایسته پروردگار می‌دانیم. رسیدن به این مقام، ثمره عمری مجاهدت و التزام عملی به فرمان خدا و عمل بر مدار دین و شریعت است.

## ۶. مطیع خدا و رسول

در ادامه، جمله‌ای که به عبد صالح بودن حضرت ابوالفضل علیه السلام اشاره شده، از او به عنوان کسی که فرمان‌بردار خداوند، رسول خدا، امیر مؤمنان، امام حسن و امام حسین علیهم السلام یاد شده است. ملاک عبد صالح بودن، همان مطیع خدا و رسول و امام بودن است؛ چنان‌که فرموده است: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ.»<sup>۱</sup>

اطاعت از ولایت و حرکت در خطّ پیشوایان معصوم، شاخصه بارز مؤمنان واقعی است که از هرگونه هوا و هوس و خودخواهی رها شده‌اند و دل در گرو اطاعت خدا و اولیای او نهاده‌اند و اگر مقام و منزلتی دارند، در سایه مطیع بودن در برابر حجت الهی و امام معصوم است. از این رو، در زیارت‌نامه می‌خوانیم:

«الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ.»

این صفت، جایگاه رفیع او را در ایمان و عمل و اطاعت نشان می‌دهد. در آغاز زیارت هم که برای او صفت «تسلیم و تصدیق» یاد شده، در همین راستاست و «طاعت عملی»، گواه «تصدیق قلبی» است.

## ۷. در امتداد شهدای بدر

خطّ جهاد و شهادت، همیشه رهروانی داشته است. در صدر اسلام، نمونه بارز

آن جهاد و شهادت، یاران پیامبر در میدان‌های نبرد، به‌ویژه در حماسه پیروز جنگ بدر تجلی کرد که ۳۱۳ نفر از مسلمانان پاکباز و جان‌برکف در برابر هزار نفر نیروی مشرک، جانانه به نبرد پرداختند و پیروزی بزرگی آفریدند.

«مجاهدان بدر»، لقبی افتخارآمیز بود که در آن دوره به آنان گفته می‌شد و همه کسانی که در هیمن راه و در امتداد همین خط، مخلصانه و فداکارانه جان‌فشانی کردند، از این افتخار برخوردارند و مدال «بدریون» بر سینه آنان می‌درخشد.

اگر یاران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امر آن حضرت، در حماسه بدر شرکت کردند، یاران اباعبدالله الحسین عَلَيْهِ السَّلَام هم در معرکه عاشورا با همان ایمان و اخلاص، جنگیدند و جان خود را نثار امام خویش کردند و برای اسلام، عزت آفریدند. در فراز دیگری از این زیارت‌نامه به این فضیلت چنین اشاره شده است:

«وَأَشْهَدُ اللَّهَ أَنَّكَ مَصِيَّتٌ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ الْبَدْرِيُّونَ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الْمُنَاصِحُونَ لَهُ فِي جِهَادِ أَعْدَائِهِ الْمُبَالِغُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ الدَّابُّونَ عَنْ أَحْبَابِهِ؛<sup>۱</sup> خدا را شاهد می‌گیرم که تو در همان راه و مسیر و خطی حرکت کردی و جان دادی که رزمندگان بدر و مجاهدان راه خدا و خیرخواهان امام در جهاد با دشمنانش حرکت کردند؛ آنان که در نصرت اولیای خدا از هیچ تلاشی کوتاهی نکردند و مدافعان، از دوستان خدا و رسول بودند.»

یک بار دیگر به تعبیر به کاربرده‌شده دقت شود: «الْبَدْرِيُّونَ، مُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، الْمُنَاصِحُونَ، الْمُبَالِغُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ، الدَّابُّونَ.»

این‌ها همه معیار فضیلت است؛ بدری بودن، جهاد در راه خدا، نصیحت و خیرخواهی برای پیامبر، تلاش پیگیر و جدی در نصرت اولیای الهی، دفاع از دوستان خدا.

۱. ابن‌قولویه، کامل‌الزیارات، ص ۲۵۷.

صحنه عاشورا، تجلی همین ارزش‌ها بود و قمر بنی‌هاشم برجستگی خاصی در حمایت از امام و یاری دین خدا و دفاع از حریم و حرم آل‌رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داشت و این ایده و رفتار، از رجزهای او هم کاملاً مشهود است. وقتی در نبرد، دست راستش از کار افتاد، چنین رجز می‌خواند و می‌جنگید:

وَ اللَّهُ إِنْ قَطَعْتُمْوَا يَمِينِي  
وَ عَنِ إِمَامٍ صَادِقِ الْيَقِينِ  
إِنِّي أُحَامِي أَبَدًا عَنِ دِينِي  
نَجَلِ النَّبِيِّ الطَّاهِرِ الْأَمِينِ<sup>۱</sup>

«به خدا سوگند! اگر دست راستم را قطع کردید، من همواره از دینم و از امام راستگو و راست‌کردارم که فرزند پیامبر پاک و امین است، حمایت می‌کنم.»  
حمایت از دین و دفاع از امام، در اشعار حماسی حضرت ابالفضل عَلَيْهِ السَّلَام در میدان نبرد دیده می‌شود.

کربلا کعبه عشق است و من اندر احرام

شد در این قبله‌ی عشاق، دو تا تقصیرم

دست من خورد به آبی که نصیب تو نشد

چشم من داد از آن آب روان تصویرم

باید این دیده و این دست دهم قربانی

تا که تکمیل شود حج من و تقدیرم<sup>۲</sup>

## ۸. تلاش کامل

بعضی‌ها در راه دین، پا به میدان جهاد و مبارزه می‌گذارند؛ ولی در ادای تکلیف، به حداقل اکتفا می‌کنند. بعضی هم سنگ تمام می‌گذارند و همه ظرفیت و

۱. مقرّم، مقتل الحسين عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۳۳۷.

۲. حبیب‌الله چاپچیان (حسان)، ای اشک‌ها بریزید، ص ۲۱۰.

نیروی خود را در این راه صرف و خرج می‌کنند و با همه وجود، به میدان جهاد و دفاع و نصرت می‌آیند. به تعبیر همین زیارت، «غایة المهجود»، یعنی نهایت تلاش و توان خود را به کار می‌گیرند.

حضرت اباالفضل علیه السلام، از این گروه بود؛ یعنی در خیرخواهی و حمایت و نصرت امام خویش، از هیچ تلاشی فروگذار نکرد و با وفاداری کامل، هم پرچم‌داری و هم سقایت خیمه‌ها و حمایت از اهل حرم را بر عهده داشت و در پایان نیز با جهادی دلیرانه، جان خویش را فدا کرد. از این رو، در خطاب به ایشان در زیارت‌نامه می‌گوییم:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَالَعْتَ فِي التَّصِيحَةِ وَأَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ؛ گواهی می‌دهم که خیرخواهی را به نهایت رساندی و همه توان خود را در این راه به کار گرفتی و جان خویش را نثار کردی.»

بر تو ای مهر دل‌افروز، درود بر تو ای ماه‌هاشمی، صلوات کس ندیدم که رو سپید شود چون تو در امتحان صبر و ثبات<sup>۱</sup>

## ۹. صلابت و استواری

ثبات قدم و استواری در راه عقیده و سست نشدن در جهاد با دشمنان، از ارزش‌های مهم دینی است. همچنین، نهراسیدن از انبوه دشمنان و از دست ندادن انگیزه مبارزه و عمل در میدان ادای تکلیف، یک فضیلت است. قرآن کریم بارها از مؤمنان راستین چنین یاد کرده است که هرگز در راه خدا سست و ترسان و لرزان نمی‌شوند و از خویشتن ضعف نشان نمی‌دهند؛ از جمله این آیه که درباره خداپرستان واقعی همراه پیامبران است:

۱. محمدجواد غفورزاده (شفق).



«فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا؛<sup>۱</sup> هرگز در راه

خدا به جهت آنچه بر آنان وارد شد، سست و ضعیف و شکسته نشدند.»

در آیه دیگر نیز مؤمنان را به استقامت و پایداری دعوت می‌کند:

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛<sup>۲</sup> سست نشوید و غمگین

نگردید. اگر اهل ایمان باشید، شما برترید.»

صحنه عاشورا، عرصه ظهور ایمان و استقامت، با وجود شدت اوضاع و کثرت

دشمنان و قلت یاران بود. علم‌دار سپاه امام، در آن صحنه‌های سخت، نه سست

شد، نه بی‌وفایی کرد، نه عهد و پیمان شکست و نه با مولایش بدعهدی نشان

داد. این معنا، هم از مقاومت او تا آخرین لحظه دانسته می‌شود و هم از رجزهای

حماسی او برمی‌آید؛ چنان‌که وقتی دست چپش قطع شد، خطاب به خودش

چنین می‌گفت:

يَا نَفْسُ لَا تَخْشَى مِنَ الْكُفَّارِ  
وَإِبْشَرِي بِرَحْمَةِ الْجَبَّارِ<sup>۳</sup>

«ای نفس! از کافران ترس. مژده باد تو را به رحمت خدای قدرتمند.»

همچنین، این صلابت روحی و نستوهی، در این جمله و توصیف از زیارت‌نامه

دیده می‌شود:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَتَكَلَّفْ؛ شهادت می‌دهم که تو نه سست شدی و نه

عهدشکنی کردی.»

و این، درسی است برای پویندگان راه دین و انقلاب که تا آخرین نفس به

ارزش‌های اسلامی وفادار بمانند و در دفاع از حق و نظام و رهبری و خطّ شهدا،

۱. آل‌عمران، آیه ۱۴۶.

۲. آل‌عمران، آیه ۱۳۹.

۳. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۰.

دچار تزلزل و سستی و پشیمانی نشوند.

### ۱۰. بصیرت دینی

بصیرت، چراغی در تاریکی‌های فتنه و ابهام‌های بلا تکلیفی است؛ یعنی شناخت روشن و یقینی از دین و تکلیف و راه و بیراهه و حق و باطل و دوست و دشمن. با نور بصیرت و روشن بینی دینی، افق‌های تیره و تار و گرد و غبار فتنه‌ها و تردیدها که برای خیلی‌ها مشکل‌ساز و تردیدآفرین است، روشن می‌گردد و مؤمن با بصیرت، هرگز پیشوای حق را رها نمی‌کند و از اطاعت و حمایت او کوتاه نمی‌آید و جای دوست و دشمن و خودی و بیگانه را عوض نمی‌گیرد و وسوسه‌های دنیا طلبانه و تبلیغات دشمن و شایعه‌ها، او را از صحنه خارج نمی‌سازد؛ چنان‌که در روایات آمده است:

«فَقَدْ الْبَصِيرِ أَهْوَنُ مِنْ فُقْدَانِ الْبَصِيرَةِ؛<sup>۱</sup> کوری و نداشتن چشم، راحت‌تر و پذیرفتنی‌تر از نداشتن بصیرت است.»

یاران ابا عبدالله علیه السلام همگی بصیرت داشتند و با چشم باز و شناخت ژرف پای در میدان گذاشتند و این بینش و بصیرت را چه در شب عاشورا و چه در روز نبرد و رجزهایشان اظهار کردند؛ همچنان‌که نافع بن هلال در شب آخر، ضمن اعلام وفاداری خود گفت: «إِنَّا عَلَى نِيَاتِنَا وَبَصَائِرِنَا؛<sup>۲</sup> ما بر همان نیت‌ها و انگیزه‌ها و بصیرت‌های خویش ثابت هستیم.»

امام صادق علیه السلام نیز در روایتی به تمجید و یاد نیکو از عمویشان حضرت ابوالفضل علیه السلام می‌پردازند و او را با صفت بصیرت معرفی کرده، می‌فرماید:

۱. محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ح ۱۷۳۶؛ به نقل از: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید.

۲. کمراهی، عنصر شجاعت، ج ۱، ص ۳۱۶.

«كَانَ عَمَّنَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَلِيٍّ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ صُلْبَ الْإِيمَانِ؛<sup>۱</sup> عمویمان عباس، دارای بصیرتی نافذ و ایمانی استوار و راسخ بود.»

همه اینها، مقدمه است تا به این وصف قمر بنی هاشم در زیارت‌نامه‌اش برسیم که خطاب به او می‌گوییم:

«و انک مصیبت علی بصیرة من امرک؛ تو، با بصیرت و بینشی که در کار خود داشتی، جان فدا کردی و شهید شدی.»  
عباس، یعنی تا شهادت یگانه‌تازی

عباس، یعنی عشق، یعنی پاک‌بازی

عباس، یعنی با شهیدان هم‌نوازی

عباس، یعنی یک نیستان تک‌نوازی

عباس، یعنی رنگ سرخ پرچم عشق

یعنی مسیر سبز پُریچ و خم عشق

جوشیدن بحر وفا، معنای عباس

لب‌تشنه رفتن تا خدا، معنای عباس<sup>۲</sup>

## ۱۱. رهرو راه انبیا و صالحان

پیامبران الهی و صالحانی که اطاعت‌کننده، ترویج‌دهنده و اجراگر خواسته‌های حق بوده‌اند، در تاریخ بشری می‌درخشند. راهی که هرکس در زندگی می‌پوید، بر اساس شناخت و گزینشی که دارد، یا حق است یا باطل، یا به رحمان منتهی می‌شود یا به شیطان، یا ادامه راه صالحان و شهیدان و پیامبران الهی و خوبان

۱. سید محسن العاملی، اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۴۳.

۲. خلیل شفیع.

عالم است و یا تداوم راه طاغوت‌ها و حلقه‌ای از زنجیره بلند تبهکاران و ستمگران و از خدا بی‌خبران.

به تعبیر حضرت امیر علیه السلام در جریان‌های اجتماعی، یا حق است یا باطل؛ و هرکدام را اهلی و طرف‌داران و رهروانی است؛ «حَقٌّ وَ بَاطِلٌ وَ لِكُلِّ أَهْلٍ»<sup>۱</sup> در کربلا نیز دو گروه حضور داشتند؛ جناح ظالمان و فاسدان و جناح عدالت‌خواهان و مصلحان. حضرت ابوالفضل علیه السلام، از چهره‌های درخشان خط نورانی صالحان و انبیا بود و نسب‌نامه فکری و عملی او و مواضع حق‌طلبانه و باطل‌ستیزانه او، به خط پیامبران می‌رسید و در آن جناح قرار داشت. در زیارت‌نامه آن حضرت آمده است:

«مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ وَ مُتَّبِعًا لِلنَّبِيِّينَ؛ شهادت تو، نشانه اقتدا به صالحان و پیروی از پیامبران بود.»

امر به معروف و نهی از منکر، در روایات به «منهاج الأنبياء» یاد شده است. این روش پیامبرانه، فلسفه قیام حسینی هم بود که فرمود: «می‌خواهم جامعه را اصلاح کنم و به تکلیف امر به معروف و نهی از منکر عمل نمایم.»<sup>۲</sup> قمر بنی‌هاشم، علم‌دار چنین لشکر و جان‌باخته چنین راهی بود که راه پیامبران است.

## ۱۲. موااسات

به توصیه سیدبن طاووس، شیخ مفید و دیگران، پس از خواندن زیارت‌نامه، خوب است که زائر به سوی بالای سر حضرت رفته، دو رکعت نماز بخواند و پس از آن، جملاتی را در تکمیل زیارت بر زبان جاری سازد که در مفاتیح

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۶.

۲. موسوعة کلمات الامام الحسين علیه السلام، ص ۲۹۱.

الجنان آمده است؛ «اللهم صل على محمد وآل محمد...».

در این فراز، به حضرت ابوالفضل علیه السلام با این عبارات سلام می‌دهیم:

- نصیحت و خیرخواهی برای خدا و رسول و برادرش امام حسین علیه السلام؛  
- برادری اهل مواسات؛

- صابری مجاهد و حمایت‌کننده ناصر؛

- برادری مدافع و خداجو و اجرطلب.

«فِنِعْمَ الْأَخُّ الْمُوَاسِي... فِنِعْمَ الصَّابِرُ الْمُجَاهِدُ الْمُحَامِي النَّاصِرُ وَالْأَخُّ الدَّافِعُ عَنِ  
أَخِيهِ الْمُجِيبُ إِلَى طَاعَةِ رَبِّهِ...».

تعبیر مختلف این عبارت، در جملات قبل نیز آمده بود؛ آنچه در اینجا اضافه شده، صفت «مواسی» است. مواسات، یعنی دیگری را در مال و جان همچون خود دیدن و دانستن، یا دیگری را بر خود مقدم داشتن و یاری و کمک مالی و جانی رساندن، غمخواری کردن، دیگری را در کفاف و رزق و معاش خویش شرکت دادن. در همه این مفاهیم که در تفسیر مواسات گفته شده، نوعی ایشار و از خودگذشتگی و رهایی از منیت نهفته است. پس، مواسی به کسی گویند که با دیگران همدردی و همراهی دارد و خود را در غم و رنج دیگران شریک می‌کند و بین خود و آنان فرقی نمی‌گذارد.

عباس بن علی علیه السلام در برابر سید الشهدا علیه السلام اوج مواسات و ایشار را داشت و با همه وجود، فدایی آن حضرت بود و اصلاً خود را نمی‌دید و فانی در امام بود. در همه مقاتل نوشته‌اند: وقتی حلقه محاصره فرات را شکست و وارد فرات شد، چون خواست آب بنوشد، به یاد عطش امام حسین علیه السلام افتاد و آب را روی آب ریخت و ننوشید و مشک را پُر از آب کرد و از شریعه فرات بیرون آمد. در نقلی دیگر آمده است که خطاب به خودش گفت: ای نفس! هرگز مباد که پس از حسین زنده

باشی. حسین علیه السلام در آستانه شهادت است و تشنه لب. حال، تو می خواهی آب بنوشی؟ به خدا قسم که این از آیین دین داری من دور است؛  
هَذَا الْحُسَيْنُ وَارِدَ الْمَنُونِ

وَ تَشْرَبِينَ بِأَرْدِ الْمَعِينِ

تَاللَّهِ مَا هَذَا فِعَالٌ دِينِي<sup>۱</sup>

این بود که لب تشنه به شهادت رسید و آب را در حسرت رسیدن به لب های خشکیده اش گذاشت و این همه، گواه روشنی بر مواسات عباس بن علی علیه السلام است.

چشم از اشک پُر و مشک من از آب، تهی است

جگرم غرقه به خون و تنم از تاب، تهی است

به روی اسب، قیامم، به روی خاک، سجود

این نماز ره عشق است، از آداب، تهی است

دست و مشک و غَلَمی لازمه هر سقااست

دست عباس تو از این همه اسباب، تهی است

مشک هم اشک به بی دستی من می ریزد

بی سبب نیست اگر مشک من از آب، تهی است<sup>۲</sup>

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۱.

۲. سید شهاب الدین موسوی (شهاب).

## جابه‌جایی ارزش‌ها در جامعه معاصر

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد سبحانی نیا\*

### اشاره

نگاهی گذرا به تاریخ زندگی اجتماعی بشر، بر این واقعیت شهادت می‌دهد که جوامع انسانی همواره در حال تغییر و دگرگونی‌اند و آنچه در این رهگذر، از اهمیت بیشتری برخوردار است، ماهیت و سمت‌وسوی این دگرگونی‌هاست. مهم، آن است که چه چیزی و به چه صورت و در کدام جهت، در حال تغییر است؟ از آنجا که هسته اصلی هر جامعه را فرهنگ آن تشکیل می‌دهد، می‌توان گفت: نقطه آغازین تغییر در جامعه را باید تغییر در فرهنگ آن دانست و اگر گروهی بخواهند جامعه‌ای را به دلخواه خود تغییر دهند، نقطه شروع آن را در فرهنگ و به خصوص ارزش‌ها و اندیشه‌های آن، قرار می‌دهند.

از دیدگاه امام علی علیه السلام با دگرگونی ارزش‌ها، هرگونه ناروایی اخلاقی ظهور می‌کند؛ به طوری که خیانت و پیمان‌شکنی، مجاز و پسندیده می‌شود؛ حق‌گویی،

---

\* استادیار دانشگاه کاشان.

اندک شمرده شده؛ راست‌گویی، ناپسند گردیده؛ حق‌خواهی، موجب خواری می‌گردد و نافرمانی خداوند و سازش‌کاری‌ها و بی‌اخلاقی‌ها فراگیر خواهد شد.<sup>۱</sup> آنچه در این نوشتار، پیش روی شما قرار می‌گیرد، بررسی جابه‌جایی ارزش‌ها در جامعه معاصر است که در این باره، نمونه‌هایی چند را بررسی نموده‌ایم.

### جابه‌جایی ارزش‌ها در صدر اسلام

جابه‌جایی و وارونه کردن ارزش‌ها، در هر زمانی ممکن است اتفاق بیفتد. نگاهی به تاریخ اسلام نشان می‌دهد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با این رویکرد توانست از اعراب بادیه‌نشین که به قول امیر مؤمنان علیه السلام در حیرت و گمراهی سرگردان و در فتنه و جهل و فساد غوطه‌ور بودند،<sup>۲</sup> امتی تربیت کند که شهرت فرهنگ و ادب و مدنیتش همه آفاق را درنوردید؛ اما متأسفانه، پس از آن همه تحول، بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، عواملی چند موجب انحراف مسلمانان از مسیر اصلی گردید. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «فَمُنِيَ النَّاسُ لَعَمْرُ اللَّهِ بِخَبْطٍ وَ شِمَاسٍ وَ تَلَوْنِ وَ اعْتِرَاضٍ»<sup>۳</sup> به ذات خدا سوگند! مردم پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، گرفتار بیراهه‌روی و چموشی و رنگارنگی و بی‌اعتدالی شدند.

امام علی علیه السلام دوران پس از خود را چنین پیش‌بینی کرده بود: «وَلَيْسَ الْإِسْلَامُ لُبْسَ الْفَرْوِ مَقْلُوبًا»<sup>۴</sup> مردم جامعه اسلام را به تن می‌نمایند؛ ولی آن چنان‌که پوستین را وارونه به تن کنند.

### جابه‌جایی ارزش‌ها، ابزار جنگ نرم

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸.

۲. همان، خطبه ۹۵.

۳. همان، خطبه ۳.

۴. همان، خطبه ۱۰۸.



امروزه جابه‌جایی ارزش‌ها و تغییر سبک زندگی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای جنگ نرم دشمن محسوب می‌شود. شاید بتوان گفت: دیگر دوران حاکمیت سیاسی و سلطه قدرت‌های نظامی به پایان رسیده و عصر تسخیر اذهان افکار عمومی با سلاح امواج و رسانه‌ها در حال شکل‌گیری است. گفتنی است که این نوع سلاح، به مراتب مخرب‌تر و مبارزه با آن نیز به دلیل ماهیت پیچیده و پنهانی‌اش، دشوارتر است. در واقع، در این نبرد آنچه شلیک می‌شود، گلوله سُرّبی نبوده، هدف آن نیز نقطه حساس از بدن فرد مقابل که منجر به کشته شدن او می‌شود، نیست؛ بلکه در جنگ رسانه‌ای، گلوله‌ای از جنس پیام، به طرف افکار و اذهان هدف‌گیری می‌شود. در این باره، می‌توان به ظاهرگرایی به جای محتواگرایی، زیبایی‌چهره به جای زیبایی اندیشه، تناسب اندام به جای تناسب شخصیت، مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی به جای قناعت و ساده‌زیستی، سبک‌سری و جلف‌گری به جای متانت و بزرگواری، برهنگی و بی‌مبالاتی جسمی و جنسی به جای حجب و حیا و حرمت جسم و جنسیت، اشاره کرد.

## جلوه‌هایی از جابه‌جایی ارزش‌ها

### ۱. جابه‌جایی معروف و منکر

یکی از مصیبت‌های بزرگی که امروز تا حدودی گریبان‌گیر جامعه شده، کم‌کار شدن خواص و تبدیل معروف به منکر است. روایت فراوانی درباره وضع معروف و منکر در آخر الزمان آمده است؛ اینکه فاسق به گناه افتخار می‌کند، می‌خندد و انتظار ستایش دارد و کسی به او اعتراض نمی‌کند! یا اینکه فاسق در کارهایی که خداوند دوست ندارد، تحسین می‌شود. یا اگر کسی سخن حق بر زبان براند و امر به معروف و نهی از منکر نماید، دیگران از روی نصیحت و خیرخواهی به او

می گویند: «تو وظیفه نداری اینها را بگویی.»<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پیش بینی خود از وضعیت آخرالزمان فرموده: «چگونه خواهد بود آن زمانی که زنان و جوان های شما فاسد شوند؛ درحالی که شما امر به معروف و نهی از منکر نمی کنید؟ اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا! آیا چنین زمانی پیش می آید؟ فرمود: آری، بدتر از آن هم می شود؛ تا جایی که امر به منکر و نهی از معروف می کنید. عرض کردند: ای رسول خدا! آیا کار ما به اینجا می رسد؟ فرمود: آری، و بدتر از آن می شود که حسّ تشخیص شما وارونه می شود؛ معروف در نظر شما منکر، و منکر در نظر شما معروف می شود.»<sup>۲</sup>

در این حدیث، حضرت مسیر انحرافی را سه مرحله می داند: ۱. انسان وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را فراموش می کند؛ ۲. به منکر امر می نماید و از معروف نهی می کند؛ ۳. باور انسان تغییر خواهد یافت؛ یعنی کار بد در نظرش مایه افتخار و نشانه شخصیت و تمدن است و کار خوب در نظرش بی ارزش و نشانه بی تمدنی و عقب ماندگی می باشد.

## ۲. تغییر نگرش به حجاب

دشمن برای نفوذ فرهنگی و تغییر ارزش ها و نگرش های زنان و دختران ایرانی، راهبردهایی را طراحی کرده است، تا ارزش هایی چون حجاب را که مانع مهمی در عملی شدن برنامه های آنان محسوب می شوند، بی معنا سازند. متأسفانه، هر سالی که می گذرد، بدحجابی ها شکل و شمایل جدیدتری به خود می گیرند، تا جایی که دیگر باید با چیزی به نام «دکمه» در مانتوها خداحافظی کنیم. مانتو، معنای خود را از دست داده و بیشتر شبیه شنلی شده که تنها روی شانه ها آویزان

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵۹.

۲. همان، ص ۱۸۱.

می‌شود. شلووار زنانه هم جای خود را به پوششی به نام «سپورت» داده است؛ پوششی که هیچ حفاظتی برای شخص مصرف‌کننده ندارد و حتی جذاب‌تر از برهنگی برای افراد است. شال و روسری هم تنها تکه پارچه‌ای شده‌اند که وسط سر را می‌پوشانند و موها و گردن را جذاب‌تر از بی‌حجابی به نمایش می‌گذارند. به نظر می‌رسد، عامل مهم بدحجابی در دختران جوان جامعه، ریشه در تغییر نگرش آنها به مقوله حجاب دارد. آنها عمدتاً بر این باورند که حجاب، امری شخصی است و آنها دوست دارند با ظاهری آراسته و زیبا وارد جامعه شوند. تبدیل بدحجابی به یک ارزش فرهنگی و به اصطلاح «باکلاس شدن»، معضلی بسیار جدی است. کار به جایی رسیده که بعضی، مقوله حجاب را از عفاف جدا ساخته و معتقدند: «حجاب، یک حکم دینی و تا حدود زیادی هم هویتی است؛ یعنی مبدا تصور شود شخص بی‌حجاب، شخص بی‌عفتی است؛ اصلاً حجاب، ربطی به عفت ندارد. این دو را باید کاملاً از همدیگر جدا کرد.»<sup>۱</sup>

درحالی‌که در ده‌ها مورد از آیات قرآن و گفتار امامان معصوم علیهم‌السلام به‌صراحت به رابطه متقابل ایمان و عمل اشاره شده است. همان‌گونه که فرد پس از دارا شدن ایمان، خودبه‌خود رفتارش انضباط می‌یابد، رهیدگی و بدرفتاری نیز ایمان را می‌زداید. علاقه‌مندی به حیا و ارزشمند دانستن عفت، زمانی معلوم می‌شود که رفتار فرد، گواه آن باشد. امیر مؤمنان علیه‌السلام فرموده است: «بدان که هر ظاهری، باطنی متناسب با خود دارد. آنچه ظاهرش پاکیزه باشد، باطنش نیز پاک و پاکیزه است و آنچه ظاهرش پلید و آلوده باشد، باطن آن نیز آلوده است.»<sup>۲</sup>

در تبیین چگونگی رابطه عفاف و حجاب گفته شده است: «حیا و عفت، دارای

۱. یوسف غلامی، «حیا بدون حجاب»، ماهنامه معارف، ش ۱۰۷، ص ۲۲.

۲. صبحی صالح، نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴.

مراتب است؛ همان‌گونه‌که نه هر فرد با حجاب را می‌توان کاملاً با حیا شمرد و نه هر فرد بی‌حجاب را کاملاً بی‌حیا؛ اما طبیعی است که وقتی حیا و عفت کامل‌تر باشد، رفتار اجتماعی و اخلاقی فرد ضابطه‌مندتر و «سازگارتر با حیا» بروز می‌کند. حجاب، میوه درخت حیا و عفت است. چگونه می‌توان میان درخت و میوه آن رابطه‌ای نباشد! حجاب اگر به‌درستی مراعات شود، از صفت حیا و عفت فرد تغذیه شده است. حجابی که از درون مایه حیا برخوردار نباشد، چندان نه دوام دارد و نه ارزش؛ همان‌گونه‌که حیای بدون حجاب نیز نه کامل است و نه در امان از آسیب. رابطه حیا و حجاب، به مغز گردو و پوست آن بی‌شبهت نیست. ارزش حقیقی گردو، به مغز آن است؛ ولی این به آن معنا نیست که پوست گردو هیچ ارزشی ندارد. مغز گردو، در محافظت همان پوست ارزش یافته و حفظ می‌شود. مغز گردوی بدون پوست، با ضعیف‌ترین موجودات در معرض فساد است. در آن صورت، مورچه‌ها، خاک و حتی هوا و رطوبت، آن را فاسد می‌کند.»<sup>۱</sup>

### ۳. کم‌رنگ‌شدن غیرت مردان

یکی از ارزش‌های مهم اخلاقی که باعث کسب عزت و آبرو و شخصیت ممتاز می‌گردد، خصلت غیرت است. در حقیقت، غیرت، همچون یک پلیس مخفی هشیار و بیدار در روح و روان انسان، مراقب مرزها و حدود و خط‌قرمزهاست و انسان را به نظارت قاطع در این راستا وامی‌دارد، تا به پاسداری و نگهبانی از حریم‌ها بپردازد. غیرت، نیروی بازدارنده‌ای است که مرد را در مقابل انحراف اعضای خانواده‌اش حساس می‌کند و اجازه نمی‌دهد از هنجارهای شناخته‌شده تخلفی صورت گیرد. در روایات اسلامی، از غیرت و مسئولیت مرد در

۱. یوسف غلامی، «حیا بدون حجاب»، ماهنامه معارف، ش ۱۰۷، ص ۲۲.

معاشرت‌ها و رفت‌وآمد و نوع پوشش همسر و دختران، نمونه‌های بسیاری به چشم می‌خورد.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «إِنَّ الْعَيْزَةَ مِنَ الْإِيمَانِ؛<sup>۱</sup> غیرت، نشانه ایمان است.» امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرموده است: «خداوند، غیور است و هر غیوری را دوست دارد و به جهت غیرتش، تمام کارهای زشت - اعم از آشکار و پنهان - را حرام نموده است.»<sup>۲</sup> همچنین، آن حضرت فرمود: «إِذَا لَمْ يَغْرِ الرَّجُلُ فَهُوَ مَنْكُوسُ الْقَلْبِ؛<sup>۳</sup> کسی که غیرت نورزد، قلبش واژگونه است.» یعنی چشم‌پسته و کور است و قابلیت پذیرش نور الهی و نصایح دین را ندارد.

متأسفانه، امروزه تبلیغات رسانه‌ای شدیدی در جهت غیرت‌زدایی در جامعه به‌کار گرفته می‌شود و پدران نمونه را پدرانی می‌دانند که در امور شخصی و دوست‌گزینی فرزندان، دخالتی نداشته و بر رفت‌وآمد همسر خود نظارتی نمی‌کنند. روشن است که غیرت‌زدایی، راه را برای افتادن فرزندان و همسر در دام فریب‌کاران و نامحرم‌ان باز می‌کند. زمانی بود که هر فردی علیه کسی که تصویر ناموسش را روی اینترنت قرار می‌داد، شکایت می‌کرد؛ ولی اکنون در فضای مجازی، بعضی از افراد رسماً تصویر خود و همسر و ناموسشان را چه بسا نیمه‌برهنه بر صفحه فیسبوک یا اینستاگرام می‌چسبانند تا دیگران از دیدن تصویر برهنه همسر یا ناموسشان لذت ببرند! به‌راستی جامعه ما را چه شده است که پدری، همسری و یا برادری می‌بیند که دختر یا زن خانواده در خیابان با پوشش زننده‌ای عشوهرگری می‌کند؛ ولی فقط نظاره‌گر است و حتی در بعضی موارد، تشویق‌کننده نیز می‌باشد؟ جامعه ما را چه شده که برخی مردان با وجود آگاهی

۱. شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۵.

۲. شیخ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۳۵.

۳. همان، ص ۵۳۶.

از ارتباط دختران خانواده با افراد غریبه، نه تنها حرفی نمی‌زنند؛ بلکه با سکوت خود و سر زیر برف کردن، آنها را به ادامه این روند ترغیب می‌کنند؟

#### ۴. تقدس‌زدایی از کانون خانواده

از منظر اسلام، نهاد خانواده دارای جایگاه و قداست ویژه‌ای است که قابل مقایسه با هیچ نهاد دیگری نیست. در این باره، سخنی والاتر از سخن رسول خدا ﷺ نمی‌توان گفت که می‌فرماید: «مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ التَّزْوِيجِ»<sup>۱</sup> در اسلام، بنیادی نهاده نشده است که در نزد خدا، از ازدواج محبوب‌تر باشد. «حکمت قداستی که اسلام به خانواده بخشیده، ارزش‌گذاری معنوی بر پیوند خانوادگی، زمینه‌سازی برای تقویت این پیوند و پیشگیری از فروپاشی آن است. قداست خانواده، سدّ محکمی در برابر سوء استفاده جنسی از زن به عنوان یک کالا یا ابزار فروش کالا و در واقع، مانع بردگی نوین زن است.

خطری که در جهان امروز، نسل بشر را تهدید می‌کند، تقدس‌زدایی از کانون خانواده است. دشمنان که قداست خانواده را مانعی در برابر خواسته‌های نامشروع خود می‌بینند، با همه توان با آن مقابله می‌کنند. در این راستا، چندی است اصطلاحی به نام «ازدواج سفید» شکل گرفته که با وجود عنوان مثبت و زیبایش، باطنی چرکین و درونی تیره و تاریک دارد. این موضوع، به یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات در رسانه‌ها تبدیل شده است. منظور از «ازدواج سفید»، زندگی مشترک زن و مرد بدون ازدواج رسمی است؛ یعنی زن و مرد بدون اینکه بین آنها خطبه عقد یا صیغه جاری شود، برای زندگی با همدیگر، زیر یک سقف می‌روند. این مسئله، پدیده‌ای غربی است که در بعضی از خانواده‌های امروزی رخنه کرده است.

۱. شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۳.

## ۵. بی‌ارزش نشان دادن خانه‌داری

سبک زندگی اسلامی - ایرانی، نه فقط خانه‌داری را شغلی بسیار مهم می‌داند، بلکه آن قدر برای نقش‌های مادری و همسری زن، ارزش قائل است که دیگر نقش‌های وی را در سایه این دو وظیفه حساس تعریف می‌کند؛ زیرا این نقش‌ها، برخلاف دیگر وظایف تعریف‌شده در ساختار جامعه، هیچ جایگزینی ندارند. پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگامی که بین علی عَلِيٌّ و فاطمه فَاطِمَةُ تقسیم وظایف کرد، فرمود: «کارهای بیرون از خانه مانند آوردن آب و مواد غذایی، سهم علی عَلِيٌّ است و کارهای درون خانه مانند آشپزی و نظافت منزل، سهم فاطمه فَاطِمَةُ است.» فاطمه زهرا عَلِيَّهَا السَّلَامُ فرمود: «خدا می‌داند چقدر از این تقسیم کار، شادمان شدم که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سختی کار بیرون را از عهده من برداشت.»<sup>۱</sup>

در ارزش معنوی خانه‌داری، همین بس که در روایتی امام صادق عَلِيٌّ از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که فرمود: «هر زنی که چیزی را در خانه شوهر از زمین بردارد و قصدش نظافت و تمیزی خانه باشد، خداوند به او نظر می‌کند و هرکسی که خدا به او نظر کند، او را عذاب نمی‌نماید.»<sup>۲</sup>

در گذشته، زن‌ها با افتخار می‌گفتند تمام وقتشان را صرف خدمت به همسر و فرزندان خود می‌کنند؛ اما حالا وقتی از او می‌پرسید: چه می‌کنی؟ اگر بیرون از منزل کار نکنند، شرم‌نده می‌شود! چون در حال حاضر برای زن امروز، خانه‌داری به عنوان یک ارزش تلقی نمی‌شود. متأسفانه، امروزه در میان زنان، رقابت موقعیت شغلی به وجود آمده و گاهی حتی بعضی از خانم‌ها هدفشان فقط داشتن شغل است؛ هرچند این شغل، کفاف رفت‌وآمد و هزینه‌های اولیه فرد را

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۸۱.

۲. همان، ج ۱۰۱، ص ۱۰۶.

ندهد؛ چراکه فقط سر کار بودن برایشان ارزشمند است. اسلام با اشتغال زنان در جامعه مخالفتی ندارد و چه بسا در مواردی ضرورت نیز پیدا کند؛ اما کار در خارج از منزل نباید ارزش خانه‌داری را بکاهد. نقش اصلی زن، به آرامش رساندن خانواده است؛ در صورتی که اگر در جامعه نقش اجتماعی و اقتصادی زن، پُررنگ‌تر گردد و نقش خانوادگی او کم‌رنگ شود، استحکام خانواده دچار مشکل خواهد شد. خانم‌ها به این نکته توجه کنند که خانه‌داری، به معنای بیکاری نیست؛ بلکه خانه‌داری و ایفای نقش مادری و همسری، بستر اصلاح اجتماع و رشد انسان‌ها را فراهم می‌کند. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌گوید:

«فاطمه زهرا علیها السلام، یک زن اسلامی است، زن در بالاترین طراز زن اسلامی؛ یعنی در حدّ یک رهبر؛ اما همین زنی که از لحاظ فضایل و مناقب و حدّ وجودی می‌توانست پیغمبر باشد، همین زن، مادری می‌کند، همسری می‌کند، خانه‌داری می‌کند؛ ببینید، اینها را باید فهمید. این فریفتگان غافل حرف‌های پوچ غربی‌ها، این قدر خانه‌داری را تحقیر نکنند. معنای خانه‌داری زن، تربیت انسان است، معنایش تولید والاترین و بالاترین محصول و متاع عالم وجود است؛ یعنی بشر...»<sup>۱</sup>

## ۶. قبح‌زدایی از طلاق

با بررسی آیات و روایات اسلامی درمی‌یابیم به همان اندازه که در اسلام بر ازدواج و تشکیل خانواده تأکید شده، به همان اندازه نیز به حفظ و نگهداری از آن سفارش شده است؛ چراکه نهال خانواده برای ادامه حیات و به ثمر نشستن خود،

۱. پایگاه اینترنتی رهبر معظم انقلاب، تاریخ دسترسی «۱۳۹۵/۱۲/۲۹»، نشانی: [www.leader.ir](http://www.leader.ir)



به رسیدگی و مراقبت ویژه‌ای نیاز دارد. ضرورت‌هایی سبب شده است تا خداوند به طلاق مشروعیت بخشد؛ اما سیاست‌های دینی بر مبنای دعوت مردم برای حفظ خانواده و پرهیز از طلاق شکل گرفته است. آموزه‌های روایی، طلاق را ناپسندترین حلال در نزد خدا می‌شمارد<sup>۱</sup> و خانه‌ای را که در آن طلاق واقع شده باشد، به خرابه تشبیه می‌کند<sup>۲</sup> و مردی که بدون علت، همسر خویش را طلاق می‌دهد، ملعون می‌شمارد.<sup>۳</sup>

روزگاری بود که طلاق در میان آحاد جامعه ما، واژه سنگینی به شمار می‌رفت و خانواده‌ها به آسانی با آن کنار نمی‌آمدند و پُر شدن صفحه طلاق شناسنامه، امری مذموم و غیرقابل هضم دانسته می‌شد؛ اما امروز با سهولت و سادگی هرچه بیشتر، مکروه‌ترین حلال خدا، در دفاتر ثبت طلاق مرقوم می‌شود. عمق فاجعه تا آنجایی است که علاوه بر افزایش این معضل بزرگ، عده‌ای در جهت قبح‌زدایی از این مسئله، برای گسست کانون گرم خانواده، مهمانی می‌دهند و جشن طلاق می‌گیرند. برخی سریال‌ها و فیلم‌ها، با قبح‌زدایی از طلاق به مخاطب القا می‌کنند که یک انسان هر وقت خواست می‌تواند به زندگی مشترک خود پایان دهد. این کار، به مفهوم عادی‌سازی طلاق در منظر مخاطبان است. تقدس‌زدایی از ازدواج، سبب شد که ازدواج از تشکیل بنایی مقدس که در متون دینی از آن به ارزشمندترین سازه اجتماعی و زمینه تقویت دین‌داری و کاهش گناه نام برده می‌شود، به قراردادی اعتباری، به مثابه یک معادله اقتصادی، تنزل یابد.

۱. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۲، ص ۸.

۲. همان، ص ۷.

۳. همان، ص ۸.

## جابه‌جایی ارزش‌ها و قیام امام حسین علیه السلام

با حاکمیت مطلق امویان و نیز بعد از مرگ معاویه و حاکم‌شدن یزید، جریان‌ی انحرافی به فکر بهره‌گیری از انواع و اقسام روش‌های فرهنگی و سیاسی افتاد و گمان کرد که زمان مناسب برای بهره‌برداری کامل از تمام تلاش‌های چندین‌ساله و رونمایی کامل از ساختارهای جدید اخلاقی و فرهنگی فرارسیده و چون ذائقه جامعه تغییر یافته، می‌توانند فرایند جابه‌جایی ارزش‌ها را تکمیل کنند و با بهره‌مندی از ظواهر و احساسات دینی، قدرت خویش را برای همیشه تثبیت نمایند.

در سال ۶۱ هجری، به جای ارزش‌های نبوی، ارزش‌های دنیوی بر جامعه حاکم گردید و رفتار و کردار مردم حول محور ثروت‌اندوزی دور زده، منش اجتماعی آنها دنیاگرایی گردیده بود. در اینجا است که کهنه پیرهن و انگشت با انگشت به غارت می‌رود؛ چراکه دنیا و دنیاگرایی ارزش است و دیگر هیچ. نویسنده مقتل الحسین علیه السلام قضیه‌ای را از غروب عاشورای حسینی نقل می‌کند که خود گواهی بر این گفته است. ایشان می‌نویسد:

«مردی نزد فاطمه، دختر امام حسین علیه السلام آمد و خلخال پای او را بیرون آورد و در آن حال، می‌گریست. فاطمه گفت: چرا گریه می‌کنی؟ گفت: برای این کاری که می‌کنم و اموال دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله را به غارت می‌برم. فاطمه گفت: اگر چنین است، پس مرا رها کن. گفت: می‌ترسم دیگری آن را ببرد!»<sup>۱</sup>

عاشورا، حاصل شکستن قداست‌ها و تجاوز به حریم اعتقادات و زیر پا نهادن مرزها و جابه‌جایی ارزش است. روزگاری آب وضوی پیامبر را حرمتی بود و امروز عمامه و عبای آن حضرت در تن امام حسین علیه السلام، جاذبه‌ای ندارد! آن روز،

۱. عبدالرزاق مقرر، مقتل الحسین علیه السلام، ص ۳۵۵.

حسین علیه السلام از «اهل بیت» به شمار می‌رفت و بر دوش پیامبر و مورد احترام امت بود؛ ولی امروز تنها ایستاده و ندای «هل من ناصر ینصرنی» او را پاسخ دهنده‌ای نیست!

در چنین شرایطی، امام حسین علیه السلام وظیفه خود می‌داند در برابر این انحراف بزرگ بایستد و مردم را نیز آگاه سازد. در این راستا، حضرت در نامه خود به پنج نفر از اشراف بصره نوشته‌اند:

«أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ، وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُحْيِيَتْ، وَإِنْ تَسْمَعُوا قَوْلِي وَ تَطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ؛<sup>۱</sup> اکنون فرستاده خود را با این نامه به سوی شما اعزام کردم و من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش فرا می‌خوانم؛ چراکه [این گروه]، سنت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را از بین برده، بدعت [در دین] را احیا کردند. اگر سخنانم را بشنوید و فرمانم را اطاعت کنید، شما را به راه راست هدایت می‌کنم.»

---

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۴۰.



## نگاهی به فضایل معنوی زینب کبری علیها السلام

حجت الاسلام والمسلمین حسین انصاریان\*

### اشاره

وجود مقدس زینب کبری علیها السلام، جلوه زیبایی های معنوی چهار شخصیت بزرگ اسلام، یعنی رسول اکرم صلی الله علیه و آله، خدیجه کبری علیها السلام، امیر مؤمنان علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام است. وقتی زینب علیها السلام به دنیا آمد، قنداق مبارکش را به دست رسول خدا صلی الله علیه و آله دادند و چون پیغمبر صلی الله علیه و آله برای نخستین بار به او نظر انداخت، فرمود: «هر چشمی که در این دنیا برای او گریه کند، ارزش گریه اش برابر با گریه بر حسن و حسین علیهما السلام است.»<sup>۱</sup>؛ یعنی اگر آثار و برکات گریه بر دو امام معصوم علیهما السلام را یک طرف قرار دهیم، هم کفو و هم تراز گریه بر زینب کبری علیها السلام است و این همه، نشانگر عظمت شخصیت و مقام روحانی این بانوی بزرگ است؛ بانویی که از صفات والای اخلاقی و فضایل معنوی بهره مند است و الگویی است شایسته برای همه محبان ولایت و تشنگان عشق و انسانیت.

نوشتار پیش رو، گذری است بر مهم ترین ویژگی های معنوی و جلوه های

---

\* نویسنده، محقق و از مبلغان نخبه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۱. حسین انصاریان، نگاهی به مقام حضرت زینب علیها السلام، ص ۹.

شخصیتی حضرت زینب علیها السلام که امید است یکایک مسلمانان با تأسی به ایشان، حسین‌وار راه مستقیم هدایت و کمال را بپیمایند و زینب‌وار به زیور عبودیت و بندگی، علم و آگاهی، عفاف و پاکی، و حماسه و شکیبایی آراسته شوند. گفتنی است، مقاله حاضر خلاصه‌ای از بیانات حجت‌الاسلام والمسلمین استاد حسین انصاریان درباره مقام و منزلت حضرت زینب علیها السلام که امید است مورد استفاده مبلغان عزیز قرار گیرد.

### عبادت و نیایش

حضرت زینب علیها السلام در خانه‌ای پرورش یافت که در آن، عبادت، جوهر زندگی بود. شخصیت ایشان در چنین خانه‌ای نورانی شکل گرفت. وقتی به نماز می‌ایستاد، گویی که فاطمه اطهر علیها السلام به نماز ایستاده است و چون مناجات می‌کرد، یاد پدر را در خاطرها زنده می‌نمود. <sup>۱</sup> عبادت زینب علیها السلام به گونه‌ای بود که امام حسین علیه السلام خطاب به خواهرش می‌فرمود: «یا أُحْتَاهُ لَا تُتْسِينِي فِي نَافِلَةٍ اللَّيْلِ؛ <sup>۲</sup> خواهرم! مرا در نماز شب فراموش مکن.»

این مطلب، نشان از آن دارد که این بانوی بزرگوار به قله رفیع بندگی و پرستش راه یافته و به هدف آفرینش انسان نایل شده بود. <sup>۳</sup> به همین دلیل، سختی‌ها و مصیبت‌های روز عاشورا، او را از عبادت‌های مستحبی باز نداشت؛ <sup>۴</sup> حتی شب یازدهم نیز نماز شب خویش را ترک نکرد؛ چنان‌که امام سجاده علیه السلام فرمود: «زینب

۱. ذبیح‌الله محلاتی، ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۷۹.

۲. عبدالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم والمعارف والأحوال، ج ۱۱، ص ۹۵۴.

۳. اسماعیل نساجی زواره، «شمه‌ای از کمالات معنوی حضرت زینب علیها السلام»، مکتب اسلام، ش ۳، ص ۵۶.

۴. علی‌نقی فقیهی و سمیه خورشیدی، «مبانی، عملکردها و روش‌های تربیتی حضرت زینب علیها السلام»، فصلنامه علمی - تخصصی تربیت تبلیغی، پیش‌شماره ۱، ص ۱۴.

در طول راه شام، هرگز نافله نماز شب را ترک نکرد و با تمام گرفتاری‌ها و مصائب، آن را انجام داد. شبی دیدم عمه‌ام نشسته نماز می‌خواند. وقتی علت آن را پرسیدم، گفت: نشسته نماز می‌خوانم؛ چون سه شب است که بسیار گرسنه‌ام و ضعف مرا فرا گرفته است؛ ایشان سهم خود از طعام و خوراک را میان کودکان تقسیم می‌کرد...»<sup>۱</sup>

### علم و آگاهی

یکی از درجات والای حضرت زینب علیها السلام، دانش بی‌کران اوست. آن حضرت از خاندانی است که از کودکی، علم به آنها چشانده شده و وجودشان از آن سیراب گردیده است. امام باقر علیه السلام درباره دانش حضرت فاطمه علیها السلام می‌فرماید: اینکه اسم مادر ما را «فاطمه» گذاشتند، علت آن این است که پروردگار در عالم معنا به مادرمان خطاب کرده: «وَقَطَّمْتُكَ بِالْعِلْمِ»<sup>۲</sup>

فَطَم، یعنی قطع کردن و جدانمودن. لغت «فطم»، به معنای بریدن است. معنای حدیث چنین می‌شود: فاطمه علیها السلام را فاطمه می‌گویند، زیرا خدای متعال به او فرمود: من با پرکردن تو از علم خودم، تو و قلبت را از علوم همه زمینیان بریدم.

مشابه روایت امام باقر علیه السلام، بیان امام سجاد علیه السلام است که درباره عمه خود، حضرت زینب علیها السلام بیان نموده است؛ «وَأَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ فَهَمَّةٌ غَيْرُ مُهَمَّمَةٍ»<sup>۳</sup> خداوند را سپاس که تو تعلیم دیده و فهمنده بدون معلم و تفهیم‌کننده هستی.» دریای دانشی که در وجود مطهر زینب کبری علیها السلام موج می‌زند، مستقیماً از ناحیه حق جاری می‌شود؛ همان‌طور که خداوند دانش بی‌کران خویش را در

۱. ذبیح‌الله محلاتی، ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۶۲.

۲. شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۶۰.

۳. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۱.

قلب پاک مادرش زهرای اطهر علیها السلام قرار داد.

خدای متعال دو نفر از پیامبران را در ایام کودکی از علم خود بهره‌مند ساخت؛ یکی حضرت مسیح علیه السلام و دیگری، یحیای نبی علیه السلام. وقتی یهودیان به مریم علیها السلام نسبت ناروا دادند و با زخم زبان خود او را آزار دادند و درباره چگونگی انتساب فرزندش به او سؤال کردند، مریم علیها السلام به گهواره اشاره نمود و جمع یهود در کمال شگفتی پاسخ دادند: «كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا»<sup>۱</sup> چگونه با کسی سخن بگوئیم که کودک و در گهواره است؟» در این هنگام، صدایی از گهواره برخاست که: «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا»<sup>۲</sup>

و یا درباره یحیای نبی علیه السلام می‌فرماید: «وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا»<sup>۳</sup> ما مقام نبوت را به یحیی درحالی که کودک بود، عنایت کردیم.»

بنابراین، همان‌طور که خدای متعال فاطمه زهرا علیها السلام را از عظمت روحی و علم معنوی برخوردار نموده است، زینب کبری علیها السلام را نیز از گوهر علم و آگاهی بهره‌مند ساخته است و این، نشان از ارزش‌های انتقال‌یافته از سوی امیر مؤمنان علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام، پیغمبر صلی الله علیه و آله و خدیجه کبری علیها السلام در وجود مبارک زینب علیها السلام دارد.

گفتنی است که حضرت زینب علیها السلام، همچون اهل بیت علیهم السلام علم خویش را انفاق می‌نمود و آن را در معرض استفاده تشنگان معرفت و آگاهی قرار می‌داد؛ چنان‌که در دوره عمر بابرکت خود سه کلاس تشکیل داد که متأسفانه از این سه کلاس، هیچ نوشته یا اثری باقی نمانده است؛ از جمله این کلاس‌ها که مخصوص

۱. مریم، آیه ۲۹.

۲. مریم، آیه ۳۰.

۳. مریم، آیه ۱۲.



خانم‌ها بود، کلاس تفسیر قرآن بود. ای کاش! دست‌کم بخشی از تفسیر حضرت به دست ما رسیده بود تا از این طریق، با عمق آیات قرآن آشنا می‌شدیم. آری، زینب علیها السلام دختر کسی است که خود از مفسران بزرگ جهان اسلام است؛ چنان‌که ابن عباس می‌گوید: من پیش امیر مؤمنان علیه السلام تفسیر قرآن می‌خواندم. آن حضرت به من فرمود: پسر عباس! اگر من آنچه در هفت آیه سوره حمد است، برای شما بگویم و شما هم گفته‌های من را بنویسید، در پایان، باید هفتاد شتر جوان را بیاورید و این نوشته‌ها را بار کنید تا بتوانید آنها را با خود ببرید.<sup>۱</sup>

کلاس دیگری که زینب کبری علیها السلام داشت، درباره فقه بود. اگر مطالب این کلاس نیز ثبت و ضبط شده بود و به دست ما می‌رسید، هشتاد درصد کار فقهای عصر ما آسان شده بود؛ زیرا آن بانوی بزرگ، چشمه زلال فقه و دانایی بود و اینها همه ریشه در ایمان و اعتقاد قلبی ایشان داشت. محمد جواد مغنیه می‌گوید: «ایمان زینب علیها السلام، همچون ایمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود. این سخن را از روزی مبالغه نمی‌گویم. چه دلیلی بهتر از اینکه آن حضرت در شب یازدهم محرم، نماز شب خود را ترک نکرد.»<sup>۲</sup>

### حجاب و عفاف

حضرت زینب علیها السلام با الهام از قرآن کریم و آموزه‌های مادر بزرگوار خویش، حجاب و عفاف را مانند گوهر، ارزشمند می‌دانست. از این رو، حجاب و عفت، آن قدر از نگاه زینب علیها السلام اهمیت دارد که حتی در دوران اسارت نیز آن را حفظ می‌کند.<sup>۳</sup> علامه مامقانی در این باره می‌گوید: «زینب در حجاب و عفت، یگانه

۱. قندوزی، *ینایع المودة*، ج ۱، ص ۲۰۵.

۲. عایشه بنت الشاطی، *مع بطة الکریلا*، ص ۱۷.

۳. حسن خلجی، «الگوهای رفتاری حضرت زینب علیها السلام»، *طهورا*، ش ۱۲، ص ۱۰۲.

بود. از زمان پدر و برادرانش، هیچ‌کس از مردان او را ندیده بودند.<sup>۱</sup>

یحیی مازنی، یکی از اهالی مدینه می‌گوید: من در شهر مدینه و در همسایگی امیر مؤمنان، علی علیه السلام بدم و منزلم پهلوی خانه‌ای بود که زینب، دختر علی، در آنجا زندگی می‌کرد. به خدا سوگند! هیچ‌گاه کسی قد و قامت او را ندید و صدای او را هم نشنید. او هرگاه می‌خواست به زیارت جدّ بزرگوارش پیامبر خدا برود، در دل شب و به همراه پدرش امیر مؤمنان علیه السلام و برادرانش حسن و حسین علیهما السلام می‌رفت. امام علی علیه السلام در مورد این‌گونه تشرّف زینب علیها السلام، خطاب به امام حسن علیه السلام می‌فرمود: «أَحْسَى أَنْ يَنْظُرَ أَحَدٌ إِلَيَّ شَخْصٍ أُحْتَكِ زَيْنَبُ؛<sup>۲</sup> بیم دارم که کسی به اندام خواهرت زینب نگاه کند.»

زندگی حضرت زینب علیها السلام و رعایت حجاب و عفاف، الگوی روشنی است برای بانوان که گوهر وجود خویش را در صدف حجاب و عفاف از گزند نامحرمان مصون دارند و پیرو راستین سیره و منش این بانوی عظیم‌الشان باشند.

### شکیبایی توأم با معرفت

مواجهه زینب کبری علیها السلام با حادثه کربلا، برخوردی صابراانه بود؛ درحالی‌که ایشان سخت‌ترین، سنگین‌ترین، دردناک‌ترین و رنج‌آورترین حادثه تاریخ را دیده است و تمام سنگینی بار این واقعه، روی دوش زینب علیها السلام است. افزون بر این، حضرت از طرف برادر مأمور شد که هشتاد و چهار داغ‌دیده را از کربلا تا شام و از شام تا مدینه سرپرستی کند. آری، ایشان همه این مصیبت‌ها را تحمل کرد و با مدیریت شایسته خود، پیام شهدای کربلا را به گوش همگان رساند.

۱. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۹.

۲. عبدالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم والمعارف والأحوال، ج ۱۱، قسم ۲، ص ۹۵۵.

همچنین، آن حضرت علیها السلام در برابر این حادثه بزرگ و دشوار، رفتاری الهی از خود نشان داد؛ چنان‌که از زمان وقوع این حادثه تا روز وفاتش، حتی یک بار هم از حادثه کربلا گلايه یا شکایت نکرد؛ بلکه همواره در درگاه حق تعالی شاکر بود. به‌راستی چه کسی تحمل دارد در برابر چنین حادثه‌ای، بنده شاکر پروردگار خویش باشد!

زمانی که ابن‌زیاد در بارگاه خود با حالت تمسخر به زینب کبری علیها السلام گفت: رفتار خداوند را با به اهل بیت خود چگونه دیدی، در پاسخ فرمود: «وَمَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً»<sup>۱</sup> جز رفتاری زیبا و نیک از خداوند ندیدم. این کلام بلند، به این معناست که خدای متعال امامت را با شهادت درهم آمیخت و بالاترین زیبایی را درست کرد؛ حتی بالاتر از زیبایی یوسف علیهِ السلام.

در روز یازدهم، آن حضرت دو دست مبارکش را زیر بدن قطعه‌قطعه‌شده اباعبدالله علیهِ السلام برد و با یک دنیا ادب به سوی آسمان برگشت و به پروردگار عرض کرد: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقَلِيلَ؛ خدایا! این اندک را [به عنوان قربانی] از ما قبول کن.»<sup>۲</sup> البته گفتن و شنیدن این گونه مسائل، آسان است؛ ولی اگر ذره‌ای از این مصایب بر سر ما بیاید، قادر به تحمل آنها نیستیم و زبان به شکایت می‌گشاییم؛ درحالی‌که عبادت و صبر و شکر، همگی در وجود مقدس زینب کبری علیها السلام جمع شده است. امام صادق علیهِ السلام در بیانی بلند به این مسئله اشاره نموده و سخنی به این مضمون دارد که:

به خدا قسم! زمانی که خدا به ملائکه خبر داد: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»<sup>۳</sup>

۱. ابن‌نما حلی، مشیر الأحرار، ص ۷۱ و ۹۰.

۲. حسن بن محمد دیلمی، غرر الأخبار، ص ۲۷.

۳. بقره، آیه ۳۰.

و ملائکه نیز گفتند: «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ»، خدا به آنها فرمود: «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۲</sup> من از آفرینش انسان، چیزی می دانم که شما نمی دانید.» وقتی عصر عاشورا فرارسید، خداوند خطاب به ملائکه گفت: زینب علیها السلام را ببینید؛ چنین موجودی را می خواستم خلق کنم.<sup>۳</sup>

آری، چنین زنی، خلیفه خدا و انسانی کامل به معنای واقعی کلمه است. شگفتا! خانمی که سرشار از عاطفه و رأفت قلبی است، در یک نصف روز، هفتاد و دو نفر را جلوی چشمان او سر می برند و قطعه قطعه می کنند و بعد او می آید کنار این بدن های پاره پاره می نشیند و می گوید: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقَلِيلَ»<sup>۴</sup>

### سرپرستی و رهبری حکیمانه

حضرت زینب علیها السلام از افراد تأثیرگذار در نهضت امام حسین علیه السلام بود و نقش بنیادین در مصونیت سازی آن داشت؛ به گونه ای که نام ایشان با قیام کربلا گره خورده است. تأثیر رهبری ایشان در این قیام، کمتر از تأثیر خون شهیدان نیست. سرّ نی در نینوا می ماند اگر زینب نبود

کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود

در عبور از بستر تاریخ، سیل انقلاب

پشت کوه فتنه ها می ماند اگر زینب نبود

از سوی دیگر، زینب علیها السلام سرپرستی و مراقبت از اهل بیت علیهم السلام و بازماندگان را برعهده داشت و این، سخت ترین مسولیت زینب علیها السلام بود؛ چراکه دشمنان،

۱. بقره، آیه ۳۰.

۲. بقره، آیه ۳۰.

۳. بقره، آیه ۳۰.

۴. حسن دیلمی، غرر الأخبار، ص ۲۶.

اهل بیت علیهم السلام را از مسیر طبیعی عراق به شام نبردند؛ بلکه آنان را در حالی که جلوی محمل‌ها ۱۸ سر بریده را بر بالای نیزه‌ها زده بودند، از منطقه موصل و حدود کرکوک، مرز روم شرقی ترکیه آن زمان، به سوی دمشق بردند؛ یعنی از جانب مناطق کردنشین و ترک‌نشین که آن وقت اغلب این کردها و ترک‌ها، مسیحی بودند. در این شهرها نیز برای خوشایند یزید، این مردم مسیحی بیرون می‌ریختند و سرود می‌خواندند، پایکوبی می‌کردند و به زن و بچه داغ‌دیده سنگ و چوب می‌زدند. گویند در مسیر کربلا تا شام، هرجایی که برای استراحت توقف می‌کردند، خود لشکر یزید آشپزخانه مفصلی بر پا می‌نمود؛ اما اسیران باید به ذره‌ای نان خشک قناعت می‌کردند و سختی را تحمل می‌نمودند.

در شام یزید از لشکر خویش پرسید: این اسرا از کربلا تا اینجا چه واکنشی از خود نشان دادند؟ در پاسخ او گفتند: دو واکنش داشتند؛ یکی اینکه جز آقایی و کرامت نشان از خویشان بروز ندادند و از کربلا تا شام، هیچ‌کدام آنان، از کوچک و بزرگ یا پیر و جوان، حتی یک تقاضا هم از ما نکردند. واکنش دوم آنها این بود که با این همه سختی راه، گرسنگی و تشنگی، هرجا که آنها را پیاده می‌کردیم، مشغول خواندن قرآن می‌شدند یا به عبادت می‌پرداختند و صورت روی خاک گذاشتند و به مناجات بر می‌خاستند.

آری، زینب کبری علیها السلام این چنین هشتاد و چهار نفر از خاندان امام حسین علیه السلام را به زیبایی سرپرستی و رهبری کرد. برای روشن‌تر شدن مطلب، این نکته را یادآور می‌شوم که در زمان محمدرضا شاه پهلوی وقتی می‌خواستیم به حکومت انتقاد کنیم، اسم شاه را نمی‌بردیم و به جای آن، اسم معاویه یا یزید را بر زبان می‌راندیم. ساواکی‌هایی که پای منبرمان بودند، می‌فهمیدند که داریم به حکومت کنایه می‌زنیم، روز بعد ما را دستگیر می‌کردند و به زندان می‌انداختند.

در طول عمرمان، خودِ شاه را هم ندیدیم و اگر روزی رودررو او را می‌دیدیم، معلوم نبود بتوانیم از او انتقاد کنیم. من عرض می‌کنم که قدرت یزید، چندین برابر قدرت شاه ما بود و کشورش نیز بیش از ایران امروزی وسعت داشت؛ اما شما ملاحظه می‌کنید که در چنین بارگاهی، زینب کبری علیها السلام از جا بلند می‌شود و خطاب به یزید می‌گوید: «این الطلقاء؛<sup>۱</sup> ای فرزند بردگان و غلامان آزادشده»؛ یعنی ای پسر مردمان پست و لعین! ای پسر مردمانی که بچه‌هایشان انتساب درستی به والدین خود نداشتند و معلوم نیست که پدر و مادرشان چه کسی است! آری، تو از چنین خانواده‌ای هستی.

اینها همه نشانه عظمت روحی و بزرگی شخصیت زینب کبری علیها السلام است که از هیچ‌کسی جز خدای متعال ترس ندارد و سخن حق را به‌صراحت بر زبان جاری می‌سازد. یزید با آن همه شوکت و عظمت ظاهری، مات و مبهوت برخورد زینب علیها السلام شده بود و در واقع، با سخنان بیدارگرانه زینب کبری علیها السلام شکست خورده بود. از این‌رو، برای آنکه بتواند حقارت و افتضای خود را سرپوش گذارد، جلوی چشم زینب علیها السلام، چوب خیزران خود را برداشت و به سر بریده امام علیه السلام اهانت کرد. در این لحظه، بچه‌های کوچک، دامن عمه خود را گرفتند و همه فریاد زدند: وامحمد! واعلیا!

۱. ابن‌طیفور، بلاغات النساء، ص ۲۲.

## نقش امام سجاد علیه السلام در هدایت جامعه

### از دیدگاه رهبر معظم انقلاب

دکتر راضیه علی اکبری \*

#### اشاره

اگر تا دیروز معرفی امام علی بن حسین علیه السلام با لقب «بیمار کربلا» را ظلم به حضرت می دانستیم، بی گمان امروز نیز شناخت حضرت صرفاً با لقب «سجاد» و دعاهای صحیفه سجادیه، ظلمی دیگر در حق ایشان است. از این رو، شایسته است که زندگی آن امام همام را از ابعاد گوناگون مورد توجه قرار دهیم و از اظهار نظرهای تک بعدی درباره سیره ایشان پرهیز نماییم.

پیشوای چهارم علیه السلام در همه جهات اخلاقی، عبادی و علمی، نمونه عینی قرآن و رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. در دوران سیاه حکومت اموی که ارزش های انسانی و فضایل اخلاقی به فراموشی سپرده شده بود و مردم به جای مشاهده زهد، ساده زیستی، تواضع، نوع دوستی، نرم خوئی و رعیت پروری در زمامداران خود که خویشان را خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله قلمداد می کردند، شاهد دنیا طلبی، اشرافیت،

---

\* مدرس دانشگاه و حوزه.

تجمل‌گرایی، خودمحوری و بزرگ‌بینی آنان بودند. در چنین فضایی، آن امام بزرگوار، همچون خورشیدی فروزنده درخشید و وجودش تجلی‌بخش همه فضایل و ارزش‌های فراموش شده گشت؛ چنان‌که دوست و دشمن را به تحسین و شگفتی واداشت.<sup>۱</sup>

حضور امام چهارم علیه السلام در عرصه‌های فردی و اجتماعی و شرکت پویا و سازنده در تعاملات سیاسی، از مهم‌ترین ابعاد زندگی امام سجاد علیه السلام است. مقاله حاضر، به بازشناسی نقش ایشان در پاسداری از دین و تقویت و تحکیم ارزش‌های اسلامی در جامعه می‌پردازد. گفتنی است، نویسندگان متعددی در مورد زندگی امام سجاد علیه السلام آثاری را به رشته تحریر درآورده‌اند؛ اما نوشتار پیش رو، بیشتر با بهره‌گیری از بیانات رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) تهیه و تنظیم گردیده است.

### بایستگی شناخت جهت‌گیری کلی زندگی امام سجاد علیه السلام

سیره زندگی هر شخصی آنگاه روشن می‌شود که جهت‌گیری کلی زندگی او شناخته شود و سپس، حوادث جزئی زندگی‌اش مورد بررسی قرار گیرد. «اگر آن جهت‌گیری کلی دانسته شود، جست‌وجوی حوادث جزئی هم معنا پیدا می‌کند. در بررسی زندگی امام سجاد علیه السلام مشاهده می‌شود که حوادث متنوع و جالب توجه بسیاری وجود دارد که برای شناخت شخصیت و زندگانی امام، مهم و ضروری است».<sup>۲</sup>

وقتی امام حسین علیه السلام در جریان کربلا به شهادت رسید و حضرت سجاد علیه السلام با آن وضع بیماری به اسارت درآمد، در حقیقت جهت‌گیری کلی امام زین

۱. برگرفته از: علی رفیعی، تاریخ اسلام در عصر امامت امام سجاد و امام باقر علیه السلام، ص ۱۷-۲۱.

۲. سید علی خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۱۸۹.



العابدین علیهم السلام از آن لحظه آغاز شد. ایشان در صدد تحقق همان آرمانی بودند که امام حسن و امام حسین علیهم السلام آن را دنبال می‌کردند. ورود به زندگی امام سجاده علیهم السلام، با این دقت و توجه، بیانگر این حقیقت است که آن بزرگوار، انسانی است که در راه هدف مقدس «تحقق حکومت خدا در زمین و عینیت بخشیدن به اسلام»، تمام کوشش خود را به کار برد و از کارآمدترین فعالیت‌ها بهره گرفت و قافله اسلامی را که پس از واقعه عاشورا در کمال پراکندگی و آشفتگی بود، تا اندازه چشمگیری پیش برد و مأموریت بزرگ و مسئولیت اصلی حفظ اسلام را جامه عمل پوشاند و سیاست و شجاعت و دقت و ظرافت در کارها را به نیکویی رعایت نمود. امام سجاده علیهم السلام همانند همه پیامبران و مردان موفق تاریخ، پس از ۳۵ سال مبارزه خستگی‌ناپذیر و به انجام رساندن بار رسالت، سرافراز و سربلند چشم از دنیا فروبست و مأموریت حفظ اسلام و هدایت جامعه را به امام بعد از خود، یعنی امام باقر علیهم السلام سپرد.<sup>۱</sup>

### نقش آفرینی امام در عرصه‌های مختلف

یزیدبن معاویه (۶۱ - ۶۴ق)، عبدالله بن زبیر (۶۱ - ۷۳ق)، معاویه بن یزید (چند ماه از سال ۶۴ق)، مروان بن حکم (نه ماه از سال ۶۵ق)، عبدالملک بن مروان (۶۵ - ۸۵ق) و ولیدبن عبدالملک (۸۶ - ۹۴ق)، از جمله خلفای عصر امامت حضرت سجاده علیهم السلام بودند. این دوران، دورانی ناامیدکننده برای امام و خفقان به شمار آمد؛ زیرا حکومت‌های ستمگر، عرصه را بر امام و یاران او تنگ کرده و در همه جا ترس و وحشت حکم فرما بود و در سراسر جوامع اسلامی، بیش از یکی دو سه تن مسلمان واقعی باقی نمانده بود. امام سجاده علیهم السلام درباره وضع مکه و مدینه فرمود: «مَا بِمَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ عَشْرُونَ رَجُلًا يُحِبُّنَا؛<sup>۲</sup> در تمام مکه و مدینه،

۱. همان، ص ۱۹۰.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۴۳.

بیست نفر که محبّ واقعی ما باشند، دیده نمی‌شود.»

این روایت، تابلوی زنده و گویایی است که سیمای جامعه اسلامی آن روز را در برابر ما قرار می‌دهد. در چنین دوره‌ای بود که علی بن حسین علیه السلام می‌بایست زمام امور را در دست می‌گرفت و به نام انجام وظیفه امامت، اسلام را از یک سقوط قطعی نجات می‌بخشید. فاصله اسلام با نابودی، بیش از یک قدم نبود؛ زیرا در و دیوار ممالک اسلامی از تیرگی گناه سیاه شده بود و قدرت‌ها همه در دست مخالفان اسلام بود. در این فضای بسته سیاسی، مشکل دیگری وجود داشت و آن اینکه همه زندگی امام سجاده علیه السلام زیر دید جاسوسان حکومتی قرار داشت؛ نمونه کوچک آن، این است که امام سجاده علیه السلام کنیزی داشت که او را آزاد کرد و سپس با او ازدواج نمود. این خبر، به عبدالملک بن مروان در شام رسید و او نامه عتاب‌آمیزی به حضرت ارسال نمود.<sup>۱</sup>

آری، امام باید در چنین شرایطی که باور به فضایل اخلاقی به شدت ضعیف شده و خود نیز شدیداً تحت نظر قرار دارد، در عرصه‌های مختلف با انحراف‌های عقیدتی و ناراستی‌ها مبارزه کند.

### ۱. عرصه اعتقادی

یکی از مهم‌ترین اهداف تربیتی حضرت امام سجاده علیه السلام در صحیفه سجادیه، تقویت هرچه بیشتر موضوع شناخت خداوند در جامعه است. بدین منظور، امام علیه السلام در دعا‌های بسیاری به مسئله «خداشناسی» پرداخته است و با اشاره به موضوعات توحیدی و صفات الهی مانند: خالق، قادر، رحیم، غنی، قوی، منعم، عزیز و حکیم، به تقویت و تعمیق شناخت انسان کمک می‌کند؛ چنان‌که امام سجاده علیه السلام در نخستین دعا، ضمن حمد و سپاس خداوند به شناساندن حق تعالی

۱. برگرفته از: شیخ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۴۴.

می پردازد و می فرماید:

«الَّذِي قَصَّرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ، وَعَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ، ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا، وَاخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيئَتِهِ اخْتِرَاعًا؛<sup>۱</sup> خدایی که دیده بینندگان از دیدنش کوتاه، و اندیشه و فهم وصف کنندگان از وصفش ناتوان است. به دست قدرتش آفریدگان را ایجاد کرد و آنان را بر اساس اراده خود صورت بخشید.»

بزرگترین نقش امام سجاده عليه السلام این است که مفاهیم و حقایق ناب و ارزشمندی همچون توحید، معاد، نبوت، مقام معنوی انسان و ارتباط او با خدا را در قالب دعا تدوین کرده است. نیایش های صحیفه سجادیه با حمد خدا و درود بر حاملان عرش و ملائک مقرب و پیروان پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان آغاز می گردد. بعد از آن، به بیان رابطه انسان با خدا از یک سو، و رابطه خدا با انسان از سوی دیگر می پردازد و این معنا را یادآور می شود که رابطه انسان با خویش و جامعه نیز در امتداد این دو ارتباط معنوی شکل می گیرد و تداوم می یابد.<sup>۲</sup>

هر دعا در صحیفه سجادیه، یک درس از معارف اسلامی و قرآنی است. از این رو، پس از قرآن مجید و نهج البلاغه، بزرگترین و مهم ترین گنجینه گران بهای حقایق و معارف الهی به شمار می رود؛ به طوری که به آن لقب «أخت القرآن» (خواهر قرآن) و «انجیل اهل بیت» عليه السلام داده اند<sup>۳</sup> و در بین قدمای نیز به «زبور آل محمد صلی الله علیه و آله» معروف است.

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه از صحیفه سجادیه به عنوان «قرآن صاعد» یاد می کند و

۱. صحیفه سجادیه، دعای اول، بند ۲ و ۳.

۲. برگرفته از: حسین انصاریان، تفسیر و شرح صحیفه سجادیه، ج ۱، ص ۱۰.

۳. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۷، ص ۴۲ - ۴۵.

می فرماید:

«صحیفه کامله سجادیه، نمونه کامل قرآن صاعد است و از بزرگ‌ترین مناجات عرفانی در خلوتگاه اُنس است که دست ما کوتاه از نیل به برکات آن است؛ آن، کتابی است الهی که از سرچشمه نور اَللّٰه نشئت گرفته و طریقه سلوک اولیای بزرگ و اوصیای عظیم‌الشان را به اصحاب خلوتگاه الهی می‌آموزد. صحیفه سجادیه، سبک بیان معارف الهیه اصحاب معرفت را چون سبک قرآن کریم بدون تکلف الفاظ در شیوه دعا و مناجات، برای تشنگان معارف الهیه بیان می‌کند. این کتاب مقدس، چون قرآن کریم، سفره الهی است که در آن، همه گونه نعمت موجود است و هرکس به مقدار اشتیهای معنوی خود، از آن استفاده می‌کند.»<sup>۱</sup>

بنابراین «امام سجاد علیه السلام برای مقابله با افکار انحرافی عصر خویش، در قالب دعا به تبیین اندیشه اصیل اسلامی پرداخت و اصول اعتقادی اسلام را به روشی صحیح معرفی کرد و به انسان‌های حقیقت‌جو و پیروان خویش ارائه داد».<sup>۲</sup> رهبر فرزانه انقلاب در اشاره به این معنا می‌فرماید:

«شما دعای اول صحیفه سجادیه را که در [باره] توحید است، نگاه کنید؛ دعای دوم را که درباره پیغمبر است، نگاه کنید؛ دعای سوم را که درباره مؤمنین است، نگاه کنید؛ ببینید اصلاً چه هست. دعای پنجم صحیفه سجادیه: «اللَّهُمَّ اغْنِنَا عَنْ هِبَةِ الْوَهَابِينَ بِبَهْتِكَ، وَاكْفِنَا وَخْشَةَ الْقَاطِعِينَ بِبِصَلَّتِكَ.»<sup>۳</sup> اینها حرف‌های خیلی مهمی است؛ قطع قاطعین، شما را وحشت‌زده نکند؛ وقتی به خدا متصلید.

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۰۹.

۲. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۲۴۸ و ر.ک: محمدباقر موحد ابطحی، صحیفه سجادیه جامعه، ص ۳۱۶.

۳. صحیفه سجادیه، ص ۴۶.

اینکه می‌گوید «وَ اَكْفِنِي» این در واقع دارد درس می‌دهد به ما؛ فقط خواستن از خدا نیست؛ خواستن از خدا هم هست؛ اما فقط آن نیست. دارد به ما می‌گوید شما اکتفا کن به صله با پروردگار. بگذار همه دنیا [ارتباطشان را] قطع کنند؛ به قول خودشان، [تورا] منزوی کنند؛ به درک! انزوی آنها چه ضرری به ما می‌زند؟ حالا از انزوا خارج شدیم، چه خیری بردیم؟ حالا مثلاً از انزوا خارج شدیم، کجاست [آن منفعت]؟ چه فایده‌ای را از خروج از انزوا [بردیم]؟ اینها، ببینید معارف اسلامی است. «أَغْنِنِي عَنْ هَيْبَةِ الْوَهَّابِينَ بِهَيْبَتِكَ». هبه تو مهم است؛ بخشش تو مهم است؛ هبه و هابین چه اهمیت دارد که به ما هبه کنند و بخشش کنند و کمک کنند؟ غرض [اینکه] اینها، یک دنیایی است.<sup>۱</sup>

همچنین، یکی از نتایج دعا‌های امام سجاده علیه السلام، این است که امامت و خلافت پیغمبر صلی الله علیه و آله را برای مردم تبیین کرد تا در ذهن مردم، این باور به وجود نیاید که امامت، یعنی همین حکومتی که در حال حاضر، حگام جور عهده‌دار آن هستند.<sup>۲</sup>

برترین شیوه‌های تبلیغی امام سجاده علیه السلام در: «تبیین و توضیح» برای عده‌ای، «سازمان‌دهی» برای جمعی، و «راهنمایی و راهگشایی» برای گروهی دیگر خلاصه می‌شد. در این مسیر «امام سجاده علیه السلام را انسانی بردبار می‌یابیم که در طول ۳۰ تا ۳۵ سال سعی می‌کند زمینه شدیداً نامناسب جهان اسلام را به سویی سوق دهد که در آن میان، خود آن حضرت و یا جانشینانش بتوانند فعالیت‌ها و تلاش‌های اصلی و نهایی را برای ایجاد جامعه و حکومت اسلامی به وجود آورند؛ به طوری که اگر ۳۵ سال تلاش امام سجاده علیه السلام را از دوران ۲۵۰

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۵/۱۲/۵.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب، خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۷/۶/۴.

ساله زندگی ائمه علیهم‌السلام حذف کنیم، قطعاً راه برای امامان بعدی همچون امام باقر و صادق علیهم‌السلام هموار نمی‌شد تا بتوانند به فعالیت‌های دینی، اجتماعی و علمی بپردازند. بنابراین، امام سجاد علیه‌السلام زمینه فکری و ذهنی لازم برای ایجاد یک جامعه اسلامی را با همه زحمت و توان‌فرسایی‌اش، در طول سالیانی دراز به عهده گرفت».<sup>۱</sup>

## ۲. عرصه اخلاقی

در دوران امام سجاد علیه‌السلام، «حاکمیت با خلفای بنی امیه بود و انحطاط اخلاقی جامعه بیشتر شده بود و اهل بیت علیهم‌السلام نیز مورد بی‌توجهی بیشتری قرار می‌گرفتند و بر منبرها مورد لعن واقع می‌شدند».<sup>۲</sup> در چنین جامعه‌ای و با در نظر گرفتن محدودیت و فشار سیاسی حاکم، «امام سجاد علیه‌السلام زبان دعا و نیایش را به عنوان راهکاری مناسب برای مقابله با چنین وضعیتی انتخاب نمود و با این روش حکیمانه، جامعه‌ای را که در حالت رکود اخلاقی بود، تحرکی دوباره بخشید و نور ایمان را در دل‌های تیره و تار آنان زنده کرد. اساساً در زندگی امام چهارم علیه‌السلام، چند بُعد وجود دارد که یکی از آنها «اخلاق» یا تربیت و تهذیب جامعه اسلامی است؛ چه بسا بخش مهمی از مشکلات اساسی دنیای اسلام که به فاجعه کربلا انجامید، ناشی از انحطاط و فساد اخلاقی مردم بود».<sup>۳</sup>

اگر مردم از اخلاق اسلامی صحیح برخوردار بودند، یزید، ابن‌زیاد، عمر سعد و دیگران نمی‌توانستند آن فاجعه اسف‌بار را بیافرینند. چنانچه مردم از آرمان‌های اصیل دینی دور نشده بودند و رداییل بر آنها حاکم نبود، ممکن نبود حکومت‌ها،

۱. سید علی خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۲۲۱.

۲. حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۹۲.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب، در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۲/۴/۲۳.

هرچند فاسد و بی‌دین و جائز، بتوانند مردم را به ایجاد چنان فاجعه عظیمی، یعنی کشتن سلاله پیغمبر و فرزند فاطمه زهرا علیها السلام وادار کنند.

وقتی اخلاق در یک ملت زایل شود، همه ابعاد زندگی فاسد خواهد شد؛ «نکته ای که امام سجاده علیه السلام به خوبی آن را دریافت و آنگاه کمر به پاک کردن این زشتی از چهره جامعه بست و تلاش نمود اخلاق را در جامعه اسلامی ترویج دهد. در این راستا، دعای مکارم الأخلاق و ادعیه صحیفه سجادیه را بیان نمود که در واقع، نوعی درس علم النفس است و یکایک خصوصیات معنوی و اخلاقی و ریشه‌های فاسدی را که در نفس انسان به وجود آمده، با زبان دعا معرفی می نماید»<sup>۱</sup> و مطالب عمیق و مضامین ارزنده و گران‌قدری را به جامعه اسلامی، به‌ویژه برای شیعیان و محبّان خویش منتقل می‌کند.

همچنین، در فرازهای فراوانی از صحیفه سجادیه امام علیه السلام درباره همسایگان و دوستان اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوَلَّنِي فِي حَيْرَانِي وَمَوَالِي الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا، وَالْمُنَابِذِينَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَايَتِكَ، وَوَقِّفْهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَالْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي إِزْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ، وَسَدِّ خَلَّتِهِمْ، وَعِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ، وَهَدَايَةِ مُسْتَرْشِدِهِمْ»<sup>۲</sup>

بارخدا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا در خصوص رعایت حق همسایگان و دوستانم که به حق ما معرفت دارند و با دشمنان ما در ستیزند، به بهترین صورت یاری نما، و ایشان را برای به‌پاداشتن سنت خود و به‌کارگرفتن آداب نیکویت در ارفاق به ضعیفان و برآوردن حاجت آنان و عیادت بیماران و هدایت راهجویان و خیرخواهی برای مشورت‌کنندگان، کمک کن.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب، دیدار با گروهی از پاسداران سپاه، ۱۳/۰۹/۱۳۷۶.

۲. صحیفه سجادیه، دعای ۲۶.

## ۳. عرصه سیاسی - اجتماعی

امام سجاد علیه السلام در قیام خونین کربلا مدت کوتاهی بیمار بود؛ اما برخی مردم به این بزرگوار لقب «بیمار کربلا» دادند؛ درحالی‌که ایشان فقط در طی همان چند روز واقعه عاشورا بیمار بود و ادامه پیدا نکرد و البته طبیعی است که هرکسی در مدت عمرش چند روزی بیمار می‌شود. مهم‌تر از آن اینکه بیماری امام، مصلحتی الهی بود که ایشان وظیفه دفاع و جهاد در راه خدا را در آن روز به عهده نداشته باشند تا در آینده بتوانند بار سنگین امانت و امامت را بر دوش بکشند و ۳۵ سال پس از پدر، زعامت جامعه مسلمانان را تداوم بخشند و این‌گونه، دشوارترین دوران امامت شیعه را بگذرانند.<sup>۱</sup>

برترین شیوه‌های تبلیغی امام سجاد علیه السلام در: «تیین و توضیح» برای عده‌ای، «سازمان‌دهی» برای جمعی، و «راهنمایی و راهگشایی» برای گروهی دیگر خلاصه می‌شد. در این مسیر، امام سجاد علیه السلام را انسانی بردبار می‌یابیم که در طول ۳۰ تا ۳۵ سال سعی می‌کند زمینه شدیداً نامناسب جهان اسلام را به سویی سوق دهد که در آن میان، خود آن حضرت و یا جانشینانش بتوانند فعالیت‌ها و تلاش‌های اصلی و نهایی را برای ایجاد جامعه و حکومت اسلامی به وجود آورند؛ به طوری‌که اگر ۳۵ سال تلاش امام سجاد علیه السلام را از دوران ۲۵۰ ساله زندگی ائمه علیهم السلام حذف کنیم، قطعاً راه برای امامان بعدی همچون امام باقر و صادق علیهم السلام هموار نمی‌شد تا بتوانند به فعالیت‌های دینی، اجتماعی و علمی بپردازند. بنابراین، امام سجاد علیه السلام زمینه فکری و ذهنی لازم برای ایجاد یک جامعه اسلامی را با همه زحمت و توان‌فرسایی‌اش، در طول سالیانی دراز به عهده گرفت.<sup>۲</sup>

۱. برگرفته از: سید علی خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۱۸۸.

۲. همان، ص ۲۲۱.



پس از واقعه کربلا، امام سجاده علیه السلام در حالی که اسیر و بیمار بود، همانند قهرمانی بزرگ با گفتار و رفتارش حماسه آفرید. «در این دوران، حضرت در نقش یک انقلابی پُرخروشی است که کمترین سخنی را تحمل نمی‌کند و پاسخ‌های دندان‌شکن به دشمنان مقتدر خود می‌دهد»؛<sup>۱</sup> چنان‌که وقتی در شام به مجلس جشن پیروزی یزید بُرده شد، ضمن تحقیر خطیب متملّق دربار اموی، در کرسی خطابه قرار گرفت و با بهره‌گیری از زیباترین و بلیغ‌ترین جملات، فجایع کربلا را بازگو کرد و ضمن افشای چهره زشت جنایتکاران، تبلیغات سوء دشمنان اهل بیت علیهم السلام را خنثا نمود و سیمای سراسر فضیلت و افتخار آل محمد صلی الله علیه و آله را برای مردم ناآگاه شام نمایان ساخت. آن حضرت فرمود:

«ای مردم! به ما شش چیز عطا شده و به هفت نعمت [بر دیگران] برتری یافته‌ایم؛ به ما علم، حلم، جوانمردی، فصاحت، شجاعت و دوستی در دل مؤمنان عطا شده است و ما به اینکه رسول برگزیده خداوند، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، و نیز تصدیق‌کننده و جعفر طیار و شیر خدا و رسول او و حسن و حسین علیهم السلام و مهدی این امت از ما هستند، فضیلت داده شده‌ایم.»<sup>۲</sup>

در این دوران، حضرت می‌بایست زمینه کار دیگر امامان در آینده را برای حکومت اسلامی فراهم می‌نمود<sup>۳</sup> و تشکیلاتی را زمینه‌سازی می‌کرد که بتواند محور اصلی حرکت‌های سیاسی آتی باشد؛ تشکیلاتی که از دوران امیر مؤمنان علیه السلام ایجاد شد و در جریان عاشورا و واقعه حرّه و قیام مختار تقریباً

۱. سید علی خامنه‌ای، پژوهشی در زندگی امام سجاده، ص ۷، ص ۴۸.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۳۷ و ۱۷۴.

۳. برگرفته از: ماهنامه «پاسدار اسلام» وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ش ۶،

زمینه‌هایش متلاشی گردید؛ اما حضرت آن را به طور غیر مستقیم نوسازی و بازسازی نمود.<sup>۱</sup> در مقام تشبیه «می‌توان تبلیغ این دوران امام سجاد علیه السلام را به دوران آغازین دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه تشبیه کرد؛ یعنی چند سال اول دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله که علنی نبود».<sup>۲</sup>

استفاده از زبان دعا، از جمله تدابیر تبلیغی امام سجاد علیه السلام بود؛ چراکه حضرت در دوران اختناق زندگی می‌کرد و نمی‌توانست مفاهیم مورد نظر خویش را آشکار و صریح بیان کند. در واقع، چاره‌ای نبود، جز اینکه از شیوه موعظه و دعا استفاده نماید. در غالب بیانات امام سجاد علیه السلام، لحن موعظه وجود دارد و در ضمن بیان نصیحت، مسائل سیاسی - اجتماعی نیز بیان شده است؛ «روش حکیمانه و بسیار زیرکانه‌ای که حضرت با مضمون دعا، آنچه را می‌خواست در ذهن مردم جای بگیرد، به آنها القا می‌نمود و این، بهترین شیوه انتقال و القای عقیده و اندیشه درست است».<sup>۳</sup>

مهم‌ترین نکته‌ای که در نیایش‌های امام سجاد علیه السلام جلب توجه می‌کند، اهتمام آن حضرت به بیان «صلوات بر محمد و آل محمد» است. این موضوع، با توجه به عصری که مبارزه با اهل بیت علیهم السلام، در رأس برنامه‌های حکومت اموی بوده و حتی لعن و سب حضرت علی علیه السلام و خاندانش همچنان ترویج می‌شد، شایان دقت است. همچنین، نمایاندن عظمت اهل بیت علیهم السلام و بیان ارزش محبت آنان و توسل به ایشان که در بیشتر دعاهای صحیفه سجادیه وجود دارد، در آن دوران، نوعی مبارزه با دشمنان و مخالفان اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌رفت.

۱. برگرفته از: سید علی خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۱۹۷.

۲. ماهنامه «پاسدار اسلام» وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ش ۱۲، ص ۹.

۳. همان، ش ۹، ص ۱۰.

امام سجاده علیه السلام در دعای بیستم (دعای مکارم الأخلاق) چنین می گوید:  
«خدایا! بر محمد و آل او درود بفرست و مرا در مقابل آن که بر من ستم روا دارد، دستی (نیروی) ده و بر آن که با من ستیزه جوید، زبانی (برهانی) بخش و بر کسی که با من دشمنی و عناد ورزد، پیروزی عطا کن و در برابر آن کس که در برابرم به حيله گری و بداندیشی پردازد، راه و تدبیر قرار ده و در برابر کسی که بر من آزار رساند، نیرو عنایت کن و در برابر عیب جویانی که بر من عیب جویی و ناسزاگویی می کنند، توان تکذیب (ردّ سخنان آنها) ببخش و در برابر خطر تهدید دشمنان، به من امنیت عطا نما...»

در واقع، این بخش از دعا، شکوای است از حضرت در برابر زورگویی های حکومت و کارگزاران عبدالملک، نظیر هشام بن اسماعیل مخزومی، حاکم مدینه. بنابراین، از این جهت، بار سیاسی دارد.

آن حضرت در دعای چهل و هشتم (دعای عید قربان و روز جمعه) می فرماید:  
«خدایا! این مقام، مخصوص جانشینان و برگزیدگان تو است و این پایگاه، از آن امنای تو است که آنان را در رتبه بالایی قرار داده ای؛ ولی ستمگران آن را به زور، غصب و تصاحب کرده اند... تا آنجا که برگزیدگان و خلفای تو، مغلوب و مقهور گشته اند؛ در حالی که می بینند احکام تو تغییر یافته، کتاب تو از صحنه عمل دور افتاده، فرایض و واجبات دستخوش تحریف گشته و سنت (وراه و رسم) پیامبرت متروک گشته است. خدایا! دشمنانِ بندگان برگزیده ات از اولین و آخرین و همچنین اتباع و پیروانشان و همه کسانی را که به کارهای آنان راضی هستند، لعنت کن و از رحمت خود دور ساز...»

در این دعا، امام سجاده علیه السلام باصراحت از مسئله امامت و رهبری امت که به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام اختصاص دارد و نیز غصب شدن آن توسط

ستمگران یاد می‌نماید و بدین ترتیب، با زبان دعا مشروعیت حکومت بنی‌امیه و حتی خلفای اول را نفی می‌کند.

### نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام‌شده به دست آمد که آن چهره مظلوم و بی‌صدا و انسانِ سر به‌زیرِ منفعلی که برخی نویسندگان و مداحان بی‌اطلاع، از امام سجاد علیه‌السلام درست کردند، به کلی برخلاف واقع است؛ بلکه چهره حقیقی امام سجاد علیه‌السلام، سیمای یک مبارز و قهرمان خستگی‌ناپذیر و آشتی‌ناپذیر پیگیر است که با تدبیر تمام و با دقت کامل راه‌ها را می‌شناسد و انتخاب می‌کند و به سوی هدف گام برمی‌دارد. نه تنها هرگز خسته نمی‌شود؛ بلکه دشمن را نیز خسته می‌کند. از این رو، «وقتی دستگاه اموی، این دشمن خسته شکست خورده، دید که هیچ کاری نمی‌تواند بکند، به مسموم کردن امام سجاد علیه‌السلام متوسل شد و آن حضرت را به شهادت رساند»<sup>۱</sup>.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب، خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۵/۷/۴.

پیوست‌ها



## بایسته‌های محافل شیرخوارگان حسینی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ابراهیم رضایی آدریانی\*

### اشاره

از سال ۶۱ هجری قمری تا کنون، هر روز چراغ فروزان قیام امام حسین علیه السلام درخشان‌تر می‌شود و فرهنگ عاشورا روزبه‌روز محبوبیت بیشتری در جهان پیدا می‌کند. امروزه، یکی از مبلّغان این فرهنگ متعالی، «محفل شیرخوارگان حسینی» است که نور آن در حال گسترش است. شهیدشدن طفل شیرخواره در جریان جنگ نابرابر عاشورا، خود بازگوکننده چهره پلید جریان باطل است؛ درحالی‌که امام حسین علیه السلام او را با لباس غیررزم در آغوش خود گرفته بود. در سال‌های اخیر، کمتر شهری از شهرهای ایران است که شاهد «محفل شیرخوارگان حسینی» نباشد. این مراسم همه‌ساله در روز جمعه قبل از تاسوعا و به صورت هم‌زمان در کشورهای مختلف برگزار می‌گردد که بحمدالله رشد فزاینده‌ای داشته و دارد. بنابراین، بهره‌گیری تبلیغی از این فرصت معنوی برای مبلّغان عزیز، ضروری می‌نماید. در این نوشتار، ضمن گزارشی از بازتاب جلسات شیرخوارگان، موضوعاتی که مطرح‌کردن آنها در این محافل مناسب به

---

\* عضو هیئت علمی جامعة المصطفی العالمیه، واحد اصفهان.

نظر می‌رسد، پیشنهاد شده و تذکراتی چند نیز برای برگزاری بهتر آن مطرح گردیده است.

### پیشینه

محفل شیرخوارگان حسینی، در سال ۱۳۸۲ برای اولین بار در تهران برگزار گردید. بلافاصله، در سایر شهرها نیز گسترش چشمگیری یافت. در همین راستا، پیش از سال ۸۲، نام «علی اصغر» در بین پنجاه نام اول در میان ایرانیان مشاهده نمی‌شد؛ اما در سال ۹۴، نام «علی اصغر» رتبه شانزدهم را در میان نام‌های انتخاب‌شده توسط ایرانیان به خود اختصاص داد.<sup>۱</sup>

آمار رشد جلسات شیرخوارگان از ابتدا تا کنون عبارت است از:

- نخستین سال: ۱۳۸۲ شمسی (۲۰۰۳ میلادی)، یک مجلس، تهران؛

- دهمین سال: ۱۳۹۲ شمسی (۲۰۱۲ میلادی)، ۲۰۰۰ نقطه در ایران و جهان؛<sup>۲</sup>

- مسئولان این طرح جهانی در سال ۱۳۹۵ برای برگزاری این مراسم، بیش از ۴۰۰۰ جلسه در سراسر جهان برنامه‌ریزی کردند.<sup>۳</sup>

از جمله کشورهایی که در سال ۹۵ محفل شیرخوارگان در آن برگزار گردید، می‌توان به: انگلیس، روسیه، آلمان، فیلیپین، اندونزی، یمن، تاجیکستان، میانمار، سنگاپور، اوکراین، آذربایجان، کشمیر، هند، مالزی، تایلند، سوئد، بلژیک، ترکیه، عراق، بحرین، عربستان، کلمبیا و عمان اشاره کرد. تا آنجا که

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان ثبت احوال کشور، نشانی: [www.sabteahval.ir](http://www.sabteahval.ir)، بخش فراوانی نام‌گذاری، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۵/۲۰.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی مجمع جهانی حضرت علی اصغر علیه السلام، نشانی: [www.ali-asghar.com](http://www.ali-asghar.com)، بخش پیشینه، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۷/۱۲.

۳. پایگاه خبری ایسنا، نشانی: [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، بخش دین و اندیشه، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۷/۱۲.



امروز در برخی کشورها این محفل به فرهنگ عاشورا تبدیل شده و مردم قیام امام حسین علیه السلام را از این طریق می‌شناسند. گفتنی است، تمامی هزینه‌های این مراسم به صورت خودجوش توسط افراد خیر و ارادتمندان به سیدالشهداء علیه السلام تأمین می‌شود.<sup>۱</sup>

## اهداف برگزاری

کشته‌شدن طفل شیرخوار امام حسین علیه السلام با لب تشنه، احساسات تمامی حق‌جویان عالم را جریحه‌دار می‌کند؛ به‌ویژه هنگامی که عبارات مقتل آن حضرت خوانده می‌شود:

«فَتَقَدَّمَ إِلَى الْخَيْمَةِ وَقَالَ لَزَيْتَبِ نَاوَلِينِي وَلَيْدِي الصَّغِيرَ حَتَّى أُوَدِّعَهُ فَأَخَذَهُ وَأَوْمَأَ إِلَيْهِ لِيَتَّبِلَهُ فَرَمَاهُ حَزْمَلَةً بُنِ الْكَاهِلِ الْأَسَدِيُّ لَعَنَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِسَهْمِهِ فَوَقَعَ فِي نَحْرِهِ فَدَبَّحَهُ فَقَالَ لَزَيْتَبِ حُذِيهِ ثُمَّ تَلَّقَى الدَّمَ بِكَفِّهِ فَلَمَّا امْتَلَأَتْ رَمَى بِالدَّمِ نَحْوَ السَّمَاءِ ... فَلَمْ يَسْقُطْ مِنْ ذَلِكَ الدَّمِ قَطْرَةٌ إِلَى الْأَرْضِ.»<sup>۲</sup>

همچنین در زیارت ناحیه مقدسه چنین آمده است:

«السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ الطُّفْلِ الرِّضِيعِ الْمَرْمِيِّ الصَّرِيعِ الْمُتَشَحِّطِ دَمًا الْمُصَعَّدِ دَمُهُ فِي السَّمَاءِ الْمُدْبُوحِ بِالسَّهْمِ فِي حَجَرِ أَبِيهِ.»<sup>۳</sup>

رسالت محفل شیرخوارگان، رساندن پیام این مظلومیت به جهانیان است. مجمع جهانی حضرت علی اصغر علیه السلام سه هدف عمده را برای این حرکت جهانی دنبال می‌کند:

۱. پایگاه خبری فارس نیوز، نشانی: [www.farsnews.com](http://www.farsnews.com)، گروه فرهنگی، حوزه آیین و اندیشه، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۵/۲۰.
۲. سیدبن طاووس، اللهوف، ص ۱۱۷.
۳. سیدبن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۲، ص ۵۷۴.

۱. ایجاد سؤال در ذهن و زبان تمامی انسان‌ها در خصوص هویت وجودی عاشورا و اسرار آن با محوریت شهید شیرخوار کربلا؛ «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ؟»<sup>۱</sup>
۲. حساس نمودن و تهییج غیرت شیعی، در راستای توقیع منزلت عاطفی (عزاداری) و تبیین پایگاه حماسی و عقلائی قیام حسینی؛
۳. ایجاد هماهنگی، همسویی و وحدت رویه در کانون‌های مستعد شیعی، به منظور راه‌اندازی «نهضت عاشوراشناسی» در جهان.

### بازتاب جهانی

همان‌طور که پیش از این گفتیم، این مراسم و حرکت عظیم، در کشورهای متعدد بازتاب اثربخشی داشته و البته گاهی نیز با مخالفت‌ها و واکنش‌های تند برخی گروه‌ها مواجه بوده است. آنان این‌گونه اقدام‌های مذهبی را نوعی سربازگیری برای دنیای تشییع معرفی کرده‌اند.<sup>۲</sup>

با این حال، طی دهه گذشته، نمونه‌های پُرشماری در کل جهان گزارش شده است که با توسل به حضرت علی اصغر علیه السلام و حضور در محفل شیرخوارگان، حاجت‌روا شده‌اند؛ به‌ویژه خانواده‌هایی که از نعمت فرزند محروم هستند و با توسل و نذرکردن در این مراسم، به خواسته قلبی خود می‌رسند.

دختر دانشجویی که در کارگاه دوخت لباس شیرخوارگان<sup>۳</sup> حضور دارد، در

۱. تکویر، آیه ۹.

۲. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مجمع جهانی حضرت علی اصغر علیه السلام، نشانی: [www.ali-asghar.com](http://www.ali-asghar.com)، بخش بازتاب جهانی، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۵/۲۰؛ پایگاه خبری فارس نیوز، نشانی: [www.farsnews.com](http://www.farsnews.com)، حوزه آیین و اندیشه، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۵/۲۰.

۳. در تهران چهار کارگاه دوخت لباس برپا شده است که تهیه لباس برای محفل شیرخوارگان را به عهده دارد. این کارگاه که همانند صاحبش عمری شش‌ماهه دارد، شاهد حضور بانوانی است که به عشق شیرخواره شهید کربلا از صبح تا نزدیکی غروب با ۴۴ چرخ خیاطی کار دوخت لباس برای خارج از کشور و برخی مناطق ایران را انجام می‌دهند.

مصاحبه‌ای می‌گوید:

«سال اول که مراسم در مهدیه تهران برگزار شده بود، خانمی فرزند فلجش را در دست مادرم گذاشت و گفت: هنگامی که مداح مصیبت می‌خواند، بچه‌ام را به دست او بده. سال بعد این خانم مجدداً در محفل حضور پیدا کرد و به مادرم گفت: می‌دانید این بچه‌ای که مقابل شما می‌دود و بازی می‌کند، چه کسی است؟ همان بچه فلج پارسال است!»<sup>۱</sup>

دبیر مجمع می‌گوید:

«نکته زیبایی که توجه ما را به خودش جلب کرده، شرکت کردن بانوان سنتی مذهب در مراسم حضرت علی اصغر علیه السلام، مخصوصاً در کویت و بحرین است؛ به طوری که یکی از بانوان اهل سنت که در بحرین بعد از گذشت چندین سال صاحب فرزند نمی‌شده، به واسطه شرکت کردن در این جلسات و توسل به حضرت علی اصغر علیه السلام صاحب فرزند می‌شود و این مسئله، در بحرین بازتاب بسیاری داشته است.»<sup>۲</sup>

### فرصتی بی نظیر برای مبلغان

محفل شیرخوارگان، معمولاً پُرشور و پُرجمعیت برگزار می‌شود و مستمعان فراوانی دارد. از سوی دیگر، قشر خاصی از بانوان که شاید کمتر اهل شرکت در مجالس مذهبی و مساجد هستند، در این محفل شرکت می‌کنند و چنین فرصتی برای مبلغان، کم‌نظیر است. مشاهده می‌شود در برخی شهرهای کشور، این محفل بدون سخنرانی برگزار می‌شود؛ اما لازم است در این باره آگاهی‌بخشی

۱. پایگاه خبری فارس نیوز، نشانی: [www.farsnews.com](http://www.farsnews.com)، حوزه آیین و اندیشه، تاریخ دسترسی:

۱۳۹۶/۵/۲۰

۲. همان.

صورت گیرد و مبلغان محترم، حضور و اثربخشی جدی در این مجالس داشته باشند.

از آنجا که بیشتر مخاطبان این جلسات، بانوان هستند، شایسته است مبلغان از این فرصت استفاده کرده، موضوعات متناسب با نیازها و روحیات این قشر را در اولویت قرار دهند؛ به عنوان نمونه، دوازده موضوع مهم که بر اساس تجربه مبلغان و بازخوردگیری جلسات خاص خواهران گزینش شده‌اند، عبارت‌اند از:

### ۱. از محبت مادر تا محبت خدا

غالب شرکت‌کنندگان در این محفل، مادرانی هستند که فرزند خود را نیز در آغوش دارند و محبت مادری را با تمام وجود در خود می‌یابند. این، فرصت خوبی است که مستمعان را از «محبت مادر به فرزند» به «محبت امام معصوم به شیعیان» و از آنجا به «محبت خدا به بندگان» هدایت نماییم.<sup>۱</sup>

### ۲. جایگاه و حقوق زن در اسلام

هیچ مکتبی به اندازه اسلام، به جایگاه و حقوق زن احترام نگذاشته است. در عین حال، بسیاری از بانوان تحت تأثیر شبهات دشمنان یا به صورت فطری، سؤالاتی درباره جایگاه و حقوق زن در ذهن دارند و از این‌گونه مباحث، استقبال فراوانی می‌کنند.<sup>۲</sup>

### ۳. حجاب و عفاف

اجتماع بانوان، بهترین فرصت برای تأکید بر مسئله حجاب و تبیین آیات<sup>۳</sup> و

۱. شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۰۰؛ صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۶۰.

۲. ر.ک: ره‌توشه راهیان نور، رمضان ۱۴۱۸ق.

۳. از جمله، ر.ک: احزاب، آیه ۵۹.

روایات<sup>۱</sup> مربوط به آن است؛ به‌ویژه آنکه توجه‌دادن به الگوهای حجاب مانند حضرت زهرا علیها السلام<sup>۲</sup> و حضرت زینب علیها السلام<sup>۳</sup> و حساسیت ایشان به حجاب، در این‌گونه جلسات، از تأثیرگذاری مضاعفی برخوردار است.

#### ۴. جایگاه زن در خانواده

نگاه اسلام به زن خانه‌دار و فرزندآوری و تربیت فرزندان و فعالیتی که در محیط خانه انجام می‌دهد، نگرشی مبتنی بر ارزش‌های معنوی است. با توجه به همجمله‌های فرهنگی زمان ما، لازم است این نگاه برای بانوان شرح داده شود تا ضمن آگاهی از ارزش و جایگاه خود، در عمل به وظایف خویش در خانواده، انگیزه مضاعفی به دست آورند.<sup>۴</sup>

#### ۵. لزوم پرهیز از تجمل‌گرایی و آسان‌سازی ازدواج جوانان

با توجه به توصیه اسلام در خصوص ازدواج و بالارفتن سن ازدواج در جامعه ما، از ضروری‌ترین موضوعاتی که لازم است در جمع بانوان مطرح شود، آموزه‌های نورانی اسلام در مورد ازدواج است.<sup>۵</sup> بانوان، نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری فرهنگ ازدواج دارند و سخت‌گیری یا آسان‌گیری آنان، تأثیر بسزایی در این زمینه دارد.

---

۱. از جمله، ر.ک: شیخ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۳۷؛ شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۸۹.

۲. طبری، دلائل الإمامة، ص ۱۱۱.

۳. ابی‌مخنف، المقتل، ص ۹۶.

۴. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۴۱۲؛ ابن‌حیون، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۱۶؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶.

۵. شیخ صدوق، ثواب الأعمال، ص ۲۸۳؛ طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۰۴؛ شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۳۹۹.

## ۶. فرزندآوری و رشد جمعیت

بانوان، همچنین، نقش مؤثری در فرزندآوری و رشد جمعیت دارند و با توجه به اهمیت ویژه‌ای که این موضوع در مقطع کنونی پیدا کرده است، متذکرشدن آن در مجلس خواهران ضرورت دارد.<sup>۱</sup>

## ۷. اهمیت برگزیدن نام نیکو برای فرزندان

نام، نشانه عقاید، فرهنگ، علاقه‌ها، وابستگی‌ها، اهداف، آرمان‌ها و دیدگاه‌های انسان و جامعه است. ازاین‌رو، نام نیکو، شعار دین است و اثر سیاسی دارد.<sup>۲</sup> در سال‌های اخیر، شیوع برخی نام‌های غیرارزشی، نگران‌کننده است و به نظر می‌رسد باید برخی روایات واردشده در این باب و الگوگیری از شخصیت‌هایی همچون سیدالشهداء علیه‌السلام بازخوانی شوند.<sup>۳</sup>

## ۸. نقش مادر در تربیت فرزند

نقش مادران در تربیت فرزند، غیرقابل انکار است و بالارفتن سطح آگاهی بانوان در خصوص مهارت تربیت فرزند، امری ضروری به شمار می‌رود. یکی از آسیب‌هایی که برخی خانواده‌های متدین نیز به آن مبتلا هستند، اقدام‌های عجولانه و زودهنگام والدین در آموزش دادن به فرزندان است؛ به عنوان نمونه، می‌توان به الزام فرزندان به حفظ قرآن در سنین پایین اشاره کرد که گاهی موجب دل‌زدگی و ایجاد نفرت در کودکان می‌شود و تأثیرات منفی غیرقابل جبرانی بر روحیه آنها می‌گذارد. در این باره روایت مفصل و زیبایی از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است که لزوم آموزش تدریجی کودکان را به‌خوبی بیان کرده است.<sup>۴</sup> امیر

۱. ر.ک: ره‌توشه راهیان نور، رمضان ۱۴۲۳، ۱۴۳۰ و ۱۴۳۴ق.

۲. ر.ک: محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۷، ص ۲۴۷.

۳. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۹۵.

۴. شیخ صدوق، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۱.

مومنان علیهم‌السلام نیز در نهج البلاغه آموزش تدریجی خود در محضر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به‌زیبایی توصیف می‌نماید.<sup>۱</sup> بازخوانی این‌گونه معارف، با محفل شیرخوارگان و جمع مادران تناسب دارد و جلسات را پُربارتر می‌نماید.

### ۹. جایگاه صبر در برابر مشکلات زندگی

بانوان به لحاظ عواطف و احساسات سرشاری که دارند، در مصائب و مشکلات زندگی آسیب‌پذیرترند و نوعاً رنجش خاطر بیشتری را متحمل می‌شوند. آنچه می‌تواند آنان را در برابر ناگواری‌ها بیمه کند تا از جزع و بی‌تابی خودداری کنند و استقامت ورزند، تقویت روحیه صبر و بردباری است. بازخوانی وعده‌هایی که در آیات و روایات به صابران داده شده، می‌تواند نقش مهمی در این زمینه ایفا کند.<sup>۲</sup>

### ۱۰. زنان الگو در تاریخ اسلام

یکی از بهترین موضوعات سخنرانی برای محفل شیرخوارگان، الگوگیری از بانوان نمونه تاریخ است. از حضرت مریم علیها‌السلام و آسیه علیها‌السلام گرفته تا حضرت خدیجه علیها‌السلام و حضرت زهرا علیها‌السلام و نیز زنان حاضر در واقعه کربلا.<sup>۳</sup>

### ۱۱. درس‌های زندگانی حضرت زینب علیها‌السلام

ماه محرم فرصت خوبی برای تحلیل زندگانی حضرت زینب علیها‌السلام و الگوهای رفتاری زندگی آن حضرت است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: صبر، حیا و عفت، رضایت به قضای الهی، ایثار و ازخودگذشتگی، پیروی از ولی خدا، دفاع از حق، عبودیت و غافل‌نشدن از ارتباط با خدا در هر حال، شجاعت و عزت.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۲. شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۸۹؛ شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۰۷.

۳. ره‌توشه ماه محرم، ۱۳۹۴ش، مقاله «نقش زنان در نهضت عاشورا»، نوشته جواد محدثی.

روشن است که هریک از عناوین فوق، ظرفیت چندین جلسه سخنرانی را دارد و از مبلغان محترم انتظار می‌رود مخاطبان خود را در ایام محرم از این موضوعات سازنده محروم نمایند.

## ۱۲. تهدیدهای فرهنگ غربی

در زمان حاضر، ورود مبلغان به مباحث تربیتی و بازشناسی تهدیدهای فرهنگ غربی برای خانواده‌ها، به‌خصوص در جمع بانوان، بیش از پیش ضرورت دارد. در این زمینه، سخن فراوان است و مجال پرداختن به آن نیست.<sup>۱</sup>

## آسیب‌شناسی محفل شیرخوارگان

در پایان، پاره‌ای از معضلاتی را که ممکن است در این‌گونه محافل پیش بیاید و در سال‌های گذشته نمونه‌هایی از آنها مشاهده شده است، مرور می‌کنیم؛ بدان امید که با توجه و یادآوری مبلغان عزیز، این مراسم به بهترین وجه برگزار گردد:

### ۱. حضور آقایان

غالباً عوامل اجرایی این مراسم، آقایان هستند؛ اما باید توجه داشت که حضور آقایان در مجلسی که تمامی شرکت‌کنندگان آن بانوان هستند، برای آنان محدودیت ایجاد می‌کند و تا کنون نیز گلایه‌هایی در این باره از جانب خواهران منعکس شده است. پیشنهاد می‌شود که عوامل اجرایی برنامه تا قبل از آغاز مراسم، تمهیدات لازم را فراهم کنند و هم‌زمان با شروع برنامه، محفل را به «خواهران متصدی انتظامات» واگذار نمایند. شرکت‌کنندگان نیز باید بدانند که این محافل مانند جلسات خانگی نیست و به دلیل حضور سخنران و مداح و

۱. در این زمینه، به دو کتاب از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم؛ واکاوی مختصات منازعه نرم در کلام رهبر انقلاب نوشته مجتبی احمدی، و رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی اثر اصغر افتخاری، مراجعه نمایید.



همچنین عکاسان و فیلم‌برداران، لازم است حجاب خود را تا پایان مراسم حفظ نمایند.

## ۲. بخش تصویر بانوان

عکس‌های تأثیرگذاری که از محفل شیرخوارگان منتشر می‌شود، انعکاس‌دهنده پیام این مراسم است و معصومیتی که در چهره نوزادان مشاهده می‌شود، بار عاطفی فراوانی دارد و هر بیننده‌ای را متأثر می‌کند؛ اما باید توجه داشت که این محفل، مملوّ از بانوان است و طبیعتاً چهره بسیاری از آنها در عکس‌ها می‌افتد. از عکاسان و اهالی رسانه انتظار می‌رود که عکس‌های گرفته‌شده در این مراسم را پیش از انتشار بررسی کنند و مواردی را که چهره بانوان در عکس‌ها وجود دارد، ویرایش و اصلاح نمایند.

همچنین، به‌وفور مشاهده می‌شود که در اوج ذکر مصیبت و گریه مستمعان، حضور عکاسان و فیلم‌برداران در گوشه و کنار مجلس، مزاحم حالت معنوی و سوگواری بانوان است که امیدواریم در این زمینه نیز ملاحظه بیشتری صورت گیرد.

## ۳. هم‌زمانی با وقت نماز

نماز اول وقت، بر هر کار دیگری مقدم است و مراجع معظم تقلید نیز بارها بر لزوم مراعات آن تذکر داده‌اند. خوشبختانه، متصدیان محافل مذهبی به این نکته توجه دارند و محفل شیرخوارگان نیز عمدتاً پیش از ظهر به پایان می‌رسد؛ در عین حال، یادآوری این نکته، وظیفه یکایک ماست.

## ۴. شنیده‌شدن صدای مداحی بانوان

در برخی محافل شیرخوارگان، سخنرانی و مداحی توسط بانوان مبلّغه برگزار می‌شود که از جهاتی مطلوب است و چه بسا ترجیح نیز دارد؛ اما باید توجه

داشت که گاهی بدون آنکه مداح متوجه باشد، صدای او خارج از مجلس و در معرض رفت و آمد نامحرمان به گوش می‌رسد. با توجه به فتوای مراجع معظم تقلید مبنی بر حرمت این موضوع، حساسیت و توجه به این مسئله نیز لازم است.

### ۵. نبود سخنران

برخی از متصدیان برگزاری این مراسم، به دلایلی همچون عدم آگاهی یا کثرت مشغله، از دعوت سخنران و خطیب عالم برای مجلس شیرخوارگان غفلت می‌ورزند و تمام مراسم توسط مداح اداره می‌شود. لازم است، با توجیه مناسب دست‌اندرکاران، زمینه را برای استفاده هرچه بیشتر مخاطبان از معارف نورانی قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام فراهم نماییم.

### سخن پایانی

به گفته دبیر کل مجمع جهانی حضرت علی اصغر علیه‌السلام، بیشترین حساسیت غرب در قبال محافل شیرخوارگان در سراسر دنیا، نقش «یا صاحب الزمان» بر روی سربندهایی است که بر پیشانی شیرخوارگان بسته می‌شود. باید توجه داشت که شعار مجمع حضرت علی اصغر علیه‌السلام بر این اصل استوار است که: «شیرخوارگان حسینی، نذر قیام مهدوی هستند.»<sup>۱</sup> این پدیده، دشمنان را در نگرانی عمیقی فرو برده و چنین تجمعاتی از سوی شیعیان و محبّان اهل بیت علیهم‌السلام، نقش «زمینه‌سازی ظهور» را ایفا می‌کند؛ آرمانی که بزرگ‌ترین دغدغه دشمنان و شریف‌ترین هدف شیعه و بلکه مستضعفان عالم است.

۱. پایگاه رجانیوز، نشانی: [www.Rajanezw.com](http://www.Rajanezw.com)، بخش اجتماعی، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۷/۱۳.

## روضه‌های دهه اول محرم

محمدحسین فکور\*

### شب اول

امام رضا علیه السلام فرموده است: وقتی ماه محرم داخل می‌شد کسی پدرم را خندان نمی‌دید. امام رضا علیه السلام در روزهای آغازین محرم به «ریان» فرمود: «يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ كُنْتَ بَاكِيًا لَيْسَ بِفَائِكٍ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبْشُ؛<sup>۱</sup> ای ریان! هر مصیبتی داشتی، بر حسین گریه کن؛ زیرا او را همانند گوسفند سر بریدند.»

یا ابا عبدالله! شب اول محرم و آغاز سوگواری شماسست. امام حسین علیه السلام کنار قبر جدش آمد و با پیامبر صلی الله علیه و آله وداع کرد و از مدینه بیرون رفت. به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: «یا رسول الله! وضعیتی ایجاد کرده‌اند که دیگر نمی‌توانم در مدینه بمانم.» مدینه، شهر پیامبر و اهل بیت علیهم السلام است.

اکنون کار به جایی رسیده که حسین دیگر نمی‌تواند بماند. تازه بیش از نیم قرن از

---

\* پژوهشگر حوزه علمیه قم.

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶.

رحلت پیامبر نگذشته است.

نوشته‌اند: لحظانی خواب به چشمان امام علیه السلام آمد، حضرت بیدار شد و فرمود: جدم رسول خدا را در خواب دیدم که مرا به سینه فشرد و فرمود: ما منتظر تو هستیم.<sup>۱</sup>

امام حسین علیه السلام از مدینه با زینب و امّ کلثوم و علی اکبر و قاسم و ابوالفضل بیرون رفت؛ اما چندان طول نکشید که این کاروان مجدداً به شهر بازگشت؛ ولی آن روز، دیگر امام حسین علیه السلام همراه کاروان نبود. ابوالفضل و علی اکبر نبودند. زینب پیر شده بود. زینب آمده بود تا پیام برادر را بیاورد. وقتی وارد مدینه شد، گفت: «مَدِينَةٌ جَدُّنَا لَا تَقْبَلِينَا...<sup>۲</sup> مدینه ما را، راه نده؛ چون ما بی حسین آمده‌ایم.» حسین را در غریبی سر بردند

تن پاکش به خاک و خون کشیدند

تنش در کربلا عریان فتاده

سرش بر نیزه‌های کین فتاده

### شب دوم: ورود به کربلا

کاروان کربلا مسیرهای متعددی را از مکه تا کربلا طی کرد؛ تا آنکه امروز در کربلا فرود آمد. وقتی به امام حسین علیه السلام عرض کردند اینجا کربلاست، فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَرْبِ وَالْبَلَاءِ ثُمَّ قَالَ هَذَا مَوْضِعُ كَرْبٍ وَبَلَاءٍ انزَلُوا هَاهُنَا مَحَطَّ رِحَالِنَا وَمَسْفَقَ دِمَائِنَا وَهَذَا مَحَلُّ قُبُورِنَا بِهَذَا حَدَّثَنِي جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛<sup>۳</sup> خدایا! پناه می‌برم به تو از کرب و بلا. سپس، فرمود: این موضع کرب و بلاست.

۱. همان، ص ۳۲۸.

۲. همان، ج ۴۵، ص ۱۹۷.

۳. سیدبن طاوس، اللهوف، ص ۸۰.

پیاده شوید. اینجا محلّ فرودآمدن ما و محل ریختن خون‌های ما و جایگاه قبور ماست. جدّم رسول خدا، به من خبر داده است.»

بار بگشایید اینجا کربلاست

آب و خاکش با دل و جان آشناست

بار بگشایید خوش منزلگهی است

تا به جنت زین مکان اندک رهی است

شاید یک لحظه همه قضایا در برابر امام حسین علیه السلام خطور کرد.

اینجا صدای العطش بر عرش اعلی می‌رود

اینجا سرم بالای نی از جور اعدا می‌رود

آنجا به دست خود کفن، بر گردن اکبر کنم

در موج دشمن گریه بر شبه پیغمبر کنم

عقیله بنی‌هاشم وقتی می‌خواست پیاده شود، همه محارم دور او را گرفتند.

برادران و فرزندان برادران آمدند. با چه عظمتی اهل بیت علیهم السلام پیاده شدند.

یا بقیة الله! این یک فرود بود؛ اما این فرود، صعودی هم داشت. صبح یازدهم

وقتی زینب کبری خواست سوار شود، هر چه نگاه کرد، دیگر کسی نبود.

محرمی وجود نداشت. زینب به قتلگاه آمد و گفت: برادر! همه را سوار کرده‌ام؛

ولی خودم تنها مانده‌ام.

«يَا أَيُّهَا الْمَهْمُومُ حَتَّى قَضَى بِأَيِّ الْعَطْشَانِ حَتَّى مَضَى؛<sup>۱</sup> پدرم فدای غصه‌داری که

از دست رفت. پدرم فدای لب تشنه‌ای که شهید شد!»

---

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۹۵.

در میان خیمه زیبای تو  
نالاه دارد خواهر شیدای تو  
خیمه‌ها بوی عجیبی می‌دهد  
بوی جان‌سوز غریبی می‌دهد  
خیمه‌ها معناگر یک مطلب‌اند  
مظهر آوارگی زینب‌اند  
خیمه‌ها بوی اسیری می‌دهد  
خیمه‌ها بوی یتیمی می‌دهد

### شب سوم: حضرت رقیه علیها السلام

همه می‌دانیم که دختر، عاطفی است و به شدت به پدر و محبت‌های او وابسته است. پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله هنوز در بستر بود. پیراهنی از پیامبر را به علی علیه السلام دادند. حضرت زهرا علیها السلام نگاه می‌کرد و گریه می‌کرد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: چرا گریه می‌کنی؟ فاطمه علیها السلام گفت: پیراهن پدرم را بده تا استشمام کنم. پیراهن را گرفت و روی چشمانش گذاشت و «غُشی علیها»<sup>۱</sup> از حال رفت و غش کرد. فاطمه، دختر بزرگی است؛ عاقل است؛ اما با دیدن و بوییدن پیراهن پدر، غش می‌کند. دختر سه‌ساله مگر چقدر ظرفیت دارد. تصویر پدر را ندید؛ بلکه خود سر را در دامان او گذاشتند؛ مگر چقدر طاقت دارد.

عمادالدین طبری در کتاب کامل بهایی نقل کرده و دیگر مورخان نیز داستان حضرت رقیه علیها السلام را از او گرفته‌اند. طبری می‌نویسد: همین که سر بابا را گرفت،

گفت: بابا! چه کسی پیشانی‌ات را مجروح کرده است؟ چه کسی سرت را خون‌آلود کرد؟

یکی از مداحان اهل بیت علیهم‌السلام برایم گفت: برادرم از دنیا رفت. ده پانزده روز از فوت او که گذشت. شبی که ماه مبارک بود، به خانه برادرم رفتم. چند دختر کوچک و بزرگ داشت. یک ساعت از افطار گذشته بود؛ اما یکی از دختران بر سر سفره افطار نمی‌آمد. عکس پدرش را در دست گرفته بود و گریه می‌کرد. گفتم: چرا افطار نمی‌کنی. گفت: عموجان! چطور افطار کنم! من همیشه ماه رمضان در کنار پدرم افطار می‌کردم!

رقیه علیها‌السلام نزدیک به یک ماه است که پدر را ندیده است. هر زمان هم که سراغی از بابا گرفته است، او را زده‌اند. حالا پدر آمده است؛ اما با سر بریده. چندان طول نکشید، ساعتی گریه کرد و گفت: «لَيْتَنِي كُنْتُ أَعْمَى وَ لَمْ أَرَأْسَكَ هَكَذَا.» کاش کور می‌بودم و سرت را بریده نمی‌دیدم. ناگهان دیدند صدای او خاموش شد. سر پدر یک طرف افتاد و رقیه در طرف دیگر<sup>۱</sup>. سه ساله دختری افتاده از نفس، بابا

دگر مرا ببر از کنج این قفس، بابا

به جز تو که آمده‌ای، امشب به دیدارم

نزد سری به یتیم تو هیچ کس، بابا

به پیشواز تو گر نامدم، مکن عیبم

که زخم دیده دو پایم زخار و خس، بابا

مرا ببر که فتادم از پا در این ویران

دگر نمانده مرا راه پیش و پس، بابا

### شب چهارم: فرزندان حضرت زینب علیها السلام

شب چهارم محرم است. دل‌ها را به کربلا ببریم و برای گل‌های پَرِپر حضرت زینب علیها السلام اشک بریزیم. روز عاشورا وقتی امام حسین علیه السلام غریب و تنها ماند، حضرت زینب علیها السلام فرزندان خود را صدا کرد و گفت: ببینید حسین، غریب است. شمشیر به دست آنها داد. به بچه‌ها لباس رزم پوشاند. آنها را آماده کرد و به خدمت برادر آورد و گفت: حسین جان! اجازه بده «عون» و «محمد» فدای تو شوند. امام حسین علیه السلام اجازه نداد و فرمود: شاید همسرت راضی نباشد. زینب علیها السلام گفت: همسرم سفارش کرده است که اگر کار به جنگ کشید، پسران مرا جلوتر از پسران برادرت به میدان بفرست. مکن نامهربانی ای برادر

مسوزان این چنین تو قلب خواهر

پسرهای مرا از خود مرنجان

غلام اکبرند و عبد اصغر

برادر جان غمی جان‌سوز دارم

تمام درد را امروز دارم

حلالم کن فقط در این بیابان

دو مرغ عشق دست‌آموز دارم

اباعبدالله علیه السلام وقتی اصرار خواهر را دید، اجازه داد. زینب علیها السلام دو گل سرخ را به سوی میدان فرستاد. به میدان آمدند و به شدت جنگ کردند و هر دو شهید شدند. امام حسین علیه السلام تن‌های پاک طفلان خواهر را به آغوش گرفت و به خیمه‌ها آورد.<sup>۱</sup> بانوان به استقبال آمدند؛ اما زینب علیها السلام نیامد. زینبی که همیشه



جلوتر از دیگران به یاری برادرش می‌شتافت، در این واقعه، در خیمه روی نهان کرد؛ زیرا می‌ترسید حسین او را ببیند و خجالت بکشد و یا چشمش به نوجوانانش بیفتد و بی‌تابی کند.

اما ساعتی قبل که صدای علی اکبر از میدان بلند شد، فریاد سر داد و از خیمه‌ها بیرون دوید. زودتر از امام حسین علیه السلام خودش را به جنازه بر خاک افتاده علی اکبر رساند. خودش را روی جنازه پسر برادر انداخت و از سوز دل صدا زد: علی جان! زینب با این کار خود، کوشش کرد تا مقداری از اندوه جانکاه برادرش را بکاهد.

### شب پنجم: روضه حربین یزید ریاحی

صبح عاشورا، حُر احساس کرد که راه را اشتباه رفته است. احساس کرد این صحنه، صحنه حق و باطل است. فهمید صحنه بهشت و جهنم است. ناگهان با وجود آنکه مرد شجاعی بود، شروع به لرزیدن کرد. از اینکه در برابر امام حسین علیه السلام ایستاده است، لرزش پیدا کرد. کسی که از گناه می‌ترسد و می‌لرزد و صحنه گناه را ترک می‌کند، او انسان شجاعی است؛ نه فرد ترسویی. حُر، سرش را پایین انداخت و به خدمت امام حسین علیه السلام آمد و گفت: «هل لی مِنْ لَدُنْكَ تَوْبَةٌ؟» من اولین کسی بودم که راه را بر شما بستم؛ اما پشیمان شده‌ام. آیا توبه من پذیرفته است؟<sup>۱</sup>

جوانان عزیز! داستان حُر، الگویی برای شماست. داستان حُر می‌گوید اسلام بن بست ندارد. هر کجا هستی، امکان بازگشت وجود دارد.

امام حسین علیه السلام توبه او را پذیرفت. از امام اجازه گرفت و به طرف میدان رفت و خودش را معرفی کرد. صدا زد: ای مردم کوفه! امیدوارم ابرهای رحمت خدا از

۱. شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ص ۴۸۴.

شما باز داشته شود. من که حسین را دعوت نکردم؛ اما شما دعوت کردید. حال، چرا این گونه رفتار می کنید؟  
خوش به حال حُر؛ چراکه لحظه ای بر او گذشت که روی خاک افتاده بود. چشمانش را که گشود و دید سرش در دامان اباعبدالله علیه السلام است. حضرت، خون از صورت او پاک کرد و به علی اکبر فرمود: برای حُر مرثیه بخوان.<sup>۱</sup> این حُر، ساعتی قبل در سپاه عمر سعد بود؛ اما اکنون سرش در دامان امام حسین علیه السلام است. امام حسین علیه السلام روز عاشورا بالای سر بعضی از شهدا آمده است؛ یکی از آنها، حُر است.

یا اباعبدالله! تو خود بالای سر حُر آمدی و سر او را بر دامان گذاشتی؛ اما دلها بسوزد برای خودت یا اباعبدالله! کسی در قتلگاه نبود تا سرت را به دامان بگیرد؛ «وَصَاحَ خَدَّهٖ عَلَی الرَّمْلِ وَ التُّرَابِ»؛ صورت روی خاک گذاشت و مشغول مناجات با خدا شد.

اگر بر آستان خوانی مرا خاک درت گردم

و گر از در برانی، خاک پای لشکرت گردم

دل و جانم ز تاب شرم همچون شمع می سوزد

بده پروانه تا پروانه سان، خاکسترت گردم

بین از کرده خود سر به پیشم سربلندم کن

مرا رخصت بده تا پیش مرگ اکبرت گردم

وضو گیرم از آب کوثر و نامش به لب آرم

که شاید رستگار از فیض نام مادرت گردم

### شب ششم: روضه قاسم بن الحسن

امام حسین علیه السلام در شب عاشورا با یاران خودش سخن گفت و فرمود: فردا هر کس اینجا باشد، کشته خواهد شد. قاسم بن الحسن علیه السلام که نوجوانی سیزده‌ساله بود، به تردید افتاد که آیا من نیز فردا کشته خواهم شد؟ و یا فقط بزرگسالان می‌توانند به میدان جنگ بروند؟ به خدمت عمویش آمد و عرض کرد: آیا من هم می‌توانم به میدان بروم و کشته خواهم شد؟ امام علیه السلام ابتدا سؤالی از او کرد. شاید با این سؤال می‌خواست ببیند چه قدر قدرت جدا شدن از جان شیرین را دارد. پرسید: عزیزم! مرگ در نزد تو چگونه است؟ قاسم گفت: عموجان! شیرین‌تر از غسل است؛ «أَحْلَى مِنَ الْغَسْلِ»<sup>۱</sup> قاسم این حرف را نزد که عمویش خوشش بیاید؛ این منطقی، تعارف نیست؛ بلکه رفتار او در روز عاشورا نشان داد که این سخن او، درست است. روز عاشورا پس از شهادت علی اکبر علیه السلام به خدمت عمو آمد و گفت: اجازه بدهید به میدان بروم.

جان زهرا کربلایی کن مرا در ره قرآن فدایی کن مرا

اجازه بدهید جانم را فدای شما کنم. سپس، خم شد و دست‌های امام حسین علیه السلام را بوسید و روی قدم‌های عمو افتاد و پای امام حسین علیه السلام را نیز بوسید و اصرار کرد که عمو به او اجازه بدهد.

تعبیر مقتل، این است: «فَلَمْ يَزَلْ الْغَلَامُ يَقْبَلُ يَدِيهِ وَرِجْلِيهِ حَتَّى أُذِنَ لَهُ»<sup>۲</sup> مرتب دست و پای عمویش را می‌بوسید تا آنکه اجازه گرفت. «امام حسین علیه السلام به او اجازه داد و قاسم را بغل کرد و هر دو آن قدر گریستند که بیهوش بر زمین افتادند»<sup>۳</sup>.

۱. محمدی اشتهاردی، سوگنامه آل محمد صلوات الله علیهم، ص ۲۸۳.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۳۴.

۳. شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ص ۵۲۱.

اینجا یکبار امام حسین علیه السلام قاسم را در آغوش گرفت و سینه‌اش را بر روی سینه فرزند برادرش گذاشت؛ اما ساعتی بعد نیز دوباره امام علیه السلام همین عمل را تکرار کرد. آن ساعت، لحظه‌ای بود که امام حسین علیه السلام کنار جسد غرقه‌به‌خون فرزند برادرش آمد؛ اما جوانان و اهل حرم را به یاری نخواند؛ بلکه قاسم را بلند کرد و سینه‌اش را روی سینه او گذاشت. او را بلند کرد؛ درحالی‌که پاهای قاسم به زمین کشیده می‌شد، او را دور از چشم مادرش به خیمه شهدا آورد و در کنار جسد فرزندش علی اکبر خواباند.

کیست ماهی که چنین چهره برافروخته است

وز عطش بر لب دریا جگرش سوخته است

سیزده‌ساله جوانی است که در عرصه عشق

قامت افروخته و چهره برافروخته است

قاسم است این پسر حُسن که خیاط ازل

جامه سرخ شهادت به برش دوخته است

از شرار عطش و تابش خورشید، دریغ

هم رُخش، هم جگرش، هم دهنش سوخته است

این بود نیروی طوفنده که در کرب و بلا

بهر امداد برادر، حَسَن اندوخته است

بر عمو هدیه کند با تن پامال از اسب

آنچه ایثار و وفا از پدر آموخته است

**شب هفتم: روزه حضرت علی اصغر علیه السلام**

روز هفتم محرم، در کربلا آب را به روی ابوالفضل علیه السلام بستند. در این شب و روز،

مرسوم است که ذکر مصیبت طفل مظلوم امام حسین علیه السلام حضرت علی اصغر علیه السلام را می‌خوانند؛ نوزادی که شهادتش امام حسین علیه السلام را بسیار متأثر کرد.

بزرگان و علمای بزرگ ما هرگاه گره در کارشان می‌افتاد، مجلس روضه برای شش ماهه امام حسین علیه السلام برپا می‌کردند. این شهادت آن‌قدر بزرگ و سنگین بود که خدای متعال به امام حسین علیه السلام تسلیت گفت.

دیگر، لحظات آخر روز عاشورا بود. همه شهید شده بودند. این کودک، آخرین نفر بود. امام علیه السلام به خیمه آمد و گفت: «يَا أُخْتَاهُ تَاوَلِينِي وَلَدِي الصَّغِيرِ حَتَّى أُوَدِّعَهُ...! خواهرم! فرزندم را بیاور تا با او خداحافظی کنم.»

گفته‌اند: با اینکه رباب در آنجا بود، ولی امام حسین علیه السلام خواهرش را صدا کرد؛ زیرا نمی‌خواست نگاهش در نگاه رباب بیفتد؛ نمی‌خواست شرمنده او شود.

بعضی از اهل ذوق گفته‌اند: مادر دیگر نمی‌توانست کودک را نگاه دارد. بچه گاهی دست زینب بود و گاهی دست سکینه و دیگران؛ زیرا از بس بی‌تابی می‌کرد و مادرش نمی‌توانست او را نگاه دارد.

در بعضی از مقاتل نوشته‌اند: اباعبدالله! کودکش را در برابر دشمن آورد و از آنها درخواست آب کرد.<sup>۲</sup> در این هنگام، حمله با تیری به امام حسین علیه السلام جواب داد و گلوی کودک را پاره کرد. امام حسین علیه السلام کودکش را به خیمه‌ها نیاورد؛ زیرا می‌دانست دختران و همسرانش گرد او حلقه می‌زنند و ممکن است مادرش از شدت غصه جان بدهد. قنداقه خونین را نیاورد و همان‌طور متحیر ایستاده بود.

«سَاعِدَ اللَّهُ قَلْبِكَ يَا أِبَاعَبْدِ اللَّهِ»؛ قربان دل داغدارت. امام حسین علیه السلام پشت خیمه آمد و «حَقَّرَ بِحُفْنِ سَيْفِهِ...؛ با نوک شمشیر قبر کوچکی کند و قنداقه پُر از خون را

۱. ناصر رفیعی، مقتل رفیعی، ص ۱۴۲.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۶.

در آن نهاد.» صلی الله علیک یا ابا عبدالله.  
چه بود؟ جان پدر! حرف تیر در گوشت  
که زود از جَزَع و گریه کرد خاموش  
به خیمه چشم به راه است مادر زارت  
برای دیدن لبخند غنچه نُوشْت  
به جای آنکه در آغوش مادر آسایی  
گرفت پیک اجل ناگهان در آغوش  
نهال سبز تو را طاقت نوازش نیست  
چگونه تیر زند بوسه بر بناگوش

### شب هشتم: روضه حضرت علی اکبر علیه السلام

امشب دل‌ها را روانه کنیم کنار ضریح شش گوشه امام حسین علیه السلام، در پایین پای  
ابا عبدالله، و صورتِ دل را بر قبر جوان رشید امام حسین علیه السلام بگذاریم و اشک  
بریزیم.

چون به میدان ز حرم اکبر رفت

روح از جان حرم یک سر رفت

همه گفتند که پیغمبر رفت

ماه لیلا علی اکبر رفت

علی اکبر بسیار به جدش، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شبیه بود. به حضور پدر آمد و اجازه  
خواست. امام حسین علیه السلام فوراً به او اجازه رفتن به میدان جنگ را داد؛ اما وقتی به

راه افتاد، مایوسانه به قد و بالای علی نگاه کرد؛ «نَظَرَ إِلَيْهِ نَظْرَ آيِسٍ مِنْهُ.»<sup>۱</sup>  
[پدران شهید یادشان می‌آید که در زمان جنگ، وقتی پسرشان سوار ماشین  
می‌شد و حرکت می‌کرد، تا جایی که چشمانش سو داشت، به دنبال ماشین نگاه  
می‌کردند] تا چشمان امام حسین علیه السلام سو داشت، به قد و بالای علی نگاه کرد.  
من نگویم که تو ای ماه، نرو

لیک قدری بَرِ من راه برو

ساعتی بعد هم صدای فریاد علی به گوش رسید که گفت: پدر جان! مرا در یاب!  
امام حسین علیه السلام خودش را رساند؛ اما دید علی غرق در خون است؛ بدنش  
قطعه‌قطعه شده است؛ «فَقَطَّعُوهُ بِسُيُوفِهِمْ إِرْبًا إِرْبًا.»<sup>۲</sup>

امام حسین علیه السلام خودش را روی جسد جوانش انداخت و صورت به صورت پُر از  
خون او گذاشت. سپاه دشمن ایستاده و نگاه می‌کند. اباعبدالله فریاد کشید:  
فرزندم، علی! و با صدای بلند گریه کرد. گفت: علی جان! رفتی و پدرت را تنها  
گذاشتی. در این صحنه، نزدیک بود امام حسین علیه السلام از شدت غم و اندوه جان  
بدهد. در این هنگام، خواهرش، زینب کبری علیه السلام به کمک او آمد. دست روی  
شانه برادر گذاشت و امام حسین علیه السلام را تسلی داد. گفت: برادرم! برخیز خدا به تو  
صبر بدهد!

«وَلَقَدْ اسْتَرْحَتَ مِنْ هَمِّ الدُّنْيَا وَ غَمِّهَا وَ بَقِيَ أَبُوكَ فَرِيدًا وَ حِيدًا؛<sup>۳</sup> تو از هم و غم دنیا  
راحت شدی و پدرت را تنها و بی‌کس باقی گذاشتی.»  
گمان مدار که گفتم برو، دل از تو بریدم

نَفْسِ شَمْرَدِه زَدَم، هَمْرَهْتِ پِيَادِه دَوِيْدَم

۱. سیدبن طاوس، اللهوف، ص ۱۱۲.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۲.

۳. سیدبن طاوس، اللهوف، ص ۱۱۲.

دل‌م به پیش تو، جان در قفات، دیده به قامت  
 خدای داند و دل شاهد است، من چه کشیدم  
 دو چشم خود بگشا و پیرس تا که بگویم  
 ز خیمه تا سر جسم تو، من چگونه رسیدم  
 ز اشکِ دیده لبم تر شد آن زمان که به خیمه  
 زبان خشک تو را در دهان خویش مکیدم  
 هنوز «العطشت» می‌زد آتشم که ز میدان  
 صدای «یا ابتا»ی تو را دوباره شنیدم  
 سِزَد به غربت من، هر جوان و پیر بگرید  
 که شد به خون جوانم خضاب، موی سفیدم

#### شب نهم: روضه حضرت ابوالفضل علیه السلام

«السَّلَامُ عَلَيَّ الْعَبْدُ الصَّالِحِ الْمُطِيعِ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنِ وَ  
 الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.»<sup>۱</sup>

حضرت ابوالفضل علیه السلام همان‌طور که بسیار شنیده‌اید، به شدت با ادب و حیا بود. یکی از جلوه‌های متانت و ادب او، آن بود که هیچ‌گاه امام حسین علیه السلام را «برادر» خطاب نمی‌کرد؛ بلکه همیشه با لفظ «مولای من» با امامش سخن می‌گفت. روز عاشورا نیز در لحظات آخر به خدمت امام حسین علیه السلام آمد و اجازه خواست تا به میدان برود. ابا عبدالله به او فرمود: آبی برای کودکان تشنه بیاور! ابوالفضل امر مولایش را امثال کرد. مشکی برداشت و به سوی شریعه رفت. محافظان فراوان و مسلح شریعه را دور کرد و خود را به آب رساند. عباس، جنگ کرده است. هوا به شدت گرم است. از صبح و شاید از شب قبل، آب نوشیده است.

۱. ابن‌قولویه، کامل‌الزیارات، ص ۲۵۷.



لب‌های او خشک و تشنه است. وارد آب که شد، دید که آب موج می‌زند؛  
دستی زیر آب برد.

کفی از آب آورد چون به نزدیک دهان

عکس شش‌ماهه در آن آب تماشا می‌کرد

ناگهان به خود گفت: تو می‌خواهی آب بنوشی و فرزند فاطمه اطهر علیها السلام تشنه  
باشد!

ای عباس! تو می‌خواهی آب بنوشی و کودکان امام حسین علیه السلام تشنه باشند! آب را  
ننوشید و با مشک پُر از آب از شریعه بیرون آمد.<sup>۱</sup>

تلاش کرد تا آب را به خیمه‌های مطهر برادر برساند. دشمنان بی‌رحم او را  
محاصره کردند و دستان او را قطع کردند.

وَاللّٰهِ اِنْ قَطَعْتُمْ يَمِيْنِيْ

اِنَّى اُحَامِيْ اَبَدًا عَن دِيْنِيْ

وَ عَن اِمَامٍ صَادِقٍ اَلْيَقِيْنَ

نَجَلِ النَّبِيِّ الطَّاهِرِ الْاَمِيْنِ<sup>۲</sup>

لحظاتی بعد دید تیرها به مشک خورده است. آبی در مشک نیست. دست‌هایش  
بریده است و نمی‌تواند بجنگد. یکی از تیرها به چشم مبارکش خورد. وقتی با  
گریز آه‌نین به سر مقدسش کوبیدند، دیگر نتوانست روی اسب بماند. من  
نمی‌دانم چگونه روی زمین آمد؟ او که دست در بدن نداشت. شنیده شده که این  
روضه را امام زمان علیه السلام برای عمویش عباس خوانده است. فرمود: عموی من که

۱. شیخ عباس قمی، منتهی‌الآمال، ص ۵۲۷.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۰.

دست در بدن نداشت تا محافظ قرار دهد؛ با صورت روی زمین کربلا افتاد...<sup>۱</sup>  
 اینجا بود که امام حسین علیه السلام را «برادر» خطاب کرد؛ صدا زد: «يَا أَخَا أَدْرِكُ أَخَا!»  
 اباعبدالله زمانی به برادرش رسید که عباس روی خاک افتاده بود. بدنش پُر از تیر  
 بود و دستانش را قطع کرده بودند و سر مبارکش را با عمود آهنین شکسته بودند.  
 دیده وا کن که طبیعت سر بالین آمد

دیده بگشا که حسین با دل خونین آمد

دیده بر هم منه ای سرو به خون غلتیده

تا نگویند حسین داغ برادر دیده

امام حسین علیه السلام صدا زد: «الآن انكسر ظهري و قلت حيلتي»<sup>۲</sup> الآن پشتم شکست  
 و راه چاره‌ام کم شد. «تا دیشب کودکان من آرام می‌خوابیدند؛ ولی از امروز دیگر  
 آرام ندارند.

جان عمو! برای حرم، فکر آب کن

رفع عطش، ز عترت «ختمی‌مآب» کن

سقای تشنگان حريم خدا تویی

از بهر تشنگان حرم، فکر آب کن

ای یادگار فاتح خیبر! عنایتی

راه شریعه بسته بُود، فتح باب کن

چشمم به دست توست که دست خدا بُود

دستم به دامن‌ت، هله! پا در رکاب کن

۱. سیدبن طاوس، اللهوف، ص ۱۱۲.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۲.

اصغر فسرده حال، به دامن مادر است  
رحمی به حال اصغر و حال رباب کن  
گر لحظه‌ای دگر نرسد، آب در حرم  
اصغر ز دست می‌رود اینک شتاب کن  
یا از فرات، جرعه آبی به او رسان  
یا طفل شیرخواره ما را به خواب کن

### شب دهم: روضه شب عاشورا

امشب، شب عاشورا و شب عزاست. شب مصیبتِ بزرگ شخصیتِ جهان اسلام است. شب عزای فرزند پیامبر و سید جوانان بهشت و ریحانه رسول خداست؛ شخصیتی که همه عالم در عزای او گریه کردند. پیامبر خدا برای او گریست؛ وقتی در هنگام تولد امام حسین علیه السلام، قنداقه نوزاد را به دست رسول خدا صلی الله علیه و آله دادند، لبانش را روی گلوی حسین گذاشت و بوسید و گفت: «مَا لِي وَ لِيَزِيدَ بَنَ مُعَاوِيَةَ؛<sup>۱</sup> مرا با یزید بن معاویه چکار؟»

دل‌ها را روانه کنیم کنار قبرش؛ امشب مستحب است که کنار قبر سیدالشهداء علیه السلام بی‌توته کنند. خوشا به حال آنان که امشب در کنار قبر او هستند. امشب، امام حسین علیه السلام به همه خیمه‌ها سر زد و دستور داد تا پشت خیمه‌ها گودالی حفر کنند و آتش در آن بی‌فروزند تا صبح عاشورا دشمنان نتوانند از پشت خیمه‌ها حمله کنند.<sup>۲</sup> گاهی به اصحاب سر می‌زدند. گاهی نماز می‌خواندند و گاهی نیز قرآن تلاوت می‌کردند.

۱. همان، ج ۴۴، ص ۲۶۶.

۲. شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ص ۴۷۴.

سیدالساجدین علیه السلام فرمود: شب عاشورا دیدم که پدرم با خودش این شعر را زمزمه کرد:

يَا ذَهْرُ أَفٍ لَكَ مِنْ خَلِيلٍ

كَمْ لَكَ فِي الْإِشْرَاقِ وَالْأَصِيلِ<sup>۱</sup>

من متوجه شدم، پیام شعر این است که فردا پدرم شهید می‌شود. بغض گلویم را گرفت؛ ولی خودداری کردم و با صدای بلند گریه نکردم؛ اما وقتی زینب کبری آن را شنید، گفت: پدر و مادرم فدایت! «لَيْتَ الْمَوْتَ أَعْدَمَنِي الْحَيَاةَ؛ کاش می‌مردم و غریبی و شهادت تو را نمی‌دیدم.» زینب به صورت خود کوبید و گریبان درید و بیهوش شد. امام حسین علیه السلام آب به سر و صورت خواهر خود زد تا او را به هوش آورد. آنگاه فرمود: خواهر عزیزم! جد و پدر و مادر و برادرم از دنیا رفتند؛ شیطان صبرت را نبرد.<sup>۲</sup>

روضه ما همین یک جمله باشد که: روز عاشورا پیش آمد، حوادث در پی هم اتفاق افتاد تا به لحظه‌ای رسید که اباعبدالله علیه السلام در گودال قتلگاه افتاده بود. زینب کبری بالای تل زینیه آمد و دید دور برادر را گرفته‌اند. از بالای تل پایین آمد و خود را به عمر سعد ملعون رساند و فرمود: «وَيَحْكُ يَا عُمَرُ، أَيَقْتُلُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَ أَنْتَ تَنْظُرُ إِلَيْهِ؛<sup>۳</sup> وای بر تو! آیا امام حسین علیه السلام را می‌کشند و تو نگاه می‌کنی.»

امام حسین علیه السلام که غیرت الله است، همین که صدای خواهرش را شنید، چشم گشود و فرمود: خواهرم! به خیمه‌ها برگردد. تا من زنده‌ام، حاضر نیستم بین نامحرمان بیایی. زینب امر حجت خدا را اطاعت کرد و بازگشت. زینب درون خیمه‌ها بود؛ اما ناگهان شنید که صدای دشمن به هل‌هل بلند شد. گروهی تکبیر

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۱۶.

۲. شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ص ۴۷۴.

۳. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۱۱.

می‌گفتند. نشانه‌ها و آیات الهی نمودار شده بود. زینب بیرون آمد و دید سرِ مقدس برادرش بالای نیزه است.

سری به نیزه بلند است در برابر زینب

خدا کند که نباشد سرِ برادر زینب

بگذار تا بمیرم و تنها نبینمت

تنها به روی سینه صحرای نبینمت

امشب بیا که بوسه زخم بر گلوی تو

شاید بمیرم از غم و فردا نبینمت

غم نیست گرچه بر بدنم، کعب نی خورد

من نذر کرده‌ام که به نی‌ها نبینمت

امشب برای من تو دعا کن که شام بعد

بی‌سر به روی دامن زهرا نبینمت

### شب یازدهم: روضه شام غریبان

شام غریبان اباعبدالله الحسین علیه السلام است. اگر با چشم دل نگاهی به کربلا

بیندازیم، صحنه‌های جان‌فزایی در پیش چشمان ما جان می‌گیرد. خدایا! امشب

در کربلا چه خبر بود! امشب باید از زبان زینب کبری روضه خواند.

امشب بیش از همه زینب کبری سختی کشید. از یک سو، جسدهای صدچاک

را می‌دید که روی زمین افتاده است. کودکان پدر از دست‌داده، گرسنه و تشنه و

مصیبت‌زده و وحشت‌زده را می‌دید. کودکانی که در بیابان پراکنده شده بودند و

گردآوری و آرام‌کردن آنها برای زینب بسیار سخت و سنگین بود. از طرفی،

خیمه‌ها سوخته بودند و سرپناهی وجود نداشت. سید الساجدین علیه السلام با تنی

تبدار و بیمار در گوشه‌ای افتاده بود. زینب علیها السلام گاهی در دل بیابان تاریک به دنبال بچه‌ها می‌گشت که از ترس در این سو و آن سو پراکنده بودند و هرکدام در کنار بوته‌ای پناه گرفته بودند؛ باز برمی‌گشت و از امام سجاد علیه السلام پرستاری می‌کرد.

گاهی کنار پیکر شهدا و برادرانش می‌رفت. خود او هم داغ‌دیده و مصیبت‌زده بود؛ داغ جوان، داغ برادر، داغ فرزندان برادر. به هر حال، امشب تا صبح بر زینب و خواهرش، ام‌کلثوم، خیلی سخت گذشت؛<sup>۱</sup> اما با وجود همه مصایب و سختی‌ها، نماز شب زینب ترک نشد؛ ولی زانوان او قدرت ایستادن نداشت؛ بر زمین نشست و نماز شب خواند. امشب بشکسته دلی

نشسته می‌خواند نماز

زبان حال زینب این بود که خدایا! کاش فردا آفتاب طلوع نکند! خدایا! فردا این کودکان و دخترکان داغ‌دیده را چگونه از پیکر پاک شهدا جدا کنم! صبح یازدهم امام سجاد علیه السلام به عمه‌اش فرمود: عمه‌جان! بچه‌ها را آماده حرکت کنید. همه اسیران را روی مرکب‌ها سوار کردند. دشمن می‌خواست برای آزار و اذیت بیشتر، قافله اسرا را از کنار قتلگاه عبور دهد. این کار را کردند و داغ اسرا را بیشتر و تازه‌تر نمودند.

امام سجاد علیه السلام فرمود: عمه‌ام به یکایک بچه‌ها و زن‌ها کمک کرد تا سوار شدند. به امام سجاد علیه السلام هم کمک کرد؛ اما سادات مجلس! عمه شما خودش تنها ماند. می‌خواست سوار شود؛ نمی‌توانست. آمد در قتلگاه صدا زد: برادرم حسین! برخیز و ببین کسی نیست تا خواهرت را سوار کند. بلند شو و ببین خواهرت بین نامحرم‌ان، تنها و غریب مانده است. برادرم! وقتی در مدینه کنار قبر جدّم رسول

۱. علی نظری منفرد، قصه کربلا، ص ۳۸۶.

خدا می‌رفتم، برادران و محارم دور مرا می‌گرفتند. برادرم! روز دوم محرم که در این سرزمین می‌خواستم پیاده شوم، همه شما بودید. سپس، روضه خواند: یا جداه! یا رسول الله! هذا حسينٌ مُرَّمَلٌ بالدماءِ مُقَطَّعُ الاعضاءِ...» «چنان روضه خواند که: «فَأَبَّكَتْ كُلَّ صَدِيقٍ وَ عَدُوٍّ! پس، دوست و دشمن به گریه درآمد.» صدآزد: برادرم! نمی‌خواهم بروم؛ ولی با تازیانه مرا می‌برند.

ورد زبان من که برادر برادر است

صد بار اگر اعاده نکنم نامکرر است

این جسم توست یا که بلای مجسم است

وین جان من و یا غم و درد مصوّر است

جسم تو بر زمین و سرت بر سر ستان

دیگر زمن پپرس، مرا خاک بر سر است

«وجه الله» است روی تو؛ هر سو که رو نهم

محراب طاعت است و مرا در برابر است

بی‌چاره خواهی است که چون تو برادری

بیند به چشم خویش که در زیر خنجر است

من می‌روم به شام و تو ماندی به کربلا

دیگر وصال وعده ما، روز محشر است

دشمن امان نمی‌دهدم در وداع تو

چشمم به سوی قاسم و عباس و اکبر است

برگرفته از مقتل حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی، با تصرف و تلخیص





## خاطره‌ها و تجربه‌های تبلیغی

### اشاره

خاطره‌های تلخ و شیرین زندگی، سرشار از عبرت‌ها و آموزه‌هایی است که توجه به آنها راهگشای زندگانی سعادتمند و موفق است. در این میان، خاطرات مبلغان عزیز که در حوزه دین و فرهنگ این مرز و بوم فعالیت می‌کنند، آکنده از نکاتی است که به مبلغان نوپا و یا علاقه‌مندان به این وادی کمک می‌کند تا مسیر تبلیغ را به شایستگی طی نمایند و با بهره‌مندی از تجارب ارزنده دیگران، از آزمون و خطای مجدد بی‌نیاز شوند و آسان‌تر و مطلوب‌تر به اهداف خویش نایل آیند. در این نوشتار، شماری از خاطره‌های مبلغان گرامی در موضوعات گوناگون ارائه شده که هر یک حقیقتی روشن، اشارتی بیدارگر یا فضیلتی ارزشمند را تأکید می‌کند و نور آگاهی را به دل‌ها می‌تاباند و بر دانش خوانندگان می‌افزاید و پویندگان راه تبلیغ دینی را به خوبی مدد می‌رساند.

### استقامت در تبلیغ

آیت‌الله العظمی بهاء‌الدینی، به مدت ۲۳ سال به طور مرتب در ماه مبارک رمضان و محرم برای تبلیغ به روستایی می‌رفتند. ایشان در ابتدا با ناملایمات و

بی‌مه‌ری‌های برخی مردم مواجه بودند؛ به‌گونه‌ای که تقریباً ۴ مرد و ۳ زن در مراسم سخنرانی و اقامه نماز ایشان حاضر می‌شدند. برخورد برخی مردم در ایام تبلیغی ایشان، طوری بود که بین خودشان می‌گفتند این سید دیگر به اینجا نخواهد آمد و این دفعه اول و آخر اوست؛ ولی با تعجب تمام در اول ماه رمضان سال بعد دیدند باز هم ایشان آمدند. با خود گفتند: سید حتماً فکر می‌کند حالا که ماه محرم چیزی به ایشان ندادند، حتماً ماه مبارک رمضان جبران می‌شود؛ ولی حضرت آیت‌الله بهاء‌الدینی بعد از اینکه نماز عید فطر را در بیرون آبادی اقامه می‌کند، از همان جا به قم برمی‌گردد. برخی از مردم خیال می‌کردند این دفعه که سید دست خالی برگشته، دیگر به اینجا نخواهد آمد؛ اما آیت‌الله العظمی بهاء‌الدینی برخلاف تصور آنان، مرتب به مدت ۲۳ سال به آنجا می‌رود و مردم هم هر سال بیشتر جذب می‌شوند و در مراسم اقامه نماز و سخنرانی ایشان شرکت می‌کنند و استقبال خوبی به عمل می‌آورند.

یکی دیگر از ثمره‌های تبلیغی ایشان در روستای مذکور، این بود که مردم آنجا که در زمان حکومت طاغوت حتی یک نفرشان به سربازی نرفته بود، بعد از پیروزی انقلاب بسیاری از آنان به جبهه رفتند و ۹ نفرشان نیز به درجه رفیع شهادت نایل آمدند. این روستا در نهایت، طوری متحول شد که در بین روستاهای هم‌جوار به روستای امام زمان (عج) معروف گردید. و این، درسی است که طلاب باید در تبلیغ و ارشاد مردم، به این‌گونه مسائل توجه داشته باشند.<sup>۱</sup>

### لطف خدا

آیت‌الله سید طیب جزایری می‌گوید: «با یک واسطه از مرحوم حاج میرزا علی،

۱. نشریه افق حوزه، ۸ آبان ۱۳۸۷، ش ۲۰۵، گفت‌وگو با آیت‌الله حسینی میانجی.

پسر حاج شیخ عباس که از وعاظ تهران بود، شنیدم که فرمودند: یکی از تجار از من برای منبر دعوت کرده بود. پیش از مجلس، مرحوم پدرم حاج عباس را خواب دیدم که گفت: میرزاعلی آنجا منبر نرو. ایشان پولِ سود [ربا] می‌دهد. من هم تلفن کردم، عذرخواهی کردم و گفتم: منبر نمی‌آیم. گفت: چرا؟ من در روزنامه آگهی کرده‌ام، بد می‌شود و هرچه اصرار کرد، گفتم: نمی‌آیم. بالاخره گفتم: پدرم را در خواب دیدم، گفت: نرو. من نمی‌توانم مخالفت پدر کنم. ایشان می‌گوید: بعد از یکی دو روز، یکی از زن‌های همسایه دعوتم کرد برای یک مجلس خصوصی، من هم رفتم. شب آخر، یک مبلغ مختصری بدون پاکت در سینی جای گذاشت و جلوی من آورد؛ گرفتم و داخل جیبم گذاشتم و تمام شد. بعد از دو سه روز، در کوچه می‌رفتم؛ زنی آمد، سلام کرد و گفت: آقا شما بودید منزل فلانی منبر رفتید؟ گفتم: بله. گفت: می‌دانم وضع مالی ایشان خوب نبود؛ من دلم می‌خواهد این مبلغ را از من قبول کنید. گفتم: من قربه‌الی الله به آن مجلس می‌آمدم. گفت: نه خواهش می‌کنم این را از من بگیرید. من گرفتم. چک تضمینی هزار تومانی بود. اگر مجلس آن تاجر می‌رفتم، ۵۰۰ تومان می‌داد. دیدم دو برابر آن را داده است. فهمیدم خواب پدرم اثر مادی هم داشته است؛ یعنی ما هم اگر منبر و درس خواندنمان قربه‌الی الله باشد، خدا هم لطف خودش را دارد.»<sup>۱</sup>

### پرهیز از منبر تقلیدی

بعضی‌ها به صورت روزنامه‌ای، رادیویی و یا تلویزیونی منبر می‌روند؛ یعنی عیناً همان مطلب را حفظ کرده و بر بالای منبر ارائه می‌کنند که این، پسندیده نیست؛

۱. نشریه پگاه حوزه، مهر ۱۳۸۲، ش ۱۲، گفت وگو با آیت‌الله سید طیب جزایری.

درحالی که از امام صادق علیه السلام روایت داریم که می فرماید: «أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَيَّ عِلْمِهِ؛<sup>۱</sup> عالم ترین مردم کسی است که علم مردم را به علم خودش اضافه کند.» پس، نباید کاملاً رادیویی، تلویزیونی، روزنامه‌ای منبر برویم و حتی کتابی هم منبر نرویم؛ چراکه به رشد مبلغ کمک نمی کند. بنابراین، در کنار گوش کردن به سخنرانی بقیه و توجه به آثار دیگران، خودمان هم مطالبی را به آن اضافه کنیم. شخصی در تهران، کاملاً تقلیدی منبر می رفت و از آقای کافی تقلید می کرد؛ به شکلی که حتی اگر روز هم منبر می رفت، همانند نوار آقای کافی می گفت: شب جمعه است که این، باعث خنده مردم می شد.<sup>۲</sup>

### ذوق و سلیقه در تبلیغ

برای مبلغ، تنها دانش و معلومات کافی نیست؛ بلکه باید ذوق و سلیقه ارائه مطلب را داشته باشد. یکی از علمای قم از قول مرحوم شرف الدین جبل عاملی می گوید: یک نفر از مبلغان را برای ارشاد برخی از مسیحیان لبنان فرستادیم. پس از مدتی تبلیغ، گفته بودند: اکنون می خواهیم مسلمان شویم، باید چه کنیم؟ این آقای روحانی گفته بودند: ابتدا باید ختنه بشوید.

ایشان اضافه کرده بودند: درست است که «ختنه» یکی از احکام اسلام و آداب دین است، اما باید ذوق و سلیقه داشت و رعایت اقتضای حال را کرد. برای تازه مسلمانان، باید احکام سهل و ساده و غیر مشمئزکننده را ارائه کرد. ایشان درباره نتیجه این برخورد فرموده بودند: این برخورد، اثر معکوس گذاشت و آن مردم، مسلمان نشدند و آن آقا را هم رد کردند.

۱. شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۵.  
 ۲. سخنان حجت الاسلام والمسلمین گنجی در دوره آموزشی انتقال تجارب تبلیغی، مدرسه فیضیه، ۱۳۹۴ش.

مرحوم سید شرف‌الدین، یک نمونه دیگر را که خود آن مرحوم بر خورد کرده بودند و اثر بسیار مطلوبی داشته بود، این‌چنین بیان فرموده بودند: یکی از مسیحیان ثروتمند لبنان، نزد من آمد و گفت: من می‌خواهم مسلمان بشوم. گفتم: مسلمان بشوید. گفت: وظیفه من چیست؟ گفت: دو رکعت نماز صبح بخوان و سه رکعت نماز مغرب. گفت: مسلمانان، هفده رکعت نماز می‌خوانند. گفتم: آنان مسلمانی‌شان یک مقداری قوی شده است و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای تازه‌مسلمانان، بنا بر نقل تواریخ، دو رکعت نماز صبح و عصر می‌خواندند. اکنون شما که مسلمان شده‌اید، همین اعمال را انجام بدهید، کافی است. کم‌کم این آقای تازه‌مسلمان، قوی شد و می‌رفت در مساجد با دیگر نمازگزاران، طبق معمول نماز می‌خواند؛ تا اینکه ماه رمضان فرا رسید. ایشان سراسیمه پیش من آمد و گفت: من هم باید روزه بگیرم؟ گفتم: خیر، روزه مربوط به کهنه‌مسلمان‌هاست. مسلمانان صدر اسلام، بعد از مدت مدیدی که از بعثت پیامبر گذشت، مأمور به روزه‌گرفتن شدند.

گفت: من می‌خواهم روزه بگیرم. گفتم: هراندازه که آمادگی داری، روزه بگیر. مرحوم شرف‌الدین فرمودند: این روش، سبب گردید که سال دوم تمام ماه را روزه بگیرد و اکنون ایشان یکی از مسلمانان قوی لبنان است و نافله شبش ترک نمی‌شود و مهم‌ترین بودجه‌های جنوب لبنان را ایشان تأمین می‌کند.<sup>۱</sup>

### نیازسنجی در تبلیغ

ملاک انتخاب موضوع، سه چیز است: اولین ملاک، نیاز مخاطب است که در کجا و چه زمانی است. موقعیت شغلی، سن و جنسیت، در انتخاب موضوع

---

۱. نشریه حوزه، مرداد و شهریور ۱۳۶۹، ش ۳۹، مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین محمد عبانی.

بسیار مهم است. ملاک دوم، قدرت فهم مخاطب است که آیا مطلب برای مخاطب قابل فهم است یا خیر؟ و ملاک سوم، زمان است که برای طرح مسئله، چه میزان زمان داریم.

حدود سال ۱۳۶۱ به جبهه رفتیم و در آنجا احکام شکایات را می‌گفتم. روز سوم، رزمنده‌ای به من گفت: تاکنون در نماز شک نمی‌کردم؛ ولی این چند روز که شروع به بیان شکایات کردید، در نماز شک می‌کنم. در آنجا متوجه شدم که مسئله شکایات، مسئله مورد نیاز رزمندگان نبوده است.

یکی از روحانیان در حج، شروع به بیان تمام محرمات احرام کرد که بعضی از آنها اصلاً در عمر کسی اتفاق نمی‌افتد؛ مثل حرمت شکارکردن؛ درحالی‌که باید در چنین فضایی، اعمال و مسائل مورد نیاز حجاج را می‌گفت.<sup>۱</sup>

### پاکت لاغری

ما نباید به مسائل اقتصادی و اینکه منطقه اقتصادی هست یا خیر، توجه کنیم و به پولی که به ما می‌دهند، اهمیتی بدهیم؛ چراکه رازق حقیقی، خداوند است؛ «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ»<sup>۲</sup> به قول آقای سیبویه: برای تبلیغ به شهری رفتیم. وقتی برگشتیم، پاکت لاغری به من دادند. پیش خود گفتم: لابد چک است. باز کردم دیدم صاحب خانه نوشته است: «بسم الله الرحمن الرحيم. حاج آقا زحمت آمدن از شما، جای دادن و پذیرایی از ما؛ منبررفتن از شما، جلسه‌گرفتن از ما؛ خدا از هر دوی ما قبول بکند. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.» بنده خدا ۱۰ شب منبر رفته بود و هیچ چیز به او نداده بودند. بله، مهم این است که

۱. سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین فلاح‌زاده در دوره آموزشی انتقال تجارب تبلیغی، ۱۳۹۴ ش.

۲. ذاریات، آیه ۵۸.

خدا هوای ما را داشته باشد و البته گاهی نیز خداوند ما را امتحان نیز می‌کند.<sup>۱</sup>

### علامه جعفری و نهی از منکر

نقل شده است که روزی علامه محمدتقی جعفری رحمته‌الله‌علیه به خانه‌اش می‌رفت. در کوچه دزدی را دید که قالی خانه ایشان را برداشته است و می‌برد. او را تعقیب کرد. دزد می‌خواست قالیچه را بفروشد و با شخصی در حال معامله بود، استاد جعفری پیش رفت و با پیشنهاد بهتری قالی را خرید و شرط کرد خود فروشنده آن را تا خانه برایش حمل کند.

وقتی دزد به در خانه استاد رسید، به حقیقت ماجرا پی برد و از استاد عذر خواست. استاد بدون آنکه برخورد ناراحت‌کننده‌ای داشته باشد، وی را از دزدی بازداشت و فرمود: «... من که ندیدم تو از خانه من فرش دزدیده باشی... من فقط قالی را از تو خریده‌ام.» با این برخورد، دزد را به راه راست هدایت کرد.<sup>۲</sup>

### شیوه تبلیغ مسیحیت

مبلمان مسیحی، از کمترین فرصت‌ها، بهترین استفاده را می‌برند. در بسیاری از کشورهای اروپایی، خط تلفنی مستقیم میان کلیسا و بیمارستان‌ها برقرار کرده‌اند که در هر لحظه از شبانه‌روز، بیماری که به دلیل درد و رنج خویش لطیف‌تر و آسیب‌پذیرتر شده است، بتواند فقط با برداشتن گوشی تلفن و بدون نیاز به گرفتن شماره‌ای، با کلیسا ارتباط بگیرد و در همین لحظات و دقائق کوتاه، دل‌های رمیده آنان به سویی برود که آنان می‌خواهند.

---

۱. سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین گنجی در دوره آموزشی انتقال تجارب تبلیغی، مدرسه فیضیه، ۱۳۹۴ ش.

۲. فاطمه عسگری، سیره اخلاقی علما، ص ۶۱.

آنان متناسب با شرایط افراد جوامع مختلف، روش‌های گوناگونی را به کار می‌برند؛ برای نمونه، در ایستگاه‌های مترو در میان اروپاییانی که اهل علم و دانش‌اند، بروشورهای تبشیری توزیع می‌کنند که سرشار از زیبایی و مرغوبیت و جذابیت است!

مسیحیت در جذب دیگران، مطلقاً عجله و شتاب به خرج نمی‌دهد. این خاطره را از دوست مبلّغی که به آفریقا سفر کرده بود، شنیدم و سخت متحیر شدم که مبلّغان مسیحی میان قبایل فقیر آفریقا بذر گوجه‌فرنگی و بادمجان و خیار پنخس می‌کنند. سپس، می‌روند و شش ماه بعد، یعنی وقتی که بوته‌های گوجه و خیار و بادمجان رشد کرده و میوه داده‌اند، بازمی‌گردند. آنگاه کتاب مقدّس به آنان می‌دهند؛ آن هنگامی که خودشان را به عنوان ولی‌نعمت آنها به اثبات رسانده‌اند.<sup>۱</sup>

### هم‌سطح بودن با مردم

استفاده طلبه از اسباب متعارف میان توده مردم و همراهی اقتصادی با سطح متوسط مردم، برای شأن‌صنفتی‌اش بسیار لازم و حیاتی است. روحانی نباید مدت زمانی را که منتظر تاکسی یا وسیله نقلیه عمومی می‌شود، اتلاف عمر و تضييع وقت به شمار آورد. کمترین فایده این انتظار، پیوند او با توده مردم و جلوه مردمی روحانیت است که چه بسا اثر نهایی آن در ایفای رسالت حوزوی، از ساعت‌ها سخنرانی و ده‌ها مقاله بیشتر باشد.

زمانی که می‌خواستند برای مرحوم آیت‌الله مشکینی به عنوان رئیس مجلس خبرگان رهبری و امام جمعه شهر قم وسیله نقلیه‌ای تهیه کنند، ایشان پرسیده بود: ماشینی که متوسط مردم می‌توانند سوار شوند، چیست؟ در آن زمان، پیکان

۱. حسین سروقامت، شرط بلاغ؛ چهل کلید طلایی در مدیریت تبلیغ، ص ۱۲۳-۱۲۴.



اتومبیل رایجی بود که توده مردم از آن استفاده می‌کردند. ایشان فرموده بود: من وسیله‌ای بالاتر از این نمی‌توانم سوار شوم.<sup>۱</sup>

### فضاسازی لازم برای ارائه

شب جمعه‌ای، گوینده کم‌تجربه‌ای برای تشویق مردم به خیرات و کمک به اموات، چنین سخن می‌گفت: «اموات چشم به دست شما دارند و با التماس تقاضا می‌کنند که یک لقمه نانی به ما بدهید؛ «اعْطُوا عَلَيْنَا بِدُرِّهِمْ أَوْ رَغِيفٍ أَوْ بِكِسْرَةٍ»<sup>۲</sup> با درهمی، گرده یا پاره نانی که به فقیران می‌دهید، به ما نیز توجه داشته باشید.» کسی را در خواب دیدند که پیام می‌داد: «إِعْشُوا لِي مَا تَرْمُونَهُ إِلَى الْكِلَابِ فَإِنِّي مُحْتَاجٌ إِلَيْهِ»<sup>۳</sup> برای من ثواب آنچه را نزد سگان می‌اندازید، بفرستید؛ زیرا من به همین چیز بی‌مقدار نیز محتاجم.»

او باید چنین فضاسازی می‌کرد که در عالم برزخ، به ثواب خیرات نیاز است؛ نه خود استخوان یا نان. پس، اگر حتی کمترین کار خیری انجام می‌دهید، ثوابش را هدیه اموات کنید که آنها به ثواب همین مقدار نیز محتاج‌اند. وی بدون این فضاسازی گفت: امشب اموات شما، اجداد شما چشم‌انتظارند و به‌سان همین گریه یا سگ که سر سفره حاضر می‌شود، چشمش به دست شماست تا برایش تکه‌نانی یا استخوانی پرتاب کنید! در این زمان، برخی شنوندگان به‌شدت ناراحت شدند که فلان‌فلان‌شده! اجداد و اموات خودت مثل سگ و گریه‌اند و بعد، گوینده را به باد کتک گرفتند.<sup>۴</sup>

۱. محمد عالم‌زاده نوری، درس‌نامه میثاق طلبگی، ص ۲۱۳.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص ۱۶۳.

۳. محدث قمی، سفینه البحار، ج ۸، ص ۱۳۳.

۴. علی مختاری، شیوه‌ها و فنون تبیین احادیث، ص ۷۳-۷۵.

## توجه به ذهنیت مخاطب

انسان همواره از فرآورده‌های فرهنگی تبلیغ‌شده در جامعه خویش اثر می‌پذیرد. اثرگذاری فرهنگ و تبلیغات بیگانگان، کژفهمی‌ها و فریب‌های فراوانی به بار آورده است. این خوش‌بینی که تصور کنیم شنوندگان ما دارای فکر و فرهنگ ناب محمدی و در کمال تعبد و پذیرای سخنان ما هستند، خیالی خام است. هزاران اندیشه قومی، خرافی و غیراسلامی و نیز آموزه‌های رسانه‌های گروهی، پیش و بیش از ما، قلب مردم را پُر کرده‌اند. پس، طبیعی است که در برابر بسیاری از حقایق و احکام اسلامی واکنش نشان دهند که گاهی کار، حتی به اعتراض و جنجال می‌کشد.

راه چاره، این است که اگر از توفیق توجیه کامل موضوع، محرومیم، از خیرش بگذریم و اگر بیان آن ضروری است، با مقدمه‌چینی، زمینه‌سازی و بیان پاسخ کامل به شبهه‌های احتمالی، موضوع را نقل کنیم. همچنین، طرح احادیثی که درباره مدح یا ذمّ بلاد و اقوام است - گذشته از ضعف آنها - مشکل‌آفرین است. روایات درباره مشاغل، حرفه‌ها یا صنّف‌ها نیز باید حساب‌شده باشد.

به عنوان نمونه، بحث حقوق یا تعدد زوجات در محافل زنانه و در مواردی که تفکر فمینیستی حاکم است، باید با تأمل و احتیاط مطرح شود. زنی با چنین تفکری در عزای امام حسین علیه السلام می‌گریست؛ ولی بلند شد و بیرون آمد. وی درحالی‌که اشک‌هایش را پاک می‌کرد، می‌گفت: امام حسین علیه السلام آن قدرها هم مظلوم نبوده است. گفتم: چرا؟ پاسخ داد: می‌گویند سه زن داشته است.

زن جوانی در سفر عمره گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را خیلی دوست می‌داشتم؛ ولی اکنون از او ناراحتم. گفتم: چرا؟ گفت: بر اثر سخنرانی شما. بعد از چند بار سؤال و جواب، فهمیدم که از تعدد أمّهات المؤمنین ناراحت است. پس، در ارائه

چنین مواردی باید با دقت و حساب‌شده سخن گفت.<sup>۱</sup>

### عیادت، عیادت می آورد

یکی از دوستان طلبه نقل می‌کرد: «من برای درمان بیماری‌ام به بیمارستان رفته بودم. در آنجا پزشکی که به ظاهر غیرمذهبی می‌نمود، مرا که با لباس روحانیت بودم، خیلی مورد لطف و محبت قرار داد؛ به طوری که این توجه ویژه برایم سؤال شده بود که این رفتار، به چه منظور است؟ باب گفت‌وگورا با او باز کردم و علت را جویا شدم. دکتر گفت: من وقتی بچه بودم، به دلیل بیماری‌ام، در بیمارستان فیروزآبادی تهران بستری بودم. خانواده‌ام نیز شرایط مالی خوبی نداشتند و جریان درمان به‌کندی پیش می‌رفت و این مسئله، در تشدید بیماری‌ام بسیار مؤثر بود.

روزی آیت‌الله فیروزآبادی رحمته‌الله علیه خودشان به بیمارستان آمدند و از بیماران عیادت کردند. به من که رسیدند، مرا در آن سن کودکی بسیار مورد ملاحظت و محبت قرار دادند و حتی مبلغ قابل توجهی هم برای درمان من هزینه کردند. شیرینی این رفتار آیت‌الله فیروزآبادی که در کسوت روحانیت بود، آن‌قدر در دل من اثر گذاشت که هر فرد روحانی را می‌بینم، به او احساس خوبی دارم و نمی‌توانم او را اکرام نکنم.»<sup>۲</sup>

### زبان رسمی

مرحوم محمدتقی فلسفی می‌گوید: «روزی برای خواندن صیغه عقد ازدواج، به

۱. همان، ص ۱۱۴-۱۱۵.

۲. جواد مهدوی یگانه و مجید صادقی، تبلیغ بالینی، خاطره حجت‌الاسلام مجتبی عفتی،

ص ۱۶۳-۱۶۴.

مجلسی دعوت شدم. صیغه عقد را هم به زبان فارسی و هم به زبان عربی خواندم. یکی از دعوت‌شدگان که سرلشکر ارتش بود، از من پرسید: چرا برای خواندن صیغه عقد، به همان زبان فارسی اکتفا نکردید؟ ما مسلمانیم و فارسی‌زبان. پس، باید نماز و صیغه عقد ما هم فارسی باشد. برای او مثالی زدم و گفتم: در مملکت ما علاوه بر فارسی‌زبان، عرب‌زبان، ترک‌زبان، کردزبان، لرزبان و بلوچ‌زبان هم وجود دارد. پس، چرا سرود ملی کشور فقط به زبان فارسی خوانده می‌شود و به همه زبان‌های سرود ملی نساخته‌اید و نمی‌خوانید؟ پاسخ داد: زبان فارسی، زبان رسمی مملکت است و باید سرود ملی به زبان فارسی خوانده شود. به او گفتم: شما به چهل میلیون مردم ایران حق می‌دهید که دارای زبان رسمی باشند و می‌گویید سرود ملی را باید به زبان فارسی خواند؛ اما به یک میلیارد مسلمان جهان که دارای زبان‌های مختلف هستند، حق نمی‌دهید که در امر دین، زبان رسمی داشته باشند و نماز و صیغه عقدشان را به زبان عربی بخوانند؟ این مثال، در او اثر گذاشت و گفت: متوجه شدم؛ معذرت می‌خواهم.<sup>۱</sup>

### فرصت‌شناسی

معمولاً هنگام سفر به یک کشور خارجی، در سالن انتظار فرودگاه از فرصت استفاده می‌کنم و باب دوستی را با فردی از آن کشور باز می‌کنم و البته در انتخاب سوژه مورد نظر دقت لازم را انجام می‌دهم؛ مثلاً در ماه رمضان هنگام سفر به استانبول، در سالن فرودگاه مهرآباد تهران، نگاهی به همه مسافران کردم و از میان آنها، یک نفر را که به نظرم می‌توانست دوست خوبی برای من باشد، انتخاب کردم. سراغش رفتم و به او گفتم: من از شما خوشم آمده و می‌خواهم با

۱. مقاله «نکات تدریسی و تبلیغی»، مجله مبلغان، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷، ش ۱۰۲.

شما دوست شوم. آیا شما هم علاقه‌ای دارید که با من دوست باشید؟ ایشان هم ابراز کردند که: من هم علاقه دارم که دوستی داشته باشم. بعد از احوال‌پرسی، از اسمش سؤال کردم. جواب داد: اسم بنده، لقمان است. در این موقع، از فرصت استفاده کرده و گفتم: امید دارم شما هم مثل حضرت لقمان رضی الله عنه، مربی و معلم خوبی باشید.

در جواب گفت: نه، من نیاز به مربی و معلم دارم. بالأخره با این صحبت‌ها باب دوستی و رفاقت باز شد و کم‌کم عمق بیشتری پیدا کرد؛ تا اینکه با خصوصیات زندگی او آشنا شدم و فهمیدم ایشان رئیس یک شرکت است که ۱۵ شعبه در کشورهای مختلف دارد. او هم با خصوصیت و موقعیت شغلی من آشنا شد. البته در طول صحبت‌ها، باید دقت کرد و موضوعات مورد علاقه طرف مقابل را کشف کرد و من این کار را انجام دادم. از این‌رو، بسیار صمیمی شدیم و تا استانبول با هم صحبت می‌کردیم. بعد از آن نیز دوستی و رفاقت ما ادامه پیدا کرد؛ تا حدی که در استانبول پیشنهاد کرد به منزل او بروم و یک ماشین در مدت اقامت در اختیار من گذاشت و برای پیشبرد اهداف تبلیغی‌ام مرا کمک کرد.<sup>۱</sup>

### هنر بیان

واعظ علاوه بر اینکه از آیات، اخبار، تاریخ، اشعار و مسائل فقهی مورد احتیاج مردم استفاده می‌کند، هنرمند هم باید باشد تا مطالب دینی را در هر مورد با آهنگ و قیافه و حرکات مناسب آن ادا کند و بتواند از این راه در شنوندگان اثر فوری و عمیق بگذارد. به همین مناسبت، به یاد دارم در یکی از دفعاتی که منبر من مدتی ممنوع شد و بعد آزاد گردید، به مسجد مجد مجد برای یک مجلس ترحیم

۱. مجله مبلغان، خرداد ۱۳۸۲، ش ۴۲، ص ۱۳۹.

دعوت شده بودم. منبر رفتم و بعد از منبر پایین آمدم و نزدیک منبر نشستم تا مستمعان بروند و راه باز شود. در این موقع، دیدم مردی کنار من نشست و گفت: من هنرپیشه هستم و تحصیلات هنری‌ام در خارج مملکت بوده و اکنون هم در امور هنری از افراد شناخته‌شده و ممتاز هستم. من مرتب در این مسجد که تشکیل فاتحه می‌شود و شما منبر می‌روید، شرکت می‌کنم؛ برای اینکه از هنرهای اختصاصی که به کار می‌برید، استفاده کنم. او اظهار داشت: شما یک روز قضیه‌ای را درباره امیر مؤمنان علیه‌السلام و مجلس بازپرسی از چند نفر متهم که شخصی را کشته و مالش را برده بودند، بر روی منبر به گونه‌ای جالب نقل می‌کردید و ژست‌های مختلف به خود می‌گرفتید که برای من بسیار جالب توجه بود. وقتی نقل قول از بازپرس می‌کردید، با ژست بازپرس بیان مطلب می‌کردید و وقتی به متهم اشاره داشتید، با ژست متهم سخن می‌گفتید. آن وقت با ژست دیگری داور امیر مؤمنان علیه‌السلام را مطرح نمودید. این حرکات، برای من بسیار جالب و مهم است. با آنکه صاحبان مجالس ترحیم را نمی‌شناسم، فقط برای دیدن هنر و سخنان شما به اینجا می‌آیم. در این مدت که دولت منبر شما را ممنوع کرده بود، عصبانی بودم که چرا دولت به هنر احترام نمی‌گذارد... سپس، خداحافظی کرد و رفت.

مقصودم از بیان این خاطره، آن است که اساساً منبر از نظر صحبت، آهنگ‌های صدا، حرکات دست، وضع قیافه، به کاربردن لغت مناسب و هر لغتی را با آهنگ مناسب خود اداکردن، یک هنر است.<sup>۱</sup>

۱. علی‌اکبر نیکزاد تهرانی، خاطرات و خطرات فلسفی در عرصه خطابه و منبر، ص ۲۸ و ۲۹.

## لایه‌های پنهان جنگ؛

### ناگفته‌هایی از دفاع مقدس

بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس

#### اشاره

محرم سال جاری با سالگرد هفته دفاع مقدس که هر دو یادآور پایداری و ایستادگی و نیز پیروزی حق و نور بر ظلمت و باطل است، مصادف شده است. با گذشت چندین سال از جنگ تحمیلی، هنوز زوایای پنهان و نکات ناگفته‌ای باقی مانده و جا دارد در این باره بحث و بررسی بیشتری انجام شود.

این مقاله، لایه‌هایی از پشتیبانی استکبار جهانی به اعتراف خودشان بازگو می‌نماید و بدیهی است که اشاره به این نکات در منابر عاشورایی، بیانگر آن است که ملت غیور ایران اسلامی با تأسی به سیدالشهداء علیه السلام و یاران باوفایش، صبر و ایستادگی را پیشه خود ساخته و از این رهگذر، مشمول نصرت و رحمت الهی گردیده است؛ چنان‌که حمایت‌های همه‌جانبه قدرت‌های بزرگ از صدام حسین و دیگر دشمنان جمهوری اسلامی، نتوانست مانع پیروزی و پیشرفت ملت بزرگ ایران شود.

گفتنی است که مستندات این نوشتار، بر اساس کتاب لایه‌های پنهان جنگ ارائه شده که به همت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس منتشر گردیده است.

### شوروی، بزرگ‌ترین تأمین‌کننده نیازهای تسلیحاتی عراق

روزنامه القبس چاپ کویت:

- «شوروی یک پل هوایی برای حمل اسلحه و مهمات به عراق برقرار کرده است. گورباچف با ارسال نامه‌ای به برخی سران عرب، به آنان اطمینان داده است که شوروی اجازه نخواهد داد عراق در جنگ با ایران شکست بخورد.»

- «در نوامبر ۱۹۸۲ بین ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ مشاور نظامی شوروی، به عراق بازگشتند و ۴۰۰ فروند تانک T۵۵ و ۲۵۰ فروند تانک T۱۲ به عراق داده شد و مقادیر عظیمی موشک گراد، فراگ، ۷، سام ۹ و اسکادبی در راه بود. عراق، تنها کشوری بود که از بلوک شرق به موشک اسکادبی مجهز شد.»

- «در سال ۱۹۸۳ شوروی بار دیگر تحویل سلاح در حجم وسیع را به عراق از سر گرفت و تمامی تجهیزاتی را که عراق در طی دو سال نخست جنگ با ایران در صحنه نبرد از دست داده بود، جایگزین کرد.»

چالز فیلیپ دیوید، نویسنده کتاب جنگ خلیج فارس؛ توهم پیروزی:  
«شوروی با [آمار] ۶۱ درصدی، بزرگ‌ترین تأمین‌کننده نیازهای تسلیحاتی عراق است.»

### کمک‌های شیمیایی و بیولوژیک آمریکا به عراق

شبکه تلویزیونی ABC آمریکا:

- «صدام حسین از یک شرکت آمریکایی به نام آل کولاک در بالتیمور، بیش از



۵۰۰ تن ماده شیمیایی به نام فیودی گلیکول خریداری نمود که این ماده به‌گونه‌ای بود که در صورت مخلوط‌شدن با اسیدکلریدریک به گاز خردل تبدیل می‌گردید.»

- «بنا بر گزارشی، شرکت‌های خصوصی آمریکا در دهه ۸۰، با گرفتن مجوز از طرف وزارت بازرگانی آمریکا، نمونه‌هایی از مواد بیولوژی و میکروبی را به عراق صادر کرده‌اند که این مواد، از نوع ضعیف‌شده نبوده و قادر به تولید مثل بوده‌اند. در میان آنها، میکروب سیاه‌زخم، طاعون و همچنین یک باکتری سمی به نام ستریدیوم باتولینی به چشم می‌خورد.»

### **پول، نفت و خاک کویت در خدمت صدام**

دکتر فواص بدر، اقتصاددان مستقل کویتی:

- «کویت در جریان جنگ عراق علیه ایران، قریب به پانزده میلیارد دلار پول نقد به عنوان وام بلاعوض در اختیار بغداد قرار داده است و این، جدا از نفتی بود که کویت برای عراق صادر می‌کرد.»

- «افسران نیروی هوایی کویت اذعان کردند که نیروی هوایی عراق، از پایگاه هوایی علی‌السالم کویت، در طول جنگ به‌کرات استفاده می‌کرده است. این پایگاه، چون در رأس خلیج قرار داشت، راه عراق را برای هدف قرار دادن سکوهای نفتی خارک ۲۰۰ کیلومتر کوتاه‌تر می‌کرد و این امر، به خلبانان عراقی کمک شایانی نمود.»

گزارش سازمان ملل در خصوص کمک‌های غرب به برنامه‌های تسلیحاتی عراق «عراق، تسلیحات خود را از ۱۵۰ شرکت آلمانی، آمریکایی و انگلیسی تهیه کرده است. بر اساس گزارش‌ها، دولت عراق از سال ۱۹۷۵ توسط ۸۰ کمپانی

آلمانی، ۲۴ شرکت آمریکایی و حدود ۱۲ شرکت انگلیسی و چند شرکت: سوئیسی، ژاپنی، ایتالیایی، فرانسوی، سوئدی، برزیلی و آرژانتینی تجهیزات دریافت کرده است. آلمان، بیشترین کمک را به برنامه اتمی با ۲۷ شرکت، و آمریکا با ۲۴ شرکت، و انگلیس با ۱۱ شرکت، انجام داده‌اند.»

### مین‌های ضد نفوذ ایتالیایی

آلن فریدمن، محقق و نویسنده آمریکایی:

«در یکی از پیچیده‌ترین خلاف‌کاری‌ها در رُم، میلیون‌ها مین مرگ‌بار با استفاده از یک شرکت فلاپی در سنگاپور به عراق فرستاده شدند. عراق به کمک یکی از شعبات بانک لاوورو در شمال ایتالیا، ۹ میلیون مین ضد نفوذ به ارزش ۲۲۵ میلیون دلار خریداری نمود. این مین‌ها، ساخت شرکت والسلا بود که ۵۰ درصد آن تحت مالکیت شرکت فیات، گروه صنعتی بزرگ ایتالیا و تحت کنترل جیانی آیلی ۷۲ ساله بود که امروزه نیز به عنوان پادشاه بدون تاج و تخت ایتالیا معروف است. برخی از مین‌هایی که عراق دریافت نمود، از نوع بسیار وحشتناکی است که به راحتی می‌توان آنها را از هلی‌کوپتر پخش کرد یا به سادگی روی سطح بیابان انداخت. اگر کسی روی این مین‌ها پا می‌گذاشت، پای قربانی تا مچ یا حتی ران پا قطع می‌شد.»

### کاهش قیمت نفت و قطع صدور نفت ایران

گری سیک، مشاور امنیت ملی کاخ سفید:

«تا موقعی که نفت از ایران صادر می‌شود، جنگ ادامه خواهد یافت. بنابراین،

باید جریان صدور نفت ایران را قطع کرد.»

ویلیام فایر، نظریه‌پرداز غربی:

«با ایران چه کنیم؟ هر چه پول در رگ‌های عراق تزریق شد، نتیجه نداده است. اگر عراق از دست برود، فردا کویت و پس فردا هم سعودی نیز خواهد رفت. تنها یک روزنه امید هست؛ با سقوط قیمت نفت، ایران بر شکست می‌شود و ماشین جنگی آن از کار می‌افتد. شاید این درمان، کارگر شد و این آخرین شانس ما است.»

### **بمب خوشه‌ای، کارآمدترین سلاح برای درهم شکستن امواج انسانی**

آلن فریدمن، نویسنده و محقق آمریکایی:

«آمریکا به پیشنهاد ویلیام کیسی (رئیس سیا)، تحویل بمب‌های خوشه‌ای به عراق را در اولویت قرار داد؛ زیرا این سلاح را مناسب‌ترین و کارآمدترین سلاح برای درهم شکستن امواج انسانی مدافعان ایرانی می‌دانست. به اعتقاد او، این بمب‌ها می‌توانست به یک قدرت تصاعدی واقعی و مؤثر علیه قوای ایرانی تبدیل شود. در واقع، این بمب‌ها از لحاظ تکنیکی، جزء سلاح‌های متعارف محسوب می‌شوند؛ اما در میدان نبرد همانند سلاح‌های نامتعارفی چون سلاح‌های شیمیایی می‌توانند موجب کشتار وسیعی شوند. چنانچه این بمب‌ها درست عمل کنند، می‌توانند در وسعتی به اندازه ۱۰ برابر زمین فوتبال هر کسی را کشته یا مجروح سازند. عملاً این بمب‌ها، چرخ گوشت‌های هوایی هستند و هر چیزی را در سر راه خود خرد می‌کنند.»

### **ساخت بزرگ‌ترین توپ جهان در عراق**

«دکتر جرال د بول که با حمایت پنتاگون بر روی پروژه ساخت بزرگ‌ترین توپ دنیا (HARP)، در دانشگاه مک گیل کانادا به فعالیت می‌پرداخت، در طی دیدار خود از بغداد، شیفته حسین کامل، داماد صدام شد و با اطمینان تمام به او یادآور

شد که می‌تواند یک سوپر توپ بسازد که در جهان بی‌نظیر باشد؛ به شرط آنکه صدام هزینه ده میلیارد دلاری آن را پردازد و او را به حال خود واگذارد. بنابراین، حسین کامل قراردادی با شرکت تحقیقات فضایی او که مقرش در بروکسل بود، امضا کرد که طی آن، جرال د بول چهار سوپر توپ برای صدام می‌ساخت. نمونه اولیه آن، دارای لوله توپی به طول ۵۶ متر و کالیبر ۳۵۰ میلیمتر بود و بقیه تقریباً سه برابر این توپ بودند. طول لوله‌هایشان، ۱۰۷ متر و قطر دهانه آنها، یک متر بود و در هر بار شلیک، گلوله‌ای حاوی ده تن مواد منفجره را پرتاب می‌نمود. بدین ترتیب، ساخت بزرگ‌ترین توپ جهان به نام «بابل» که می‌توانست اهدافی را در صدها کیلومتری هدف قرار دهد، در دامنه یک کوه در عراق آغاز گشت.»

### هدیه‌ای شاهانه برای صدام

مجله ژون آفریک، مورخ ۹ ژوئن ۱۹۸۲م:

«زمامداران عربستان، درست یک ماه مانده به شروع جنگ، هنگام استقبال از صدام، به وی هدیه شاهانه‌ای دادند و آن، گزارشی بود که از سوی دستگاه‌های سرّی آمریکا تهیه شده بود و در آن، اوضاع اقتصادی، اجتماعی و نظامی ایران تشریح شده بود. علاوه بر آن، اطلاعات دقیقی درباره وضعیت ارتش ایران، تعداد نفرات آن، مواضع و تجهیزات قابل بهره‌برداری آن و اطلاعات مختلف دیگر که بسیار محرمانه بود، به او منعکس کردند؛ خلاصه آنکه یک نقشه کامل تهاجم تهیه شده بود.»

خبرگزاری رویتر، به نقل از فهند:

«ارزش کل اعتبارات، وام‌های بی‌بهره و سایر کمک‌هایی که به شکل محموله‌های نفتی یا تجهیزات به عراق به عمل آمده، بیش از ۲۷/۵ میلیارد دلار است.»

## تحریم ایران

واینبرگر، وزیر دفاع آمریکا:

«در صورتی که قطع‌نامه تحریم اجرا شود، ریشه توانایی ایران برای ادامه جنگ به سرعت خشک می‌شود و در واقع، ریشه موجودیت ایران نیز به عنوان یک ملت به خشکی می‌گراید.»

– «جنگی که صدام به راه انداخت، موجب پیدایش بزرگ‌ترین بازار اسلحه در تاریخ جهان گردید. طی ۸ سال جنگ خونین، ۳۹ کشور به طرفین اسلحه فروختند؛ اما به دنبال عملیات استانچ که توسط آمریکا طرح‌ریزی شده بود، بسیاری از کشورها از فروش اسلحه و لوازم یدکی به ایران خودداری نمودند و این، در حالی بود که عراق به عنوان خریدار قانونی اسلحه، تنها امید فروشندگان بین‌المللی اسلحه بود.»

ریچارد مورفی، معاون وزارت خارجه آمریکا:

«قدرت نظامی ایران، به دنبال عملیات استانچ که تحت رهبری آمریکا برای جلوگیری از فروش اسلحه به تهران صورت گرفته، شدیداً به تحلیل رفته است. آمریکا تاکنون برای جلوگیری از صدور اسلحه به ایران، با ۲۰ کشور تماس رسمی گرفته است.»

## ارائه مشاوره و کمک به نظامیان عراق

«آمریکا پیش از اعزام سفیر به بغداد، یک رئیس تمام‌وقت در ایستگاه اطلاعاتی آمریکا در بغداد مستقر کرده بود. او از منزلت و جایگاه مهمی در نزد صدام برخوردار بود و قبل از هر حمله بزرگ، مورد مشورت قرار می‌گرفت.»

آلن فریدمن، به نقل از یکی از مقامات کاخ سفید:

«نیروهای ما در میدان جنگ به نظامیان عراقی، کمک‌های تاکتیکی نظامی

فراوانی می‌کردند و حتی گاهی نیز خود را دوشادوش سربازان عراقی در مرز ایران می‌یافتند و این وضعیت، تا سال ۱۹۸۷ همچنان ادامه داشت.»

هاوارد تیچر، کارشناس ارشد شورای امنیت ملی کاخ سفید:

«آمریکا برای صدام حسین کاری کرد که تا آن زمان برای هیچ‌کدام از نزدیک‌ترین متحدان خود نکرده بود.»

### مقاومت مردمی خرمشهر

آلکس افنای، خبرنگار آسوشیتدپرس:

«مدافعان ایرانی چنان مقاومت سرسختانه‌ای در اکتبر ۱۹۸۰ از خود نشان دادند که پس از سقوط شهر، ایران نام «خرمشهر» را به «خونین‌شهر» تغییر داد. بلافاصله، پس از سقوط خرمشهر، سرفرمانده‌ی عراق برنامه‌ای برای بازدید خبرنگاران غربی ترتیب داد. خبرنگاران شدت وحدت نبردی را که صورت گرفته بود، مشاهده کردند. در شهر یک‌صدوپنجاه هزار نفری، به‌سختی می‌توان خانه‌ای یافت که آثار خمپاره و گلوله بر دیوارهای آن نباشد، و این شواهد، حاکی از آن بود که مدافعان ایرانی چگونه خانه‌به‌خانه، از این شهر دفاع کرده‌اند. یک فرمانده ارشد عراقی در آن زمان اذعان کرد ایرانی‌ها که اغلب آنها جوانان پاسداران و فاقد تجربه هستند، تا پای جان برای دفاع از خرمشهر مقاومت کرده‌اند.»

### اعدام فرماندهان

حسین کامل، داماد صدام و مسئول صنایع نظامی عراق:

«در عملیات شوش (فتح‌المبین) هنگامی که نیروهای ایرانی در منطقه سپاه چهارم عراق پیشروی کردند، واحدهای پشتیبانی و توپخانه این سپاه رزمی نیز

به‌کلی منهدم شد و چیزی نمانده بود که صدام و همراهانش، که من هم در میان آنها بودم، به اسارت نیروهای ایرانی درآیند. در آن لحظه‌ها، رنگ از چهره صدام پریده بود و بسیار نگران بود. صدام به ما نگاه کرد و گفت: از شما می‌خواهم در صورتی که اسیر شدیم، من و خودتان را بکشید.»

- «در نبردهای شلمچه (کربلای ۵)، درگیری‌ها به اوج خود رسید. ما نیروهایی را که به عقب برمی‌گشتند، اعدام می‌کردیم؛ حتی در یک روز، ۴۹ افسر عالی‌رتبه را اعدام کردیم. سرهنگ ستاد (رمزی فواص الحمورانی)، فرمانده تیپ ۴۰۸ نیز یکی از اعدامی‌ها بود.»

### بازتاب پیروزی ایران در نبرد فاو

- «کارشناس نظامی سرویس بین‌المللی رادیو استرالیا، موفقیت در عملیات فاو را چشمگیر و بهتر از تمام دوران جنگ ذکر می‌کند.»

- «خبرنگاران لس‌آنجلس تایمز و شبکه ان.بی.سی. آمریکا از عملیات والفجر ۸ به عنوان بزرگ‌ترین پیروزی ایران در خلال جنگ تحمیلی یاد کردند. روزنامه معاریو، چاپ اسرائیل نوشت: اگر ایرانی‌ها موفق شوند پایگاهی را که تصرف کرده‌اند، حفظ نمایند، موقعیت صدام را متزلزل خواهد ساخت.»

تیمرمن، در کتاب سوداگری مرگ:

- «نیروهای رزمنده ایرانی کاری کردند که تا آن زمان از نظر ناظران نظامی غیرممکن بود. این شبیخون سریع، کارآمد و نمایان، کار رزمندگان غواصی بود که به یاری هزاران پاسدار در قایق‌های کوچک فایبر گلاس از اروند رود گذشتند و قدم به فاو گذاشتند.»

رادیو آمریکا:

«تحلیل‌گران نظامی غرب، از این موضوع متعجب هستند که ایران چگونه با

تجهیزات اندک توانسته از این آبراه عبور نموده، به مواضع عراقی‌ها دست یابد.»

### فشار آمریکا و برخورد دوگانه سازمان ملل

نامه وزارت خارجه آمریکا به هیئت نمایندگی دفتر اروپایی سازمان ملل، ۱۴ مارس ۱۹۸۴م:

«وزارت خارجه به نماینده آمریکا در سازمان ملل دستور می‌دهد که حمایت سایر هیات‌های نمایندگی غربی در سازمان ملل را جلب نمایند تا در مورد پیش‌نویس قطعنامه ایران که استفاده عراق از جنگ افزار شیمیایی را محکوم می‌کند رای ممتنع دهند. در غیر این صورت، ایالات متحده جریان این قطعنامه را متوقف سازد.»

ریچارد مورفی:

«تازمانی که عراق از سلاح شیمیایی در دفاع از خاک خود و در مقیاس محدود استفاده می‌کند، توسلش به این سلاح قابل درک می‌باشد.»  
روزنامه لس‌آنجلس تایمز:

«تا آن زمانی که تنها ایرانیان قربانی حملات شیمیایی بودند چه در سازمان ملل و چه در پایتخت‌های کشورهای بزرگ جهان عملاً عزم و اراده سیاسی کافی برای محکوم کردن این‌گونه اقدامات وجود نداشت.»

### فرانسه و فروش جنگنده‌های میراژ

کنت تیمرمن، محقق و نویسنده آمریکایی:

«در ژانویه ۱۹۸۱، تحویل ۶۰ فروند میراژ FI مجهز به موشک که ابتدا از سوی والری ژیسکار دستن معلق شده بود، آغاز گشت. در ژوئیه همان سال، فرانسه



بنی صدر و مسعود رجوی را به عنوان پناهنده سیاسی پذیرفت. رجوی پاریس را به ستاد اپوزیسیون ایران تبدیل کرد. به دنبال خروج دیپلمات‌های فرانسه از تهران در سال ۱۹۸۲، فرانسه اقدام به تحویل ۵ فروند هواپیمای سوپر اتاندارد مجهز به موشک‌های آگزوست به عراق کرد.»

آلن فریدمن:

«تحویل سلاح، تقریباً به صورت روزمره ادامه داشت. یکی از پایگاه‌های ناتو که در مرکز فرانسه احداث شده بود، به صورت مرکز بارگیری آنتونوف‌های نیروی هوایی عراق درآمد. این هواپیماها، روزانه به این فرودگاه می‌آمدند و موشک‌های ساخت فرانسه، بمب‌های خوشه‌ای، فیوز و تجهیزات رادار را با خود به عراق می‌بردند. سازمان‌های اطلاعاتی فرانسه، در سال ۱۹۸۶ برآورد کردند که اگر فرانسه سه هفته از ارسال کمک به عراق خودداری کند، آن کشور شکست خواهد خورد.»

### فرانسه و اعطای یک بمب اتمی به عراق

سرلشکر وفیق السامرای، مسئول اسبق بخش ایران در استخبارات عراق: - «کمک‌های خارجی فرانسه به عراق، به جایی رسید که فرستاده آنها به بغداد آمد و با وزیر دفاع وقت، عدنان خیرالله، ملاقات نمود و به او گفت: فرانسه به طور جدی زمینه اعطای یک بمب اتمی به عراق را بررسی می‌نماید. می‌توان برای مجبورکردن ایران به توقف جنگ، این بمب را به هدف مشخصی پرتاب نمود.»

- «من تا سال ۱۹۸۴، نسخه‌ای از این گزارش را که با امضای وزیر دفاع برای صدام ارسال شده بود، در یک صندوق ویژه نگهداری می‌کردم.»  
حسین کامل، رئیس صنایع دفاع عراق:

«واقعیت این است که تلاش ما، ساختن بمب اتم بود؛ منتها با قدرت کم؛ به این جهت که اگر موفق به پیروزی در جنگ نشدیم، آن را علیه ایران به کار ببریم. صدام سال ۱۹۹۰ را برای استفاده از بمب اتم در منطقه جنوبی جنگ تعیین کرده بود. آن روز، تنها چیزی که برای صدام اهمیت داشت، به پایان رساندن ساخت بمب اتم و استفاده از آن علیه ایران بود.»

### روحیه جسارت و شهامت نیروهای ایرانی

کنت دمارانش، رئیس سابق سازمان جاسوسی فرانسه:

«ایرانی‌ها افراد سرسخت خاورمیانه هستند که وقتی دارای احساسات مذهبی می‌شوند، دو برابر خطرناک‌تر می‌شوند. اکنون شناخت، مطالعه و نبرد با آنها در سطوح مختلف، بیشتر از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. در حال حاضر، ایرانیان شیعه به خوبی برای مبارزه که همیشه بخش جدایی‌ناپذیر تاریخ، فرهنگ و مذهب آنها بوده است، آماده شده‌اند.»

در اردوگاه‌های اسرای ایرانی، افرادی را دیدیم که قاطعانه برای فداکردن جان خود در راه اعتقاداتشان آمادگی داشتند. آن منظره، منادی جنگ جهانی چهارم بود که ما فقط درک نامشخصی از آن در ذهن داریم. اعتقادات مذهبی این افراد، برای سوق‌دادن آنان به سوی انجام کارهایی که به طرز غیرقابل باوری سخت بودند، نقش بسزایی داشته است.»

خبرگزاری فرانسه، ۱۳/۱/۱۳۶۳:

«تاکتیک‌های نظامی ایران، از نظر جسارت و شهامت، در تاریخ مورد استفاده قرار خواهد گرفت.»

### هواپیمای ایرباس ایرانی، اولین هدف نظامی ناو وینسنس

کاپتان دان هری بین، افسر نیروی دریای آمریکا:

«انهدام پرواز شماره ۶۵۵ ایران ایر، یک فاجعه بشری بود و چهره جهانی آمریکا را خدشه‌دار کرد و برای نیروی دریایی رسوایی بزرگی بود. گران‌ترین کشتی جنگی که برای نشانه‌گرفتن و زدن بیش از ۲۰۰ هدف مختلف در یک زمان، طراحی شده بود، در اولین حمله خود، هواپیمای مسافری حامل شهروندان بی‌گناه را منهدم کرده بود. وینسنس به هنگام حمله، با نقض قوانین بین‌المللی درون قلمرو آبی ایران بود. افسر ارشد پنتاگون، از ابتدا متوجه این امر شده بود که آشکارشدن واقعیت ناو وینسنس، جنجالی بزرگ در پی خواهد داشت. بنابراین، نیروی دریایی آمریکا کاری را انجام داد که همواره بعد از یک اشتباه بزرگ و وحشتناک انجام می‌داد: دروغ گفت و مدال‌هایی اعطاء کرد. تحقیقات رسمی پنتاگون نیز درباره حادثه فریب‌کاری مطلق است. این سرپوشی بود از مقامات بالا که توسط دریاسالار ویلیام کرو رئیس وقت ستاد مشترک تایید شده بود.»

### پیوند ماهواره‌ای آمریکا و عراق

کنت تیمرمن، محقق و نویسنده آمریکایی:

«پیوند ماهواره‌ای در صدر موافقت‌های بلندمدت عراق و آمریکا بود و در مورد تحرکات نیروی هوایی ایران نیز اطلاعات باارزشی در اختیار ارتش عراق قرار می‌گرفت. این اطلاعات را آواکس‌های آمریکایی مستقر در ریاض، به کمک پرسنل آمریکایی از منطقه نبرد جمع‌آوری می‌کردند. در همین راستا، مجتمع پیشرفته و پرهزینه‌ای در بغداد ساخته شد تا اطلاعات مستقیماً از ماهواره دریافت شده، پردازش بهتری از اطلاعات بر روی عکس‌ها صورت پذیرد.»

سرلشکر وفیق السامرای، مسئول اسبق بخش ایران در استخبارات عراق:

«این عکس‌ها به‌گونه‌ای بود که ما به‌راحتی می‌توانستیم تصاویر سربازانی را که در پادگان‌های ایران در حال آموزش هستند، مشاهده کنیم؛ حتی کسی که در

رژه، دست‌وپایش را به‌اشتباه حرکت می‌داد، در این عکس‌ها مشخص بود. هنگامی که کارخانه‌های سیمان را بررسی می‌کردیم، تعداد کیسه‌هایی را که در روی کامیون‌ها قرار داشت، به‌راحتی شمارش می‌کردیم. در عین حال، ماهواره‌ها نتایج حملات هوایی و موشکی را نیز گزارش می‌دادند.»

## بحران خاموش جمعیت در ایران

صالح قاسمی\*

### اشاره

جمعیت، از جمله ارکان به وجود آمدن کشورها به شمار می‌رود که می‌تواند به نوبه خود باعث افزایش قدرت یک کشور در عرصه‌های مختلف گردد. این رکن اساسی، تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارد و در طول زمان در معرض تغییر و تحول فراوانی قرار دارد. نرخ رشد جمعیت و باروری، دو شاخص مهم در تعیین جمعیت هر کشور است و مسئولان امر باید به آن توجه ویژه‌ای داشته باشند تا از تهدیدها و آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کاهش جمعیت در امان باشند.

با توجه به شرایط کنونی تحولات جمعیت در کشور و نیز با عنایت به تأکیدها و توصیه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره لزوم اصلاح سیاست‌های تحدید نسل و اجرای سیاست‌های تکثیر نسل، مطالبی چند به صورت خلاصه عرضه می‌شود تا مبلغان عزیز از آن بهره لازم را ببرند. در این نوشتار، همچنین به‌اختصار ایده‌های نوآورانه برخی کشورهای دیگر را برای افزایش فرزندآوری معرفی می‌کنیم.

---

\* کارشناس ارشد علوم اجتماعی و دبیر مرکز مطالعات راهبردی جمعیت (CFSSP).

## بحران کاهش جمعیت

اجرای بی‌قاعده سیاست تحدید موالید در کشور که از سال ۱۳۶۷ آغاز شده بود، به فرموده رهبر معظم انقلاب باید در سال ۱۳۷۱ متوقف می‌شد؛ ولی بدون هیچ دلیل کارشناسی، بیش از بیست سال ادامه پیدا کرد و متأسفانه در برخی موارد، همچنان نیز ادامه دارد. این مسئله، کشور را به بحرانی بزرگ در عرصه جمعیت مبتلا کرده است. نرخ باروری کل (تعداد فرزند به ازای هر زن) در مدت ۲۵ سال، تقریباً یک‌چهارم شده است و از میزان ۶/۴ فرزند در سال ۱۳۶۵، به ۱/۷ فرزند در سال ۱۳۹۵ رسیده است؛ میزانی که نشان می‌دهد نرخ باروری از حدّ جایگزینی ۲/۱ فرزند نیز پایین‌تر آمده است و کشور با سرعتی بسیار به سوی سال‌خوردگی و آغاز سیر کاهش جمعیت در سه دهه آینده در حال حرکت است. سازمان ملل نیز در سال ۲۰۱۷م پیش‌بینی کرد که اگر روند شتابان کاهش نرخ باروری کل ادامه پیدا کند، در سال ۱۴۳۰ روند کاهش جمعیت ایران آغاز شده و در ۱۴۸۰ به حدود ۷۰ میلیون نفر خواهد رسید. این، در حالی است که ایران، مهد تولد تمدن نوین اسلامی و داعیه‌دار نشر آن در جهان اسلام بوده است.

رهبر حکیم و فرزانه انقلاب در این باره فرموده:

«باید این گناه مسئولین کشور را جبران کنیم و فرهنگ‌سازی نماییم. جلسه‌ای در قم بگذارید و هزار نفر از نخبگان حوزه را دعوت و موضوع را تبیین و اهمیت آن را اعلام کنید که کشور و اسلام را این مسئله تهدید می‌کند. با مردم و صدا و سیما صحبت کنید و مکرر هم بگویید و مسئولین کشور هم باید این موضوع را تکرار کنند! ... همه مسئولین کشور - نه فقط مسئولین اداری - روحانیون، کسانی

۱. از بیانات رهبر معظم انقلاب پس از گزارش دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص تحولات جمعیتی در تاریخ ۱۳۹۱/۰۴/۲۷.

که منبرهای تبلیغی دارند، باید در جامعه درباره آن فرهنگ‌سازی کنند؛ از این حالتی که امروز وجود دارد - یک بچه، دو بچه - باید کشور را خارج کنند.»<sup>۱</sup>

پیش‌بینی تعداد جمعیت ایران (هزار نفر) بر اساس ۳ سناریوی باروری سازمان ملل در سال ۴۰۱۷#

سال	تعداد جمعیت کشور بر اساس سه سناریوی			رشد جمعیت و باروری کشور بر اساس سه سناریوی				
	کم	متوسط	بالا	کم		متوسط		بالا
				نرخ باروری	نرخ رشد جمعیت	نرخ باروری	نرخ رشد جمعیت	
۱۳۹۰	۲۰۱۱	۷۵۴۹۲	۷۵۴۹۲	-	-	-	-	۱.۲۵
۱۳۹۴	۲۰۱۵	۷۹۳۶۰	۷۹۳۶۰	۱.۷۵	۱.۲۵	۱.۷۵	۱.۲۵	۱.۲۵
۱۳۹۹	۲۰۲۰	۸۳۵۸۷	۸۳۵۸۷	۱.۳۷	۰.۸۱	۱.۶۲	۱.۰۴	۱.۲۷
۱۴۰۴	۲۰۲۵	۸۶۳۶۰	۸۶۳۶۰	۱.۱۳	۰.۴۳	۱.۵۳	۰.۷۴	۱.۰۴
۱۴۰۹	۲۰۳۰	۸۵۳۳۳	۸۵۳۳۳	۱.۰۰	۰.۰۱۵	۱.۵۰	۰.۴۹	۰.۸۰
۱۴۱۹	۲۰۴۰	۸۵۱۰۲	۸۵۱۰۲	۱.۰۵	۰.۰۳	۱.۵۵	۰.۳۱	۰.۶۲
۱۴۲۹	۲۰۵۰	۸۳۲۲۵	۸۳۲۲۵	۱.۱۲	۰.۳۲	۱.۶۲	۰.۱۱	۰.۵۳
۱۴۳۹	۲۰۶۰	۷۷۳۴۴	۷۷۳۴۴	۱.۱۷	۰.۸۲	۱.۶۷	۰.۲۹	۰.۲۴
۱۴۴۹	۲۰۷۰	۶۹۱۲۹	۶۹۱۲۹	۱.۲۱	۱.۲۷	۱.۷۱	۰.۵۸	۰.۰۶
۱۴۵۹	۲۰۸۰	۵۴۴۱۰	۵۴۴۱۰	۱.۲۴	۱.۵۸	۱.۷۴	۰.۶۷	۰.۱۱
۱۴۶۹	۲۰۹۰	۵۰۵۹۹	۵۰۵۹۹	۱.۲۶	۱.۶۶	۱.۷۶	۰.۶۰	۰.۲۴
۱۴۸۰	۲۱۰۰	۴۳۳۴۲	۴۳۳۴۲	۱.۲۸	۱.۷۷	۱.۷۸	۰.۵۶	۰.۲۷

Source: World Population Prospects (The 2017 Revision) <http://data.inmoh.gov.in/moh/popdata/india.html>

### پژوهش‌های جهانی درباره جمعیت ایران اسلامی

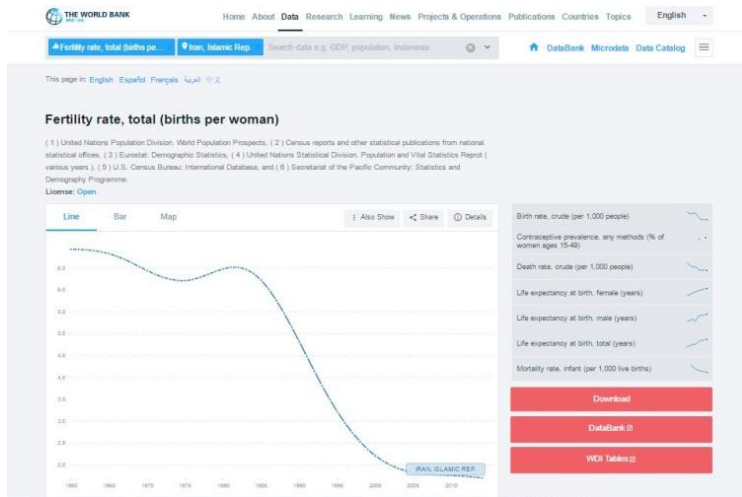
در این بخش، به اظهارات چند تن از پژوهشگران بین‌المللی درباره تحولات نگران‌کننده جمعیت در ایران توجه نمایید:

«هنوز شدیدترین سقوط در نرخ باروری در یکی از کشورهای در حال توسعه، پیش از آنکه ثروتمند شده باشد، در حال رخ دادن است. ایران تحت حکومت روحانیت، به طور کامل، ۷۰ درصد از سطح باروری خود را کاسته است و اکنون با سطح باروری کمتر از حدّ جایگزینی، قادر به حفظ جمعیت خود در

۱. از بیانات رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۱۳۹۱/۰۵/۰۳ در دیدار کارگزاران نظام اسلامی.

طول زمان نیز نیست.<sup>۱</sup>

پروفسور مایکل کوک، در بیست‌وپنجم ژوئن سال ۲۰۰۹م در مقاله‌ای با عنوان «بحران جمعیتی ایران»، با اشاره به جمعیت بالای جوانان در کشور می‌نویسد: «تا اواسط این قرن، این جوانان، سالمند خواهند شد و جمعیت با سنّ کار نسبتاً کم، در جامعه‌ای با روابط شدیداً تضعیف‌شده، وجود خواهد داشت. در واقع، در درازمدت، آینده، بسیار تاریک به نظر می‌رسد. سؤال حقیقی و رمزوراز این است که چگونه نخبگان حاکم، برای این مسئله آماده می‌شوند؟»<sup>۲</sup>



نمودار سقوط نرخ باروری (TFR) در ایران، از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۰م

دکتر فائزه سامانین، از محققان ایرانی تبار مقیم در کره جنوبی نیز در مقاله‌ای با

۱. ر.ک: مقدمه بخش نخست کتاب کاهش جمعیت و بازسازی سیاست قدرت‌های بزرگ، اثر فیلیپ لانگمن، منتشرشده در سال ۲۰۱۲م.
۲. ر.ک: مقاله «بحران جمعیت ایران» (Iran's demographic crisis)، اثر پروفسور مایکل کوک (Dr. Michael Cook)، منتشرشده در سال ۲۰۰۹م.



عنوان «بحران خاموش باروری ایران» می‌نویسد:

«نیکولاس اِبرشتات و آپورواشاه، برخی از پیامدهای تغییرات جمعیتی ایران را برای سال‌های آینده دسته‌بندی کرده‌اند. در این طبقه‌بندی، ایران در کاهش باروری رتبه نخست را در میان کشورهای اسلامی دارد. در سال ۲۰۳۰م، ایران کمترین درصد از جمعیت ۱۵ - ۲۴ ساله را در جهان اسلام خواهد داشت؛ مگر اینکه دولت بتواند با توقف و در واقع معکوس کردن، این جریان را متوقف کند.»<sup>۱</sup> نیکولاس اِبرشتات، از محققان انستیتو اینترپرایز آمریکا، در مقاله‌ای با عنوان «کاهش باروری در جهان اسلام؛ تغییری فاحش که در کمال تعجب کسی متوجه آن نشده است» می‌گوید:

«کاهش نرخ باروری در ایران طی ۳۰ سال گذشته، حیرت‌انگیز و معادل ۷۰ درصد بوده است. این میزان به گفته اِبرشتات، یکی از سریع‌ترین و چشمگیرترین آمارهای کاهش باروری در تاریخ بشر بوده است. به گفته ابرشتات، تا سال ۲۰۰۰م، نرخ باروری ایران به کمتر از دو زایمان در هر زن کاهش یافته بود که پایین‌تر از سطح مورد نیاز برای جایگزینی جمعیت کنونی است. اِبرشتات خاطر نشان می‌کند که در ایران، در شهرهای تهران و اصفهان، نرخ باروری نسبت به تمامی ایالات آمریکا پایین‌تر است.<sup>۲</sup>

برژینسکی، مشاور ارشد امنیت ملی جیمی کارتر، رئیس جمهور اسبق ایالات

---

۱. ر.ک: مقاله «بحران خاموش باروری ایران» (Iran's silent fertility crisis)، اثر دکتر فائزه سامانیان (Dr. Faezeh Samanian)، منتشرشده در سال ۲۰۱۳م.

۲. ر.ک: مقاله «کاهش باروری در جهان اسلام؛ تغییری فاحش که در کمال تعجب کسی متوجه آن نشده است» (Fertility decline in the Muslim world: a veritable sea-change, still curiously unnoticed)، اثر پروفیسور نیکولاس اِبرشتات (Dr. Nicholas Eberstadt)، منتشرشده در سال ۲۰۱۲م.

متحده آمریکا نیز در سال ۲۰۰۹م در مصاحبه‌ای با نشریه وال‌استریت ژورنال می‌گوید: «از فکرکردن به حمله پیش‌دستانه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران اجتناب کنید و یک بازی طولانی‌مدت را انجام دهید؛ چون زمان، آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران، به نفع حکومت کنونی نیست.»

حال، با توجه به آنچه بیان شد، جای این پرسش مطرح است: آیا راهی غیر از به اجرا درآوردن سریع و صحیح سیاست‌های افزایش نرخ رشد جمعیت وجود دارد که بتوان در سایه آن از این خطر بزرگ رهایی یافت؟ و آیا زمان آن نرسیده است که مردم، نخبگان و مسئولان، توجه و همت بیشتری به این امر حیاتی داشته باشند؟

### پایان پویایی جمعیت در ایران

برخی از مهم‌ترین آثار و پیامدهای کاهش نرخ رشد جمعیت کشور، عبارت‌اند از:

#### ۱. عدم رشد و توسعه اقتصادی

مهم‌ترین نیاز اولیه توسعه اقتصادی، وجود نیروهای جوان، فعال و کارآمد است. از این رو، کاهش محسوس نرخ رشد جمعیت، عامل مهمی برای عقب‌ماندگی و عدم توسعه کشور است.

#### ۲. پیری و بی‌نشاطی جمعیت

با کاهش و رشد منفی جمعیت، جمعیت جامعه پیر می‌شود و از نشاط و سرزندگی لازم برخوردار نخواهد بود.

#### ۳. آسیب‌های اخلاقی و تربیتی

معمولاً ما به آسیب‌هایی توجه می‌کنیم که از ترکیب فقر و پُرجمعیتی خانواده‌ها

به وجود می‌آید و در این زمینه، هم از آسیب‌های اخلاقی و تربیتی‌ای که متوجه خانواده‌های کم‌جمعیت، به‌ویژه تک‌فرزندی است، غافل می‌شویم و هم به منافع و فوایدی که در خانواده‌های پُرجمعیت وجود دارد، توجه نداریم؛ زیرا ترکیب رفا و تک‌فرزندی، خود مقوله‌ای است که می‌تواند موجب بروز مشکلات فراوانی شود.

#### ۴. انقطاع نسل بشر

از جمله آثار رشد منفی و کاهش جمعیت، پیری و در نتیجه، حرکت به سوی انقطاع نسل بشر است؛ زیرا بر اساس آموزه‌های برگرفته از معارف ناب قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، یکی از مهم‌ترین فلسفه‌های ازدواج و تشکیل خانواده، زاد و ولد و تشکیل اجتماعات بشری است.

#### ۵. اختلال در جامعه‌پذیری و ارتباطات اجتماعی

طبق تحقیقات، بچه‌هایی که در خانواده‌های تک یا کم‌فرزند زندگی می‌کنند، از جامعه‌پذیری و ارتباطات اجتماعی با اختلال مواجه هستند.

#### ۶. گسست خویشاوندی و معضلات روانی

نسل آینده به دلیل بهره‌مند نبودن از موهبت‌های اجتماعی خویشاوندی، همچون: برادران، خواهران، عمه‌ها، خاله‌ها، عموها و یادایی‌ها، با مشکلات روحی - روانی عدیده‌ای مواجه خواهد شد.

#### ۷. هنجارشدن فرهنگ اروپایی

چنانچه روند کاهش جمعیت ادامه یابد، مردم ایران به تاسی از فرهنگ اروپایی به دنبال زندگی بدون فرزند خواهند بود.

## ۸. افزایش تصاعدی هزینه نگهداری سالمندان

در جوامعی که خانواده‌ها به سوی تک‌فرزندی می‌روند، وجود خانه سالمندان به یک ضرورت تبدیل می‌شود.

## ۹. مهاجرپذیری اجباری و گسست فرهنگی کشور مقصد

از جمله پیامدهای منفی مهاجرپذیری اجباری، می‌توان به تضاد فرهنگی مهاجران و کشور مقصد اشاره کرد. در سال‌های گذشته، سیل مهاجرت اتباع کشورهای همسایه به ایران که در بعضی از نواحی به تغییر و گسست فرهنگی منجر شده، تأثیر نامطلوبی در پی داشته است.

## ۱۰. کاهش جمعیت بخش کشاورزی و تأثیر بر رونق اقتصادی کشور

بخش کشاورزی و منابع طبیعی، تأمین‌کننده مواد غذایی کشور است و آسیب‌دیدن آن، در حقیقت، برای استقلال و امنیت ملی کشور مخاطره‌آمیز است.

## ۱۱. ضعیف‌شدن نیروی دفاعی کشور

کاهش جمعیت جوان، به معنای کم‌شدن تعداد نیروهای توانمند برای دفاع از اقتدار، امنیت و تمامیت ارضی کشور است و این موضوع برای کشوری با ویژگی‌های نظام جمهوری اسلامی ایران که همواره در معرض تهدیدهای فزاینده نظام سلطه و جهان استکبار است، بسیار خطرناک است.

## ۱۲. کاهش جمعیت جوان و نخبه کشور

بدون تردید، نیروی جوان در پیشرفت علمی کشور نقشی اساسی ایفا می‌کند. بسیاری از جمعیت نخبه کشورها را جوانان تشکیل می‌دهند و هر اندازه جمعیت به سوی سالمندی پیش می‌رود، به صورت طبیعی، از طبقه جوان نخبه کاسته

می‌شود.

## سونامی سالمندی جمعیت ایران

مطالعات جمعیتی اثبات می‌کنند که طی سالیان آینده، روند سالمندی جمعیت ایران با سرعت و شدت بیشتری تداوم خواهد داشت و در آینده نه چندان دور، ایران با پدیده سالمندی قطعی جمعیت روبه‌رو خواهد شد که شروع کاهش تعداد جمعیت کل کشور نیز از توابع آن خواهد بود.

تعداد و رشد جمعیت کل و سالمندان، میانگین و میانه سنی، درصد سالمندان ۶۰ سال و بالاتر به کل جمعیت و شاخص سالخوردگی طی سال‌های ۱۴۳۰-۱۳۳۵

سال	تعداد جمعیت (۰۰۰)	نرخ رشد جمعیت (درصد)	تعداد سالمندان (۰۰۰)	میانگین سنی (سال)	نرخ رشد جمعیت سالمند (درصد)	میانگین سنی (سال)	درصد جمعیت ۶۰ سال به بالا	نسبت سالمندان (۶۰ سال به بالا) به افراد کمتر از ۱۵ سال (شاخص سالخوردگی)
۱۳۳۵	۱۸۹۵۵	-	-	۱۹.۶	-	-	۱۵	
۱۳۴۵	۲۵۰۷۹	۳.۱	۱۶۴۸	۱۷.۷	-	۲۲.۲	۱۴	
۱۳۵۵	۳۳۷۰۹	۲.۷	۱۷۷۲	۱۷.۶	۰.۸	۲۲.۴	۱۲	
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵	۳.۹	۲۶۸۶	۱۷	۴.۲	۲۱.۷	۱۲	
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵	۱.۹۶	۳۹۷۸	۱۹.۴	۴.۰	۲۴	۱۷	
۱۳۸۵	۷۰۴۹۶	۱.۶	۵۱۲۱	۲۳.۹	۲.۵	۲۸	۲۹	
۱۳۹۰	۷۵۱۵۰	۱.۲۹	۶۱۶۰	۲۷	۳.۸	۲۹.۸	۳۵	
۱۴۰۴	۸۶۴۹۷	۱.۰۱	۱۰۳۷۴	۳۶.۳	۳.۷۹	-	۵۷	
۱۴۰۹	۸۸۵۲۹	۰.۳۷	۱۲۷۴۵	۳۸.۳	۴.۲	-	۸۰	
۱۴۱۹	۹۱۲۰۵	۰.۲۳	۱۸۸۶۶	۴۲.۶	۴	-	۱۴۲	

یکی از نتایج قابل تأمل پژوهش‌های تحولات سالمندی، این است که هم‌اینک نرخ رشد جمعیت سالمندان کشور، بیش از سه برابر میانگین نرخ رشد جمعیت کل کشور است و این، یعنی زنگ خطر سالمندی جمعیت در ایران به صدا درآمده است و باید به‌زودی منتظر پدیده‌ای تحت عنوان «سونامی سالمندی

ایران» باشیم. همین آمارها، حاکی از آن است که طی حدود بیست سال آینده، نسبت نرخ رشد جمعیت سالمندان به نرخ رشد جمعیت کل کشور، شانزده به یک خواهد شد.

برای فهم بهتر مفهوم سونامی سالمندی جمعیت ایران و بر اساس مقایسه نقشه توزیع سالمندی جهان در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۵۰م درمی‌یابیم که ایران تنها طی ۳۵ سال، از یک کشور جوان به کشوری سالمند تبدیل خواهد شد؛ به عبارت دیگر، درحالی‌که در سال ۲۰۱۵م سالمندان بالای ۶۰ سال، تنها ۸ درصد جمعیت ایران را تشکیل داده‌اند؛ ولی در نتیجه سرعت پدیده سالمندی جمعیت، در سال ۲۰۵۰م حدود ۳۳ درصد جمعیت کل کشور سالمند خواهد بود و با وجود اینکه ایران هنوز مسیر پیشرفت فناورانه و پویایی اقتصادی را نپیموده است، درصد قابل توجهی از جمعیت خود را در چرخه کار و تولید از دست خواهد داد.

تغییرات میانه سنی جمعیت در ایران و مقایسه آن با سایر مناطق مختلف جهان

سال	ایران	جهان	توسعه یافته	کمر توسعه یافته
(۱۹۵۰)۱۳۲۹	۴۱.۹	۲۳.۵	۲۸.۵	۲۱.۴
(۲۰۰۰)۱۳۷۹	۲۰.۸	۲۶.۲	۳۷.۷	۲۴
(۲۰۱۰)۱۳۸۹	۲۶.۹	۲۸.۵	۴۰	۲۶.۵
(۲۰۱۵)۱۳۹۴	۲۹.۵	۲۹.۶	۴۱.۲	۲۷.۸
(۲۰۲۵)۱۴۰۴	۳۶.۳	۳۲.۸	۴۲.۸	۳۰.۹
(۲۰۵۰)۱۴۲۹	۴۴.۷	۳۶.۱	۴۵.۱	۳۴.۹

منبع: بخش جمعیت سازمان ملل، بازنگری شده بر اساس سناریوی رشد متوسط باروری در سال ۲۰۱۵

بر پایه داده‌های آماری موجود از تحولات جمعیت در جهان، ایران در سده

۱۹۵۰ تا ۲۰۵۰م سریع‌ترین سیر تغییرات میانه سنی جمعیت را در بین همه کشورهای جهان، اعم از توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته، به خود اختصاص داده است. با توجه به اطلاعاتی که در جدول فوق به نقل از صندوق جمعیت سازمان ملل متحد می‌خوانیم، کشورمان در سال ۱۹۵۰م با میانه سنی ۲۱/۹ سال، یکی از جوان‌ترین کشورهای جهان بوده است؛ ولی در سال ۲۰۵۰م، یعنی تنها در حدود سی سال آینده، با میانه سنی ۴۴/۷ سال، بالاتر از میانه سنی کشورهای توسعه‌یافته، کشورهای کمتر توسعه‌یافته و همین‌طور بالاتر از متوسط میانه سنی کل جهان قرار خواهد گرفت و این، همان کابوسی از سالمندی است که جمعیت ایران اسلامی تمدن‌ساز را تهدید می‌کند.

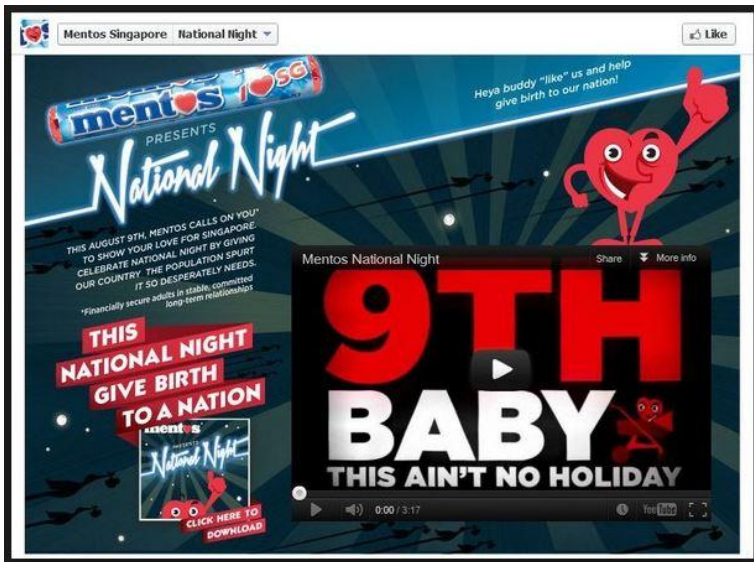
### ایده‌های نوآورانه جهانی برای افزایش فرزندآوری

کاهش نرخ باروری و پیرشدن جمعیت، معضل امروزین بسیاری از کشورهای دنیا، به‌خصوص کشورهای صنعتی است و بر اساس اعلام سازمان ملل، بیش از ۴۵ درصد کشورهای جهان، برنامه جامع افزایش فرزندآوری دارند. در اینجا به بیان برخی ایده‌های نوآورانه جهانی جهت افزایش فرزندآوری می‌پردازیم.

#### - سنگاپور:

در سنگاپور با هدف ترویج فرزندآوری و افزایش جمعیت، سیاست‌ها و ایده‌های خلاقانه جالبی اتخاذ شدند. در سال‌های اخیر، کمپین‌های رسانه‌ای مختلفی با شعارهایی همچون: «سه فرزند یا بیشتر، اگر توانش را دارید»، «فرزندان؛ زندگی بدون آنها، پوچ است»، «زندگی شاد است، اگر شما پدر یا مادر باشید» و «بهترین هدیه‌ای که می‌توانید به فرزندتان بدهید، خواهر یا برادر است»، شکل گرفت. علاوه بر این، دولت سنگاپور در اقدامی دیگر در سال ۲۰۱۲م با

راه‌اندازی کمپینی به نام «شب ملی» به ترغیب احساسات وطن‌دوستانه مردم برای افزایش جمعیت کشورشان در شب ملی این کشور (۶ آگوست) پرداخت. در همین راستا، نماهنگی با نماد نعناع با اجرای یک خواننده رب تهیه شد که با شعارهای وطن‌دوستانه، از همسران می‌خواهد به جای تکان دادن نمادین پرچم سنگاپور در شب ملی این کشور، نعناع بخورند، دهان خود را خوشبو کنند و برای آینده سنگاپور فرزند بیاورند.



۹ آگوست، شب ملی سنگاپور، با نماد نعناع برای ترویج فرزندآوری

### – فنلاند:

در فنلاند، دولت در اقدامی فرهنگی، برای هر مادر باردار، پیش از وضع حمل بسته‌ای به عنوان خوشامدگویی به نوزاد هدیه می‌کند که حاوی لباس، اسباب‌بازی و لوازم مورد نیاز مادر و کودک در هفته‌های اول تولد است.





بسته خوش آمدگویی دولت فنلاند به نوزادان

### - روسیه:

روسیه نیز در سال ۲۰۰۶م جایزه‌ای معادل ۹۲۰۰ دلار آمریکایی برای فرزند دوم در نظر گرفت. راهکار دیگر روس‌ها در این زمینه، با خلاقیتی فرهنگی همراه بود. در سال ۲۰۰۷م دولت روسیه اعلام کرد زنانی که در روز ۱۲ ژوئن که مقارن با «روز ملی روسیه» است، فرزند خود را به دنیا بیاورند، از جوایزی همچون یخچال، ماشین و وجه نقد برخوردار خواهند شد. در همین راستا، دولت روسیه مقرر کرده بود که روز ۱۲ سپتامبر که دقیقاً ۹ ماه قبل از روز ملی روسیه است، روز تعطیل اعلام شود تا مردان و زنان شاغل، آن روز را با خانواده خود سپری کنند.



«نیمکت آشتی همسران» در پارک‌های مختلف روسیه

پوتین، سال ۲۰۰۸م را در این کشور به عنوان «سال خانواده» نام‌گذاری کرد و در این سال، برنامه‌های فرهنگی مختلفی در راستای نزدیک‌تر کردن عاطفی همسران به یکدیگر و ترویج فرزندآوری بیشتر طراحی و اجرا شد. اولین روز تعطیل این سال به عنوان «روز خانواده، عشق و وفاداری» نام‌گذاری شد که با برنامه‌های مختلفی در سرتاسر روسیه همراه گشت. پیرو راه‌اندازی کمپین ترویج ازدواج و تکریم خانواده در روسیه، برنامه‌های تبلیغاتی مختلفی با این هدف در رسانه‌ها و فضاهای خیابانی و مترو به چشم می‌خورد؛ برای مثال، بر روی بیلборدهای بزرگی در شهرهای روسیه تصاویر کودکانی دیده می‌شود که در بالای این بیلبوردها، شعار واحدی نوشته شده است: «سرزمین ما، به کودکان شما نیاز دارد.»

#### - دانمارک:

طبق یک بررسی آماری در دانمارک، همسران دانمارکی در مسافرت، ۴۶ درصد

بیشتر رابطه زناشویی دارند و بیش از ۱۰ درصد زنان دانمارکی، در مسافرت آبتن می‌شوند. بر این اساس، در سال ۲۰۱۴م کمپنی از طرف یک شرکت مسافرتی راه‌اندازی شد که با هدف تشویق همسران به فرزنددار شدن در مسافرت، تورهای مسافرتی را با تخفیف ویژه به آنها ارائه می‌کرد. این کمپن که با شعار «به خاطر دانمارک، فرزنددار شوید» فعالیت می‌کند، برای مادر بزرگ‌های آینده که تمایل دارند فرزندانشان را به مسافرت بفرستند تا به‌زودی نوه‌دار شوند، تورهایی را با تخفیف ویژه قرار داده است. همسرانی که بتوانند بچه‌دار شدن خود در مسافرت را اثبات کنند، تا ۳ سال از لوازم مورد نیاز نوزاد به صورت رایگان برخوردار خواهند شد. علاوه بر این، بعد از تولد فرزندشان، سفر دیگری با امکانات لازم برای کودک به آنها ارائه خواهد شد.

#### - کره جنوبی:

از اقدام‌های فرهنگی و خلاقانه دولت کره جنوبی برای افزایش نرخ باروری، اختصاص یک روز در ماه برای خانواده است. در این طرح که در سال ۲۰۱۰م کلید خورد، سومین چهارشنبه‌های هر ماه به عنوان «روز خانواده» نام‌گذاری شده است که در آن، ادارات و نهادهای دولتی کارکنان خود را زودتر مرخص می‌کنند تا بیشتر وقت خود را در خانواده سپری کنند. کره‌ای‌ها معتقدند این کار، به طور غیرمستقیم بر افزایش فرزندآوری و رسیدگی بهتر به تربیت فرزندان تأثیرگذار بوده است. از دیگر راهکارهای دولت کره برای افزایش جمعیت، ارائه خدمات رایگان برای هزینه درمان نازایی و ناباروری و ارائه مرخصی‌های مربوط به امور خانوادگی بوده است.



### (가족사랑의 날 실천약속)

바쁜 주중, 수요일 하루라도 가족과 함께 시간을 보내는 정시퇴근 실천이 가족 사랑의 첫걸음!

#### ☑ 일터의 실천 사항

대화, 놀이 등 가족과 함께 시간 갖기  
가족과 저녁식사 함께 하기  
가족과 함께 데이트 하기

#### ☑ 가족의 실천사항

알찬 일과로 정시퇴근 일터 만들기  
매주 수요일을 '가족 사랑의 날'로 정하고, 정시퇴근 후 가족과 함께 하는 직장 분위기 조성하기  
엄마-아빠 직장체험, 가족 봉사활동 등 가족과 함께 하는 직장 내 활동 마련하기

در کره جنوبی سومین چهارشنبه هر ماه، روز خانواده است

### - ژاپن:

ژاپن نیز با نرخ باروری  $1/42$  فرزند به ازای هر زن، جزو کشورهای دارای پایین‌ترین آهنگ رشد جمعیت است. ژاپنی‌ها در اقدامی جالب برای ترغیب خانواده‌ها به داشتن فرزند، به ساخت «روبات نوزاد» پرداختند. این روبات می‌خندد، گریه می‌کند و وقتی تکانش بدهند، آرام می‌شود. اگر آن را قلقلک بدهند، می‌خندد و حتی آب بینی‌اش هم بعد از گریه راه می‌افتد. سازندگان این روبات، امیدوارند مشاهده این اختراع، خانواده‌های ژاپنی را به داشتن نوزاد واقعی ترغیب کند.



روبات نوزاد ژاپنی برای ترغیب خانواده‌ها به فرزندآوری

### سخن پایانی

مشکل کاهش فرزندآوری در دنیا، به بحرانی فراگیر تبدیل شده است که بسیاری از کشورهای جهان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. به نظر می‌رسد، برای فایق‌آمدن به معضلات جمعیتی، باید با گفتمان‌سازی و اصلاح نگرش افراد به مفهوم توفیق و خوشبختی در زندگی و بازسازی مفهوم حضور زن در اجتماع، به ایده‌های همسو با فرهنگ و باورهای بومی جامعه خود دست یابیم.

## کتابنامه

### الف) کتب

۱. آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب؛ از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری و محسن مدیرشانه‌چی، تهران: نشر مرکز، نهم، ۱۳۸۴ش.
۲. آقاجمال خوانساری، محمدبن حسین، شرح غرر الحکم، تهران: نشر دانشگاه، ۱۳۶۶ش.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمیدبن هبة الله، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد جزری، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
۵. ابن بابویه، محمدبن علی (شیخ صدوق)، الأمالی، بیروت: اعلمی، پنجم، ۱۴۰۰ق.
۶. \_\_\_\_\_، الأمالی، تهران: کتابچی، ششم، ۱۳۷۶ش.
۷. \_\_\_\_\_، الأمالی، قم: جامعه مدرسین، اول، ۱۴۱۲ق.
۸. \_\_\_\_\_، الخصال، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۹. \_\_\_\_\_، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم: جامعه مدرسین، اول، ۱۴۱۲ق.
۱۰. \_\_\_\_\_، علل الشرائع، قم: تبیان، ۱۳۷۹ق.
۱۱. \_\_\_\_\_، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۱۲. \_\_\_\_\_، عیون اخبار الرضا علیه السلام، بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۴ق.
۱۳. \_\_\_\_\_، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: دار الکتب الاسلامیة.

۱۴. \_\_\_\_\_، كتاب من لا يحضره الفقيه تصحيح على اكبر غفارى، قم: دفتر انتشارات اسلامى، دوم، ۱۳۱۳ق.
۱۵. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، قم: دار الفكر.
۱۶. \_\_\_\_\_، مسند احمد، مصر: مؤسسه قرطبه، بى تا.
۱۷. ابن حيون، نعمان بن محمد مغربى، دعائم الاسلام، تصحيح فيضى آصف، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۳۸۵ق.
۱۸. ابن زهرة، محمد بن عبدالله حسيني، الأربعون حديثاً فى حقوق الإخوان، تحقيق نبيل رضا علوان، بيروت: دار الأضواء، ۱۴۰۷ق.
۱۹. ابن شعبه حرّانى، حسن بن على، تحف العقول، تصحيح على اكبر غفارى، قم: جامعه مدرسين، دوم، ۱۳۶۳ق.
۲۰. ابن شهر آشوب، محمد بن على، المناقب، قم: نشر علامه، اول، ۱۳۷۹ق.
۲۱. ابن صباغ، على بن محمد، الفصول المهمة فى معرفة الأئمة عليهم السلام، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
۲۲. ابن طاوس، على بن موسى، الطريف، قم: خيام، ۱۴۰۰ق.
۲۳. \_\_\_\_\_، إقبال الأعمال، تهران: دار الكتب الإسلاميه، دوم، ۱۴۰۹ق.
۲۴. \_\_\_\_\_، اللهوف، تهران: نشر جهان، اول، ۱۳۴۸ش.
۲۵. \_\_\_\_\_، مَهَج الدعوات وَمَهَج العبادات، قم: دار انوار الهدى، ۱۴۲۶ق.
۲۶. ابن طيفور، احمد بن ابى طاهر، بلاغات النساء، قم: انتشارات شريف رضى.
۲۷. ابن عابدين، ردّ المختار، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۲ق.
۲۸. ابن عباد، اسماعيل، المحيط فى اللغة، بيروت: عالم الكتب، الطبعة الأولى، ۱۴۱۴ق.
۲۹. ابن عساكر، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق على شيرى، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۹ق.
۳۰. ابن فهد حلى، احمد بن محمد، عدة الداعى ونجاح الساعى، تصحيح موحدى قمى، تهران: دار الكتاب الإسلاميه، ۱۴۰۷ق.
۳۱. ابن قولويه، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، نجف: دارالمرتبويه، ۱۳۵۶ش.
۳۲. ابن كثير دمشقى، اسماعيل بن عمر، البداية والنهاية، بيروت: مكتبة المعارف، بى تا.

٣٣. ابن مزاحم منقرى، نصر، وقعة صفين، به كوشش عبدالسلام محمد، قم: مكتبة النجفي، ١٤٠٤ق.
٣٤. ابن نما حلي، مثير الأحزان، قم: مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ١٤٠٦ق.
٣٥. ابو زكريا، محيي الدين يحيى بن شرف نووى، المجموع شرح المهذب «مع تكملة السبكي والمطيعي»، بيروت: دار الفكر، بى تا.
٣٦. ابوالحسين، احمد بن فارس بن زكريا، معجم مقائيس اللغة، قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي، اول، ١٤٠٤ق.
٣٧. ابوسعيد وزير، منصور بن حسن، نثر الدرّ، تحقيق محمد على قرنة، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٣٤٨ق.
٣٨. ابومخنف، لوط بن يحيى، وقعة الطفّ، قم: جامعه مدرسين، سوم، ١٤١٧ق.
٣٩. اربلى، على بن عيسى، كشف الغمّة فى معرفة الأئمة، قم: الشريف الرضى، بى تا.
٤٠. ازهرى، محمد بن احمد، تهذيب اللغة، تحقيق عمر سلامي، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٢١ق.
٤١. اسماعيل بن حما، احمد، الصحاح، به كوشش احمد العطار، بيروت: دار العلم للملايين، ١٤٠٧ق.
٤٢. اشعري قمى، سعد بن عبدالله، المقالات والفرق، دوم، ١٣٦٠ش.
٤٣. اصفهاني، حسين بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان: الدار الشامية، اول، ١٤١٢ق.
٤٤. امام ابو محمد حسن بن على عسكري التفسير المنسوب الى الامام العسكري عليه السلام، قم: مدرسه امام مهدي عليه السلام، اول، ١٤٠٩ق.
٤٥. انصاريان، حسين، تفسير و شرح صحيفه سجاديّه، قم: دار العرفان، اول، ١٣٨٩ش.
٤٦. آهنگران، محمدرسول، بنيادهاى فقهى حقوقى نظم اجتماعى، تهران: انتشارات مجد، اول، ١٣٩٥ش.
٤٧. بارا، آنتوان، الحسين عليه السلام فى الفكر المسيحى، كويت: دوم، ١٩٨٠م.
٤٨. باقى اصفهاني محمدرضا، آثار و بركات حضرت امام حسين عليه السلام، قم: نشر نصاب، ١٣٨٠ش.
٤٩. بحراني اصفهاني، عبدالله، عوالم العلوم والمعارف والاحوال من الايات والاخبار والاقوال، قم: مؤسسة الامام المهدي عليه السلام، ١٤٢٩ق.



۵۰. بخاری، محمدبن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت: دار الصعب، بی تا.
۵۱. برقی، احمدبن محمدبن خالد، المحاسن، تصحیح جلال الدین محدث، قم: دار الکتب الإسلامية، دوم، ۱۳۷۱ق.
۵۲. بروجردی، حاج آقا حسین، جامع أحادیث الشيعة، تصحیح جمعی از محققان، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ش.
۵۳. بستانی، فؤاد الأفرام، فرهنگ امجدی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۵۴. بنت الشاطیء، عایشه، مع بطة الكربلا، بیروت: مطبعة اهلیة، بی تا.
۵۵. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة، تهران: دنیای دانش، چهارم، ۱۳۸۲ش.
۵۶. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، قم: موسسه امام صادق علیه السلام، هفدهم، ۱۳۸۴ش.
۵۷. \_\_\_\_\_، سیره پیشوایان، قم: نشر اعتماد، ۱۳۸۰ش.
۵۸. تمیمی آمدی، عبد الواحد، تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم، تحقیق مصطفی درایتی، قم: مرکز النشر، دوم، ۱۴۱۰ق.
۵۹. \_\_\_\_\_، تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات، اول.
۶۰. ثعلبی، تفسیر ثعلبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۶۱. جعفری، سید محمد مهدی، دائرة المعارف تشیع، نشر سعید محبی، اول، ۱۳۷۳ش.
۶۲. جعفریان، رسول، تأملی در نهضت عاشورا، قم: اول، ۱۳۸۶ش.
۶۳. \_\_\_\_\_، حیات فکری - سیاسی امامان شیعه، تهران: نشر علم، دوم، ۱۳۹۱ش.
۶۴. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، قم: اسراء، ۱۳۸۷ش.
۶۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة وصحاح العربية، بیروت: دار العلم للملایین، اول، ۱۴۱۰ق.
۶۶. حاکم حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: شرکت نشر و چاپ وابسته به وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ق.
۶۷. حائری، محمد مهدی، معالی السبطين، فی احوال الحسن والحسین علیهما السلام، قم: صبح صادق، ۱۳۸۳ش.
۶۸. حرّ عاملی، محمدبن حسن، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت: اول، ۱۴۲۵ق.

۶۹. \_\_\_\_\_، وسائل الشيعة الى التفضيل تحصيل الشريعة، مصحح: قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۹ق.
۷۰. حسینی مرعشی تستری، قاضی نورالله، احقاق الحق وإزهاق الباطل، تهران: مطبعة الاسلامیة.
۷۱. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، نزهة الناظر و تبيين الخاطر، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، اول، بی تا.
۷۲. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۷۳. حیدری، مجتبی، دین داری و رضامندی خانوادگی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه، ۱۳۸۷ش.
۷۴. خامنه ای، سید علی، انسان ۲۵۰ ساله، تهران: مؤسسه ایمان جهادی، دوازدهم، ۱۳۹۱ش.
۷۵. \_\_\_\_\_، پژوهشی در زندگی امام سجاد عليه السلام، قم: نشر حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱ش.
۷۶. خزاز قمی، کفایة الاثر، قم: انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ق.
۷۷. خمینی، روح الله، دیوان امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رضی الله عنه، ۱۳۸۳ش.
۷۸. \_\_\_\_\_، صحیفه نور، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش.
۷۹. \_\_\_\_\_، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸۰. خوارزمی، موفق بن احمد مکی، المناقب، تحقیق مالک محمودی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
۸۱. \_\_\_\_\_، مقتل الحسين عليه السلام، قم: مکتبه المفید.
۸۲. دشتی، محمد، نهج البلاغه، قم: انتشارات مشهور، ۱۳۷۹ش.
۸۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: اول، ۱۳۷۳ش.
۸۴. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، أعلام الـدين فی صفات المؤمنین، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۸ق.
۸۵. \_\_\_\_\_، غرر الأخبار، قم: دلیل ما، ۱۴۲۷ش.
۸۶. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعة، تهران: دار الکتب اسلامیة، ۱۳۶۹ق.
۸۷. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۱۳ق.

۸۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، نشر الکتاب، ۱۴۰۴ق.
۸۹. \_\_\_\_\_، مفردات ألفاظ قرآن، ترجمه مصطفی رحیمی نیا، تهران: سبحان، دوم، ۱۳۸۸ش.
۹۰. راوندی، سعید بن هبة الله، الدعوات، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۷ق.
۹۱. ربانی گلپایگانی، علی، فرق و مذاهب کلامی، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۹۲. رفیعی، علی، تاریخ اسلام در عصر امامت امام سجاد علیه السلام و امام باقر علیه السلام، قم: مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۶.
۹۳. سبزواری، سید عبدالاعلی، مواهب الرحمن، بی جا: مؤسسه المنار، ۱۴۱۸ق.
۹۴. سبزواری، محمد، جامع الأخبار و الآثار، قم: انتشارات مصطفوی، ۱۳۴۱ش.
۹۵. سروقامت، حسین، شرط بلاغ؛ چهل کلید طلایی در مدیریت تبلیغ، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۲ش.
۹۶. سعدی، مصلح بن عبدالله، بوستان، تصحیح عزیزالله علیزاده، تهران: نشر فردوس، ۱۳۸۸ش.
۹۷. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، ۱۴۰۴ق.
۹۸. شافعی، دیوان الامام الشافعی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
۹۹. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، قم: نشر هجرت، اول، ۱۴۱۴ق.
۱۰۰. شریفی، احمد حسین، همیشه بهار، قم: نشر معارف، ۱۳۹۱ش.
۱۰۱. شعیری، محمد، جامع الأخبار، نجف: مطبعة حیدریه، بی تا.
۱۰۲. شهید اول، محمد بن مکی، الدرّة الباهرة من الأصداف الطاهرة، ترجمه عبدالهادی مسعودی، قم: زائر، اول، ۱۳۷۹ش.
۱۰۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، كشف الریبة عن أحكام الغیبة، تهران: المكتبة الرضویة، بی تا.
۱۰۴. صالحی، یاسر، نفحات الهدایة؛ مستبصرون بركة الامام الحسین علیه السلام، کربلا: نشر العتبة الحسینیة المقدسة، ۱۴۳۳ق.
۱۰۵. صبحی صالح، نهج البلاغه، جمع آوری سید رضی، قم: دار الهجرة، اول، ۱۴۱۴ق.
۱۰۶. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم: مكتبة آية الله المرعشی، دوم، ۱۴۰۴ق.

۱۰۷. صوری، ابوعلی بن طاهر، **قضاء حقوق المؤمنین**، تحقیق حامد الخفاف، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۱۰ق.
۱۰۸. طباطبائی، سید محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، پنجم، ۱۴۱۷ق.
۱۰۹. \_\_\_\_\_، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: مؤسسة الأعلمی للطبوعات، دوم، ۱۳۹۳ق.
۱۱۰. طبرسی، احمد، **احتجاج علی أهل اللجاج**، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۱۱۱. طبرسی، حسن بن فضل، **مکارم الأخلاق**، قم: شریف رضی، چهارم، ۱۳۷۰ش.
۱۱۲. طبرسی، علی بن حسن، **مشکوه الأنوار**، قم: دار الحدیث، ۱۴۱۸ق.
۱۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ترجمه رضا ستوده، تهران: انتشارات فراهانی، اول، ۱۳۶۰ش.
۱۱۴. طبری، محمدبن جریر، **دلائل الإمامة**، قم: بعثت، اول، ۱۴۱۳ق.
۱۱۵. \_\_\_\_\_، **تاریخ الأمم والملوک**، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، دوم، ۱۹۶۷م.
۱۱۶. طریحی، محمدبن حسن، **مجمع البحرين**، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، سوم، ۱۴۱۶ق.
۱۱۷. طوسی، محمدبن حسن، **الأمالی**، قم: دار الثقافة، اول، ۱۴۱۴ق.
۱۱۸. \_\_\_\_\_، **تهذیب الأحکام**، تهران: دار الکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۱۹. عالم زاده نوری، محمد، **درس نامه میثاق طلبگی**، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۹۴ش.
۱۲۰. حویزی، عبد علی، **تفسیر نور الثقلین**، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۲۱. علی بن حسین عليه السلام، **الصحیفة السجادية**، السید محمد باقر الموحّد الابطحی الإصفهانی، قم: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، اول، ۱۴۱۱ق.
۱۲۲. \_\_\_\_\_، **الصحیفة السجادية**، قم: دفتر نشر الهادی، اول، ۱۳۷۶ش.
۱۲۳. فتال نیشابوری، محمدبن احمد، **روضه الواعظین وبصیرة المتعظین**، قم: انتشارات رضی، اول، ۱۳۷۵ش.
۱۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، قم: نشر هجرت، دوم، ۱۴۱۰ق.
۱۲۵. فردوسی، ابوالقاسم، **دیوان اشعار**، قم: نگاه آشنا، ۱۳۹۳ش.
۱۲۶. فروغی بسطامی، **دیوان اشعار**، تهران: جاویدان، ۱۳۵۷ش.

۱۲۷. فغالی، محمدتقی، سبک زندگی توحیدی و موفقیت الهی؛ بخشش، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری دین و معنویت آل یاسین، چهارم، ۱۳۹۶ش.
۱۲۸. \_\_\_\_\_، سفر با خورشید؛ زندگی به سبک امام رضا علیه السلام، مشهد: انتشارات احیاء امر ولایت، ۱۳۹۶ش.
۱۲۹. فلسفی، محمدتقی، بزرگسال و جوان، تهران: نشر معارف اسلامی.
۱۳۰. قرآتی، محسن، تفسیر نور، تهران: درس‌هایی از قرآن، یازدهم، ۱۳۸۳ش.
۱۳۱. قرشی بنایی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ششم، ۱۴۱۲ق.
۱۳۲. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، قم: اسوه، ۱۳۴۴ق.
۱۳۳. \_\_\_\_\_، نفس المهموم، نجف: المكتبة الحیدریة، اول، ۱۴۲۱ق.
۱۳۴. قدوزی، ینابیع المودة، تحقیق: سید علی جمال، دار الأسوة، اول، ۱۴۱۶ق.
۱۳۵. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، مصحح: علی‌اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۳۶. \_\_\_\_\_، اصول کافی، ترجمه محمدباقر کوه‌کمره‌ای، تهران: اسوه، دوم، ۱۳۷۳ش.
۱۳۷. \_\_\_\_\_، کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۱۳۸. کوفی، احمدبن اعثم، الفتوح، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الأضواء للطباعة والنشر والتوزیع، اول، ۱۴۱۱ق.
۱۳۹. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۶ش.
۱۴۰. لیشی واسطی، علی‌بن محمد، عیون الحکم والمواعظ مصحح: حسین حسینی بیرجندی، قم: دار الحدیث، اول، ۱۳۷۶ش.
۱۴۱. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، بیجا، بی تا.
۱۴۲. متقی هندی، علاء‌الدین علی‌بن حسام، کنز العمال، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانیه، ۱۳۶۴ش.
۱۴۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۴۴. \_\_\_\_\_، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۴۵. \_\_\_\_\_، مرآت العقول، تصحیح هاشم رسولی محلاتی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۱۴۶. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمة، قم: انتشارات دار الحدیث، ۱۳۸۹ش.

۱۴۷. \_\_\_\_\_، دانشنامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن و حدیث و تاریخ، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، اول، ۱۳۸۸ ش.
۱۴۸. محیی‌الدین محمد، ابوعبداللہ، تفسیر ابن عربی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۱۴۹. مختاری، علی، شیوه‌ها و فنون تبیین احادیث، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ ش.
۱۵۰. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب، تحقیق السعد داغر، قم: دار الهجرة، ۱۴۰۹ ق.
۱۵۱. مصباح یزدی، محمدتقی، نظریه حقوقی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۵۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۱۵۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ ش.
۱۵۴. معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه، ۹۲ دستاورد انقلاب اسلامی، تهران: معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه، اداره تبلیغات، دوم، ۱۳۸۲ ش.
۱۵۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۸ ش.
۱۵۶. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: المؤتمر العالمی لا لفقیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۵۷. \_\_\_\_\_، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تصحیح مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم: کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ ق.
۱۵۸. \_\_\_\_\_، الأمالی، تصحیح علی اکبر غفاری و استاد حسین ولی، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۵۹. مفرم، عبد الرزاق، مقتل الحسین علیه السلام، قم: مکتبه بصیرتی، ۱۴۹۴ ق.
۱۶۰. \_\_\_\_\_، مقتل الحسین علیه السلام، قم: دلیل ما، اول، ۱۳۸۷ ش.
۱۶۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چهاردهم، ۱۳۷۳ ش.
۱۶۲. مهدوی کنی، محمدسعید، دین و سبک زندگی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۶۳. مهدوی یگانه، جواد و مجید صادقی، تبلیغ بالینی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۵ ش.
۱۶۴. موحد ابطحی، محمدباقر، صحیفة سجادیة الجامعة، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۱۱ ق.

۱۶۵. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، کرانه‌های نور؛ بررسی ۱۷۳ دستاورد انقلاب اسلامی ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۲ ش.
۱۶۶. مبیدی، رشیدالدین احمدبن ابی‌سعد، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران: امیرکبیر، پنجم، ۱۳۷۱ ش.
۱۶۷. نسائی، خصائص امیر المؤمنین علیه السلام، تهران: بی‌تا.
۱۶۸. نوری، حسین‌بن محمد، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم: بی‌نا، اول، ۱۴۰۸ ق.
۱۶۹. \_\_\_\_\_، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، بیروت: مؤسسة آل‌البيت علیهم السلام، دوم، ۱۴۰۸ ق.
۱۷۰. نیشابوری، مسلم‌بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت: دار الفکر، بی‌تا.
۱۷۱. نیکزاد تهرانی، علی‌اکبر، خاطرات و خطرات فلسفی در عرصه خطابه و منبر، ناشر: دبیرخانه اجلاس حوزه و تبلیغ، چاپ نهضت آذر، ۱۳۷۸ ش.
۱۷۲. هالیدی، فرد، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸ ش.
۱۷۳. هدایت‌پناه، محمدرضا، جریان شناسی فکری معارضان قیام کربلا، قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه، اول، ۱۳۸۲ ش.
۱۷۴. هیثمی، علی‌بن ابی‌بکر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، بیروت: دار الکتب العربی، دوم، ۱۹۶۷ م.
۱۷۵. واسطی، زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، لبنان: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۷۶. وژام، ابن‌ابی‌فراس، تشبیه الخواطر و نزهه النواظر (مجموعه وژام)، قم: مکتبه فقیه، اول، بی‌تا.
۱۷۷. \_\_\_\_\_، مجموعه وژام، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

## ب) نشریات

۱. افق حوزه، ۸ آبان ۱۳۸۷، ش ۲۰۵.
۲. پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ش اول.
۳. یگانه حوزه، مهر ۱۳۸۲ ش، ش ۱۲.
۴. حوزه، مرداد و شهریور ۱۳۶۹، ش ۳۹.
۵. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۶ خرداد ۱۳۹۶ ش.
۶. طهورا، ش ۱۲.

۷. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۳۹۲ ش، ش ۶۸.
۸. فصلنامه علمی - تخصصی تربیت تبلیغی، پیش‌شماره ۱.
۹. ماهنامه پاسدار اسلام، ش: ۶، ۹، ۱۰ و ۱۲.
۱۰. ماهنامه میلغان، خرداد ۱۳۸۲ ش، ش ۴۲.
۱۱. ماهنامه میلغان، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷، ش ۱۰۲.
۱۲. ماهنامه معارف، اسفندماه ۱۳۹۳ ش، ش ۱۰۷.
۱۳. ماهنامه معارف، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۲ ش.
۱۴. مجله معرفت، ش ۱۸۵.
۱۵. مجله موعود، مهرماه ۱۳۹۱ ش، ش ۱۳۱.
۱۶. مکتب اسلام، ش ۳.

### ج) سایت‌ها

1. <http://fararu.com>
2. <http://jamejamonline.ir>
3. <http://karbobala.com>
4. <http://pazhuhesh.qomirib.ac.ir>
5. <http://rahyafte.com>
6. <http://rezghehalal.ir>
7. <http://www.adyannet.com>
8. <http://www.ghatreh.com>
9. <http://www.ghatreh.com/news>
10. <http://www.hawzah.net>
11. <http://www.ireconomy.ir>
12. <https://www.tasnimnews.com>
13. [www.ali-asghar.com](http://www.ali-asghar.com)
14. [www.dana.ir](http://www.dana.ir)
15. [www.didban.ir](http://www.didban.ir)
16. [www.farsnews.ir](http://www.farsnews.ir)
17. [www.iribnews.ir](http://www.iribnews.ir)
18. [www.isna.ir](http://www.isna.ir)
19. [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
20. [www.mehrnews.com](http://www.mehrnews.com)
21. [www.Rajanevz.com](http://www.Rajanevz.com)
22. [www.sabteahval.ir](http://www.sabteahval.ir)
23. [www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir)
24. [www.yjc.ir](http://www.yjc.ir)